فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

https://www.al-feqh.com/fa

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

https://www.al-feqh.com/fa

۱

پاکی وآبـها

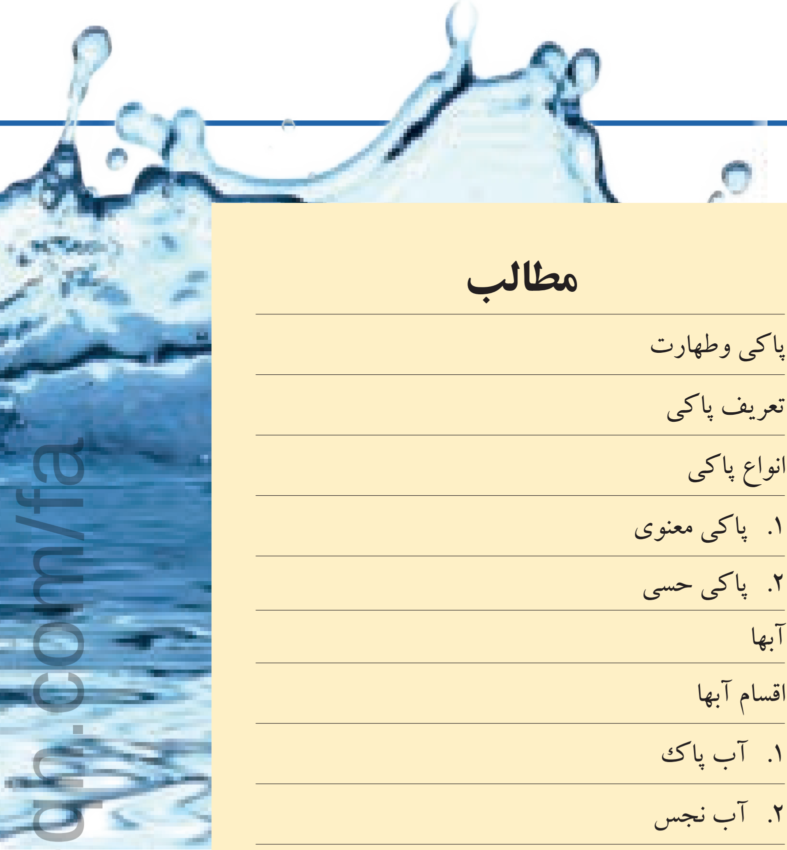

مطالب

پاکی وطهارت
تعریف پاکی
انواع پاکی
۱. پاکی معنوی
۲. پاکی حسی
آبها
اقسام آبها
۱. آب پاك
۲. آب نجس

پاکی

پاکی در لغت

پاکی وپاکیزگی از پلیدیها

پاکی در شریعت

از میان برداشتن بی وضوئی ودور کردن پلیدی

انواع پاکی وطهارت

- پاکی معنوی
- پاکی حسی
  - پاکی از عوارض یا احداث
    - حدث اصغر
    - حدث اکبر یا بزرگتر
  - پاکی از پلیدیها

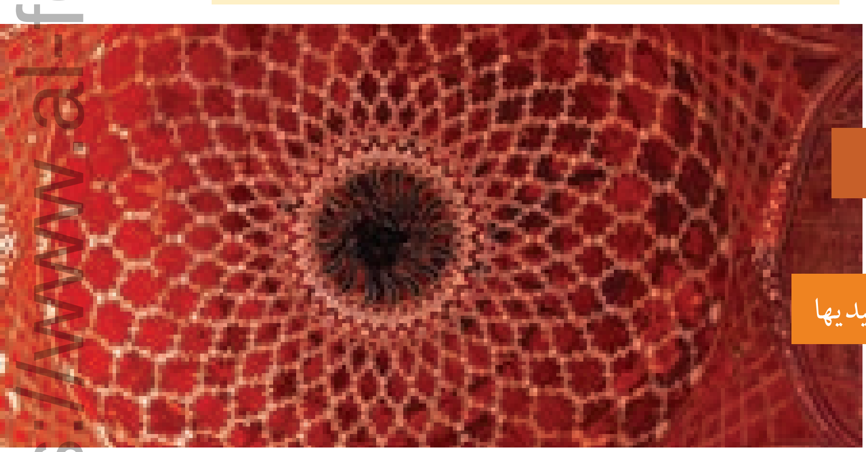

انواع پاکی وطهارت

۱ـ پاکی معنوی

پاکی قلب از شرک وگناهان وهر آنچه که آنرا بپوشاند، با موجودیت پلیدی شرک در قلب، هرگز امکان پاکی وجود ندارد، چنانچه خداوند ﷻ میفرماید: "ای کسانیکه ایمان آوردید، مشرکان نجس هستند، بعد از همین سال به مسجد الحرام نزدیک نشوند، اگر از مستمندی بیم دارید، بزودی الله تعالی اگر بخواهد شما را از فضلش غنا میبخشد، الله دانا وحکیم است" (توبة:۲۸)

ورسول الله ﷺ میفرماید: "مؤمن پلید نمیشود".[۱]

۲ـ پاکی حسی

عبارت از پاکی جسم از عوارض وپلیدیها.

که به دو بخش تقسیم میشود:

۱ـ پاکی از عوارض یا احداث

وحدث: آنچه که به جسم عارض میشود ومسلمان را از عبادت هائیکه در آن طهارت وپاکی شرط است ممانعت میکند، مانند نماز، وطواف کعبه، وامثال آن. حدث به دو نوع تقسیم میگردد:

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم

https://www.al-feqh.com/fa

حدث از ادای نماز ممانعت میکند

حدث اصغر

آنچه که وضوء را ایجاب میکند، مانند ادرار ومواد غائطه وسائر شکننده های وضوء که برای پاکی از آن وضوء کردن لازم است، الله ﷻ میفرماید:" أی کسانیکه ایمان آوردید هنگامیکه برای نماز بر می خیزید روی های خود را با دستان تان تا آرنجهایش بشوئید وسرهای تانرا مسح کنید، وپاهای تانرا تا بجلکها (قوزک پا) بشوئید". (مائده:۶)

وضوء : پاکی از حدث اصغر است

حدث اکبر یا بزرگتر

آنچه که غسل را ایجاب میکند، مانند جنب شدن وقاعدگی (عادت ماهانه) بانوان وغیره. که پاکی از آنها غسل کردن را ایجاب میکند، الله ﷻ میفرماید:"اگر جنب شدید خود را خوب پاک کنید". (مائده:۶)

غسل کردن : پاکی ازحدث اکبر است

۲ـ پاکی از پلیدیها:

واز بین بردن پلیدی واجب است، الله ﷻ میفرماید:"ولباست را پاک کن" (المدثر:۴)

و فرمودۀ پیامبر : "بیشترین عذاب قبر از بول (ادرار) است"[۱].

وفرمودۀ پیامبر: "هنگامیکه یکی از شما به مسجد میرود، اگر در کفشهایش نجاستی را ببیند، باید با مالیدن بزمین پاکش سازد، وسپس نماز بگذارد"[۲].

پاکی بدن

پاکی مکان

پاکی لباس

(۱) به روایت ابن ماجه.
(۲) به روایت ترمذی

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

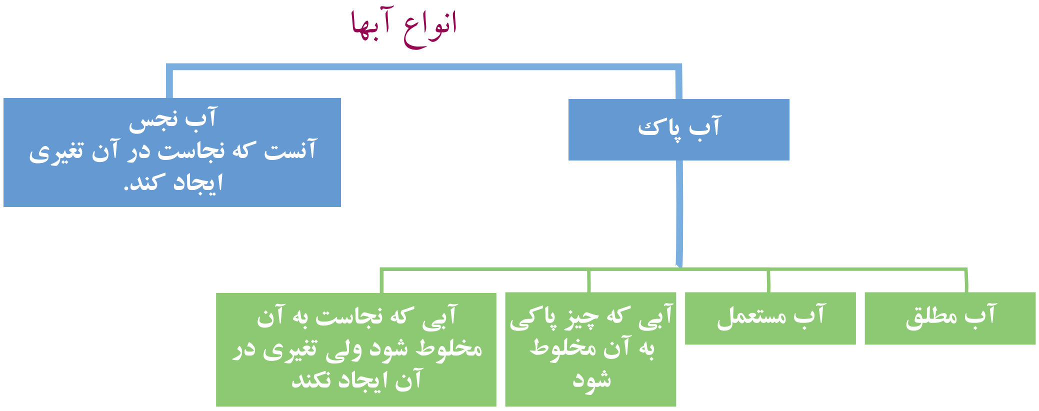

انواع آبها

اول: آب پاک

آبی است که وقوع نجاست در آن رنگ ویا مزه ویا بوی آنرا تغیر نداده است، مانند:

۱ـ آب مطلق:

آبی که بر اوصاف خلق شده اش باقیمانده باشد، برابر است که از آسمان باریده باشد : مانند باران، وبرف وژاله، ویا در زمین بوده وجریان داشته مانند آب بحرها ودریاها ورودخانه ها، وآب باران وآب چاها.

الله ﷻ میفرماید:" از آسمان آب پاک فرود آوردیم" (فرقان: ۴۸) الله ﷻ میفرماید:" از آسمان برشما آبی فرود میآورد تا شما را به آن پاک سازد". (انفال:۱۱)

نبی اکرم ﷺ در دعایشان می فرمودند:" ای بار خدایا مرا از اشتباهاتم با برف وآب وژاله[۱] شست وشویم بده".[۲] ودر مورد آب بحر یا دریا فرمودند: " آبش پاک، خود مرده اش حلال است".[۳]

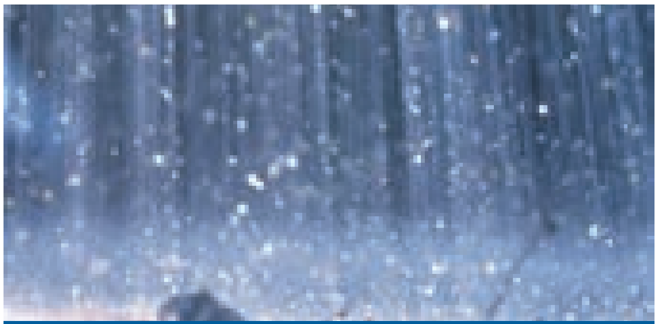
باران

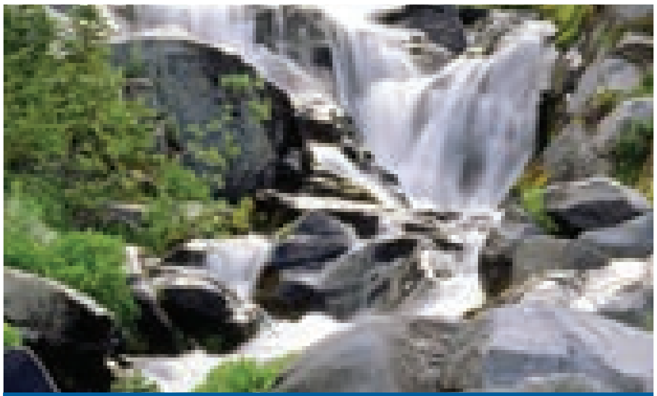
رودخانه ها

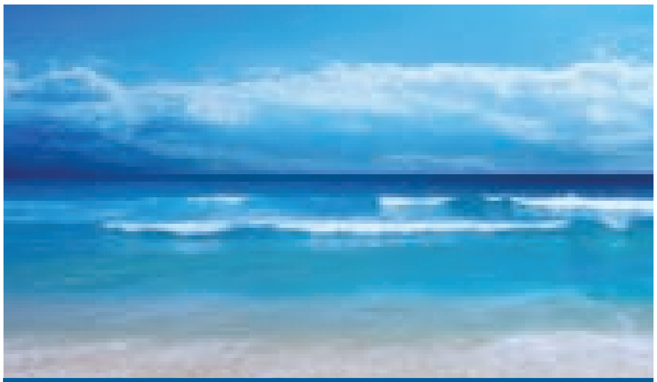
دریاها

(۱) اله یا تگرک: آب منجمد شده ایکه به شکل دانه های کوچک فرود میآید
(۲) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۳) به روایت احمد وابو داود.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

چاه ها

۲ـ آب مستعمل

آبی که از اعضای بدن وضوء کننده ویا غسل کننده میریزد، پاکی ندارد که برای پاکی استعمال شود، زیرا از ابن عباس ﷺ روایت شده که فرمود: « بعضی از زنان پیامبر در ظرف بزرگی که آب داشت غسل نمود، و رسول الله ﷺ خواستند از همان آب وضوء کنند همسرشان فرمود: ای رسول الله ﷺ من از جنابت غسل کرده بودم، آنحضرت فرمودند: آب جنب نمیشود ».[۱]

۳ـ آبی که چیز پاک به آن مخلوط شود:

آبی که چیز پاک به آن مخلوط شود، مانند برگ درخت، ویا خاک، ویا زنگ آب انبار، که تأثیری به آب نداشته و از وصف آب بودنش خارج نکرده باشد. به دلیل فرمودۀ نبی اکرم ﷺ به زنانیکه دختر شانرا تکفین میکردند: او را با آب

(۱) به روایت ترمذی

وسدر[۲] سه بار و یا پنج بار و یا بیشتر از آن اگر لازم دیدید بشوئید ودر آخرین بارش کافور بگذارید.“[۳]

(۲) سدر: برگ درخت سدر است که آرد کرده میشد ومانندی پودری برای تنظیف استعمال میگردید.

(۳) به اتفاق بخاری ومسلم.

زنگ آب انبارها

آبی که برگ درخت به آن مخلوط شده

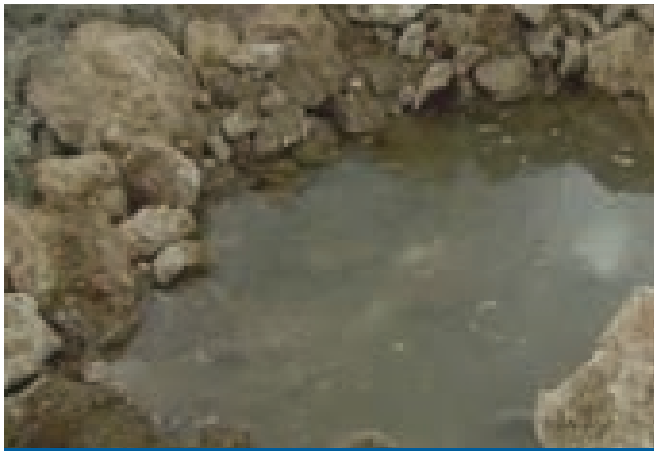

آبی که خاک به آن مخلوط شده باشد

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

تغیر آب

اگر آب در اثر مخلوط شدن چیزی از وصف آب بودنش خارج شود، مانند خلط شدن چای و یا شربت وغیره با آب درین حالت طهارت به آن درست نیست، زیرا آب نامیده نمیشود.

آبگوشت

شربت

مرکب

چای

۴ـ آبی که نجاست به آن مخلوط شود ولی تغیرش ندهد:

آبی که برخی از پلیدیها مانند بول (ادرار) و یا خود مرده وغیره به آن افتاده، ولی یکی از اوصاف آنرا تغیر نداده، این آب پاک است به دلیل فرمودۀ نبی اکرم ﷺ در مورد چاه بضاعه: (آب پاک است چیزی آنرا نجس نمی کند)[1] مقصود آنست که مردم بعض از پلیدیهارا در نزدیکی چاه گذاشته بودند که باران برخی از آنرا به چاه سرازیر میکرد، که در اثر افزایش آب تاثیری به آب نداشت وتغیری در اوصاف آب وارد نمیکرد.

(۱) به روایت احمد وترمذی

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

دوم: آب نجس

آبی که در آن چیزی از نجاسات مانند بول ویا خود مرده افتاده ویکی از اوصاف سه گانه: بوی – ویا مزه- ویا رنگ آب را تغیر دهد به اجماع علماء این آب نجس بوده استعمالش جائز نیست.

خود مرده ایکه تغیری در آب وارد نکرده

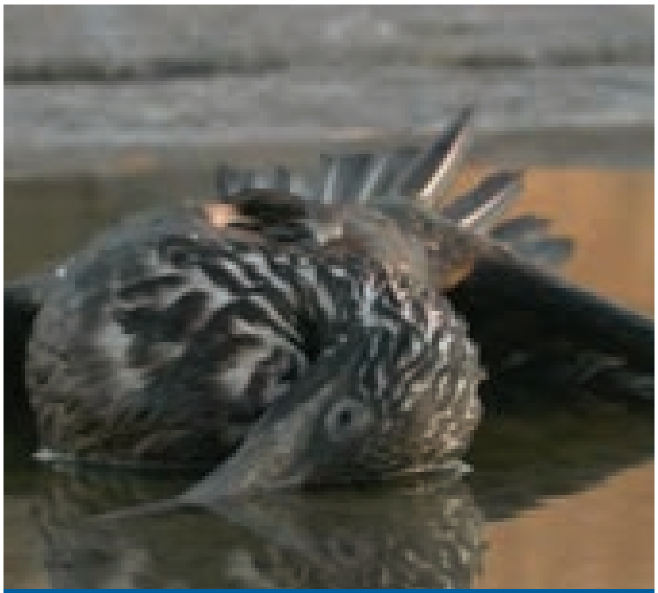

خود مرده ایکه آب را تغیر دهد

مسائل

۱. اصل در آب پاکی است، هرگاه آبی پیدا شد که پاکی ونجاست آن واضح نبود؟ اصل درآن پاکی است، لزومی بر تکلف نیست.

۲. با آب زمزم وضوء کردن جواز دارد، زیرا از نبی اکرم ﷺ روایت است که یک دلو یا سطل[۱] آب زمزم طلب کردند، از آن نوشیدند ونیز از آن وضوء کردند.

(۱) سجل: دلو بزرگ

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

احکام نجاسات وپلیدیها

https://www.al-feqh.com/fa

احکام نجاسات وپلیدیها

مطالب

تعریف نجاست
انواع نجاستها
۱. بول ومواد غائطه انسان
۲. خون حیض (قاعدگی زنان)
۳. بول وسرگین حیوانی که گوشتش خورده نمیشود
۴. خود مرده
۵. گوشت خوک
۶. آب دهن سگ
۷. مذی (مایعی شفافیکه از مرد قبل از منی خارج میشود)
۸. ودی (مایعی که از مرد بعد از تبول خارج میشود)
روشهای پاک سازی پلیدیها ونجاستها

نجاست در لغت

پلیدی

نجاست در شریعت

پلیدی که شریعت به زائل کردنش امر کرده است

انواع نجاست ها

۱ـ ادرار ومواد غائطه انسان

به دلیل حدیث اعرابی که ادرار نمود، نبی اکرمﷺ برایش فرمود: " این مساجد برای بول وپلیدی نیست، بلکه برای ذکر الله ونماز وقرائت قرآن میباشد". [۱]

۲ـ خون

به دلیل ثبوت اینکه خولهٔ بنت یسار نزد نبی اکرمﷺ آمد وفرمود: " ای رسول الله، من یک جامه دارم، وقاعدگی میشوم در آن، آنحضرتﷺ فرمودند: هرگاه پاک شدی، جای آلوده بخون را بشوی، سپس در همان جامه نماز بخوان". [۲]

نزد برخی از ائمه خون نجس همان خون قاعدگی است و سائر خونها پاک است، چه خون روان باشد یا غیر روان، [۳] به دلیل آنچه ثابت شده اینکه یکی از مشرکان مسلمانی را که به نماز ایستاده بود، هدف تیر قرار داد، در حالیکه خون از وی روان بود تیر را کشید وبه نماز خود ادامه داد. [۴]

۳ـ بول وسرگین حیوانی که گوشتش خورده نمیشود

به دلیل حدیث ابن مسعودؓ که فرمود: " نبی اکرمﷺ برای قضای حاجت آمدند وبه من امر فرمودند تا سه سنگ برایشان بیآورم، دو قطعه سنگ یافتم، وسومی را جستجو کردم نیافتم سرگینی را گرفتم وبرایشان بردم، آندو قطعه سنگ را گرفتند وسرگین را انداختند وفرمودند: این پلیدی است [۵] ". [۶]

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) به روایت ابوداود.
(۳) خون روان: خونیکه از موضع خروجش برآمده سیلان میکند.
(۴) به روایت ابوداود.
(۵) رکس: رجس یعنی پلیدی
(۶) به روایت بخاری

https://www.al-feqh.com/fa

حکم بول وسرگین حیوانیکه گوشتش خورده میشود چیست؟

بول وسرگین حیوانیکه گوشتش خورده میشود پاك است،نزد بسیاری از علماء، به دلیل حدیث أنس بن مالك ﷺ مردمانی وارد مدینه شده مبتلا به بیماری گردیدند، نبی اکرم ﷺ آنها را به جائیکه اشتران زکات نگهداری میشد فرستادند تا از بول وشیر آنها بنوشند.[۱] ولی نزد حنفی ها بول اسپ وحیوانیکه گوشتش خورده میشود نجاست خفیفه است، اگر بسیار نباشد معاف است، مقدار زیاد وبسیار آنست که ربع لباس ویا بدن را شامل شود.

(۱) به روایت بخاری

۴ـ خودمرده

حیوانیکه بدون ذبح شرعی مرده باشد، به دلیل فرمودۀ خداوند ﷻ: "بگو در آنچه بمن وحی شده در خوردنی ها حرامی را نمی یابم مگر اینکه خودمرده ویا خون جاری شده ویا گوشت خوک باشد، پلید هست". (الأنعام ۱۴۵)

آنچه از حیوان زنده قبل از ذبحش قطع شود در حکم خود مرده داخل میشود.

واستثنا ازین حالات:

۱ـ خود مرده ماهی وملخ:

به دلیل فرمودۀ آنحضرت ﷺ: " دو خود مرده ودو خون برایما حلال شده، اما دو خودمرده: ماهی وملخ واما دوخون: جگر وطحال میباشد".[۱]

(۱) به روایت بخاری

۲ـ خودمرده ایکه خون جاری ندارد مانند مگس:

به دلیل فرمودۀ آنحضرت ﷺ: " هرگاه مگسی در ظرف غذای شما افتاد آنرا کاملا غوطه دهید، وسپس دور افگنید، زیرا در یک بالش شفاء و در دیگرش درد میباشد.[۲]

(۲) به روایت بخاری

خود مرده

ماهی

ملخ

مگس

https://www.al-feqh.com/fa

۵ـ گوشت خوک

به دلیل فرمودهٔ خداوندﷻ: "بگو در آنچه بمن وحی شده در خوردنی ها حرامی را نمی یابم مگر اینکه خودمرده ویا خون جاری شده ویا گوشت خوک باشد، پلید هست". (الأنعام:۱۴۵)

خوک

۶ـ سگ

سگ کاملا پلید است، ونجاست آب دهنش بسیار شدید است، به دلیل فرمودهٔ آنحضرت ﷺ: "هرگاه سگی ظرف یکی ازشما را بلیسد، آنرا هفت بار که اول بارش با خاک باشد بشوئید".[۱]

ولوغ: ادخال سگ زبانش در ظرف وحرکت دادنش را گویند، چه بنوشد یا نه.

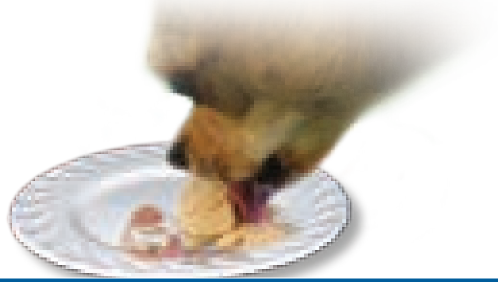

آب دهن سگ

۷ـ مذی

عبارت از آبی سفید رنگی رقیقی لغزانی است که هنگام ملاعبت ویا تفکر مجامعت خارج میشود، بدون اینکه بااحساس شهوانی وسرعت همراه باشد، وپس از آن حالت سستی هم رخ نمیدهد، شاید بعضیها خروجش را احساس هم نکنند.

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.

به دلیل حدیث علی بن ابی طالب رضي الله عنه که در مورد مذی پرسید وچنین پاسخ دریافت کرد: "وضوء بکن، وآلت تناسلی خود را بشوی".[۲]

۸ـ ودی

عبارت از آبی سفید رنگی تیره ایست که بعد از بول خارج میشود.

(۲) به روایت مسلم.

پاکی منی ونجاستش

منی: آبی سفیدی تیره ایست که با احساس شهوانی وسرعت خارج میشود، وپس از آن حالت سستی رخ میدهد، ودارای بوی مانند بوی تخم گندیده میباشد.

نزد ابو حنیفه نجس است ونزد شافعی واحمد در قول مشهورش پاک وناخوش آیند است، زیرا أگر نجس بود حتما نبی اکرم ﷺ به شستنش امر میکردند.

برای از بین بردنش اگر تر بوده شسته میشود واگر خشک شده بود به مالیدنش اکتفاء میشود، به دلیل حدیث عائشه رضی الله عنها که فرموده است: "رسول اللهﷺ منی را از لباسشان میشستند وبه نماز میرفتند، در حالیکه آثار شستن را در همان لباس میدیدم".[۱]

ودر روایت مسلم: " من آنرا در لباس رسول اللهﷺ می مالیدم، وسپس نماز می خواندند.[۲]

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) به روایت مسلم

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

شراب وعطرهائیکه از مشتقات شراب باشد

برخی علماء باین نظرند که شراب از نظر حسی ومعنوی نجس است، در حالیکه برخی دیگر پاکی شراب را از نظر حسی ترجیح داده اند، علی رغم نجاست معنوی آن، نوشیدنش از گناهان کبیرهٔ میباشد، و کلمه رجس یا نجس که در ین فرمودهٔ خداوند متعال: " ای کسانیکه ایمان آوردید شراب وقمار وبتها وتیرهای وسایل قمار نجس اند واز کارهای شیطانی بوده باید که از آن اجتناب کنید تا رستگار شوید". آمده است را نجاست معنوی میدانند چنانچه در قمار وبتها است، بنا براین استعمال عطرهائیکه در آن الکول بکار رفته شرعا جائز است.

برخی علماء به این نظرند که شراب از نظر حسی طاهر است علی رغم نجاست معنوی آن ونوشیدنش از گناهان کبیره میباشد، آنها رجسی که در آیت آمده است را رجس معنوی نه حسی میدانند، چنانچه در قمار[۱] وبتها[۲] است، بنا بر آن استعمال عطرهائیکه در آن الکول بکار رفته جواز دارد، زیرا که الکول از مشتقات شراب میباشد.

(۱) میسر: قمار.
(۲) أنصاب: بتها.

شرابها

شستن اگر تر باشد

مالیدن اگر خشک باشد

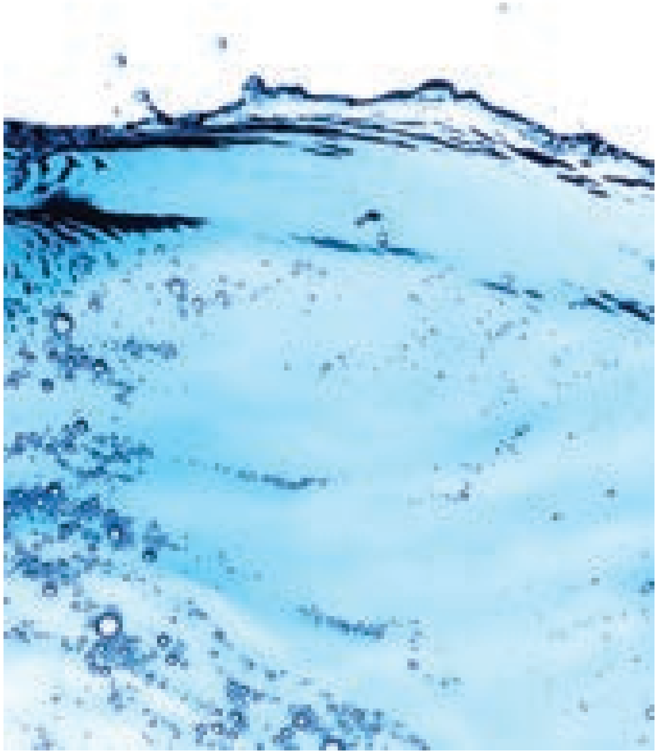

https://www.al-feqh.com/fa

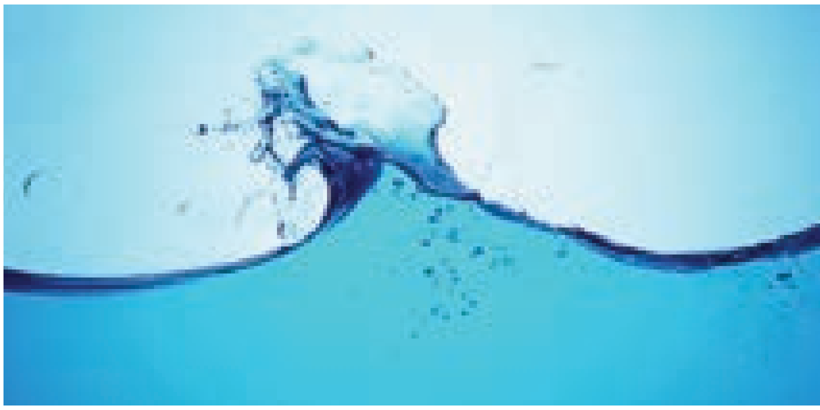

شیوه پاک سازی پلیدیها

۱ـ پاک سازی زمینکه نجاست دارد

هرگاه نجاستی در زمینی باشد، باید از آنجا زائل گردد، چه بوسیله ی آب باشد ویا با غیر آن، به دلیل حدیث اعرابیکه در مسجد شاشید، آنحضرتﷺفرمودند:" بگذارید، وبر بولش دلوی[۱] پر از آب بریزید[۲]، ویا دلوی بزرگی[۳] از آب". [۴]

اگر نجاست مایع بود وخشک گردید، آن زمین پاک میشود، به دلیل حدیث أبی قلابةؓ که در آن آمده است:" هرگاهیکه زمین خشک شود، پاک گردیده است[۵]". [۶]

(۱) السجل: دلو پر از آب.
(۲) هریقوا: بریزید.
(۳) ذنوب: دلو بزرگ پر از آب.
(۴) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۵) زکت: پاک شد.
(۶) به روایت بخاری.

شستن زمین با آب

نجاست مایع بر زمین

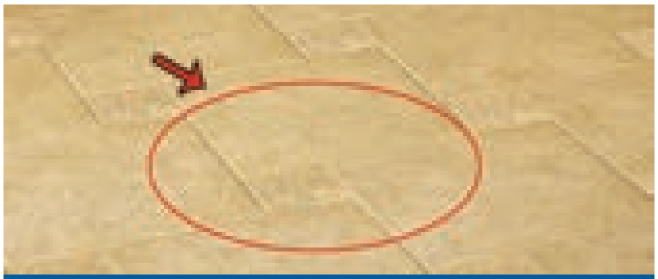

خشک شدن نجاست مایع

۲ـ پاک سازی آب نجس

با افزودن آب بیشتر به آن تا اینکه آثار نجاست زائل گردد پاک میشود، همچنین با بکار بری وسایل تکنولوژی مدرن نیز پاک میشود.

پاک سازی با افزایش آب

پاک سازی با وسائل مدرن

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

٣ـ پاک کردن جامه نجاست بار

با آب شسته شده، مالش داده میشود وسپس زیر فشار آبش بیرون میشود تا نجاستش زائل گردد.

پاک کردن جامه نجس

۴ـ پاک کردن فرشها

با آب ویا منظفات مدرن شسته شده ومالش داده میشود تا نجاستش زائل گردد.

پاک کردن فرش

٥ـ پاک سازی پوست خود مرده

١ـ پوست خود مرده حیوانیکه گوشتش خورده میشود

چنین پوستی با آش دادن پاک میشود، به دلیل فرمودۀ آنحضرتﷺ: "هرگاه پوست خام[1] دباغت شود پاک میشود".[2]

دباغت: عملیه زائل کردن بد بوئی وایجاد نرمش بوسیله بعض مواد در پوست را گویند.

اما اگر حیوان خودمرده نباشد وبه شیوه شرعی ذبح شده وگوشتش خورده میشود پوستش پاک است.

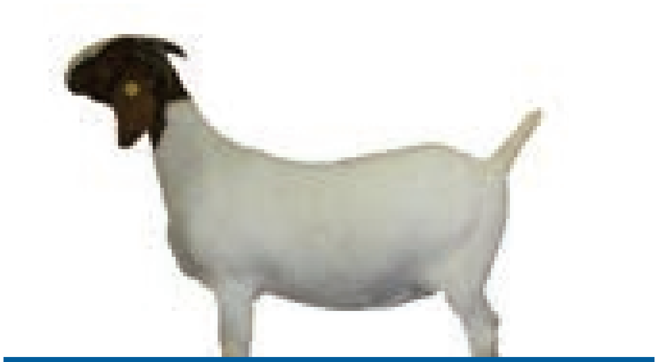

حیوانیکه گوشتش خورده میشود

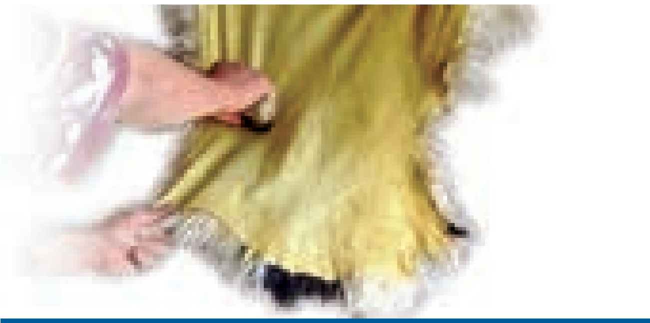

دباغت یا آش دادن

٢ـ پوست خودمرده ی حیوانیکه گوشتش خورده نمیشود

چنین پوستی حکم خودمرده را که نجاست است دارد وحتا اگر حیوان به شیوه شرعی ذبح شود نیز پاک نمیگردد.

حیوانیکه گوشتش خورده نمشود

(١) اهاب: پوست قبل از دباغتش
(٢) به روایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۶ـ پاک کردن بول دختر وپسر شیر خواریکه هنوز غذا نمیخورد.

بول دختر شیرخوار شسته میشود، واما بول پسر شیرخوار به آن آب پاشیده میشود، به دلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ: "بول دختر شیرخوار شسته میشود، واما بول پسر شیرخوار به آن آب پاشیده میشود".(۱)

بر ادرار پسر شیرخوار آب پاشیده میشود

ادرار دختر شیرخوار شسته میشود

۷ـ پاک کردن آنچه که سگ آنرا لیسیده باشد.

هفت بار که اولش باخاک باشد شسته میشود، به دلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ: " هرگاه سگی ظرف یکی ازشما را بلیسد، آنرا هفت بار که اول بارش با خاک باشد بشوئید".(۲)

پاک کردن با خاک
پاک کردن با شستن

(۱) به روایت ابوداود.
(۲) به اتفاق بخاری ومسلم.

۸ـ پاک کردن مذی و ودی

آلت تناسلی خود را شسته وضوء کند، به دلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ درحدیث علی بن ابی طالبؓ که در مورد مذی پرسید وچنین پاسخ دریافت کرد:" وضوء بکن، وآلت تناسلی خود را بشوی".(۳)

اما پاک کردن لباس از مذی و ودی با پاشیدن آب بر آن موضع لباس اکتفا میشود، به دلیل حدیث سهل بن حنیف که از نبی اکرم ﷺ پرسید:" ای رسول الله اگر به جامه ام برسد فرمودند: آبی در کف دست خود بردار وبه آن موضعی که رسیده پاش بده".(۴)

۹ـ پاک کردن خون حیض (قاعدگی) زنان

با آب شسته میشود، وبقایای آثار حیض ضرری ندارد، به دلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ:" شستن با آب کافی است، وبقایای آثار آن ضرری ندارد".(۵)

۱۰ ـ پاک کردن کفش

بزمین مالیده میشود تا آثار نجاست ازآن برود، به دلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ: "هرگاه یکی از شما با کفش خود پلیدی را زیر پا کرد، مالیدن بخاک برایش پاکی است".(۶)

پاک کردن کفش با مالیدن بزمین

(۳) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۴) به روایت ابوداود.
(۵) به روایت ابوداود.
(۶) به روایت ابوداود.

https://www.al-feqh.com/fa

۱۱ـ پاک کردن جامه دراز زن

اگر به دنباله جامه زن پلیدی چسپید، برای پاکی آن حرکت در جای پاک کفایت میکند، زیرا زمین پاکش می کند، به دلیل فرموده آنحضرت ﷺ: " ما بعد آن پاکش میکند"[۱]

۱۲ـ پاک کردن خوراکه های جامد

با دور انداختن پلیدی وماحولش، متباقی به اصل پاکی خود میباشد، به دلیل آنچه از رسول الله ﷺ ثابت شده که در مورد موشی که به روغن زرد افتاده پرسیده شد که فرمودند:" آنرا با روغن اطرافش بدور أفگنید، وروغن خود را تناول کنید".[۲]

۱۳ـ پاک کردن مسطح های صیقل شده، مانند آئینه وشیشه

پاک کرده شود تا آثار پلیدی از آن زائل گردد.

پاک کردن جامه زنان

روغن زردیکه در آن موش مرده افتاده

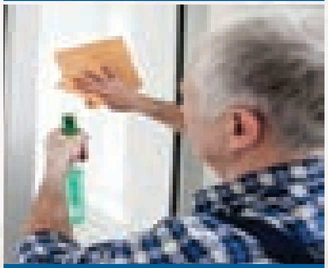

پاک کردن آئینه با مسح کردن

(۱) به روایت ابوداود.
(۲) به روایت بخاری

مسائلی در رابطه با پلیدیها

۱. اصل در اشیاء طهارت وپاکی است، مگر اینکه چیزی که بر نجاست آن دلالت کند آمده باشد.

۲. هرگاه نجاستی بر چیزی افتاد وموضع آن شناسائی نشد، درین حالت همه آن چیز شسته میشود.

۳. هرگاه نجاستی به چیز دیگر مبدل شد، مانند اینکه سرگین الاغ به خاکستر مبدل گردد، درین حالت پاک میشود.

مبدل شدن نجاستی به خاکستر پاکش میکند

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

حج	زکات	روزه	نماز	پاکی

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه
د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

پس خورده ها

https://www.al-feqh.com/fa

پس خورده ها

مطالب

تعریف پس خورده ها
پس خورده های پاک
۱ـ پس خورده انسان
۲ـ پس خورده گربه
۳ـ پس خورده حیوانیکه گوشتش خورده میشود ومانند آن
پس خورده های نجس
۱ـ پس خورده سگ
۲ـ پس خورده خوك

پس خورده ها

آنچه در ظرف پس از نوشیدن باقی میماند.

اصل در پس خورده ها پاك بودن است مگر اینکه دلیلی بر نجاستش دلالت کند مانند زیر:

۱ـ پس خورده های پاک

أ ـ پس خورده انسان:

به دلیل آنچه که ثابت شده نبی اکرمﷺ پس خورده عائشةؓ را در حالت قاعدگیش مینوشیدند، ودهان شانرا به موضع دهان او میگذاشتند.[۱]

(۱) به روایت مسلم.

ب ـ پس خورده گربه:

به دلیل فرمودۀ آنحضرتﷺ در مورد گربه ی که از ظرفی نوشیده بود: " پلید نیست، بلکه از آنهائیست که بر شما وارد میشوند".[۲]

(۲) به روایت ترمذی.

پس خورده انسان

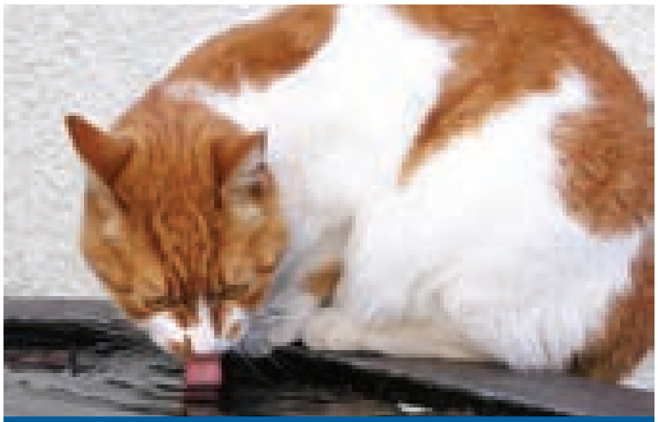

پس خورده گربه

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

ج ـ پس خورده حیوانیکه گوشتش خورده میشود، وقاطر والاغ ودرندگان وپرندگان جارحه ومانند آنها:

پاک است، زیرا که اصل در اشیاء پاکی آنهاست، وهیچ دلیلی بر نجاست آنها نیست، به دلیل اینکه نبی اکرمﷺ برالاغ سوار میشدند ودر زمان ایشان الاغ سواری وجود داشت.

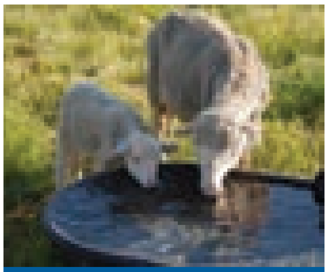

پس خورده حیوانیکه گوشتش خورده میشود

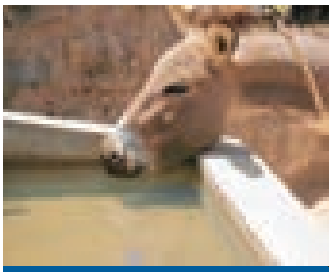

پس خورده الاغ

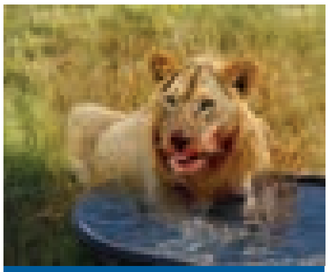

پس خورده درندگان

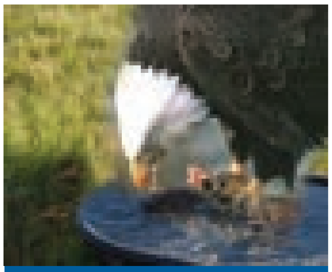

پس خورده پرندگان جارحه

۲ـ پس خورده های پلید

أ ـ پس خورده سگ:

به دلیل فرمودۀ آنحضرتﷺ:

" پاکی ظرفی شما اگر سگی آنرا بلیسد[۱] اینست که هفت بار و نخستش با خاک باشد شسته شود".[۲]

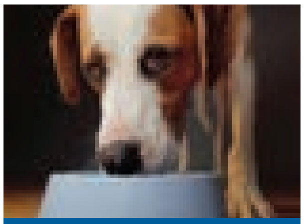

پس خورده سگ

ب ـ پس خورده خوک:

قیاس بر سگ میشود، زیرا هردو (ذاتا) نجس میباشند.

پس خورده خوک

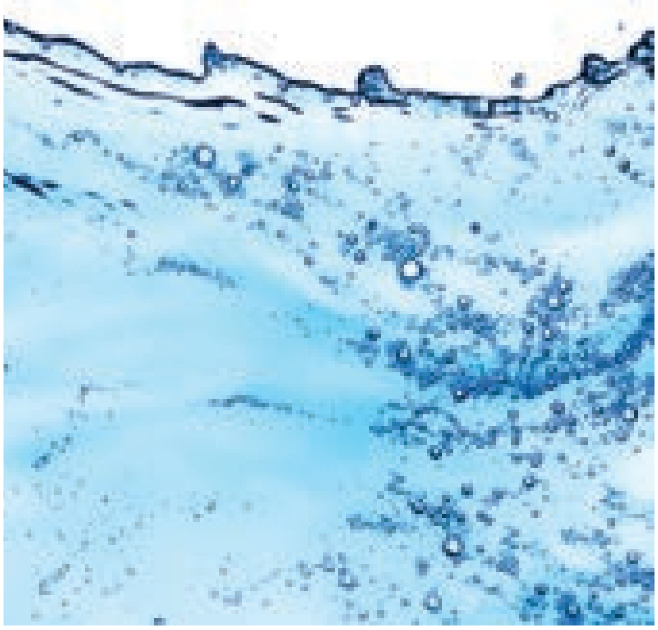

(۱) ولغ: زبانش را به ظرف داخل کرده حرکت بدهد، برابر است که بنوشد یا ننوشد.
(۲) به اتفاق بخاری ومسلم..

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی و آموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه
د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

ظرفها

https://www.al-feqh.com/fa

۴

ظرفها

ظرفها

ظرفهائیکه در آنها آب نگهداری میشود وغیر آن

استعمال هر نوع ظرف برای خوردن ونوشیدن ویا غیر آن مباح بوده بجز از ظرفهای طلائی ونقره ئی که جزئیات بیشتر آن از این قرار است:

استعمال ظرفهای طلائی ونقره ئی برای خوردن ونوشیدن

استعمال آنها حرام است به دلیل فرمودۀ پیامبر ﷺ: "در ظرفهای طلائی ونقره ئی منوشید ودرغوری هایش غذا مخورید، زیرا در دنیا برای آنهاست و در آخرت برای ما میباشد"[۱]. وبه دلیل فرمودۀ پیامبر ﷺ: "کسیکه در ظرف نقره ئی مینوشد در شکمس آتش دوزخ جرجر میکند"[۲].

خوردن در ظرف طلائی

خوردن در ظرف نقره ئی

استعمال ظرفهای طلائی ونقره ئی در غیر از خوردن ونوشیدن

استعمال آنها در غیرخوردن ونوشیدن مانند وضوء کردن وغیره جواز دارد، به دلیل منحصر بودن حکم حدیث قبلی برخوردن ونوشیدن، ونیز به روایت ثابت آمده است که أم

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) به اتفاق بخاری ومسلم.

مطالب

تعریف ظرفها
استعمال ظرفهای طلائی ونقره ئی
برای خوردن ونوشیدن
برای غیر خوردن ونوشیدن
استعمال ظرفهائیکه با نقره پیوند شده باشد

سلمة ﵂ ظرف نقره ئی[۳] داشت که در آن چند مو از موهای نبی اکرم ﷺ را نگهداری میکرد..[۴]

آفتابه نقره ئی برای وضوء

استعمال ظرفهای پیوند شده با نقره

استعمال ظرفهای پیوند شده با نقره کم برای نیاز، جواز دارد، به دلیل ثبوت اینکه لیوان نبی اکرم ﷺ شکسته بود، بعوض آن موضع زنجیری[۵] از نقره را بکار بردند.[۶]

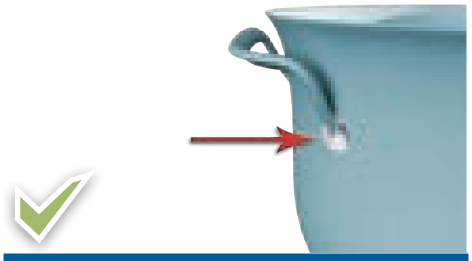
استعمال ظرفهای پیوند شده با نقره

(۳) جلجل: ظرفی کوچکی شبیه جرس
(۴) به روایت بخاری
(۵) شعب: شق
(۶) به روایت بخاری

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

استعمال طلا برای مردان

برای مردان استعمال طلا جائز نیست، به دلیل روایت ابی موسی اشعری اینکه رسول الله ﷺ فرمودند: "پوشیدن لباس ابریشمی وطلا بر مردان امت من حرام شده، وبرای زنان حلال شده است". [۱]

(۱) به روایت ترمذی

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

احکام قضای حاجت

https://www.al-feqh.com/fa

۵

احکام قضای حاجت

مطالب

احکام قضای حاجت
هنگام قضای حاجت چه باید کرد
انجام آنچه که هنگام قضای حاجت حرام است
انجام آنچه که هنگام قضای حاجت مستحب است
انجام آنچه که هنگام قضای حاجت مکروه است
استنجاء (پاکی با آب) واستجمار (پاکی با سنگ وکلوخ)
تعریف آنها
فلسفه وحکمت آنها
شرطهای آنچه که با آن استجمار (پاکی با سنگ وکلوخ) انجام میشود.

هنگام قضای حاجت چه باید کرد

۱. ۱ـعورت خود را هنگام قضای حاجت از مردم بپوشاند، به دلیل فرمودۀ آنحضرت ﷺ: " گفتن: "بسم الله " هنگام وارد شدن بیت الخلاء ستری است میان چشمان جن وعورتهای فرزندان آدم"..[۱]

۲. پاکی از نجاستی که به لباس ویا بدنش رسیده، به دلیل آنچه که ثابت شده ، رسول الله ﷺ از کنار دو قبری می گذشتند، فرمودند:" این دو عذاب میشوند نه برای گناه کبیره، اما این یکی خود را[۲] از بول پاک نمیکرد".[۳]

۳. استنجاء (پاکی با آب) ویا استجمار (پاکی با سنگ وکلوخ) به دلیل حدیث أنس بن مالک رضی الله عنه که فرمود:" رسول الله ﷺ که به بیت الخلاء میرفت، من وبچه همسالم مشکی آب و چیزیکه مانند نیزه کوچک[۴] را بر میداشتیم، پس با آب استنجاء میکردند.[۵]

فعل آنچه که هنگام قضای حاجت حرام است

۱. رو بسوی قبله ویا پشت به قبله کردن در هنگام قضای حاجت در بیابان، واما در داخل ساختمانها نیز ترک آن بهتر است، به دلیل فرمودۀ آنحضرت ﷺ: اگر بجائی برای قضای حاجت رفتید، در هنگام تبول وتغوط رو به قبله وپشت به قبله منشینید، بلکه رو به سوی شرق ویا غرب کنید".[۶]

این حالت در مدینه منوره وشهرهائیکه در شمال وجنوب مکه مکرمه واقع شده صدق میکند.

۲. قضای حاجت در راه مردم، ودر سایهء نشیمن شان،

(۱) به روایت ترمذی.
(۲) لایستنزه من البول: خود را از بول پاک نمیکرد.
(۳) به روایت ابوداود.

(۴) عنزة: نیزه کوچک.
(۵) به اتفاق بخاری ومسلم..
(۶) به اتفاق بخاری ومسلم..

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

وجاهای گردهمائی شان، به دلیل فرمودۀ آنحضرت ﷺ: "از دو لعنت گر اجتناب کنید، صحابه پرسیدند: دو لعنت گر کدامها هستند ای رسول الله ﷺ: فرمودند: کسیکه در راه مردم و یا در سایه محل نشستن آنانان قضای حاجت کند".(۱)

۳. ادرار در آب راکدی که جریان ندارد، مانند آب استخر، به دلیل فرمودۀ آنحضرتﷺ: " در آب راکد(۲) یکی از شما ادرار نکند، وسپس در آن غسل کند".(۳)

(۱) به روایت مسلم.
(۲) الماء الدائم: آبیکه راکد بوده حرکت نکند.
(۳) به اتفاق بخاری ومسلم..

فعل آنچه که هنگام قضای حاجت مستحب است

۱. دوری از مردم هنگام قضای حاجت در بیابان.

۲. هنگام داخل شدن در حمام بگوید: « به نام الله، بارالها از خبث وخبائث به تو پناه میبرم".(۱)

۳. هنگام وارد شدن به حمام پای چپ خود را جلو بگذارد، و پای راست را هنگام بیرون شدن.

۴. هنگام بیرون شدن بگوید: « غفرانک".(۲)

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم..
(۲) به روایت ابوداود.

قضای حاجت در بیابان

بیرون رفتن با پای راست

قضای حاجت در راه های مردم

وارد شدن با پای چپ

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

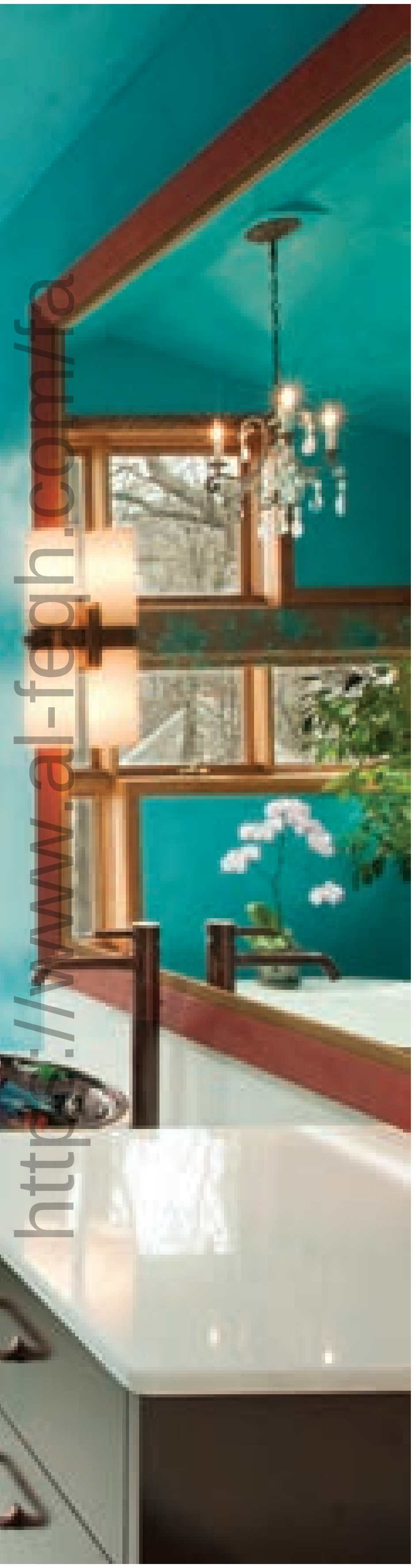

ادرار در آب راکد

بدون تردید ادرار نمودن در آب راکد منجر به بیماری (بلهارسیا) میشود که در اثر عامل بیماری که یک نوع کرمک های موسوم به (منشقة الجسم الدموية) است پیدا میشود.[۱]

(۱) طب نبوی در پرتو علم مدرن: «غیاث الأحمد».

انجام آنچه که هنگام قضای حاجت مکروه است

۱. حرف زدن در حال قضای حاجت، و یا کسی را مخاطب قرار دادن مگر برای ضرورت، به دلیل حدیث ابن عمرﷺ که مردی از نزدیکی نبی اکرمﷺ که در حال ادرارکردن بود گذشت وسلام داد، آنحضرت جواب سلامش را ندادند.[۱]

۲. همراه بردن چیزیکه در آن ذکر الله تعالی باشد، مگر اینکه بیم به سرقت رفتنش برود، زیرا که آنحضرتﷺ "هر گاه به بیت الخلاء میرفتند انگشترشانرا میگذاشتند".[۲]

۳. با دست راست آلت تناسلی خود را لمس کردن و یا با آن استنجاء و یا با آن نجاست بدن را پاک کردن. به دلیل فرمودۀ آنحضرتﷺ: "یکی از شما در حالت ادرار کردن آلت تناسلیش را بدست راست نگیرد، ونیز در بیت الخلاء بدست راست نجاستش را پاک نکند".[۳]

۴. در شکاف ها وغارها ادرار نکند، تا حشرات موجود در آنجا بروی آسیب، و یا وی نیز به حشرات آسیب نرساند.

۵. با مصحف به حمام رفتن، زیرا که در آن توهین به کتاب الله متعال میباشد.

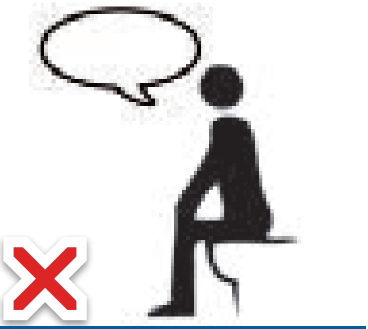

حرف زدن هنگام قضای حاجت

همراه بردن چیزی که در آن ذکر الله تعالی باشد

ادرار در غارها

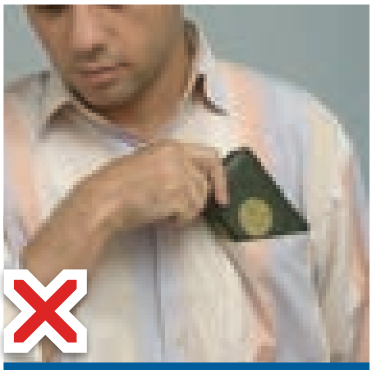

با مصحف به حمام رفتن

(۱) به روایت مسلم.
(۲) به روایت ابوداود.
(۳) به اتفاق بخاری ومسلم..

https://www.al-feqh.com/fa

ادرار در حالت ایستادن

نبی اکرم ﷺ از ادرار در حالت ایستادن منع کرده اند ولی اگر بیم پاشیدن ادرار نباشد جواز دارد، به دلیل حدیث حذیفه رضي الله عنه که فرمود: "رسول الله ﷺ بر موضع زباله[1] انداز قومی درآمده ایستاده تبول کردند.[2]

(۱) سباطة: موضعیکه خاك و زباله ها را می اندازند.
(۲) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

استنجاء (با آب شستن) واستجمار (با کلوخ وسنگ خود را پاک کردن)

استنجاء (با آب شستن)

زائـل کردن آثار آنچه که از پیش وپس انســان خارج شده به وسیله آب پاک.

استجمار (با کلوخ وسنگ خود را پاک کردن)

زائـل کردن آثار آنچه که از پیش وپس انســان خارج شده به وسیله کلوخ وسنگ.

حکم استنجاء واستجمار

مشروعیت استنجاء (پاکی با آب)) به دلیل حدیث أنس بن مالک ﷺ است که فرمود:"رسول الله ﷺ که به بیت الخلاء (توالت) میرفتند، من و بچه هم سن وسالم مشکی آب و چیزی مانند نیزه کوچک را بر میداشتیم، پس با آب استنجاء میکردند".[١]

تنها به استجمار میشود که اکتفاء کرد با دو شرط:

١. بول ومواد غائطه از موضع خروج معتادش تجاوز نکند، در غیر این صورت باید با آب شسته شود.

٢. استجمار باید سه بار ویا بیشتر از آن تا پاک شدن پیش و پس انسان از آثار نجاست باشد.

حکمت استنجاء واستجمار

١. پاک شدن، وزائل کردن نجاست.

٢. پاکی وتمیزی ودوری از مسببات بیماریها.

(١) به اتفاق بخاری ومسلم..

شروط آنچه که بوسیله آن استجمار انجام میشود

أ ـ باید پاک باشد، با نجاست درست نیست.

ب ـ از مباحات باشد، با محرمات درست نیست.

ج ـ موضع نجاست را پاک سازد.

د ـ استخوان وسرگین نباشد. سلمان فارسی ﷺ می فرماید:"رسول الله ﷺ از نشستن رو بقبله در هنگام ادرار نمودن وغائط کردن، ممانعت کرده اند، وهمچنین از استنجاء بدست راست، و یا پاک کردن با کمتر از سه سنگ و یا سرگین[٢] و یا با استخوان باشد ممانعت کرده اند".[٣]

هـ از چیزهای مورد احترام مانند خوراک و یا ورق کتاب مورد احترام نباشد.

آنچه که با آن استجمار جواز دارد: سنگ پاره پاک، دستمال، کاغذ پاک، وپارچه.

استجمار با استخوان

استجمار با پارچه

استجمار با مواد خوراكه

استجمار با دستمال

(٢) الرجیع: سرگین.
(٣) به روایت مسلم

https://www.al-feqh.com/fa

استجمار با ورق مورد احترام

استجمار با سنگ پاره

استجمار با استخوان

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی و آموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

سنت های فطری

https://www.al-feqh.com/fa

سنت های فطری

مطالب

معرفی سنتهای فطری
۱ـ مسواک زدن
۲ـ مضمضه واستنشاق
۳ـ استنجاء
۴ـ کوتاه کردن بروت یا سبیلها
۵ـ گذاشتن ریش
۶ـ تراشیدن موی زیر ناف
۷ـ ختنه مردان وزنان
۸ـ کوتاه کردن ناخنها
۹ـ کندن موی زیر بغل
۱۰ـ شستن مفاصل انگشتان

سنت های فطری

خصلـــت های کـــه الله متعـــال در فطرت انســـان نهاده، وبوسیله آن انسان به کمال میرسد که به بهترین صفات وزیباترین شکل خواهد بود.

از عائشة(رضی الله عنها) روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:" ده چیز از خصلت های فطری است: کوتاه کردن بروت یا سبیل، وگذاشتن ریش، مسواک زدن، آب در بینی کشیدن، کوتاه کردن ناخنها، شستن مفاصل انگشتان، کندن موی زیر بغل، تراشیدن موی زیر ناف، استنجاء ومضمضه".[۱]

(۱) به روایت مسلم.

۱ـ مسواک

مسواک

خمچه (ســاقه) از درخــت اراک که برای پاک کردن دندانها از مواد چســپیده بــه آن و یا دور کردن بقایای خوراک و زائل کردن بوی بد دهان استعمال میشود.

مسواک

ومسواک زدن در همه اوقات سنت است، به دلیل فرمودۀ آنحضرت ﷺ:" در مسواک زدن پاکی دهان و رضایت پروردگار است".[۲]

ولی استعمال مسواک در مواضع زیر مؤکد میباشد:

۱ـ هنگام وضوء ونماز:

به دلیل فرمودۀ آنحضرت ﷺ:" اگر بیم مشقت بر امتم نبود، امر میکردم تا در حین هر وضوء مسواک بزنند".[۳]

۲ـ هنگام نماز:

به دلیل فرمودۀ آنحضرت ﷺ: اگر بیم مشقت بر امتم نبود، امر میکردم تا در حین هر نماز مسواک بزنند".[۴]

۳ـ هنگام داخل شدن به منزل:

(۲) به روایت احمد.
(۳) به روایت احمد.
(۴) به اتفاق بخاری ومسلم..

https://www.al-feqh.com/fa

مقدام از پدرش روایت میکند که فرمود:» به عائشة ﷺ گفتم: نبی اکرم ﷺ هنگامیکه وارد خانه میشدند، به چه کار آغاز میکردند؟ فرمود: به مسواک زدن".[1]

۴ـ هنگام بیداری از خواب:

از حذیفه ﷺ روایت شده که فرمود:" نبی اکرم ﷺ شبانگاه که از خواب برمیخواستند دهان خود را مسواک میزدند[2]".[3]

۵ـ هنگام قرائت قرآن:

از علی ﷺ روایت شده که به مسواک زدن امر کرد وفرمود: نبی اکرم ﷺ فرمودند: "هنگامیکه بنده ای مسواک زده به نماز بایستد، فرشتگان در عقب وی می ایستند تا به قرائت او گوش دهند، وبه وی نزدیک میشوند تا اینکه دهان خود را به دهانش میگذارند، وآنچه از قرآن از دهانش خارج میشود در جوف فرشتگان قرار میگیرد، پس دهانتان را برای قرآن پاک کنید".[4]

(۱) به روایت مسلم.
(۲) یشوص فاه: با مسواک می مالید.
(۳) به روایت بخاری.
(۴) به روایت بزار

فوائد مسواک

از فوائد مسواک زدن: در دنیا پاکی دهان است. ودر آخرت سبب رضایت پروردگار، ونیز باعث تقویت دندانها میشود، وبیره ها (لثه ها) را نیز تقویت میبخشد، وصدا را صاف میکند، وانسان را نشاط می دهد.

۲ـ مضمضه واستنشاق

مضمضه

آب در دهن کردن وحرکت دادن.

استنشاق

با تنفس، آب در بینی کشیدن.

استنشاق

مضمضه

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۳ـ استنجاء

استنجاء

زائل کردن آثار آنچه از پیش ویا پس انسان خارج شده بوسیله آب پاك.

۴ـ کوتاه کردن بروت یا سبیلها

مراد از آن بسیار کوتاه کردن است، زیرا که در آن زینت، پاکیزگی ومخالفت با کافران است.

۵ـ ریش گذاشتن

یعنی ریش را بحالش گذاشتن وکوتاه نکردنش.

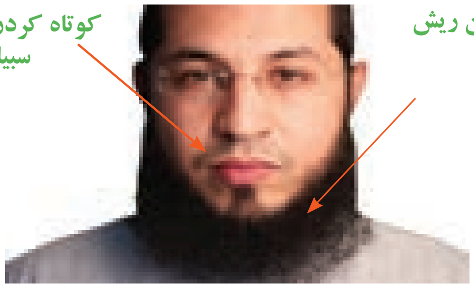

تراشیدن ریش

تراشیدن ریش حرام بوده، زیرا که برای گذاشتنش امر شده است، نبی اکرم ﷺ فرمودند: " بروتها یا سبیلها را کوتاه کنید،[۱] وریش را بگذارید،[۲] وبا مجوسیان مخالفت کنید.[۳]

(۱) جزوا الشوارب: سبیل ها را کوتاهش کنید.
(۲) أرخوا اللحی: یعنی ریش را بحالش بگذارید وکوتاهش نکنید.
(۳) به روایت مسلم.

۶ـ استحداد

استحداد

تراشیدن موی اطراف آلت تناسلی.

فوائد استحداد

از نگاه علم ثابت شده که استحداد از صحت وسلامتی و قوت بدن محافظت میکند، زیرا کثرت موی درینجا سبب التهابات جلد میشود که بدن از آن متضرر میگردد.

۷ـ ختان وخفاض

ختنه کردن آلت تناسلی مرد

بریدن پوست اضافی که سر آلت تناسلی مرد را میپوشاند.

ختنه زنان

بریدن گوشت اضافی زنان که در بالای موضع ادخال آلت تناسلی مردان میباشد.

ختان برای مردان، وخفاض برای زنان است، به دلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ برای أم عطیه: " اندکی ببر بکلی نابودش مکن،

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

زیراکه چهره را درخشش میدهد، وبرای شوهرش لذت بخش است“.[1]

ختنه کردن برای مردان واجب است، وبرای زنان سنت میباشد.

حکمت ختنه مردان: پاکی آلت تناسلی از نجاستی است که در پوست اضافی سر آلت تناسلی موجود میباشد. اما برای زنان: درخشش چهره است.

۸ـ کوتاه کردن ناخنها

یعنی کوتاه کردن آنها که از دراز شدنش جلوگیری کند.

گرفتن ناخنها

۹ـ کندن موی زیر بغل

زائل کردن موی زیر بغل، بمنظور نظافت وپاکیزگی، و ازمیان بردن بد بوئی که با موجودیت موی پدید میآید.

کندن موی زیر بغل

(۱) به روایت حاکم

۱۰- شستن مفاصل انگشتان

براجم

مفاصل انگشتان پشت دست.

برخی از علما چرکهای گوش وگردن وسایر اجزای بدن را نیز به آن ملحق کرده اند

مفاصل پنجه های پشت دست

چهل روز

ناخنها، وموی زیر بغل وزیر ناف را نتراشیدن، ویا کوتاه نکردن بروت یا سبیلها بمدت بیش از چهل روز، کراهیت دارد، از انس بن مالک ﷺ روایت شده که فرمود: “رسول الله (ﷺ) برای ما در گرفتن بروت یا سبیلها، کوتاه کردن ناخنها، تراشیدن موی زیر ناف وزیر بغل مدتی تعین کرده اند، اینکه نباید از چهل روز بیشتر تجاوز کند.[1]

(۱) به روایت ترمذی

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

مسح بر موزها وجورابها وجبیره (آتل) وعصابة ومانند د آن

https://www.al-feqh.com/fa

مسح بر موزها وجورابها وجبیره (آتل) وعصابهٔ ومانند آن

مطالب

تعریف موزه وجوراب
حکم مسح بر آنها
شرطهای مسح بر آنها
چگونگی مسح بر آنها
شکننده های مسح بر موزه ها
مسح بر جبیره وعصابه وبرچسپها
تعریف جبیره وعصابه وبرچسپها
دلیل جائز بودن مسح
شرطهای مسح
چگونگی مسح

موزه

آنچه از چرم بوده و به پا می پوشند.

جوراب

آنچه از پنبه ومانند آن بوده و به پا می پوشند.

حکم مسح بر موزه ها وجوراب ها

مسح بر موزها وجوراب ها جواز دارد، به دلیل احادیث زیادی که وجود دارد، از جمله: آنچه از انس بن مالک ﷺ روایت شده که از وی در مورد مسح بر موزه ها پرسیده شد که فرمود:" رسول الله ﷺ بر آنها مسح میکرد".[۱]

شرطهای مسح بر موزه ها وجوراب ها

۱. باید که پس از وضوی کامل بپا کرده باشد: از مغیره ﷺ روایت شده که فرمود: "در سفری با نبی اکرم ﷺ همراه بودم، خواستم موزه ها را از پاهایشان بیرون کنم، فرمودند: بگذار، من آنها را با وضوء داخل کرده بودم" پس بر آنها مسح کردند.[۲]

۲. باید موزه ها شتالنگها را بپوشاند: لذا بر آنچه کمتر از شتالنگ ها را پوشانیده مسح نمیشود، زیرا لفظ قدم برآن اطلاق نمیشود.

۳. باید موزه ها از چیز پاک ساخته شده باشد ونیز باندازه ضحامت داشته باشد که بتوان با آنها به راه رفتن ادامه داد.

۴. باید از مباحات باشد: یعنی از اشیائیکه استعمالش برای مردان حرام است نباشد، مانند ابریشم برای مردان.

۵. باید مسح در خلال مدت تعیین شده باشد، زیرا رسول الله برای مسح موزه ها مدت معین بیان کرده اند (یک شب وروز برای مقیم، وسه شب وروز برای مسافر) که نباید از آن تجاوز کرد.

۶. مسح باید در طهارت از حدث کوچک باشد نه حدث بزرگ: از صفوان بن عسال ﷺ روایت شده که فرمود: "رسول الله ﷺ زمانیکه در سفر بودیم امر میکردند تا بر موزه

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

های خود مسح کنیم، وآنها را از بی وضوء شدن بعلت بول وغائط وخواب از پا نکشیم، مگر اینکه جنابت رخ داده باشد".[۱] باین معنی که جنب باید موزه ها برای غسل کردن بکشد، وسپس بار دیگر آنرا به پا کند.

چگونگی مسح بر موزه ها وجوراب ها

با دو دست خود که بآب تر شده باشد مسح را بر روی موزه از انگشتان آغاز میکند وبسوی ساق پا میکشد، با دست راست پای راست را مسح، وبا دست چپ پای چپ را مسح کند.

کف موزه وعقب موزه را مسح نمیکند، به دلیل فرموده علیؓ: " اگر دین بر پایه فکر ونظر بود مسح کردن بر کف موزه بهتر از مسح بر روی موزه بود، رسول الله ﷺ را دیدم که بر روی موزه هایشان مسح میکردند".[۲]

مسح با دو دست

مسح عقب

مسح کف موزه

(۱) به روایت بخاری.
(۲) به روایت ابو داود

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

مدت مسح کردن بر موزه ها وجوراب ها

یکشب وروز برای مقیم وسه شب وروز برای مسافر.

ودلیلش فرموده علی رضي الله عنه:" رسول الله صلى الله عليه وسلم سه شب وروزش را برای مسافر، ویک شب وروز را برای مقیم تعیین کرد"[۱].

حساب کردن مدت مسح

آغاز مدت از هنگام نخستین مسح بعد از حدث است، زمانیکه جوراب ها را پس از طهارت پوشید، بعد از آن برایش حدث یعنی بی وضوئی رخ داد ومتعاقب آن برای نخستین بار مسح کرد، از ابتدای همین مسح بمدت یک شب وروز (بیست وچهار ساعت) مدت مسح حساب میشود.

(۱) به روایت نسائی

مثال آن : مردی وضوء کرد وپاهایش را شست، پس از آن جورابها را پوشید، ونماز فجر را خواند، در ساعت ده صبح بی وضوء شد، سپس در ساعت یازده برای نماز ضحی وضوء کرده بر جورابهایش مسح کرد، برای این مرد مجاز است تا همچنان در هنگام وضوء به مسح برجوراب هایش تا ساعت یازده روزبعدی ادامه دهد. این است برای مقیم

اما برای مسافر این مدت سه شب وروز میباشد.

شکننده های مسح بر موزه ها وجورابها

۱. پایان یافتن مدت مسح.

۲. کشیدن جورابها ویا یکی از آنها از پا.

۳. وقوع حدث بزرگ یعنی جنابت: از صفوان بن عسال رضي الله عنه روایت شده که فرمود:" رسول الله صلى الله عليه وسلم زمانیکه در سفر بودیم امر میکردند تا بر موزه های خود مسح کنیم، وآنها را از بی وضوء شدن بعلت بول وغائط وخواب از پا نکشیم، مگر اینکه جنابت رخ داده باشد"[۲]. باین معنی که جنب باید موزه ها را برای غسل کردن بکشد، وسپس بار دیگر آنرا به پا کند.

کشیدن جوراب مسح را میشکند.

(۲) به روایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

مسح بر جبيره، وعصابه، وبرچسپها

جبيره

گچ ويا تخته ها ومانند آن كه بر موضع شكسته بسته ميشود.

عصابه

آنچه كه بر موضع زخم يا سوخته براى درمان پيچانيده ميشود، چه پارچه باشد يا مانند آن.

برچسپها

آنچه براى درمان بر زخم ومانند آن چسپانيده ميشود.

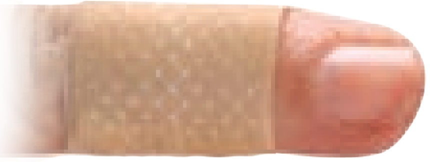

دليل شرعيت مسح بر جبيره

از جابر رضي الله عنه روايت است كه فرمود: "براى سفر خارج شديم، مردى از ميان ما سنگى به سرش اصابت نموده زخم برداشت، پس از آن احتلام شد، واز همراهانش پرسيد: آيا برايم رخصتى براى تيمم كردن مى بينيد؟ گفتند: برايت رخصتى نمى بينيم، در حاليكه تو توانائى استعمال آب را دارى؟ پس غسل كرد وسپس وفات نمود، هنگاميكه نزد نبى اكرم ﷺ آمديم از موضوع باخبر شدند وفرمودند: او را كشتند، خدا بكشدشان، اگر نميدانستند بايد ميپرسيدند، زيرا سوال كردن شفاى بيمارى است، برايش تيمم كافى بود، بر زخم پارچه ميگذاشت، پس از آن مسح ميكرد بالاى آن، وسائر بدنش را مى شست".[1]

شرطهاى مسح بر جبيره وعصابه وبرچسپها

١. شرط در مورد عصابه وجبيره اينست كه از موضع درمان واطرافش كه براى جابجا كردنش ضرورى است، بيشتر تجاوز نكند.

٢. براى گذاشتن جبيره وعصابه بالاى زخم، داشتن وضوء شرط نيست، همچنين براى مسح بر آن مدتى شرط نميباشد، تا زمانيكه به وجود عصابه وجبيره نياز باشد، برايش مسح كردن از حدث كوچك وبزرگ جواز دارد، بمجرد بى نيازى از آنها بايد آنها را دور كند، ودر حين وضوء كردن آن عضو را بشويد.

٣. در مورد برچسپها وعصابه ومانند آن اگر كندن وبازگرداندنش آسان باشد چنين بايد كرد:

أ ـ اگر بآسانى كنده شده، وموضع آن شسته شود بدون اينكه ضررى وتاخيرى در شفاء يابى رخ دهد، آنرا برميدارد، وموضع زير آنرا شسته سپس باز ميگرداند.

ب ـ اگر به آسانى كنده نميشد، تا موضع زير آنر ا بشويد بدون اينكه ضررى وتاخيرى در شفاء يابى باشد، هنگام شستن عضويكه برآن قرار دارد ميتواند مسح كند.

چگونگى مسح بر جبيره وعصابه

اگر وضوء كننده به عضويكه جبيره يا عصابه وجود دارد، برسد ماحول آنها را بشويد

بر آنها از هر سويش مسح كند، اگر برخى ازين جبيره ويا عصابه از اعضاى وضوء كه شستنش واجب است نباشد، درين حالت نيازى به مسح نيست.

مثال آن: مردى بر پايش عصابه بسته كه برخى از آن به ساق

(١) به روايت ابو داود.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

پایش رسیده است، در چنین وضعی بر آن بخشی که باید میشست مسح کند وبر بخش دیگرش که در ساق پایش قرار دارد، مسح نمیکند.

چگونگی مسح بر عصابه

چگونگی مسح بر جبیره

چگونگی مسح بر برچسپ

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

غسل

https://www.al-feqh.com/fa

غسل

مطالب

تعریف غسل
موجبات غسل
۱ـ خروج منی
۲ـ آمیزش (همبستری)
۳ـ اسلام آوردن کافر
۴ـ انقطاع خون حیض
۵ـ مرگ
وصف غسل
آنچه بر جنب حرام است
غسل مستحب

غسل در لغت

روان کردن آب بر چیزی را گویند

غسل در شریعت

روان کردن آب بر بدن به وصف مخصوص، به غرض عبادت برای الله سبحانه.

موجبات غسل

۱ـ خارج شدن منی

منی: آب سفید وتیره ای است که به شهوت وشدت خارج میشود، وسستی در پی دارد، بویش مانند بوی تخم گندیده است، به دلیل فرمودهٔ خداوند متعال: (واگر جنب بودید خود را خوب پاک کنید) (مائده: ۶) وبه دلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ به علی رضی الله عنه:(اگر به شدت خارج شد باید غسل کنی).[۱]

وفضخ الماء: یعنی خروجش به شدت، وغرض از آن منی میباشد.

مسائل

۱. اگر احتلام شد ومنی خارج نشد بر وی غسل نیست، اگر پس از بیدار شدنش منی خارج شد غسل لازم است.

۲. اگر منی را در لباسش دید ولی احتلام را بخاطر نداشت بر وی غسل واجب است، به دلیل خروج منی از وی، نبی اکرم ﷺ فرموده اند:" آب از آب است"[۲] یعنی: غسل از خروج منی است.

۳. اگر در آلت تناسلی خود حرکت منی را احساس کرد، ولی منی خارج نشد، پس غسلی بروی لازم نیست.

(۱) به روایت ابو داود.
(۲) به روایت مسلم

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۴. اگر منی بعلتی ویا به سبب بیماری بدون شهوت خارج شود غسلی بروی نیست.

۵. اگر جنب بود وغسل کرد، پس از آن از وی منی خارج شد، اعاده غسل بر وی واجب نیست، زیرا که این خروج منی بطور اغلب بدون شهوت است، وبرای احتیاط وضوء بکند.

۶. وقتی از خواب برخاست لباسش را تر یافت، ولی سبب وعلتی بخاطر نداشت، از سه حالت خالی نیست:

أ ـ متیقن شد که این تری (خیسی) لباسش از منی است، غسل بر وی واجب است، برابر است که احتلام را بخاطر دارد یا ندارد.

ب ـ متیقن شدکه این تری (خیسی) لباسش از منی نیست، غسل بر وی واجب نیست، وحکم آن مانند حکم ادرار است.

ج ـ در اینکه منی باشد یا خیر؟ شک داشت، بر وی تحقیق لازم است، اگر بخاطرش آمد که منی است پس حکم منی را دارد، واگر بخاطرش آمد که این تری (خیسی) لباس از اثر مذی است، پس حکم مذی را دارد، واگر هیچ چیزی را بخاطر نداشت، بعنوان احتیاط غسل بر وی واجب میباشد.

۷ـ اگر منی را در بدن ولباسش یافت، احتلام را بخاطر نداشت، بر وی غسل لازم است، وهمچنین نماز های را که بعد از آخرین خوابش خوانده اعاده کند.

۲-آمیزش (همبستری)

آلت تناسلی مرد وزن در وضعی باهم باشد که سر آلت مرد به داخل فرج زن پنهان گردد، اگر چه منی انزال نشود، به دلیل فرمودۀ آنحضرت: "اگر موضع ختنه تجاوز کند موضع ختنه را غسل واجب شده است".(۱)

۳ـ اسلام کافر

زیرا که نبی اکرمﷺ به قیس بن عاصم هنگامی که مسلمان شد امر فرمودند تا غسل کند.(۲)

(۱) به روایت ترمذی
(۲) به روایت ابو داوود

۴ـ انقطاع خون حیض ونفاس

به دلیل حدیث عائشه رضی الله عنها اینکه نبی اکرمﷺ به فاطمه بنت ابی حبیش فرمودند:" وقتی حیض پیش آید نماز را ترک کن، وهرگاه برگشت وتوقف کرد، غسل کن ونماز را اداء نما".(۳)

ونفاس به اجماع حکم حیض را دارد.

۵ـ مرگ

به دلیل فرمودۀ آنحضرت در حدیث غسل دادن زینب دختر آنحضرت هنگامیکه وفات یافت:" سه بار بشوئید ویا پنج بار ویا بیشتر از آن بشوئید، اگر لازم دیدید".(۴)

(۳) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۴) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

وصف غسل

واجب در غسل روان کردن آب بر بدن به هر وصفی که باشد، بغرض غسل کردن. ولی مستحب است که از وصف غسل نبی اکرم ﷺ پیروی کند، چنانچه ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها بیان کرده فرمود:"آبی برای پاکی از جنابت به رسول الله ﷺ گذاشتند، با دست راستش به دست چپش دو بار ویا سه بار آب ریخت، پس از آن آلت تناسلی اش را شست وبعد از آن با دستش دوبار ویا سه به زمین ویا به دیوار زد، پس از آن مضمضه واستنشاق کرد، وصورت ودستانش را تا آرنج شست، بعد از آن بر سر خود آب ریخت، وسپس بدنش را شست، پس از آن اندکی به گوشه رفت وپاهایش را شست، پارچه ای برایش آوردم آنرا نگرفت، با دستش آب را می افشاند".[١] چگونگی غسل ازینقرار است:

١. هردو کف دست را دو بار ویا سه بار میشوید.

٢. آلت تناسلی خود را میشوید.

٣. دستش را دو بار ویا سه بار به زمین و یا دیوار میزند.

۴. مانند وضوی نماز وضوء میکند، بدون اینکه مسح سر کند ویا پاهایش را بشوید.

۵. آب بر سرش می ریزد.

۶. سائر اعضای بدنش را میشوید.

٧. به گوشه ای میرود وپاهایش را میشوید.

آنچه بر جنب حرام است

١ـ نماز:

به دلیل فرموده‌ء الله متعال: " ای کسانیکه ایمان آوردید به نماز نزدیک نشوید در حالیکه شما مست باشید تا زمانیکه آنچه را می گوئید بدانید وهمچنین اگر جنب بودید تا زمانیکه غسل کنید، مگر اینکه عابر سبیل باشید".(النساء:۴۳)

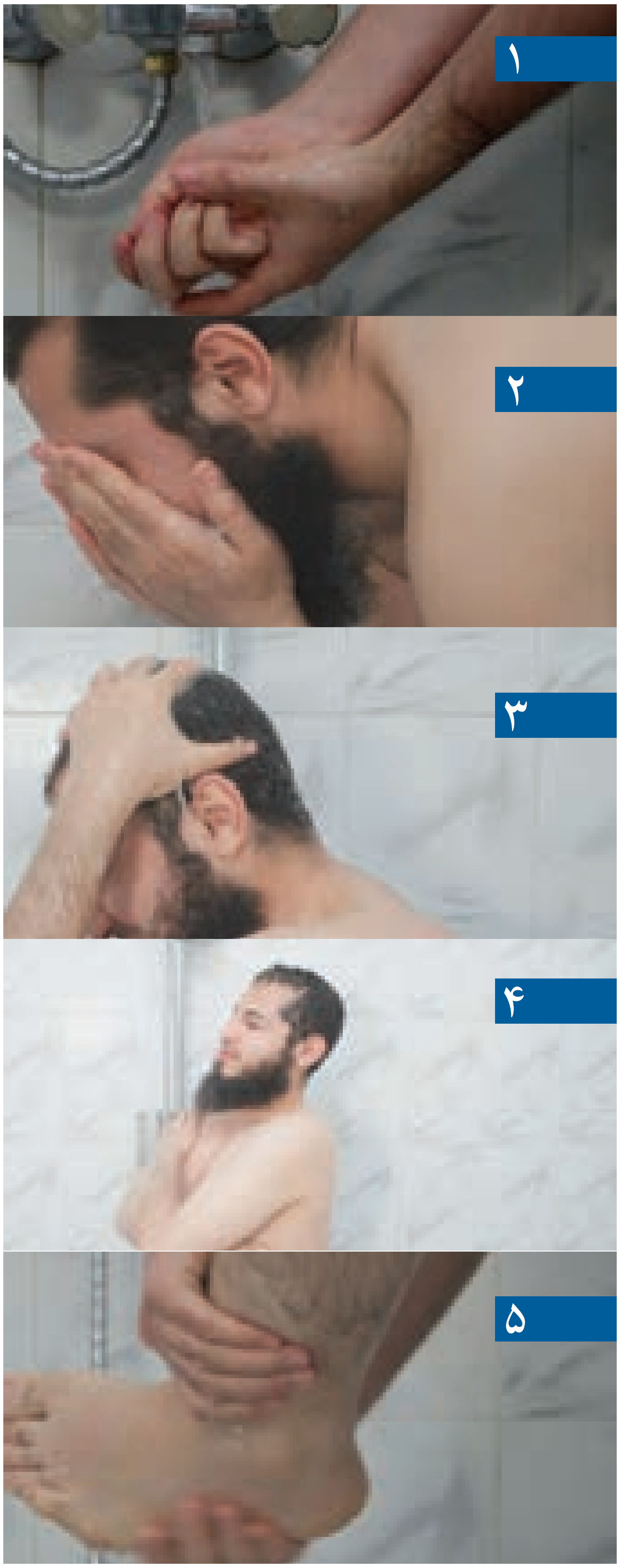

(١) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

نماز

۲ـ طواف بیت الحرام:

به دلیل فرمودۀ آنحضرتﷺ: "طواف بیت الله به منزله نماز است". [۱]

(۱) به روایت نسائی.

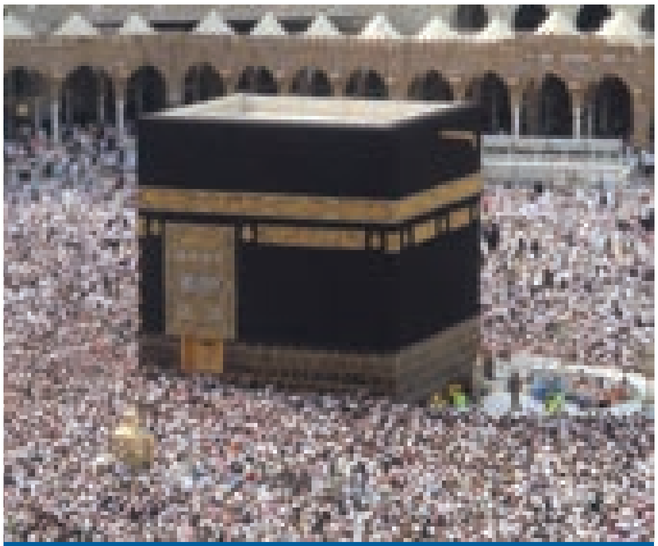
طواف بیت الله

۳ـ لمس مصحف:

به دلیل فرمودۀ خداوند متعال: " بجز از پاک شدگان آنرا لمس نمیکند" (الواقعة:۷۹) وفرمودۀ آنحضرتﷺ: " مصحف را جز پاک، کسی دیگری لمس نمیکند". [۲]

لمس مصحف

۴ـ قرائت قرآن:

از علیﷺ روایت است که فرمود:" رسول الله ﷺ از بیت الخلاء بیرون میشد برای ما قرآن می خواند، وبا ما گوشت میخورد، هیچ چیزی مانع خواندن قرآن نمیشد اگر جنابت نبود". [۳]

(۲) امام مالك در موطأ روایت کرده است.
(۳) به روایت ترمذی.

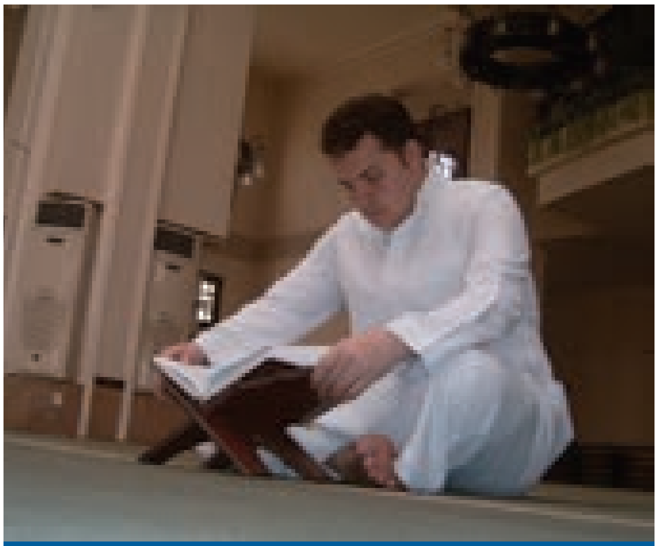
قرائت قرآن

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۵ـ توقف در مسجد مگر اینکه رهگذر باشد.

به دلیل فرموده الله متعال: « ای کسانیکه ایمان آوردید به نماز نزدیک نشوید در حالیکه شما مست باشید تا زمانیکه آنچه را می گوئید بدانید وهمچنین اگر جنب بودید تا زمانیکه غسل کنید، مگر اینکه عابر سبیل باشید". (النساء:۴۳)

توقف در مسجد

غسلهای مستحب

۱ـ غسل برای جمعه:

به دلیل فرمودهٔ آنحضرت ﷺ: "کسی برای جمعه وضوء کرد، خوب است، و کسیکه غسل کند پس غسل بهتر است".[۱]

۲ـ غسل برای احرام بستن عمره وحج:

از زید بن ثابت رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم ﷺ را دیده است که برای احرام لباسش را از تن بیرون کرده غسل نمود.[۲]

۳ـ غسل کردن پس از غسل دادن مرده:

به دلیل فرمودهٔ آنحضرت ﷺ: کسیکه مرده را غسل داد، باید خودش نیز غسل کند".[۳]

(۱) به روایت ابوداود.
(۲) به روایت ترمذی.
(۳) به روایت ابن ماجه.

۴ـ غسل کردن بعد از آمیزش (همبستری) یا زناشوئی:

از ابی رافع رضی الله عنه روایت است که نبی اکرم ﷺ روزی با همسرانشان آمیزش کردند، نزد هر یک از آنان غسل نمودند، راوی می فرماید: "گفتم ای رسول الله، برای همه یک غسل نمیکنید؟ فرمودند: این خوبتر وپاکتر وطراوتمندتر است".[۴]

(۴) به روایت ابوداود.

https://www.al-feqh.com/fa

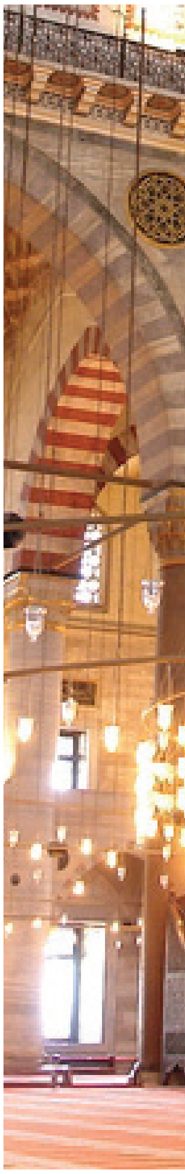

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

تیم م

https://www.al-feqh.com/fa

۱۰ تیمم

مطالب

تعریف تیمم

حکم تیمم

دلائل مشروع بودن تیمم

حکمت مشروعیت تیمم

فرضهای تیمم

شکننده های تیمم

تیمم در لغت

قصد وتوجه بسوی چیزی

تیمم در شریعت

مسح روی ودستان با خاک پاک، بغرض طهارت.

حکم تیمم

تیمم واجب است هنگام نبودن ویا هنگام محال شدن استعمال آب برای آنچه که طهارت واجب میباشد مانند نماز، تیمم مستحب است برای آنچه که طهارت مستحب است، مانند قرائت قرآن .

دلائل مشروع بودن تیمم

۱. الله تعالی فرموده است: (آب را پیدا نکردید پس تیمم کنید به خاک پاک، پس مسح کنید از آن به روهای تان ودستهای تان) (مائده: ۶).

۲. نبی اکرم ﷺ فرمود: "پنج چیز به من عطا شده که به کسی پیش از من داده نشده: با بیم وهراسی بر ضد دشمن کمک شده ام که مسافتش مسیر یکماهه میباشد. زمین برایم مسجد وپاک گردانیده شده، پس هر یک از امتم را وقت نماز برسد، باید که نماز بخواند". [۱]

حکمت مشروعیت تیمم

۱. آسانی بر امت محمد ﷺ.

۲. جلوگیری از آسیبی که ممکن است از اثر استعمال آب در بعض حالات بروز کند، مانند بیماری، ویا شدت سرما، ویا مانند آن.

۳. ادامه ارتباط با عبادت، وعدم مقاطعه با نبودن آب.

چه زمانی تیمم جواز دارد؟

۱ـ زمانیکه آب پیدا نشود

به دلیل فرمودۀ الله تعالی: (آب را پیدا نکردید پس تیمم کنید) (مائده: ۶). به انسانی بدون جستجو، آب نیافته اطلاق نمیشود.

۲ـ زمان ناتوانی استعمال آب، هرچند که موجود باشد

مانند بیمار ویا بزرگسالی که نمیتواند حرکت کند، وکسی هم نیست که وی را در وضوء کردنش یاری دهد.

(۱) به روایت بخاری

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

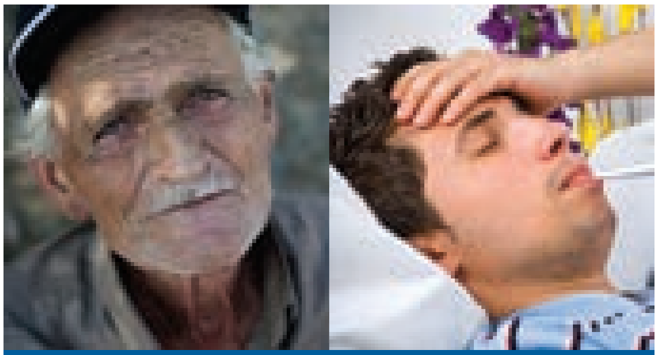

بیمار　　سالخوردگی

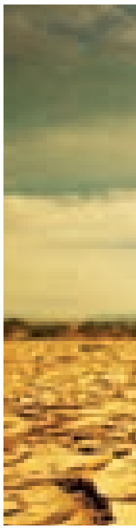

۳ـ اگر بیم آسیب از استعمال آب وجود داشته باشد

از آن جمله:

أ ـ بیماریکه اگر آب استعمال کند بیماریش افزایش می یابد.

ب ـ شخصی در سرمای شدید، وسائل آب گرم کن ندارد، به گمان غالب اگر غسل کند، بیمار میگردد، به دلیل آنچه ثابت شده، نبی اکرمﷺ به فعل عمرو بن العاص که در سرمای شدید تیمم کرد وبا همراهانش نماز خونده بود را صحه گذاشتند.[۱]

ج ـ هرگاه در جای دوری بوده که آب آشامیدنی کمی در اختیار دارد، وتوان آوردن آب بیشتر را ندارد.

وصف تیمم

۱. با دو دستش به زمین یک ضربه بزند.

۲. پس از آن برای کم شدن غبار آنها را پف کند.

۳. بعد از آن رویش را یکبار به آن مسح کند.

۴. سپس با دو دستش بار دیگر به زمین ضربه زند.

۵. پس از آن برای کم شدن غبار آنها را پف کند.

۶. بعد از آن با کف دست چپ، از پشت انگشتان دست راست، مسح را آغاز کند وبسوی آرنج بکشد، وسپس مسح را از روی آرنج بسوی بند دست ادامه دهد، پس از آن پشت دست چپ را با روی کف دست راست تا آرنج مسح نموده، سپس از داخل بسوی بند دست برگرداند.

۷. پس از آن پشت دستانشرا مسح کند، پشت دست راست با کف دست چپ، وبعد از آن پشت دست چپ را با کف دست راست.

ودلیل وصف تیمم: فرمودهٔ نبی اکرمﷺ: "تیمم دو ضربه هست: ضربه برای روی وضربه دیگر برای دستان تا آرنجها"[۲] مستدرک بر صحیحین.

(۱) به روایت ابوداود.

(۲) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۱
با دستان به خاک ضرب زدن

۲
پف کردن خاک دستان

۳
مسح روی

۴
مسح راست با چپ

۵
مسح چپ با راست

> از نگاه علم به اثبات رسیده که خاک زمین در میان ذراتش حاوی ماده مطهری است که میتواند انواع میکروبها را از بین ببرد، وتوانائی ازمیان برداشتن هر نوع میکروب ویا ویروس را دارد.

https://www.al-feqh.com/fa

فرائض تیمم

۱. مسح روی.
۲. مسح کفین.

برخی از ائمه افزوده اند:

۳. نیت
۴. ترتیب: با مسح روی آغاز میشود وپس از آن مسح کفین.
۵. پیهم: دستانش را پس از رویش بلادرنگ مسح کند.

شکننده های تیمم

کسیکه آب نیابد

۱. موجودیت آب.
۲. وقوع یکی از شکننده های وضوء، مانند خروج باد.
۳. وقوع آنچه غسل را ایجاب کند مانند احتلام.
۴. زائل شدن عذری که بخاطر آن تیمم جائز شده بود، بیماری باشد ویا مانند آن.

مسائل

۱. نماز خواندن با تیمم هنگام ناتوانی بر آب ، بهتر از آنست که با وضوئی نماز بخواند که از فشار قضای حاجت بول ویا غائط رنج برد.
۲. تیمم بر دیوار وقالینیکه بر آنها خاک ویا غبار نشسته باشد، جواز دارد.
۳. با یک تیمم میتواند هر مقدار نمازهای فرضی ونفلی که خواسته است بخواند، مگر اینکه یکی از شکننده های تیمم واقع شود.
۴. وضوء کننده میتواند بر عقب تیمم کننده در نماز اقتداء کند، به دلیل صحه گذاشتن نبی اکرمﷺ بر عمل عمرو بن العاص که در سرمای شدید تیمم کرد وباهمراهانش نماز بجماعت خواند.[۱]

(۱) به روایت ابوداود.

۵. کسیکه تیمم کرد ونماز خواند، پیش از پایان وقت نماز، آب پیدا شد، نماز را اعاده نمیکند، از ابی سعید خدری رضی الله عنه نقل شده که فرمود: " دو مردی به سفر برآمدند، وقت نماز فرا رسید، آبی برای وضوء نداشتند بخاک پاک تیمم کرده نماز خواندند، وقبل از پایان وقت آب را یافتند، یکی از آنها وضوء کرده نماز را اعاده نمود، ودومی اعاده وضوء ونماز نکرد، پس از آن نزد رسول اللهﷺ آمده وضع را یاد آور شدند، آنحضرتﷺ برای کسیکه نماز را اعاده نکرده بود فرمودند: تو به سنت عمل کردی، نمازتو درست بود، وبرای کسیکه وضوء کرده نمازش را نیز اعاده کرده بود فرمودند: برای تو دوبار پاداش است".[۲]
۶. هر که تیمم کرد، در اثنای نماز ویا قبل از آن آب پیدا شد، باید که بآب وضوء کند، به دلیل فرمودۀ نبی اکرمﷺ "خاک پاک برای مسلمان طهور است، اگر ده سال هم آب را نیابد، اگر آب را پیدا کرد، باید مواضع وضوی پوستش را تر کند، این کار برایش بهتر است".[۳]
۷. هیچ چیزی مانع نماز مسلمان نمیشود، ونماز را از وقتش تأخیر نمیکند، اگر آب برای وضوء نیافت ویا از استعمال آن عاجز بود تیمم میکند، اگر از تیمم کردن هم عاجز شد بدون طهارت نماز میخواند.
۸. کسیکه طهورین (آب وخاک) را نیافت بدون طهارت نماز را در اوقاتش بخواند، وبر وی اعاده لازم نیست، به دلیل فرمودۀ الله تعالی (از الله بترسید به اندازه توانائی تان) (التغابن:۱۶)
۹. برای کسیکه امید پیدا شدن آب را دارد، تأخیر تیمم تا آخر وقت جواز دارد، اما اگر از یافتن آب مأیوس باشد برایش مستحب است که در اول وقت تیمم کند، زیرا که بهترین نماز، همانا نماز خواندن در اول وقتش میباشد.
۱۰. اگر کسی از بیم خروج وقت نماز با موجودیت آب تیمم کند جواز ندارد، بلکه وضوء بر وی واجب است، هر چند که وقت نماز خارج شود.

(۲) به روایت ابوداود.
(۳) به روایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

حج | زکات | روزه | نماز | پاکی

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سرورى بلخى

حيض واستحاضه ونفاس

https://www.al-feqh.com/fa

۱۱ حیض واستحاضه ونفاس

مطالب

تعریف حیض
وصف خون حیض
سن حیض ومدت آن
از احکام حیض
تعریف استحاضه
فرق میان خون حیض واستحاضه
احوال مستحاضه
تعریف نفاس
مدت نفاس
از احکام نفاس
آنچه به سبب حیض ونفاس حرام میشود

حیض

حیض در لغت

سیلان وروان بودن چیزی.

حیض در شریعت

خونی است که از رحم زن در حال سلامتی وصحتش در اوقات معینی وبدون سبب خارج میشود.

وصف خون حیض

از شدت سیاهی مانند سوخته مینماید، با درد همراه است، بوی بد دارد، زن در حال حیض احساس حرارت شدید میکند.

سن حیض

برای آغاز حیض سن معینی نیست، بلکه طبق طبیعت زن ومحیط زیست وآب وهوایش متفاوت میباشد، پس هر وقتیکه مؤنثی حیض بیند حائض شمرده میشود.

مدت حیض

برای حیض مدت معینی وجود ندارد، برخی از زنان سه روز وبرخی دیگر چهار روز حیض میبینند، ولی اغلب مدت حیض شش ویا هفت روز میباشد، به دلیل فرمودۀ نبی اکرم ﷺ به حمنۀ بنت جحش ـ که روزهای زیادی خون میدید- : " در علم خدا شش ویا هفت روز حیض میبینی، پس از آن غسل بکن".[۱]

مسائل

۱. اصل در زن اینست که در حال بارداری حیض نمی بیند، اگر قبل از وضع حمل بمدت کوتاهی خون ریزی کرد که همراه با ولادت بود، خون نفاس است، اگر این خون ریزی با ولادت همراه نبود، ویا اینکه با ولادت مدت زیادی فاصله داشت، خون حیض میباشد.

(۱) به روایت ابوداود.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

علامه پاکی

شکل زرده

شکل تیره

۲. اگر زنی پیش از وقت عادتش ویا پس از آن حیض دید، مانند اینکه باید در اول ماه میدید، پس در آخر ماه حیض دید، ویا اینکه مدت اعتیادی حیضش افزایش ویا کاهش با ولادت همراه نبود، ویا اینکه با ولادت مدت زیادی فاصله داشت، خون حیض میباشد.

۳. اگر زنی پیش از وقت عادتش ویا پس از آن حیض دید، مانند اینکه باید در اول ماه میدید، پس در آخر ماه حیض دید، ویا اینکه مدت اعتیادی حیضش افزایش ویا کاهش یافت، طوریکه در عادت شش روز حیض میدید، پس به هفت روز افزایش یافت، باین موضوع توجهی نمیشود، پس هر وقتیکه خون دید حیض است وهر زمانیکه پاک شد طهر است.

۴. پاکی زن با خروج قصه سفید دانسته میشود ـ که آن عبارت از مایع سفیدی است که پس از توقف حیض خارج میشود ـ اگر مایع سفید خارج نشد پس علامه پاکی او خشکیدن است، یعنی اگر پنبه سفیدی را در فرجش بگذارد، خشک بیرون شود ودر آن هیچ چیزی دیده نشود.

از احکام حیض

۱ـ حکم تیره گی وزردی:

تعریف تیره گی وزردی:

زردی:

خون زردی است که از زن میبرآید.

و تیره گی:

خون تیره ایست میان زردی وسیاهی.

حکم تیره گی وزردی:

هرگاه زنی خون زرد، ویا تیره ی میان زردی وسیاهی ببیند، ویا اینکه تنها رطوبت وتری احساس کرد از دو حالت خالی نیست:

https://www.al-feqh.com/fa

۱ـ یا اینکه در مدت حیض، ویا متصل به آن قبل از طهر ببیند

درین حالت حکم حیض ثابت است، به دلیل حدیث عائشه ـرضی الله عنها ـ که در آن از توجه زنان به رنگ خون اشاره داشته چنانچه پنبه را[۱] به رنگ زرد[۲] می دیدند می فرمودند: "عجله نکنید تا اینکه پنبه را سفید ببینید" که غرضشان پاکی از حیض بود.[۳]

۲ـ یا اینکه در مدت طهر ببیند:

درین حالت اعتباری ندارد، وبر آن وضوء وغسل واجب نیست، به دلیل حدیث ام عطیهٔ که در آن میگوید:« ما تیره گی وزردی بعد از طهر را معتبر نمی شمردیم".[۴]

۲ـ حکم انقطاع حیض:

اگر زنی روزی خون دید وروز دیگر پاک بود، ومانند آن، این وضع از دو حال خالی نیست:

۱ـ چنین وضعی در همه اوقات ادامه میابد:

این خون استحاضه است.

۲ـ یا اینکه در وضع متقطع باشد:

طوریکه برخی اوقات می آید، ودر برخی اوقات دیگر پاک میباشد، وحکم آن چنین است:

أ ـ اگر مدت انقطاع خون کمتر از یک روز باشد، این مدت از حیض شمرده میشود.

ب ـ اگر در مدت پاکی دلیلی بر آن یافت – مانند اینکه پنبه را سفید دید– پس این مدت از پاکی وطهر محسوب میشود، چه کم باشد یا زیاد، ویا اینکه از یک شب وروز کمتر باشد.

(۱) درجه: چیزیکه زنی برای دانستن اینکه آثاری از حیض باقی مانده است داخل میکند.
(۲) کرسف: پنبه.
(۳) به روایت مالک.
(۴) به روایت ابوداود.

استحاضه

استحاضه

سـیلان خون از فرج زن طوریکه از آن منقطع نگردد. ویا اینکه انقطاع خون به مدت کوتاهی باشد.

خون حیض	خون استحاضه
سیاه تیره	سرخ رقیق
دارای بوی بد	بوی ندارد
بسته نمیشود(لخته نمیگردد)	بسته میشود (لخته میگردد)
از عمق رحم می برآید	از رگی نزدیک رحم می برآید
خون سلامتی وطبیعی است	خون علت وبیماری وفساد است
در اوقات معلومی می برآید	دارای اوقات معلومی نیست

احوال مستحاضه

حالت اول: اینکه برای حیض عادت معلومی‌داشت قبل از استحاضه.

درین حالت به اندازه عادتش حیض شمرده میشود، ومتباقی ماه استحاضه میباشد. به دلیل حدیث عائشه – رضی الله عنها– اینکه فاطمه بنت ابی حبیش – رضی الله عنها– فرمود: «ای رسول الله، من پاک نمیشوم، آیا نماز را ترک کنم؟ رسول الله ﷺ فرمودند: خیر، این اثر رگی است، لکن نماز را بمقدار روزهای که قبلا حیض میدیدی ترک کن وسپس غسل کن ونماز بخوان".[۵]

(۵) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

حالت دوم: اینکه عادت معلومی نداشته، ولی میان خون فرق کرده میتواند.

این زن با شناختن فرق عمل میکند، به دلیل آنچه در حدیث فاطمه بنت ابی حبیش ــ رضی الله عنها- که مستحاضه بوده، نبی اکرمﷺ برایش فرمودند:" اگر خون حیض باشد، خون سیاه بوده که شناخته میشود، اگر چنین بود از نماز اجتناب کن، واگر چیز دیگر بود، پس وضوء بکن ونماز بخوان، زیرا چنین چیزی رگی بیش نیست".(۱)

حالت سوم: اینکه عادت معلومی نداشته ومیان آندو فرق کرده هم نمیتواند

این زن بعادت غالب زنان عمل میکند، مدت حیض شش یا هفت روز از هر ماه بوده که از ابتدای روزهائیکه خون میبیند آغاز میشود ومتباقی آن استحاضه شمرده میشود، به دلیل فرمودۀ نبی اکرمﷺ به حمنه بنت جحش ـ رضی الله عنها ـ" در علم الله شش یا هفت روز حیض میبینی، پس از آن غسل کن اگر پاکی ونقاوت دیدی ، پس بیست وسه ویا بیست وچهارشب وروز نماز بخوان، وروزه بگیر، همین برایت بسنده است، ودر هر ماه چنین بکن، مانند اینکه زنان حیض میبینند، وچنانکه پاک میشوند در اوقات حیضشان وطهرشان".(۲)

حالت چهارم: دارای عادت معلوم بود، وتوان فرق کردن را نیز دارد:

این زن طبق عادت خود حساب میکند، نه به توانائی فرق، زیرا که عادت برای زن ضابطه است، اگر عادتش را فراموش کرد، به توانائی فرق، عمل کند.

مسائل

۱. اگر زنی زمان حیضش را میداند، ولی شمار روزهای حیضش را فراموش کرده، باید به عادت غالب زنان حساب کند.

۲. اگر زنی شمار روزهای حیضش را میداند، ولی زمان حیضش را که اول ماه بوده ویا آخر ماه فراموش کرده؟

از اول ماه به شمار روزهائیکه حیض میدید حساب کند، اگر بگوید که در نیمه ماه حیض میدید، ولی نمیتواند تعین کند، درین حالت از ابتدای نیمه ماه به مقدار روزهائیکه حیض میدید حساب کند، زیرا که نیمه به تعیین وقت حیضش نزدیک تر میباشد.

۳. زمانیکه مدت حیض پایان یافت، وهنوز این زن مستحاضه بود، غسل میکند، وقطعه پارچه را بر فرجش میگذارد، واحکام طهر را درمی یابد، نماز میخواند وروزه میگیرد، خونیکه بعد از وضوء کردن از وی خارج میشود ضرری ندارد، زیرا که وی معذور بوده، در طهارت وپاکی سه حالت دارد:

أ ـ پس از داخل شدن وقت هر نماز برایش وضوء کند، پس از اینکه فرجش را بشوید و پارچه را به آن ببندد، به دلیل فرمودۀ آنحضرتﷺ به حمنه بنت جحش ـ رضی الله عنها ـ" پس از آن برای هر نماز وضوء بکن ونماز بخوان".(۳)

ب ـ نماز ظهر را تا اندکی قبل از وقت عصر تأخیر کند، پس از آن غسل نموده ظهر وعصر را بخواند، به همین ترتیب نمازهای دیگر را نیز بخواند، به دلیل فرمودۀ آنحضرتﷺ به حمنه بنت جحش ـ رضی الله عنها ـ" واگر توان تأخیر ظهر وتعجیل عصر را داشتی، باید غسل کرده میان دو نماز ظهر وعصر جمع کنی، ونماز مغرب را تأخیر کرده وعشاء را تعجیل کنی، سپس غسل کرده بین دو نماز جمع کنی، چنین بکن، وبرای نماز فجر غسل کنی، چنین بکن، وروزه بگیر اگر توانش را داشتی".(۴)

ج ـ برای هر نماز غسل کند، به دلیل آنچه ثابت شده، ام حبیبه ـ رضی الله عنها ـ بمدت هفت سال مستحاضه شد، از رسول الله ﷺ درین مورد پرسید، آنحضرت امر کردند که غسل کند، برای هر نماز غسل میکرد.(۵)

۴. اگر به زنی به هر علتی مانند عمل جراحی رحم خونریزی برایش رخ داد، این خون از دو حالت خالی نیست:

أ ـ اگر معلوم شد که حیض نمی بیند.

برایش حکم استحاضه ثابت نمیشود، از ادای نماز در هیچ

(۱) به روایت ابو داود.
(۲) به روایت ابو داود.
(۳) به روایت ابو داود.
(۴) به روایت ابو داود.
(۵) به روایت ابو داود.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

وقتی امتناع نمیورزد، واین خون خون علت وفساد است، وبرای هر نماز وضوی جدید میکند.

ب ـ اگر معلوم شد که ممکن است حیض ببیند.

برایش حکم استحاضه است.

۵ـ آمیزش ومجامعت زن مستحاضه جواز دارد، زیرا شریعت ممانعتی ندارد.

نفاس

نفاس

خونیکه از رحم زن بسبب ولادت خارج میشود.

مدت نفاس

برای اقل مدت نفاس حدی وجود ندارد، اکثر مدت نفاس غالبا چهل روز میباشد، مگر اینکه پیش ازین مدت پاک شود، غسل میکند ونماز میخواند.

از احکام نفاس

۱. اگر زنی ولادت کرد، وهیچ خونی ندید ـ چنین وضعی به ندرت خواهد بود ـ وضوء کرده نماز میخواند، بر وی غسل لازم نیست.

۲. اگر خونریزی از چهل روز بیشتر شد، وعادتش چنان بود که پس از چهل روز قطع شود، ویا علائمی برای پایان یافتنش دیده شد، منتظر بماند تا خونریزی پایان یابد، اگر ادامه یافت این زن مستحاضه است، وبرایش تمامی احکام استحاضه ثابت میشود.

۳. اگر قبل از چهل روز پاک شد، وقبل از سپری شدن چهل روز خونریزی عودت کرد، باید ببیند:

أ ـ اگر باور داشت که خون نفاس است، پس همانطور است.

ب ـ اگر باور داشت که خون نفاس نیست، پس وی در حکم پاکی است.

۴. نفاس زمانی ثابت میشود که ولادت آنچه که در آن خلقت انسان واضح است صورت گیرد، اگر جنینی که خلقتش کامل نباشد از رحم زنی بیافتد، از سه حالت خالی نیست:

أ ـ اگر قبل از چهل روز اول باشد.

این خون فاسد است، باید غسل کند ونماز بخواند وروزه بگیرد.

ب ـ اگر بعد از هشتاد روز بود.

این خون نفاس است.

ج ـ اگر میان چهل روز تا هشتاد روز بود.

در موردش دیده میشود: اگر در آن علائم خلقت انسان دیده شد، خون نفاس است، ودر غیر اینصورت خون فاسد است.

آنچه در حالت حیض ونفاس حرام است

۱ـ آمیزش ومجامعت (همبستری)

به دلیل فرمودۀ الله ﷻ: (واز تو میپرسند در مورد حالت قاعدگی زن، بگو آن اذیت وآسیب است، پس درین حالت از زنان کنار روید، تا زمانی که پاک نشده اند نزدیکی نکنید، وقتیکه پاک شدند، با آنها به شیوه که خداوند امر کرده آمیزش کنید، خداوند توبه کنندگان ونیز متطهرین را دوست میدارد) (بقره ۳۲۲) ، وبه دلیل فرمودۀ نبی اکرم پس از نزول این آیت: "بجز از مجامعت هر چیز دیگری که خواسته باشید انجام دهید". [۱]

مسائل

۱. هر که همسرش را در حالت حیض مجامعت کند گنهکار است ، باید کفاره بدهد، بروی کفاره است اگرچه برضا ورغبت همسرش هم باشد.

وکفاره: مقدارش صدقه دادن بوزن یک دینار ویا نیم دینار طلا است، به دلیل حدیث ابن عباس رضي الله عنه که از نبی اکرم ﷺ در مورد کسیکه با همسرش در حالت حیض آمیزش کند فرموده اند: (یک دینار ویا نیم دینار صدقه بدهد). [۲]

ودینار =۴،۲۵ گرام طلا.

(۱) به روایت مسلم.
(۲) به روایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۲. زن حائضه اگر پاک شد، تا زمانیکه غسل نکرده، شوهرش نمیتواند باوی مجامعت کند. به دلیل فرمودهء الله ﷻ: (وبا آنها نزدیکی مکنید تا اینکه پاک شوند) (بقره۲۲۲)، یعنی از خون، پس از آن فرموده است: (زمانیکه پاک شدند) (بقره ۲۲۲) یعنی غسل کردند، پس از آن الله ﷻ فرمود: (به شیوه که الله امر کرده به آنها بیائید) (بقره: ۲۲۲) یعنی: مجامعت وآمیزش کنید.

۲ـ نماز

به دلیل فرمودۀ نبی اکرمﷺ: "هرگاه حیض پیش آمد نماز را ترک کن، وهرگاه برگشت، خون را از خود بشوی ونماز بخوان".[۱]

مسائل

۱. زمانیکه زن پاک شد، بروی اعاده نمازهای قضاء شده نیست، به دلیل آنچه که از عائشه رضی الله عنها روایت شده، زمانیکه از قضای روزه بدون نماز، فرمود:" این امر بما نیز میرسید، برای قضای روزه بما أمر میشد، وبرای قضای نمازها أمر نمیشد".[۲]

۲. اگر زن حائض بمقدار ادای یک رکعت از وقت هر نماز را چه از اولش وچه از آخرش دریابد بر وی ادای نماز کامل واجب است. اگر وقت کمتر از ادای یک رکعت را دریافت بر وی ادای همان نماز واجب نیست، به دلیل فرمودۀ نبی اکرمﷺ " هرکه یک رکعت نماز را دریابد، بدون تردید نماز را دریافته است".[۳]

(۱) به روایت ابو داود.
(۲) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۳) به اتفاق بخاری ومسلم.

۳ـ روزه

به دلیل فرمودۀ آنحضرتﷺ:" آیا چنین نیست که در هنگام حیض نماز نمیخواند وروزه نمیگیرد؟ فرمودند: آری". مساله اگر زن حائض قبل از طلوع فجر پاک شد، وروزه گرفت روزه اش صحیح است، اگرچه بعد از طلوع فجر غسل کرده است.

۴ـ لمس مصحف

به دلیل فرمودۀ الله ﷻ: " بجز از پاک شدگان آنرا لمس نمیکند" (الواقعة:۷۹) فرمودۀ آنحضرتﷺ: " مصحف را جز پاک کسی دیگری لمس نمیکند".[۴]

۵ـ طواف کعبه

به دلیل فرمودۀ نبی اکرمﷺ به عائشه ـ رضی الله عنها ـ زمانیکه حیض دید:" آنچه حاج انجام میدهد تو نیز انجام ده، مگر اینکه بیت الله را تا هنگامیکه پاک نشده ای طواف مکن".[۵] ونیز به دلیل حدیث ابن عباس رضی الله عنه که فرمود:" بمردم امر شده تا آخرین عهدشان به بیت الله طواف (وداع) باشد، مگر در مورد زن حائض این امر تخفیف یافته یعنی طواف وداع بروی لازم نیست".[۶]

۶-توقف در مسجد مگر اینکه رهگذر باشد

به دلیل فرمودۀ الله ﷻ : " ای کسانیکه ایمان آوردید به نماز نزدیک نشوید در حالیکه شما مست باشید تا زمانیکه آنچه را می گوئید بدانید، وهمچنین اگر جنب بودید تا زمانیکه غسل کنید، مگر اینکه عابر سبیل باشید".(النساء:۴۳) ونیز به دلیل فرمودۀ نبی اکرمﷺ:"من مسجد را برای حائض وجنب حلال نمیدانم".[۷]

(۴) مالک در موطأ روایت کرده.
(۵) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۶) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۷) به روایت ابو داود.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

مسائل

۱. اگر زن حائض احتیاط نماید، وبیم آلوده شدن مسجد نباشد، باکی نیست که از آن عبور کند، به دلیل عام بودن فرمودۀ **الله** ﷻ:(مگر اینکه رهگذر باشد) (النساء: ۴۳)

۲. بر زن حائض توقف در نماز گاه عید حرام است، به دلیل فرمودۀ نبی اکرم ﷺ: "زنان حائضه از نمازگاه کنار روند".[۱]

۷ـ طلاق

بر شوهر زن حائض طلاق همسرش در حالت حیض حرام است، به دلیل فرمودۀ الله ﷻ: ای نبی اگر زنان را طلاق میکردید، آنان را در عده شان طلاق کنید" (طلاق:۱) یعنی در وضعی باشند که عده معلوم را در حین طلاق استقبال کنند.

وطلاق کردن زن حائض علی رغم حرام بودن وبدعت بودنش طلاق واقع میشود.

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

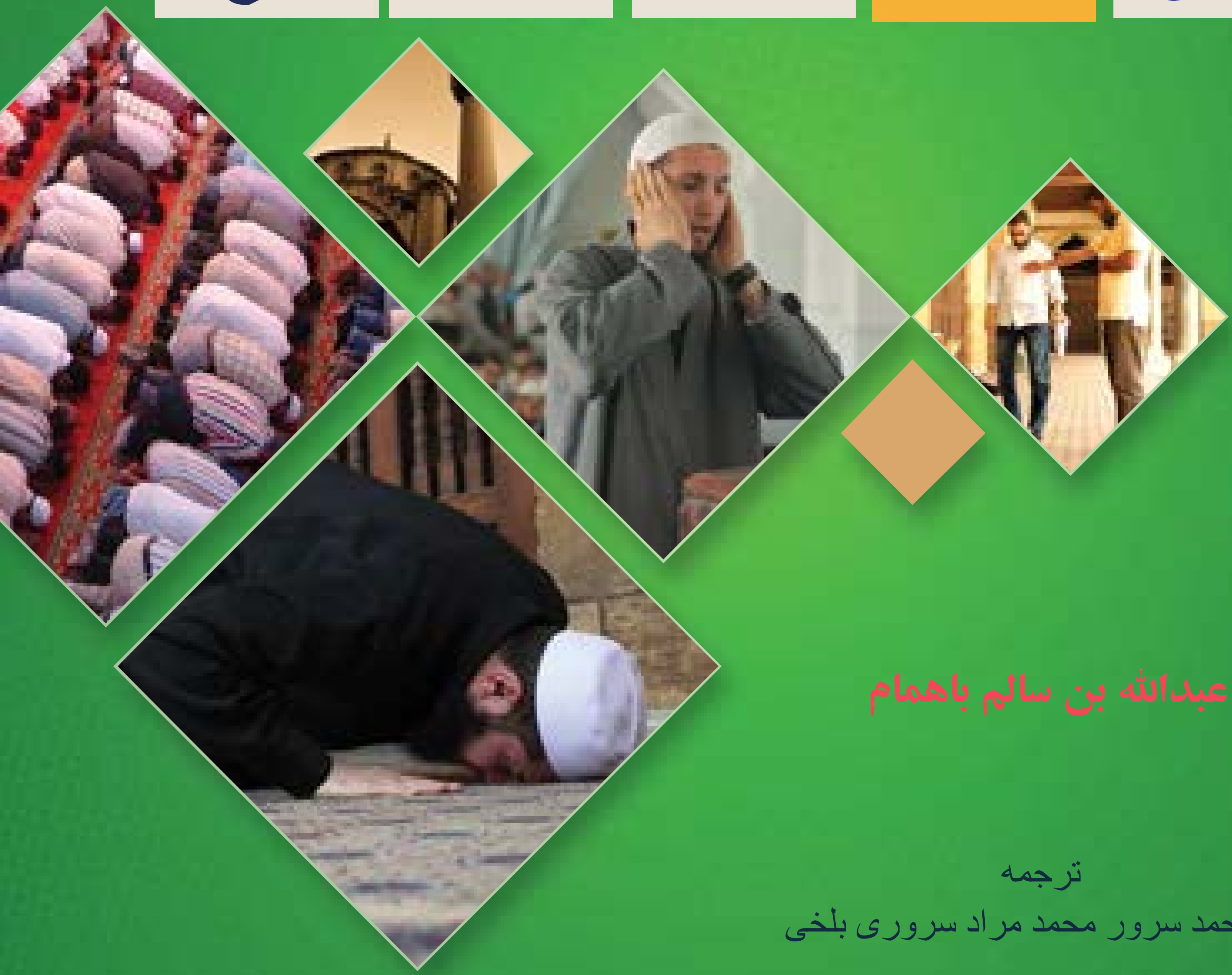

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

منزلت نماز وحکم آن

https://www.al-feqh.com/fa

۱

منزلت نماز وحکم آن

مطالب

تعریف نماز

جایگاه نماز در اسلام

فضیلت نماز

حکم نماز

نماز بر چه کسی فرض است؟

حکم کسیکه نماز نمی خواند

نماز در لغت

دعاء

نماز در شریعت

عبادت الله تعالی با اقوال وافعال ویژه، که با گفتن الله اکبر آغاز، وبا سلام دادن پایان می یابد.

منزلت نماز در اسلام

۱. ماز رکن دوم ارکان اسلام است. رسول الله ﷺ فرموده اند: "اسلام بر پنج چیز بنا شده است: شهادت دادن اینکه خدای جز الله نیست، ومحمد بنده وفرستاده اوست، وبرپاداشتن نماز ....".[۱]

۲. نماز بهترین اعمال است، رسول الله ﷺ فرموده اند: " بهترین اعمال ادای نماز در اول وقتش میباشد".[۲]

۳. نماز حد فاصل بین اسلام وکفر است. نبی اکرم ﷺ فرموده اند: "میان مرد ومیان شرك وكفر ترك نماز است".[۳]

(۱) باتفاق بخاری ومسلم.
(۲) بروایت ترمذی.
(۳) بروایت مسلم.

۴. نماز ستون اسلام است، که ـ پس از توحید ـ اسلام بر آن بنا شده است، نبی اکرم ﷺ فرموده اند:" اسلام سر این امر است، ونماز ستون آنست".[۴]

فضیلت نماز

۱. نماز نوریست برای صاحبش، آنحضرت ﷺ فرموده اند:" ونماز نور است".[۵]

۲.نماز کفارهء اشتباهات است، خداوند جَلَّ جَلالُهُ فرموده اند::" ونماز برپا دار به دو کنار روز یعنی صبح وشام ومدتی در شب، به درستی که خوبیها بدیها را نابود میکند، این حکم پندی است برای اندرز پذیران". (هود: ۱۱۴)

وآنحضرت ﷺ فرموده اند:" آیا میبینید اگر رودخانهٔ بر در خانهٔ یکی از شما باشد که هر روز پنج بار از آن غسل کند، آیا چیزی از چرکهایش[۶] باقی میماند. گفتند: چیزی از چرکهایش باقی نمیماند. آنحضرتﷺ فرمودند: چنین است مثال نماز های پنجگانه، الله تعالی با آنها اشتباهات را نابود میکند".[۷]

۳. نماز سبب داخل شدن به بهشت است، نبی اکرم ﷺ به ربیعهٔ بن کعب هنگامیکه همراهی ایشان را در بهشت تقاضا نمود فرمودند: ((مرا با سجده بسیار خود یاری ده)).

(۴) بروایت احمد.
(۵) بروایت مسلم.
(۶) درنه: چرکش.
(۷) باتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

حکم نماز

وجوب نمازهای پنجگانه به قرآن وسنت واجماع ثابت است:

۱.قرآن: خداوند ﷻ فرموده است: " ونماز را بر پا دارید وزکات را بدهید وبا رکوع کنندگان رکوع کنید" (بقرة ۴۳)

۲.سنت: رسول الله ﷺ فرموده اند: "اسلام بر پنج چیز بنا شده است: شهادت دادن اینکه خدای جز الله نیست، ومحمد بنده وفرستادهٔ اوست، وبرپاداشتن نماز، ودادن زکات، وحج بیت الله، وروزه رمضان"[۱].

ـ واز طلحه بن عبیدالله روایت است که مردی از نبی اکرم ﷺ در مورد اسلام پرسید، آنحضرت ﷺ فرمودند: " پنج بار نماز در شب وروز، پس از آن گفت: آیا غیر از آن برمن دیگری هم است، فرمودند: نه، مگر اینکه نفل اداء کنی"[۲].

۳. اجماع: امت اسلام بر فرضیت نمازهای پنجگانه در یک شب وروز اجماع دارند.

نماز بر چه کسی فرض است؟

نماز بر هر مسلمان بالغ ، عاقل، مرد ویا زن فرض است.

> ### قضای نماز
> کافر به ادای نماز های قضا شدهٔ قبل از اسلامش امر نمیشود، زیرا که اسلام ماقبلش را نابود میکند.

(۱) باتفاق بخاری ومسلم.
(۲) باتفاق بخاری ومسلم.

حکم کسیکه نماز نمی خواند

۱ـ کسیکه نماز نمی خواند ومنکر فرضیت آن میباشد:

اگر نادان باشد، بوی آموزش داده میشود، اگر با آنهم به انکارش ادامه داد، کافر بوده، وتکذیب کننده الله ورسولش واجماع مسلمانان میباشد.

۲ـ کسیکه از تنبلی نماز را ترک کند:

کسیکه نماز را عمدا وقصدا واز تنبلی ترک کند کافر میشود، ولی امرش باید او را به نماز خواندن دعوت کند، وبرای مدت سه روز از او بخواهد که توبه کند، اگر توبه نکرد، به حیث مرتد کشته میشود, بدلیل فرموده آنحضرت ﷺ: " عهد میان ما وآنان نماز است، اگر آنرا ترک کنند، کافر شوند"،[۱]وفرموده آنحضرت ﷺ: میان مرد ومیان شرک وکفر، ترک نماز است"[۲].

> ### نماز کودک
> کودک هنگامیکه هفت ساله شد به خواندن نماز امر میشود، تا برایش تمرین شود، وهنگامیکه ده ساله شد به کیفر نخواندن نماز مورد ضرب غیر دردناک قرار میگردد. آنحضرتﷺ فرمودند:" فرزندانتانرا به نماز خواندن امر کنید، در حالیکه هفت ساله باشند، وآنانرا مورد کیفر ضرب قرار دهید اگر ده ساله باشند[۱].
>
> (۱) بروایت ابوداود.

(۱) بروایت ترمذی.
(۲) بروایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

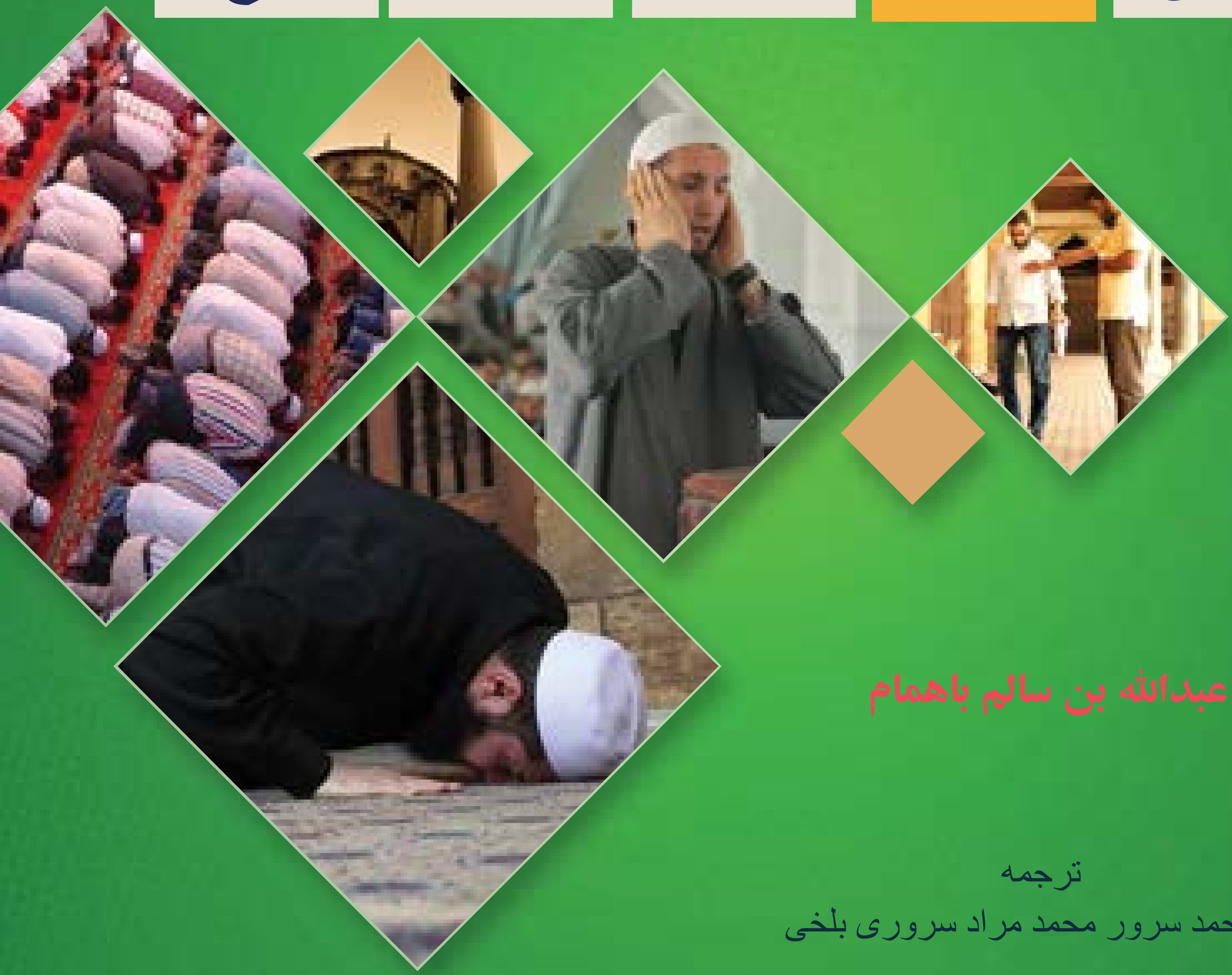

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

اذان واقامت

https://www.al-feqh.com/fa

۲

اذان واقامت

مطالب

تعریف اذان واقامت

حکم اذان واقامت

حکمت اذان

اذان چه زمانی مشروع گرید وسبب آن چه بود؟

فضیلت اذان

شرطهای صحت اذان

سنتهای اذان

وصف اذان واقامت

آنچه برای کسیکه اذان را میشنود مستحب است

از احکام اذان واقامت

اذان

آگهی به داخل شدن وقت نماز با ذکر مخصوص .

اقامت

آگهی برپایی نماز با ذکر مخصوص.

اقامت

۱ـ در مورد جماعت

سنت مؤکد است[۱]ـ برای نمازهای فرضی پنجگانه ـ در سفر وحضر، زیرا که از شعائر ظاهری اسلام بوده که ترک آنها جواز ندارد، آنحضرت ﷺ فرموده اند: "هنگامیکه وقت نماز فرا رسد، باید یکی از شما اذان بدهد، سپس سالمندتر شما امامت کند".[۲]

(۱) فرض کفایی: فرضی است که اگر کسی آنرا اداء کند، گناه از دیگران نیز ساقط میگردد.
(۲) باتفاق بخاری ومسلم.

۲ـ در مورد تنها گذار

سنت است، از عقبه بن عامر ﷺ روایت است که گفت: از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمودند: "پروردگارت از چوپان گوسفندانیکه در موقعیت قله[۳] کوهی قرار دارد، برای نماز اذان میدهد، ونماز می خواند به شگفت میشود، الله ﷻ میفرماید: به این بنده ام بنگرید، اذان میدهد، ونماز میخواند، از من میترسد، این بنده ام را مغفرت کردم، ودر بهشت داخلش کردم"[۴]

حکمت اذان

۱. آگهی برای داخل شدن وقت نماز ومکانش میباشد.

۲. تشویق کردن بر نماز جماعت است.

۳. آگاهانیدن غافلان، ویاد آوری فراموشکاران برای ادای نمازیکه از بزرگترین نعمتها است..

(۳) شظیة: موقعیت مرتفع در قله کوه.
(۴) بروایت نسائی

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

اذان چه زمانی مشروع گرید وسبب آن چه بود؟

اذان در سال اول هجری مشروع گردید، وسبب وعلت آن: نیاز به آن شد تا علامهٔ وضع شود که داخل شدن وقت نماز را برای همه نمایان سازد، مسلمانان درین مورد باهم مشوره نمودند، شب فرا رسید عبدالله بن زید در خواب مردی را دید که ناقوسی[۱] را برداشته، برایش گفت: (آیا این ناقوس را میفروشی؟) آنمرد گفت: (با آن چه کار میکنی) عبدالله گفت: (با آن به نماز دعوت میکنم) مرد گفت: (آیا ترا به چیزی بهتر از آن رهنمایی نکنم) عبدالله گفت: (آری) پس همین اذان مشهور را برایش آموزش داد، وسپس اقامت را نیز به وی آموزانید.[۲]

عبدالله گفت: وقتی صبح فرا رسید نزد رسول الله ﷺ رفتم، وآنچه در خواب دیده بودم حکایت کردم، آنحضرت ﷺفرمودند:(این رؤیای حق است ـ بخواست خداوند ـ برخیز همراه بلال آنرا بوی القاء کن، زیرا که صدای وی از صدای تو بهتر وقویتر است".[۳]

فضیلت اذان

۱. برای مؤذن در پیش الله ﷻ در روز قیامت هر چیزیکه صدایش بآن رسیده شهادت میدهد، آنحضرت ﷺ فرمودند: (به اندازهٔ دوری صدای مؤذن اگر جنی ویا انسی ویا چیز دیگری آنرا میشنود، بدون تردید در قیامت برایش شهادت میدهد".[۴]

۲. اگر مردم از فضیلت آن آگهی یابند حتما برای دریافتش به رقابت میپردازند، آنحضرت ﷺ فرمودند:(اگر مردم از آنچه در اذان، وصف اول نماز نهفته است آگاه شوند، و راهی جز قرعه اندازی[۵] نیابند، حتما به قرعه کشی دست میزنند).[۶]

شرطهای صحت اذان

۱. از سوی مسلمان مرد وعاقل اداء شود.

۲. با ترتیب باشد.

۳. پیهم باشد، میان کلماتش فاصلهٔ زیادی نباشد.

۴. داخل وقت نماز باشد.

سنتهای اذان

۱. رو به قبله باشد.

۲. مؤذن از جنابت وبی وضوئی پاک باشد.

۳. در هنگام گفتن حی علی الصلاة بسوی راست وگفتن حی علی الفلاح بسوی چپ روی خود را بگرداند.

۴. مؤذن در هنگام اذان دو انگشت سبابه خود را در گوشهایش بگذارد.

۵. مؤذن باید دارای صدای خوب وبلند باشد.

۶. اذان را بصدای خوب اداء کند، وتأنی در آن بکار برد.

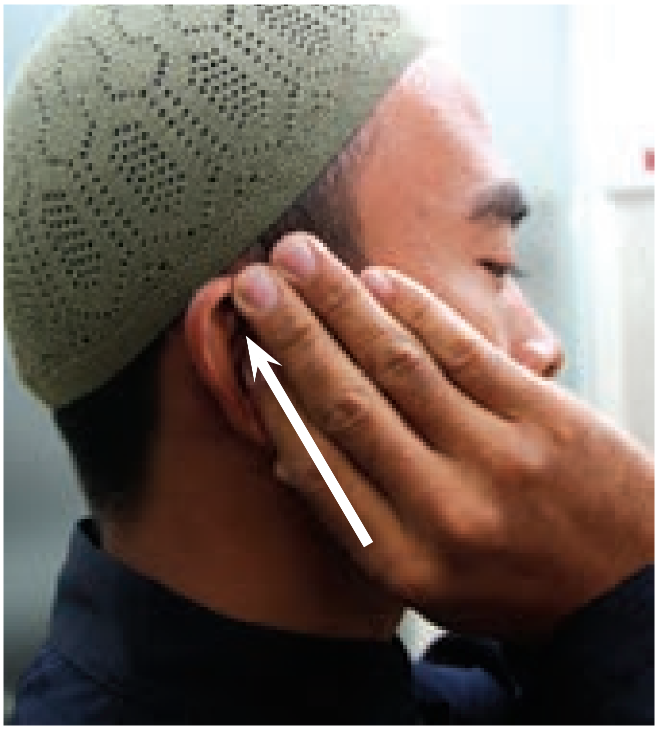

(۱)ناقوس: زنگ.
(۲) بروایت دارمی.
(۳) بروایت ابوداود.
(۴)بروایت بخاری.
(۵) الاستهام: قرعه کشی جهت خروج مستحق برای تقدیم.
(۶) بروایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

وصف اذان واقامت

۱. وصف اذان: «الله أکبر، الله أکبر، الله أکبر، الله أکبر، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمداً رسول الله، أشهد أن محمداً رسول الله، حَیَّ علی الصلاة، حَیَّ علی الصلاة، حَیَّ علی الفلاح، حَیَّ علی الفلاح، الله أکبر، الله أکبر، لا إله إلا الله»(۱)

۲. وصف اقامت: « الله أکبر، الله أکبر، الله أکبر، الله أکبر، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن لا إله إلا الله، أشهد أن محمداً رسول الله، أشهد أن محمداً رسول الله، حَیَّ علی الصلاة، حَیَّ علی الصلاة، حَیَّ علی الفلاح، حَیَّ علی الفلاح، ، قد قامت الصلاة، قد قامت الصلاة، الله أکبر، الله أکبر، لا إله إلا الله».

آنچه برای کسیکه اذان را میشنود مستحب است

۱. مانند آنچه مؤذن میگوید او نیز بگوید، مگر در هنگامیکه مؤذن: (حی علی الصلاة، حی علی الفلاح) میگوید، وی: (لاحول ولاقوة إلا بالله)(۲)بگوید.

۲. پس از اذان میگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، رَضِيتُ بِاللهِ رَبًّا، وَبِمُحَمَّدٍ ﷺ رَسُولًا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا»(۳).

۳. برنبی اکرمﷺ بعد از اذان درود بفرستد، وپس از آن بگوید:«اللَّهُمَّ رَبَّ هَذِهِ الدَّعْوَةِ التَّامَّةِ، وَالصَّلَاةِ الْقَائِمَةِ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا الَّذِي وَعَدْتَهُ»(۴).

۴. در میان اذان واقامت، برای خودش دعا کند، زیرا که دعاء درین وقت رد نمیشود، بدلیل فرمودهٔ آنحضرت ﷺ: "دعاء میان اذان واقامت رد نمیشود".(۵)

(۱) بروایت مسلم
(۲) بروایت بخاری.
(۳) بروایت مسلم.
(۴) بروایت ابوداود.
(۵) بروایت احمد.

از احکام اذان واقامت

۱. ۱ـ هنگام جمع بین دو نماز مانند ظهر وعصر، به یک اذان اکتفاء میشود، وبرای هر نماز اقامت جداگانه گفته میشود.

۲. ۲ـ هرگاه اقامت گفته شد، پس از تاخیری نماز شروع گردید، نیازی به اعاده اقامت برای بار دوم وجود ندارد.

۳. مؤذن باید از اشتباه در کلمات اذان احتیاط کند، از آنجمله:

أ ـ گفتن: «آلله آکبر؟» به صیغه استفهام.

ب ـ گفتن: «الله اکبار» با افزایش الف بعد از باء.

ج ـ گفتن: «الله واکبر» با افزایش واو.

۴. هنگامیکه نماز برپا شد، شروع به نماز نفلی جواز ندارد، هرگاه اقامت گفته شد، ونماز نفلی را پیش از آن آغاز نموده بود، اگراندکی از آن باقی مانده است میتواند آنرا تکمیل کند، ودرغیر این حالت – بدون سلام– نماز نفلی را ترک کند وبا امام به جماعت فرضی بپیوندد.

۵. اذان کودک ممیز صحیح است.

۶. برای نمازهای که به سبب خواب ویا فراموشی قضاء شده اذان واقامت گفتن جواز دارد، زیرا از نبی اکرمﷺ ثابت شده ـ هنگامیکه صحابه کرام از نماز صبح تا طلوع خورشید بخواب رفتند ـ به بلال امر کردند تا اذان بگوید، پس از آن وضوء کردند ودو رکعت ـ سنت ـ فجر را خواندند، پس از آن به بلال امر کردند تا اقامت گوید ونماز صبح را با یاران اداء کردند.(۶)

۷. کسیکه در مسجد بود، پس از اذان بدون عذر از مسجد بیرون نرود، زیرا از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که گفت: "رسول الله ﷺ به ما امر کردند، هرگاه در مسجد بودید واذان گفته شد، از مسجد بیرون نشوید مگر اینکه نماز خوانده باشید".(۷)

(۶) بروایت ابوداود.
(۷) بروایت احمد.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

شایسته نیست

۱ـلحن وخوش آوازی به گونه ایکه باعث تغیر حروف، وحرکات، وسکنات، وکم وزیاد در کلمات اذان شود.

۲ـ بعد از اذان با صدای بلند درود وسلام به نبی اکرم ﷺ فرستادن.

۳ـهنگام شنیدن: (قد قامت الصلاۀ): (أقامها الله وأدامها) گفتن، بلکه همان کلمات اقامت را تکرار کند.

اذان فجر

در اذان اضافه میشود: «الصلاۀ خیرمن النوم» دو بار، بدلیل فرموده آنحضرت ﷺ: " هرگاه نماز صبح بود بگو: الصلاۀ خیر من النوم، الصلاۀ خیر من النوم".[۱]

(۱) به روایت ابوداود

فائدۀ

بعد از اذان وپیش از اقامت از مسجد بیرون رفتن مجاز نیست، به دلیل حدیث ابی هریره رضی الله عنه مردی را دید که پس از اذان از مسجد میگذشت، فرمود: اما این کس به ابا القاسم ﷺ عصیان می ورزد..

اذان شیطان را می راند

از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که فرمود: رسول الله ﷺ فرمودند: هنگامیکه برای نماز ندا زده میشود، شیطان در حالیکه بادش میرود به پشت بر میگردد تا اذان را نشنود، هرگاه اذان پایان یافت پیش میآید، هنگامیکه اقامت گفته شد به پشت بر میگردد، وزمانیکه اقامت پایان یافت پیش میآید، تا اینکه مرد نمیداند که چند رکعت خوانده است، اگر یکی از شما ندانست که چند رکعت خوانده است، سه ویا چهار رکعت، باید در حالیکه نشسته است دو سجده کند)).[۱]

(۱) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

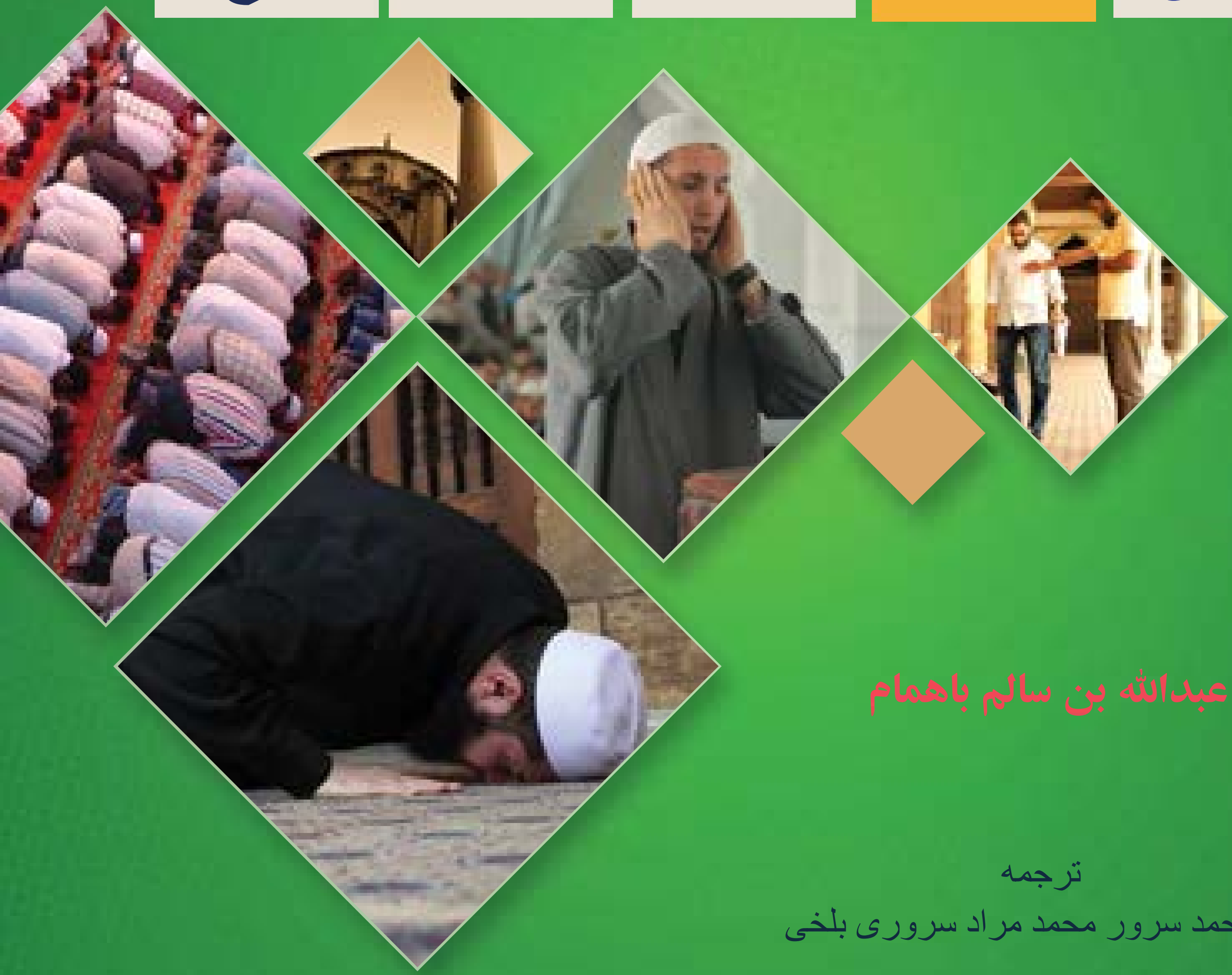

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

شرطهای صحت نما ز

https://www.al-feqh.com/fa

۳

شرطهای صحت نماز

مطالب

شرطهای صحت نماز

۱ـ داخل شدن وقت است

۲ـ پاکی از بی وضوئی وجنابت

۳ـ پاکی لباس وبدن

۴ـ ستر عورت

۵ـ روبسوی قبله کردن

۶ـ نیت

۷ـ تکبیر تحریمه

یکم: دخول وقت

برای نماز فرض وقتی است که قبل از آن ونیز بعد از آن صحیح نیست، مگر با عذر، خداوند ﷻ میفرماید: نماز بر مؤمنان فرض وقتی است. (نساء ۱۰۳) یعنی: فرض شده در اوقات معین.

و اوقات نماز ازینقرار است:

۱ـ وقت فجر:

از طلوع صبح صادق – سفیدی که در افق سمت شرق دیده میشود– تا طلوع خورشید.

۲ـ وقت ظهر:

از زوال خورشید تا هنگامیکه سایهٔ هر چیز باندازهٔ دو برابرآن بجز از سایهٔ زوال امتداد یابد، زمانیکه خورشید طلوع میکند برای شاخص سایهٔ در سمت غرب دیده میشود، پس از آن این سایه کم شده میرود تا اینکه بکلی متوقف میشود، وپس از آن بار دیگر ظهور نموده افزایش می یابد، که همین شروع افزایش را وقت زوال میگویند.

۳ـ وقت عصر:

از پایان وقت ظهر تا غروب خورشید میباشد.

۴ـ وقت مغرب:

از غروب خورشید آغاز وتا ناپدید شدن شفق سرخ ـ روشنی سرخی است که هنگام غروب در افق آسمان پدید می آید ـ ادامه دارد.

۵ـ وقت عشاء:

از پایان وقت مغرب آغاز میشود تا طلوع صبح صادق میباشد، ونزد بعض علماء تا نیمه شب است، زیرا آنحضرتﷺفرموده اند: "ووقت نماز عشاء یا خفتن تا نیمهٔ وسط شب میباشد".[۱]

در عصر حاضر میتوان اوقات نمازها را بآسانی از تقویم دریافت کرد.

(۱) بروایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

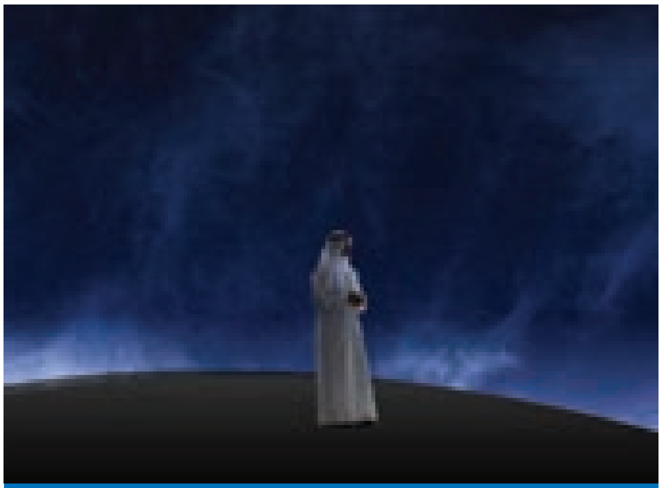

نماز فجر

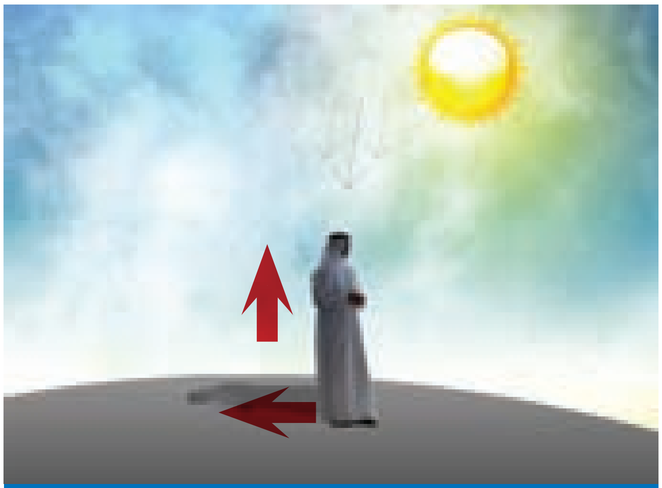

نماز ظهر

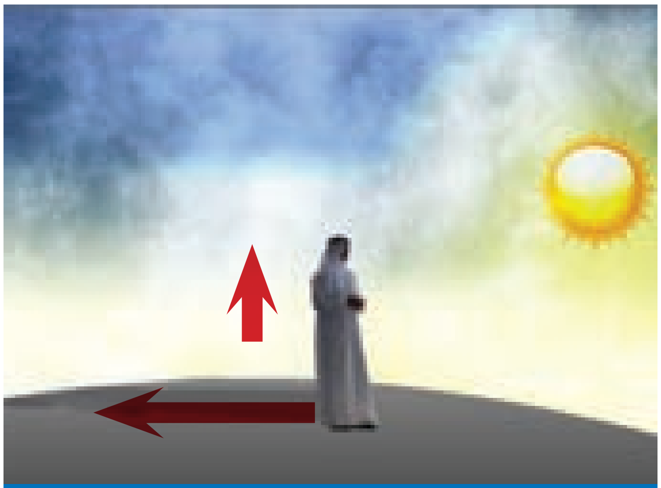

نماز عصر

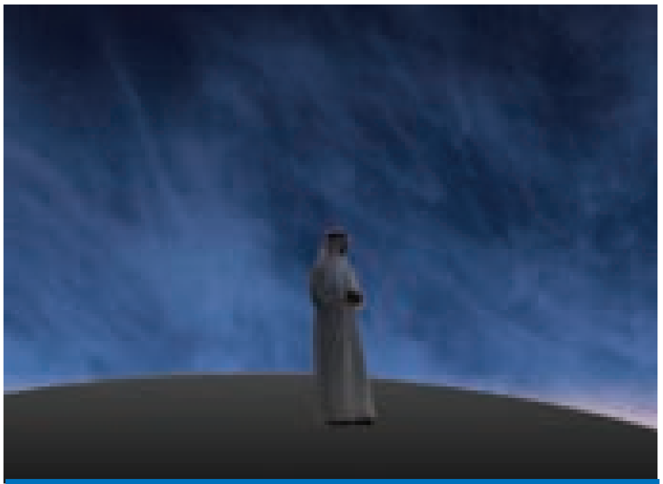

نماز مغرب

نماز عشاء

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

فوائد

۱ـ کسیکه یک رکعت نماز را پیش از خروج وقت دریابد، نماز را دریافته است، زیرا آنحضرت ﷺ فرموده اند: " کسیکه یک رکعت نماز را دریابد، بدون تردید همان نماز را دریافته است ".(۱)

۲ـ اگر بعلت خواب ویا فراموشی نمازی ترک شد، باید فورا آنرا اداء کند، زیرا که آنحضرت ﷺ فرموده اند:" کسیکه نمازی را فراموش کرد، هنگامیکه به یادش آمد باید آنرا اداء کند، کفاره ای بر وی جز اداء نمیباشد.(۲)

(۱) باتفاق بخاری ومسلم.
(۲) باتفاق بخاری ومسلم.

دوم: پاکی از بی وضوئی وجنابت

۱ـ پاکی از بی وضوئی

با وضوء کردن پایان میگیرد، آنحضرت ﷺ فرموده اند:" الله تعالی نماز یکی از شما را که بی وضوء گردد قبول نمیکند تا اینکه وضوء کند".(۱)

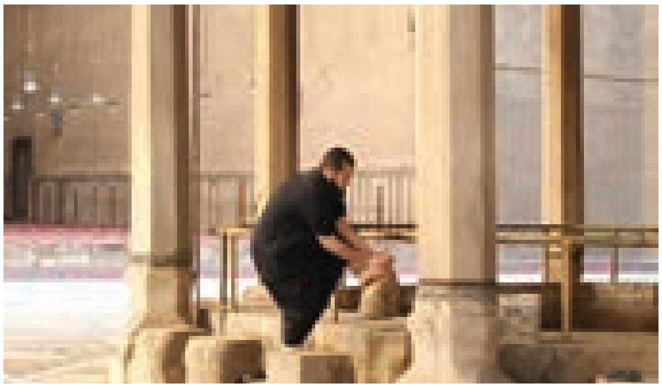

(۱) بروایت بخاری.

۲ـ پاکی از جنابت

که با غسل کردن پایان می یابد، زیرا که خدای ﷻ میفرماید: " و اگر جنب بودید خود را خوب پاک کنید" (مائده:۶)

کسیکه در نماز به یادش آمد که بی وضوء میباشد، ویا در اثنای ادای نماز بی وضوء گردید، نمازش باطل شده است، باید برای وضوء کردن بدون سلام دادن بیرون رود، زیرا که نمازش قطع شده پایان نیافته است، سلام دادن برای خاتمه نماز میباشد.

سوم: پاکی لباس، بدن ومکان

۱ـ پاکی لباس

بدلیل فرموده خداوند متعال: (ولباست را پاک کن) (مدثر:۴)

پاکی لباس

۲ـ پاکی بدن

بدلیل آنچه ثابت شده رسول الله ﷺ از نزدیکی دو قبری عبور میکردند، فرمودند:" این دو تعذیب میشوند، نه بخاطر گناه کبیره، این یکی خود را از ادرار خوب پاک(۲) نمیکرد".(۳)

(۲) لایستنزه من البول: از ادرار اجتناب نمیکرد وخود را نگه نمیداشت.
(۳) بروایت ابوداود.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۳ـ پاکی مکان

بدلیل حدیث بادیه نشین عرب که در مسجد ادرار نمود، آنحضرت ﷺ فرمودند: "بگذارید، و بریزید[۱] بر ادرارش دلوی[۲] از آب ".[۳]

پاکی مکان

نماز ونجاست

کسیکه نماز خواند واز نجاستی که بر وی بود آگهی نداشت، ویا اینکه موجودیت آنرا فراموش کرده بود، نمازش صحیح است، زیرا ثابت شده که رسول الله ﷺ نماز میخواند، کفشهایشانرا از پا کشیدند، مردم نیز کفشهایشان از پا کشیدند، هنگامیکه نماز پایان یافت، آنحضرت ﷺ فرمودند: "چرا کفهایتانرا از پا کشیدید؟ گفتند: ای رسول الله، دیدیم که شما کفشهایتان را کشیدید، ما نیز کفشهای خود را کشیدیم. آنحضرت ﷺ فرمودند: جبریل آمد، ومرا از وجود پلیدی در آنها خبر داد، هرگاه یکی از شما به مسجد آمد، باید کفشهایش را بگرداند، وببیند، اگر پلیدی در آن دید باید بر زمین بمالد، پس از آن میتواند با آنها نماز بخواند".[۴]

کسیکه در اثنای نماز از وجود نجاستی بر خود آگهی یافت، باید آنرا زائل کند، سپس به نماز خود ادامه دهد، ونظر به حدیث یاد شده بر نماز خود بنا کند، اگر توان زائل کردن پلیدی را نداشت نمازش باطل میباشد.

(۱) هریقوا: بریزید.
(۲) ذنوبا: دلوی بزرگ پر از آب.
(۳) باتفاق بخاری ومسلم.
(۴) بروایت ابوداود.

همه روی زمین مسجد است

همه روی زمین مسجد است ونماز در آن صحیح میباشد، آنحضرت ﷺ فرموده اند: "وروی زمین برایم مسجد گردانیده شد وپاک است، پس هریک از امتم را که نماز دریابد، باید آنرا اداء کند".[۵] ازین موضوع نهی که وارد شده مستثنا میشود، مانند: نماز در گورستان[۶] وحمام، بدلیل فرموده نبی اکرم ﷺ: "همهٔ زمین مسجد است، مگر گورستان وحمام"[۷] وهمچنن طویله اشتران، بدلیل فرموده نبی اکرم ﷺ: "در طویلهٔ اشتران نماز مخوانید"[۸]

وأعطان الإبل: جائیکه اشتران در آن میخوابند ومأوا میگیرند.

(۵) باتفاق بخاری ومسلم.
(۶) نماز جنازه ازآن مستثنا میباشد.
(۷) بروایت ترمذی.
(۸) بروایت ترمذی.

نماز در حمام

نماز در قبرستان

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

چهارم: پوشانیدن عورت

عورت مرد: از ناف تا زانو.

عورت زن در نماز: تمام بدنش عورت است بجز روی و کفهای دستانش.

پوشانیدن شانه ها

نماز با شانه های برهنه

نماز گذار باید چیزی بپوشد که میان بازو و گردنش را بپوشاند، بدلیل فرموده‌ٔ آنحضرت ﷺ: "یکی لباسی که بر شانه اش چیزی از آن نباشد، نماز نخواند"[1].

(۱) بروایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

پنجم: توجه بسوی قبله

وقبله همان کعبه معظمه است.

الله ﷻ فرموده است:" روی خود را بسوی مسجد الحرام بگردان، وهر جا که باشید روهایتانرا بسویش متوجه گردانید" (بقره: ۱۴۴)

و رعایت بعض امور لازم میباشد:

۱. کسیکه در داخل مسجد الحرام نماز میخواند واجب است که توجهش به خود کعبه باشد، اما کسیکه دور از کعبه نماز میخواند، روی خود را بسوی کعبه میگرداند، زیرا وی احیانا نمی تواند به عین کعبه متوجه گردد، وبهمین دلیل نبی اکرم ﷺ فرموده اند:" میان مشرق ومغرب قبله است".[۱]

۲. قبلهٔ نمازگذار نفلی سواره همان سمت مقصد سفرش میباشد، زیرا ثابت شده که رسول الله ﷺ زمانیکه بر مرکب خود سوار بودند وقبل ازینکه بسمتی رهسپار شوند نفل[۲] میخواندند، ووتر نیز بر آن میخواندند، مگر نماز فرضی بر آن اداء نمیکردند[۳].

(۱) بروایت ترمذی.
(۲) یسبح: نماز نفلی میخواند.
(۳) بروایت ابوداود.

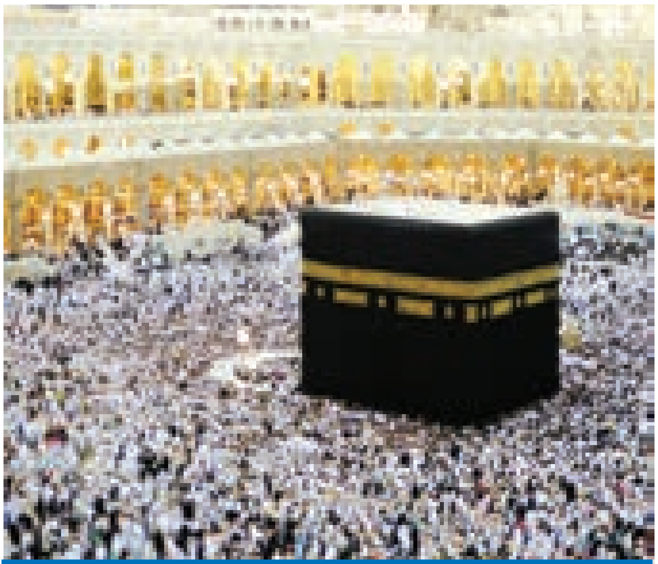

کسیکه در داخل حرم نماز میخواند

کسیکه جهت قبله را نداند چه کار میکند؟

کسیکه سمت قبله را نمیداند، اگر در ساختمانی قرار داشت ویا مردمانی نزدیکش بودند، از آنها قبله را می پرسد ویا بوسیلهٔ قبله نما ویا بوسیلهٔ خورشید یا ماه ویا مانند آن قبله را شناسائی میکند، اگر عاجز ماند، بر گمان غالب حکم میکند، بدلیل فرمودهٔ الله تعالی: " از الله بقدر توان خود بترسید" (تغابن:۱۶).

کسیکه دور از کعبه نماز میخواند

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

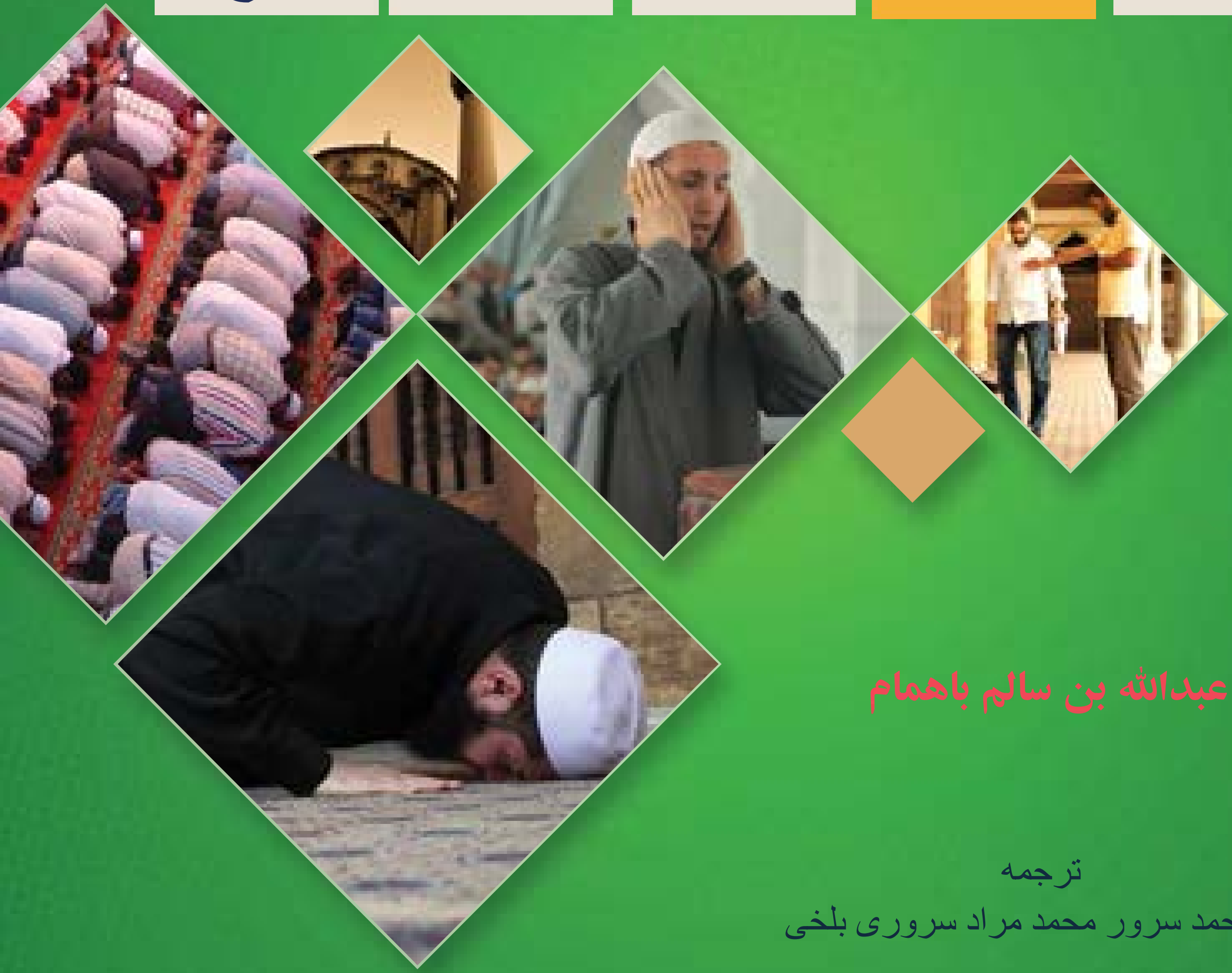

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

از آداب نما ز

https://www.al-feqh.com/fa

۴

از آداب نماز

نماز عبادت بزرگیست، که مسلمان با قلب وبدنش متوجه الله تعالی میشود، شایسته است که قبل از آن آمادگی روحی وجسمی لازم را اتخاذ نماید، تا خود را برای آن متفرغ نموده وبر شیوهء درستش آنرا اداء کند، لذا موارد زیر برایش مشروع گردیده است:

مطالب

آداب نماز
۱ـ اخلاص
۲ـ اسباغ وضوء
۳ـ پیش از وقت به نماز رفتن
۴ـ ذکر الله
۵ـ با آرامی ووقار به نماز رفتن
۶ـ ذکر گفتن هنگام داخل شدن وبیرون رفتن از مسجد
۷ـ تا دو رکعت نماز نخوانده است منشیند.
۸ـ انگشتانشرا باهم نبندد
۹ـ به ذکر مشغول شود
۱۰ـ فروتنی در نماز
۱۱ـ به سنت نبی اکرم ﷺ پابند باشد

۱ـ اخلاص

الله تعالی فرموده است: (امر نشده اند مگر اینکه الله را عبادت کنند، دین را خالص برای او بگردانند،ونماز را اقامه کنند، وزکات را بدهند، این است دین ملت مستقیم) (البینة:۵)

الله تعالی هیچ عملی را نمی پذیرد، مگر اینکه خالصا لله بوده، در آن خود نمائی وشهرت طلبی، ویا هیچ نوعی از شرک به الله نباشد.

۲ـ اسباغ وضوء

ویعنی به وجه دقیق وکامل تر آن انجام دهد.

از ابی هریرة رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺفرمودند:

(آیا شما را بر آنچه که با آن الله تعالی اشتباهات را محو نموده، مراتب را بلند میکند، دلالت نکنم؟ گفتند: آری دلالت کنید ای رسول الله. فرمودند: در حال مشقت وسختی ـ مانند سرما وغیره ـ خوب وضوء کردن[۱]، کثرت گام برداری بسوی مساجد، وانتظار نماز پس از نماز، این است رباط یعنی بستن نفس برای طاعت[۲]). [۳]

۳ـ پیشتر به نماز رفتن

یعنی پیشتر به مسجد رفتن، جهت دریافت فضیلت انتظار نماز، از ابی هریرة رضی الله عنهروایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:

(انتظار نماز برای یکی از شما حکم نماز را دارد)[۴]

۴ـ ذکر الله

ـ هنگام بیرون رفتن از خانه، باید ذکر خدا را چنین بگوید:(بنام الله، بر الله توکل کردم، هیچ توان وقوتی نیست مگر بوسیلهء الله) [۵] (ای بار خدایا بتو پناه میبرم ازینکه گمراه کنم ویا گمراه شوم، ویا بلغزانم ویا لغزانیده شوم، ویا ظلم کنم ویا

(۱) مکاره: آنچه برای انسان سختی آورد چون سرما ومانند آن.
(۲) رباط: بستن نفس برای طاعت.
(۳) بروایت مسلم.
(۴) بروایت بخاری.
(۵) بروایت ابوداود.

https://www.al-feqh.com/fa

برمن ظلم شود ویا به کسی ناسزا بگویم ویا به من ناسزا گفته شود)[۱].

ـ هنگام رفتن به مسجد ذکر الله را چنین گوید:;)ای بار خدایا در قلبم نوری بگردان، ودر زبانم، ودر شنوائیم ودر بینائیم ودر عقبم ودر پیش رویم نوری بگردان، ونیز از فوقم وتحتم نوری بگردان، ای بار خدایا به من نوری عطاکن).[۲]

۵ـ با آرامی ووقار به نماز رفتن

بدلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ: (هنگامیکه اقامت را شنیدید به سوی نماز بروید، وبرشماست آرام[۳] وبا وقار[۴]باشید وعجله نکنید، آنچه را دریافتید بخوانید، وآنچه را در نیافتید تکمیل کنید).[۵]

۶ـ هنگام داخل شدن وخارج شدن از مسجد ذکر ویژه را بخواند

ـ هنگام داخل شدن بمسجد میگوید: (پناه میجویم به الله عظیم وبه وجه کریمش، وبه سلطان قدیمش از شیطان رجیم)[۶](بنام الله ودرود وسلام بر رسول الله) [۷] (ای بار خدایا درهای رحمت خود را بر من بگشا)[۸].

ـ هنگام بیرون رفتن از مسجد میگوید: (بنام الله ودرود وسلام بر رسول الله، ای بار خدایا من فضلت را مسألت دارم، ای بار خدایا مرا از شیطان رجیم در امان نگهدار).[۹]

(۱) بروایت ابوداود.
(۲) بروایت مسلم.
(۳) سکینة: آرامش وآهستگی در رفتار را گویند.
(۴) وقار: رزانت وچشم پوشی وقلت التفات را گویند.
(۵) باتفاق بخاری ومسلم.
(۶) بروایت ابوداود.
(۷) بروایت ابوداود.
(۸) بروایت مسلم.
(۹) بروایت ابن ماجه.

۷ـ منشیند مگر اینکه دو رکعت نماز بخواند

بدلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ: (هنگامیکه یکی از شما به مسجد وارد شود، قبل از نشستن دو رکعت نماز بخواند).[۱۰]

۸ـ از تشبیک انگشتان (آنها را در یکدیگر داخل کردن) اجتناب ورزد

بدلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ: (زمانیکه یکی از شما وضوء کند و وضویش را بسیار خوب انجام داد، پس از آن قصد مسجد را نمود، میان انگشتانش تشبیک نکند، زیرا که وی در نماز قرار دارد).[۱۱]

۹ـ مشغول شدن به ذکر

در حین انتظار نماز بهتر است به ذکر، دعا وتلاوت قرآن، بدون اخلال به نمازگذاران مشغول شود.

۱۰ـ خشوع در نماز

وآن مغز نماز وروحش بوده، نماز بدون خشوع وبدون حضور قلبی مانند جسد مرده است که روح ندارد، ابن رجب رحمه الله میگوید: (اصل خشوع: نرمش، رقت، آرامش، خضوع، انکسار وسوزش قلب میباشد، اگر قلب خاشع بود سایر اعضاء نیز خاشع میشود، همه پیرو آن میباشند)[۱۲]قلب محل خشوع بوده که زبان گویای وی سائر اعضاء میباشد.

۱۱ـ در نماز از سنت نبی اکرم ﷺ پیروی کرد

نماز عبادتی است که باید در آن متابعت شود، به گونهٔ که هیچ فعلی ویا هیچ قولی که آنحضرتﷺآنرا نکرده ویا نگفته در آن نباشد، بدلیل فرمودهٔآنحضرتﷺ: (نماز بخوانید همانطوریکه مرا دیدید که نماز میخوانم).[۱۳]

(۱۰) باتفاق بخاری ومسلم.
(۱۱) بروایت ابوداود.
(۱۲) خشوع: این رجب.
(۱۳) بروایت بخاری.

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

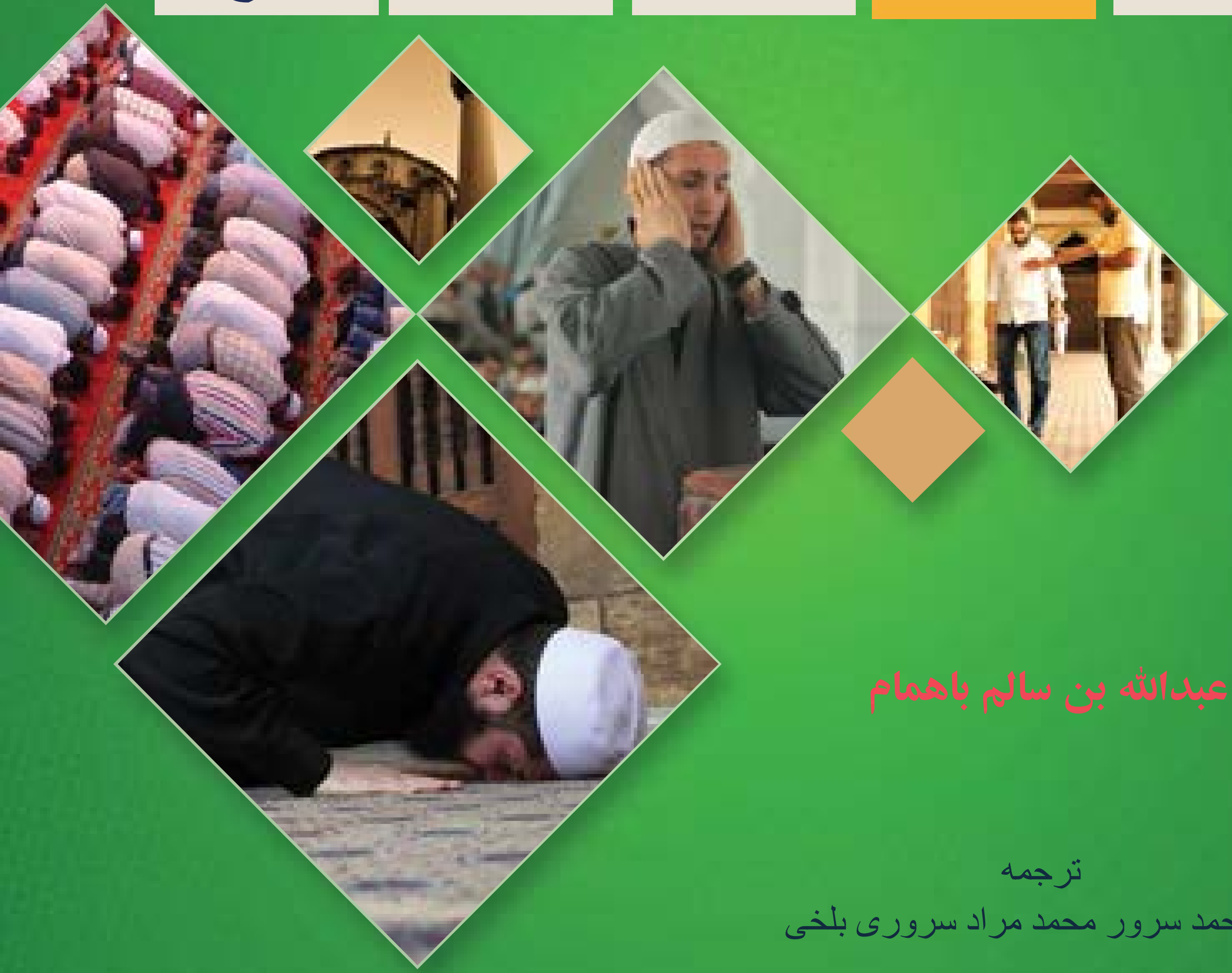

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه
د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

ستره نماز گذار

https://www.al-feqh.com/fa

ستره نماز گذار

مطالب

تعریف ستره نماز گذار
مشروعیت ستره نماز گذار
حکم ستره نماز گذار
از احکام ستره نماز گذار

ستره نماز گذار

چیزیکه نماز گذار میان خود ومیان کسیکه از پیش رویش میگذرد قرار میدهد.

مشروعیت ستره نماز گذار

ستره گذاشتن در سفر واقامت ودر نماز فرضی ونفلی در مسجد وغیر مسجد مشروعیت دارد، زیرا که از نبی اکرم ﷺ ثابت است که فرموده اند: (یکی از شما اگر نماز میخواند، باید بسوی ستره نماز بگذارد، وخود را به آن نزدیک کند).[۱]

واز وهب رضی الله عنه روایت است که گفت: (نبی اکرم ﷺ در منا بما امامت کردند، چوبدست کوتاهی را در پیش رویشان بزمین کوبیدند، سپس با ما دو رکعت نماز اداء کردند).[۲]

حکم ستره نماز گذار

ستره گرفتن سنت مشروع است، نبی اکرم ﷺ برای گذاشتن ستره برای امام ونماز گذار تنها، امر وتشویق نیز کرده است، بنا برین شایسته است که هر مسلمان در هنگام نماز در پیش رویش ستره بگذارد، واز عبور میان خود وستره اش جلوگیری کند، بدلیل فرمودهٔ آنحضرت ﷺ: (بدون ستره نماز مخوان، وکسیرا مگذار از پیش رویت عبور کند، اگر ابا ورزید با وی به قتال بپرداز).[۳]

امر درینجا برای مستحب بودن است باجماع فقهاء

(د.وهبة الزحيلي، الفقه الإسلامي وأدلته: ج ۱/ص۷۵۲)

حکمت ستره نماز گذار

مشروعیت ستره نماز گذار حکمت های متعددی دارد که از آنجمله نکات زیر میباشد:

۱. جلوگیری عبور از پیش روی نماز گذار که مانع خشوع وی در نماز میشود.
۲. منحصر کردن تفکر نماز گذار به نماز، در هنگام ادای نماز وجلوگیری از مشغولیت به تفکر بیجا.
۳. جلوگیری از انقطاع نماز که با عبور زن، ویا سگ ویا الاغ واقع میشود، بنا بر حدیث ابی ذر رضی الله عنه که گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: (هرگاه یکی از شما برخاست تا نماز گذارد، اگر چیزی مانند زین ویا پالان در پیش رویش بود آنرا ستره بگرداند، اگر چنین چیزی در برابرش نبود، عبور

(۱)بروایت ابوداود
(۲) بروایت احمد
(۳) بروایت ابن خزیمه

https://www.al-feqh.com

https://www.al-feqh.com/fa

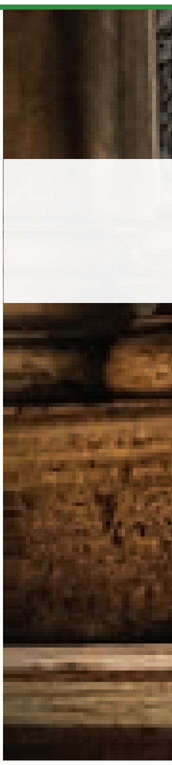

الاغ، زن وسگ سیاه سبب انقطاع نمازش میشود، گفتم: ای ابا ذر سگ سیاه از سگ سرخ وزرد چه تفاوتی دارد؟ گفت: ای برادر زاده، از رسول الله ﷺ پرسیدم مانند آنچه میپرسی، فرمودند: (سگ سیاه شیطان میباشد).[۱]

امام نووی گفته است که مراد از قطع نماز درینجا قطع خشوع وذکر است، زیرا که با التفات بآنها ذهنش مشغول میشود، نه اینکه نمازش فاسد میشود.(المجموع: ۳/۲۳۳)

از احکام ستره نماز گزار

۱. ستره گذاشتن برای امام ویا تنها گذار می باشد، اما برای مقتدی ستره امام کفایت میکند، از ابن عباس ﷺروایت است که گفت: (سوار بر الاغ ماده[۲] آمدم، در آنوقت به بلوغ رسیده بودم، ورسول الله ﷺ با مردم در منا نماز میخواندند، از پیش روی صف نماز گذاران عبور کردم، از الاغ پیاده شده، آنرا رها کردم تا بچرد، وداخل صف شدم، کسی برمن این کار را ناپسند ندانست).[۳]

۲. عبور از پیش روی نماز گذار جواز ندارد، بلکه از گناه کبیره بشمار میرود، بدلیل فرموده ٔ آنحضرت ﷺ: (اگر عبور کننده از پیش نماز گذار بداند که بر وی چه چیزی است، اگر چهل ... بایستد برایش بهتر است ازینکه از پیش نماز گذار عبور کند). ابو النضر گفت: نمیدانم که چهل روز ویا ماه ویا سال گفت؟[۴]

مگر اینکه عبور از عقب ستره باشد، وهرگاه ستره ٔ نباشد، باید عبور دور از نماز گذار و از عقب موضع سجده وی باشد.

۳. نماز گذار باید عبور کننده را ممانعت کند، از ابی سعید خدری ﷺروایت شده که گفت: از نبی اکرم ﷺ شنیدم که میگفت: (اگر یکی از شما نماز میگذارد، وستره ٔ از مردم نیز اتخاذ نموده بود، هرگاه کسی بخواهد که از پیش نماز بگذرد باید او را به عقب بزنند، اگر ابا ورزید با وی به جنگ بپردازد، زیرا که وی شیطان میباشد).[۵]

۴. گروهی از اهل علم مسجد الحرام را ازین امر مستثنا میدانند، عبور از پیش نماز گذار را مجاز میدانند، نظر به عموم دلائل رفع حرج، زیرا در منع عبور از پیش نماز گذار در مسجد الحرام غالبا سبب حرج ومشقت است.

۵. اگر به سوی دیوار ویا ستونی از ستونهای مسجد ویا الماری ویا چیزی مانند عصای در پیش روی نماز گذار باشد ستره حساب میشود.

۶. فاصله میان نماز گذار وستره باندازه ٔ باشد که گوسفندی از آن عبور کرده بتواند، بدلیل حدیث سهل ﷺ که گفت: (فاصله میان مصلی رسول الله ﷺ ودیوار باندازه گذرگاه گوسفندی بود).[۶]

(۱) بروایت مسلم.
(۲)أتان: الاغ ماده.
(۳) باتفاق بخاری ومسلم.
(۴) باتفاق بخاری ومسلم.
(۵) باتفاق بخاری ومسلم.
(۶) باتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

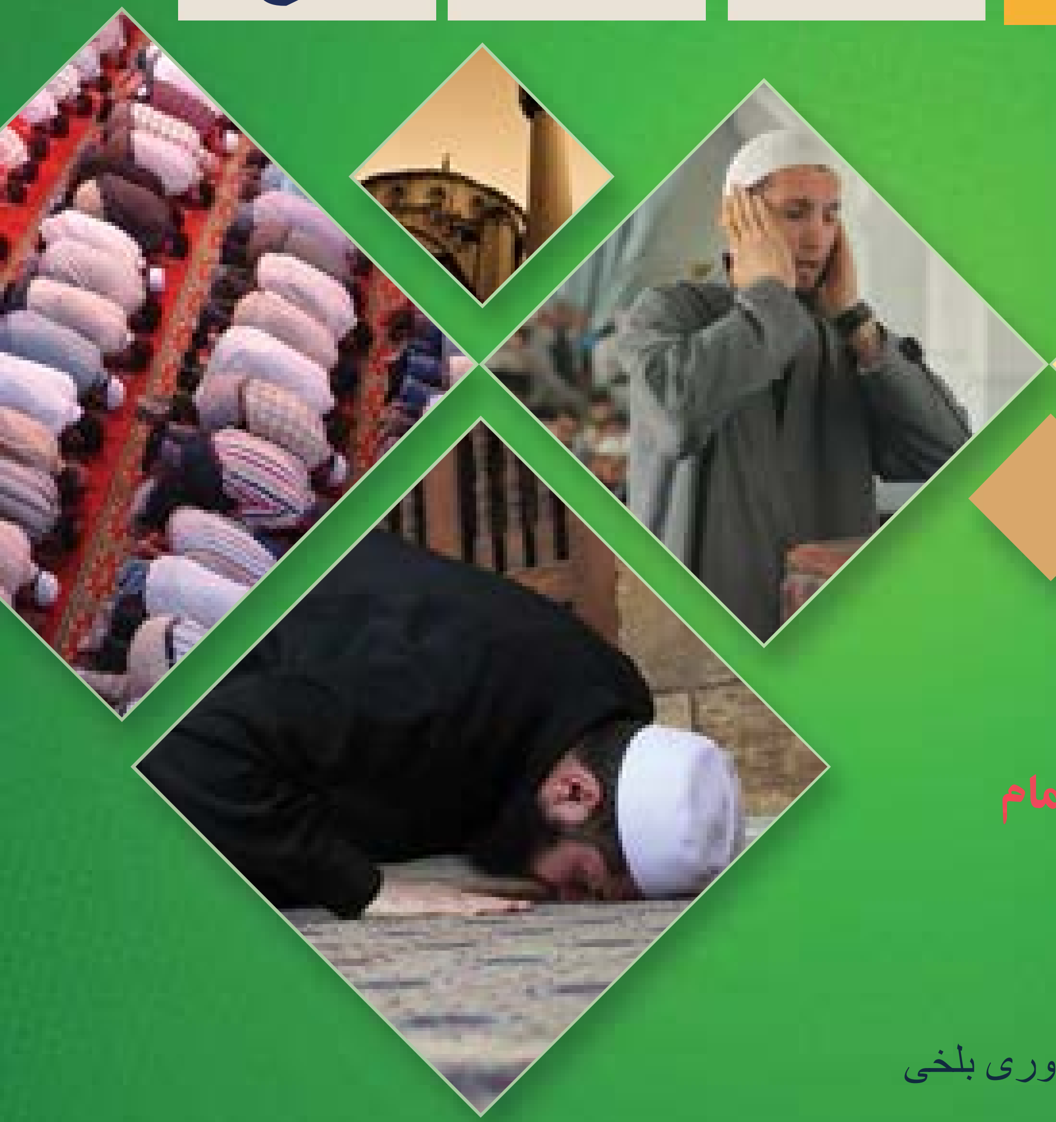

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

وصف نماز

https://www.al-feqh.com/fa

وصف نماز

مطالب

روبه قبله کردن وتکبیر تحریمه
دعای استفتاح(سبحانک اللهم) وفاتحه خواندن
رکوع وبلند شدن ازآن
سجده وبلند شدن از آن
تشهد
سلام دادن
ذکرهای بعد از نماز

روبه قبله کردن وتکبیر تحریمه

ـ کسیکه بخواهد نماز اداء کند رو به قبله می ایستد، با این احساس که در برابر الله تعالی ایستاده، در نمازش خاشع باشد.

ـ پس از آن در دل خود نیت نماز را میکند.

ـ سپس هر دو دست خود را تا شانه ویا تا گوشهایش بلند کرده، میگوید: (الله اکبر).[۱]

ـ پس از آن دست چپش را بادست راستش قبضه میکند، ویا اینکه دست راستش را بر دست چپش میگذارد، برابر است که زیر ناف ویا برسینه اش بگذارد.[۲]

(۱) بروایت مسلم.
(۲) بروایت احمد.

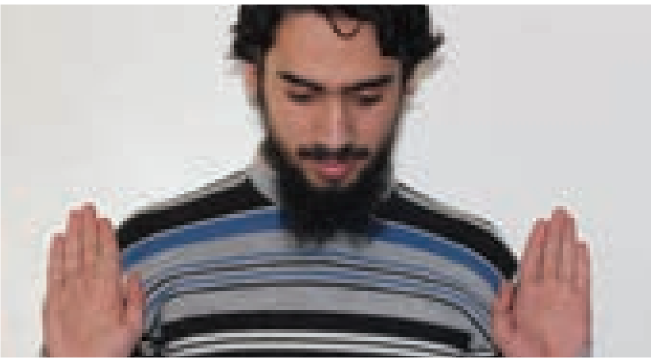

دعای استفتاح(سبحانک اللهم) وفاتحه خواندن

ـ نماز گذار سرخود را خم کرده، به موضع سجده اش نظر میکند،[۳]سپس میگوید: «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلاَ إِلَهَ غَيْرُكَ».[۴]

پس از آن بصدای پست میگوید: «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» «بسم الله الرحمن الرحيم».[۵]

ـ بعد از آن سورهٔ فاتحه را بخواند،[۶]وسپس (آمین) بگوید، یعنی: ای بار خدایا اجابت کن.

ـ پس از آن نماز گذار بعد از فاتحه، سورهٔ دیگری بخواند، ویا بعض آیات از قرآن را که برایش آسان باشد، در دو رکعت اول بخواند، در دو رکعت نماز صبح، ودو رکعت اول شام وعشاء قرائت بصدای بلند باشد.

رکوع وبلند شدن ازآن

نمازگذار تکبیر گویان به رکوع میرود، ودر رکوع دستانش را به زانوهایش میگذارد طوریکه میان انگشتانش گشایش بوده، زانوهایش را قبضه کند، پس از آن سه بار بگوید:«سبحان ربی العظیم».[۷]

ـ بعد از آن از رکوع بلند شده میگوید(امام باشد ویاتنها

(۳) بروایت بخاری.
(۴) بروایت مسلم.
(۵) بروایت مسلم.
(۶) بروایت بخاری.
(۷) بروایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

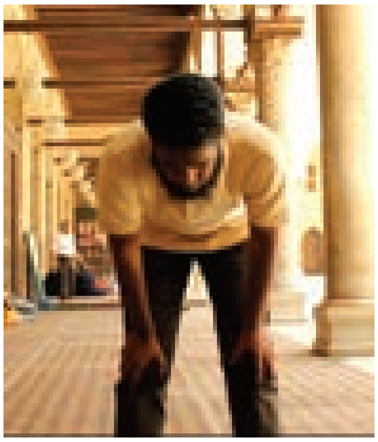

گذار): «سمع الله لمن حمده»[۱] وهمه میگویند: «ربنا ولک الحمد، ملء السموات، وملء الأرض، وملء ما بینهما، وملء ما شئت من شیء بعد»،[۲] مستحب است که دستانش را مانندی که در حالت قیام بود ببندد، ونزد بعض ائمه باز نگهمیدارد.

سجده وبلند شدن از آن

ـ نماز گذار تکبیر میگوید وپس ازآن به سجده می افتد، اول زانوهایش بزمین میرسد، بعد از آن دستانش[۳] پس از آن پیشانی وبینی او، دستانش را در برابر گوشها ویا شانه هایش بزمین می گذارد، وانگشتانش بسوی قبله بوده،وساعد[۴] دستانش را از زمین بلند نموده وبازوانش[۵] را ازپهلوهایش[۶] دور میدارد، وشکمش را از رانهایش نیزدور میسازد،

وسه بار میگوید: «سبحان ربی الأعلی» ودعای بیشتر در سجده میخواند.[۷]

ـ بعد از آن تکبیر گویان سرش را بلند میکند، ودستانش را بلند نمیکند، در حالیکه کف پای چپش را خوابانیده[۸] وکف پای راستش را ایستاد کرده وانگشتانشرا بسوی قبله

متوجه کرده می نشیند، ومیگوید: «اللهم اغفر لی، وارحمنی، واجبرنی، واهدنی، وارزقنی».[۹]

ـ پس از آن تکبیر گفته سجده دوم را مانند اولی انجام میدهد.

ـ پس از آن تکبیر گویان سرش را بلند میکند، وبه جلسه کوتاهی می نشیند که جلسه استراحت گفته میشود، بدلیل حدیث مالک بن الحویرث رضی الله عنه که نماز آنحضرت ﷺ را وصف نموده، اینکه ایشان (بلند نشدند مگر بعد از نشستن)[۱۰]

ـ بعد از آن تکبیر گویان برای رکعت دوم در حالیکه به دستانش تکیه زده بلند میشود.[۱۱]

ـ پس از آن رکعت دوم را مانند اول میخواند، ولی دعای استفتاح (سبحانك اللهم) را نمیخواند.

تشهد (التحیات خواندن)

هرگاه نماز گذار دو رکعت اول را اداء کرد برای خواندن تشهد می نشیند به گونهٔ که کف پای چپش را میخواباند وکف پای راستش را بلند میکند، دستانش را روی دو رانش میگذارد، کف دست چپش را باز میسازد، انگشتان خنصر[۱۲] وبنصر را با ابهام دست راست حلقه می زند، وبا انگشت سبابه در هنگام تشهد اشاره میکند، ونظرش را بآن متوجه میسازد،

(۱) بروایت ترمذی.
(۲) بروایت ترمذی.
(۳) بروایت ابوداود.
(۴) ساعد: میان کف دست تا آرنج را گویند.
(۵) عضد: میان آرنج دست تا شانه را گویند.
(۶) بروایت بخاری.
(۷) بروایت مسلم.
(۸) بروایت مسلم.
(۹) بروایت ترمذی.

(۱۰) بروایت بخاری.
(۱۱) بروایت بخاری.
(۱۲) خنصر: آخرین وکوچکترین انگشت دست، وبنصر: انگشتی که در میان خنصر ووسطی قرار دارد،ووسطی: انگشتی که میان بنصر وسبابه قرار دارد، وسبابه: انگشتی که میان وسطی وابهام واقع شده است، وابهام: انگشتی که بعد از سبابه میباشد.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

ومیگوید: «التحیات لله، والصلوات والطیبات، السلام علیك أیها النبی ورحمة الله وبرکاته، السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین، أشهد أن لا إِله إلا الله وأشهد أن محمداً عبده ورسوله».[۱]

ـ بعد از آن ـ اگر نماز بیش از دو رکعت بود ـ تکبیر گویان در حالیکه دستانش را بلند نموده برمیخیزد، در رکعات بعدی بجز سورهٔ فاتحه دیگر سورهٔ را نمیخواند.

ـ در تشهد اخیر متورک[۲] مینشیند، وتورک: به نشستن بر مقعد در حالیکه پای چپ پهن شده از زیر پای راست بیرون شود، اطلاق میشود، آنچه در تشهد اول آمده است را میخواند، وزیاده از آن میگوید: «اللهم صل علی محمد وعلی آل محمد، كما صلیت علی إبراهیم وعلی آل إبراهیم إنك حمید مجید. اللهم بارك علی محمد وعلی آل محمد، كما باركت علی إبراهیم وعلی آل إبراهیم إنك حمید مجید».[۳]

ـ پس از آن میگوید: «اللهم إنی ظلمت نفسی ظلما كثیرا ولا یغفر الذنوب إلا أنت فاغفرلی مغفرة من عندك، إنك أنت الغفور الرحیم»[۴]

ویا میگوید: «اللهم إنی أعوذ بك من عذاب جهنم، ومن عذاب القبر، ومن فتنة المحیا والممات، ومن شر فتنة المسیح الدجال».[۵] ودر نزد بعض ائمه دعاهای مأثور دیگری را میخواند.

سلام دادن

ونماز گذار در پایان نماز به سمت راست خود چنین سلام میدهد: «السلام علیكم ورحمة الله»[۶] و همچنین به سمت چپش نیز سلام میدهد.

(۱) بروایت بخاری.
(۲) بروایت داوود
(۳) بروایت بخاری.
(۴) بروایت بخاری.
(۵) بروایت بخاری.
(۶) بروایت مسلم.

از ذکر های بعد از نماز

ـ «أستغفر الله» (سه بار) «اللهم أنت السلام، ومنك السلام، تباركت یا ذا الجلال والإكرام».[۷]

ـ «لا إله إلا الله وحده لا شریك له، له الملك وله الحمد وهو علی كل شیء قدیر، اللهم لا مانع لما أعطیت، ولا معطی لما منعت، ولا ینفع ذا الجد منك الجد».[۸]

ـ «لا إله إلا الله وحده لا شریك له ، له الملك، وله الحمد وهو علی كل شیء قدیر. لا حول ولا قوة إلا بالله، لا إله إلا الله، ولا نعبد إلا إیاه، له النعمة وله الفضل وله الثناء الحسن، لا إله إلا الله، مخلصین له الدین ولو كره الكافرون».[۹]

ـ «سبحان الله، والحمد لله، والله أكبر» (سی وسه بار) «لا إله إلا الله وحده لا شریك له، له الملك وله الحمد، وهو علی كل شیء قدیر».[۱۰]

ـ «اللهم أعنی علی ذكرك، وشكرك، وحسن عبادتك».[۱۱]

ـ قرائت: آیة الكرسی، وسوره اخلاص، وسوره الفلق وسوره الناس.[۱۲]

ـ ونیز میگوید: «اللهم إنی أسألك علما نافعا ، ورزقا طیبا ، وعملا متقبلا»[۱۳] بعد از سلام دادن از نماز فجر.

مسائل

۱. برخی از مردم هنگامیکه پاهایشانرا در وضعیت مطلوب وصحیح (در نشستن برای تشهد ویا بین دوسجده) بگذارند احساس درد شدید میکنند، برای آنها مجاز است تا در هر وضعیتی که راحت باشند بنشینند، زیرا مشقت وسختی سهولت وآسانی را بار میآورد.
۲. زن مانند مرد است در وصف نماز.

(۷) بروایت مسلم.
(۸) بروایت بخاری.
(۹) بروایت مسلم.
(۱۰) بروایت مسلم.
(۱۱) بروایت ابوداود.
(۱۲) بروایت نسائی.
(۱۳)- بروایت ابن ماجه.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

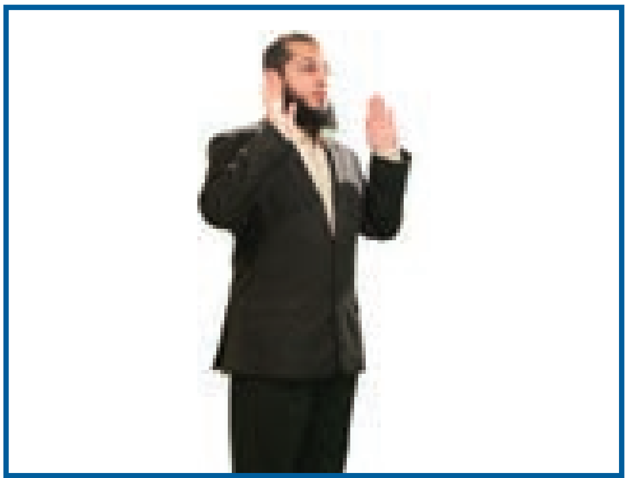
تکبیر

قرائت فاتحه

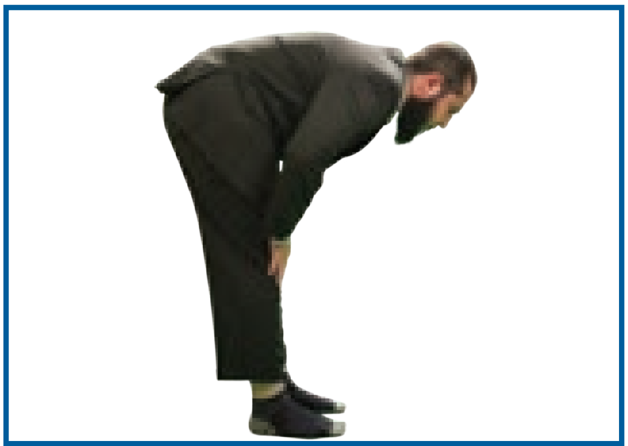
رکوع وبلند شدن ازآن

سجده وبلند شدن از آن

نشستن میان دو سجده

نشستن برای تشهد

سلام دادن

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

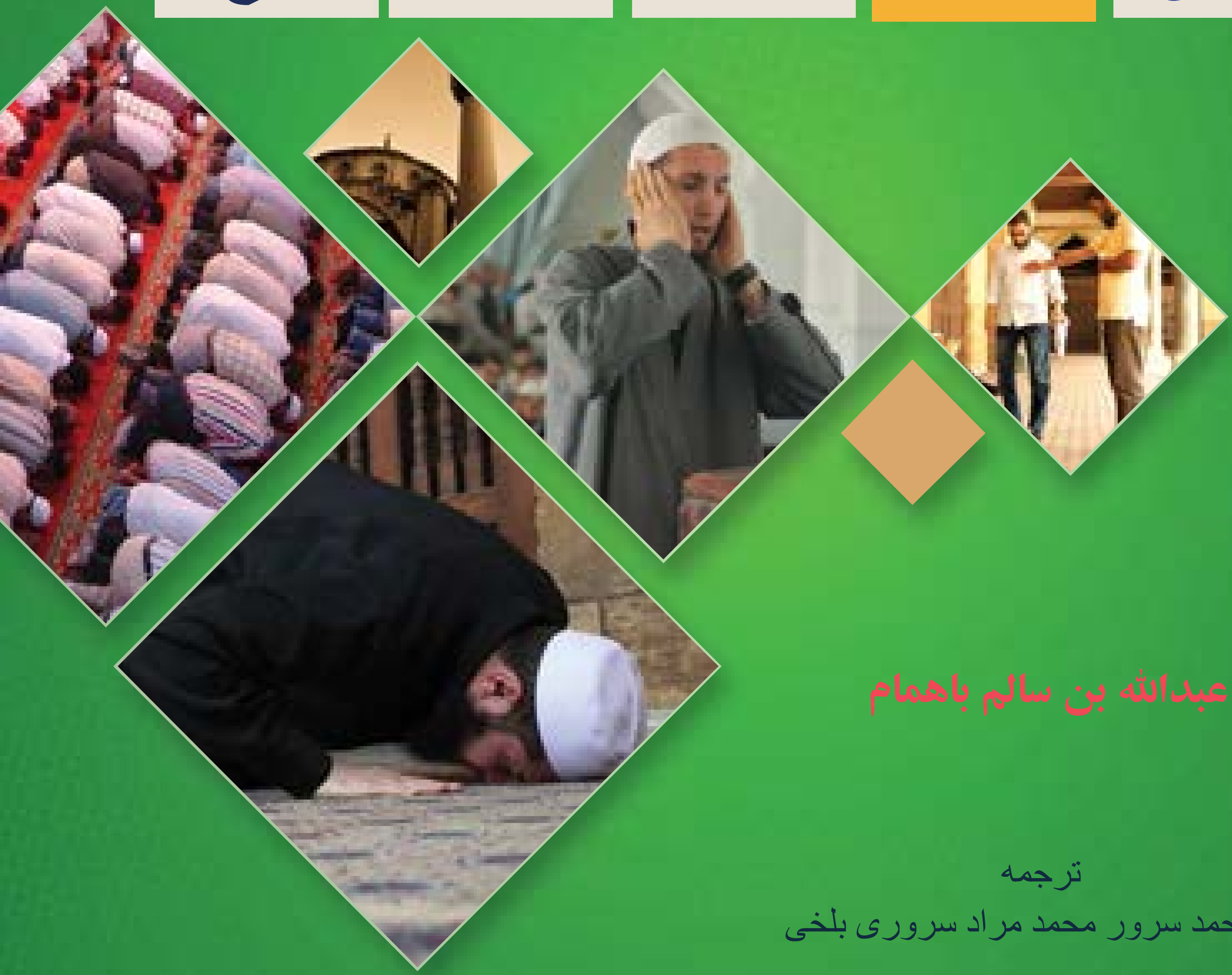

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

احکام نما ز

https://www.al-feqh.com/fa

۷ احکام نماز

مطالب

نماز نشسته
نیت
قرائت فاتحه
آمین گفتن
سکوت های امام
در نفلی جهر خواندن
بلند کردن دستها
دریافت رکعت
آرامی
شکل سجده
حرکت انگشت
حرکت زبان

١ـ نماز نشسته

أ ـ در نماز نفل

نشسته نماز خواندن در نفل جواز دارد، ونیم اجر ایستاده را دارد، بدلیل فرموده‌ٔ آنحضرتﷺ: (اگر ایستاده نماز بخواند، افضلیت دارد، وکسیکه نشسته نماز بخواند، برایش نیمهٔ اجر ایستاده است، وکسیکه خوابیده نماز بخواند، برایش نیمهٔ اجر نشسته است).[۱] واگر نشسته نماز بخواند به سبب عذری که دارد، برایش اجر کامل است، بدلیل فرمودهٔ آنحضرتﷺ: (هرگاه بندهٔ بیمار شد، ویا سفر کرد، برایش مانند اینکه مقیم وصحیح وسالم باشد اجر نوشته میشود).[۲]

ب ـ در نماز فرض

نشسته نماز خواندن در نماز فرض صحیح نمیباشد، اگر توان ایستادن را داشته باشد.

(۱) بروایت بخاری.
(۲) بروایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۲ـ نیت

از احکام نیت

۱. قطع نیت در اثنای نماز جواز ندارد، اگر کسی نیت قطع نماز را کرد، نمازش قطع میشود، واجب است تا از سر آغاز کند. برخی از اهل علم گفته اند که قطع نمیشود.

۲. کسیکه برای نماز نفل تکبیر تحریمه گفت، برایش در اثنای نماز مجاز نیست که آنرا به نماز فرض تغیرش دهد.

۳. کسی تنها گذارتکبیر تحریمه گفت به نماز فرضی ، پس از آن گروهی آمد، برایش مجاز است که نیت خود ر ا به نفلی تغیر داده بعد از ادای دو رکعت، سلام بدهد، وبا دیگران به جماعت نماز بخواند.

۳ـ قرائت فاتحه

قرائت سوره فاتحه بر نماز گذار واجب است، اگرچه مقتدی در نماز جهری نیز باشد، از عباده بن الصامت رضي الله عنه روایت شده که گفت:(در نماز صبح در عقب رسول الله ﷺ بودیم، ورسول الله ﷺ قرائت کرد، ولی قرائت به ایشان مشکل شد، زمانیکه از نماز فارغ شد، فرمود: شاید در عقب امامتان قرائت میکنید؟ گفتیم: آری، همینطور است ای رسول خدا، فرمود: چنین مکنید مگر به فاتحةا لکتاب، زیرا برای کسیکه آنرا نخواند هیچ نمازی نیست).[۱] نزد برخی از ائمه برمقتدی قرائت نیست.

۴ـ آمین گفتن

آمین گفتن: اینکه نمازگذار در پایان فاتحه (آمین) بگوید، سنت است برای هر نماز گذار، چه امام باشد ویا مقتدی، ویاتنها گذار باشد، ویا فرض گذار باشد یانفل گذار، چه در نماز جهری باشد یاخفیه، وبصدای پست آمین گوید، چه در نماز جهری باشد ویا سری.

ودلیلش فرموده نبی اکرم ﷺ است: (هنگامیکه امام آمین گفت، شما نیز آمین بگوئید، زیرا کسیکه آمین گفتنش با آمین گفتن فرشتگان توافق کرد، گناهان گذشته اش بخشوده میشود).[۲]

(۱) بروایت ابو داوود.

۵- سکوت های امام

۱. سکوت میان تکبیر وقرائت برای خواندن دعای استفتاح.

۲. سکوت میان فاتحه وسوره پس از آن ، تا مقتدی فاتحه را درین سکوت امام بخواند.

۳. سکوت بعد از پایان قرائت پیش از رکوع.

۶-بلند خواندن در نفل

اگرنماز فرضی از وی قضاء شد، قضائی آنرا خفیه بخواند یا به جهر؟

اعتبار به نماز است نه به وقت قضای آن، اگر قضای نماز جهری را در روز اداء میکرد، آنرا به جهر بخواند.

وسنت در نماز نفلی خفیه خواندن است، مگر دلیلی به جهر خواندنش بوده باشد، مانند نماز تراویح ونماز خسوف.

۷ـ بلند کردن دستان

دستان هنگام تکبیر تحریمه بلند میشود، برخی از اهل علم افزوده اند که در مواضع زیر نیز بلند میشوند:

۱. تکبیر رکوع.

۲. هنگام ایستادن از رکوع.

۳. هنگام برخاستن از تشهد اول.

(۲) بروایت بخاری.

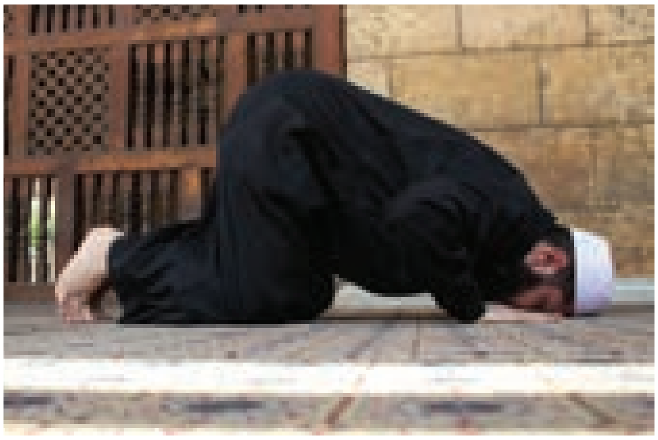

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۸ـ دریافتن رکعت

هرگاه مقتدی رکوع را با امام دریافت، بدون تردید رکعت را دریافته است، بدلیل فرموده ٔ آنحضرت ﷺ: (کسیکه رکوع را دریافت، بدون تردید رکعت را دریافته است).(۱)

۹ـ آرامی

آرامی در همه ارکان نماز رکنی از آنها میباشد، که بدون آن نماز درست نمیشود، بدلیل آنچه از ابی هریره رضی الله عنه روایت شده که رسول الله ﷺ داخل مسجد شدند، ومردی هم وارد مسجد شده نماز خواند، پس از آن آمد وبر رسول الله ﷺ سلام داد، ورسول الله ﷺ جواب سلام را داد و گفت: (برگرد نماز بخوان، زیرا که تو نماز نخواندی) آنمرد برگشت مانند نماز قبلی نماز خواند، پس از آن به نزد نبی اکرم ﷺ آمد وسلام داد، رسول الله ﷺ گفت: (وعلیك السلام) سپس گفت: (برگرد ونماز بگذار، زیرا که تو نماز نخواندی) تا اینکه سه بار چنین کرد، آنمرد گفت: به ذاتیکه تو را فرستاده من بهتر از این را نمیدانم، مرا آموزش بدهید، فرمودند: هرگاه به نماز برخاستی تکبیر بگو، پس از آن، آنچه از قرآن میدانی بخوان، بعد از آن رکوع بکن تا اینکه در رکوع آرام شدی، بلند شو تا راست بایستی، پس از آن به سجده برو، تا آرام سجده کنی، بعد از آن سر بلند کن تا آرام بنشینی، در تمامی نمازت چنین بکن).(۲)

۱۰ – شکل سجده

سجده بر هفت استخوان بدن میباشد، بدلیل فرموده ٔ آنحضرت ﷺ: (هرگاه بنده به سجده میرود، با وی هفت عضوی نیز سجده میکند: رویش، ودو کفهای دستانش، ودو زانوانش ودو قدمان پاهایش).(۳)

(۱) بروایت ابو اوود

(۲) بروایت بخاری.

(۳) باتفاق بخاری ومسلم.

۱۱ ـ اشاره با انگشت

در تشهد سنت است با انگشت اشاره شود، بدلیل حدیث وائل بن حجر رضی الله عنه: (پس از آن انگشت خود را بلند کرد ودیدم که آنرا حرکت میداد وبآن دعا میخواند).(۴)

(۴) بروایت نسائی.

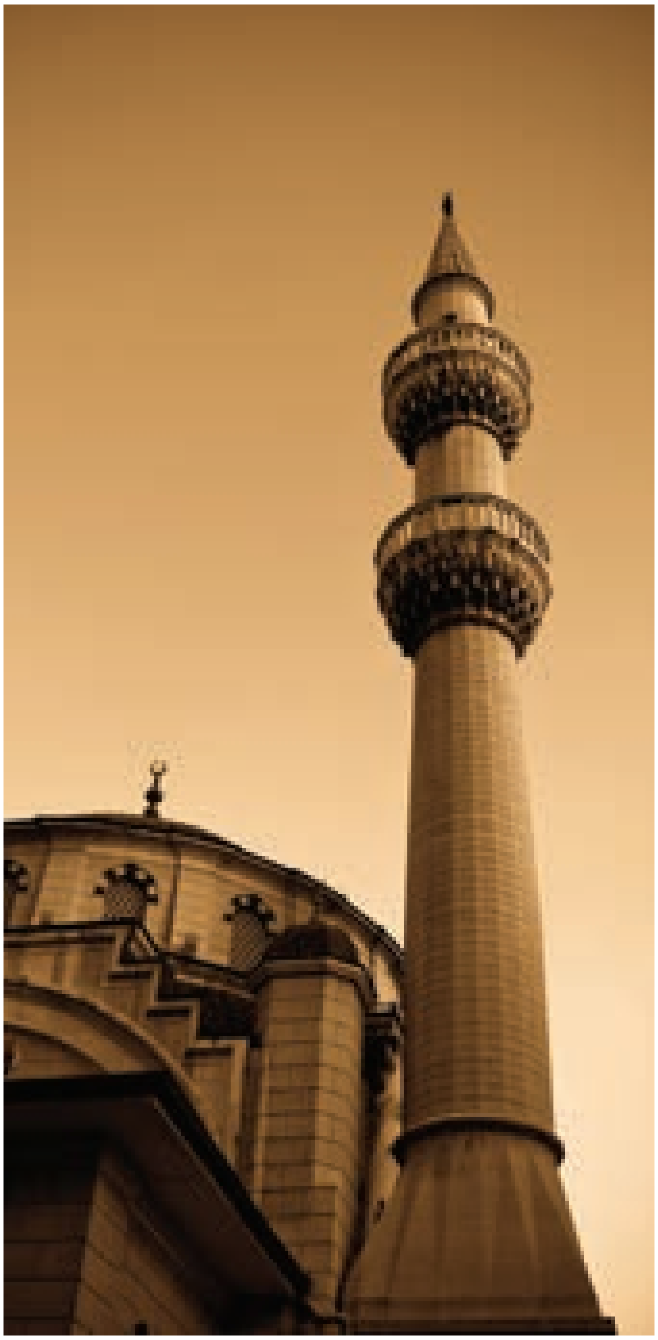

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

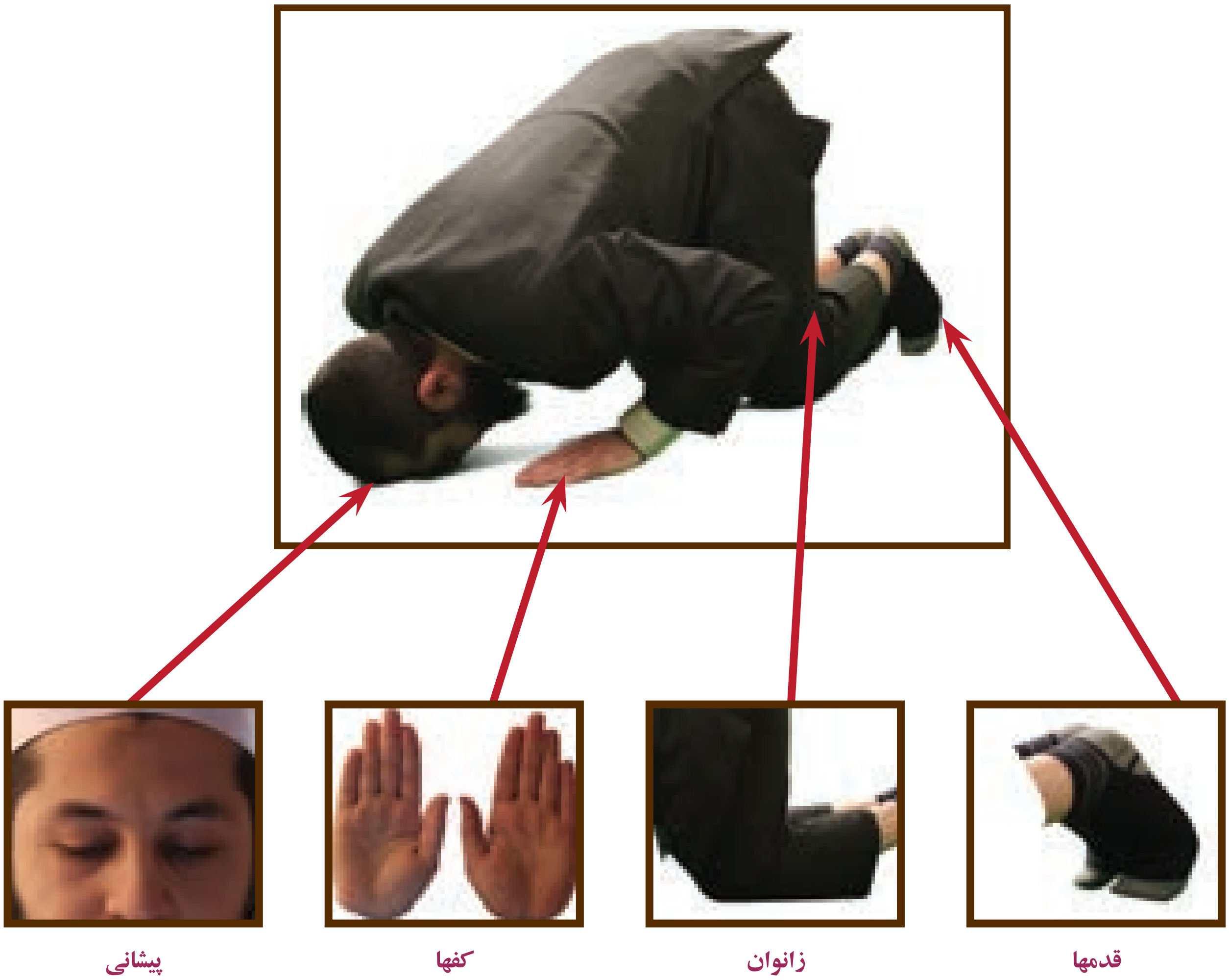

۱۲ـ حرکت دادن زبان

برای قرائت قرآن وتکبیرات وذکرها تنها خواندن قلبی کفایت نمیکند، بلکه نطق آنها ضروری است، واقل آن حرکت دادن زبان ولبها در هنگام قرائت میباشد.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

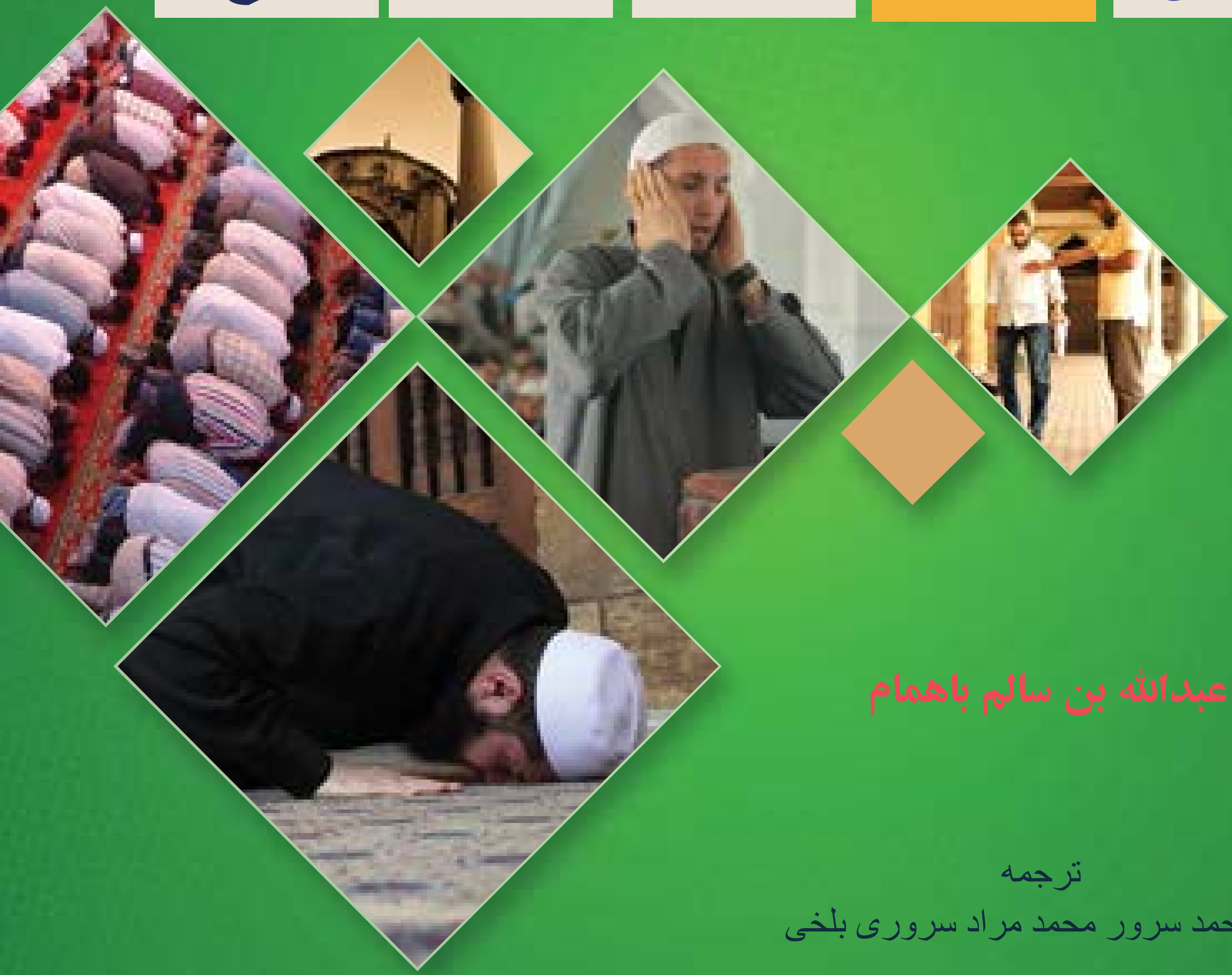

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

ارکان، واجبات وسنتهای نما ز

https://www.al-feqh.com/fa

ارکان، واجبات وسنتهای نماز

مطالب

ارکان نماز
واجبات نماز
سنت های نماز
سنت های قولی
سنت های فعلی

یکم: ارکان نماز

ارکان نماز

اجزای اساسی که از آن متشکل میشود، طوریکه به هیچ وجهی ترک آن مجاز نبوده، نه قصدی ونه سهوی ساقط نمیگردد، مگر در حال ناتوانی.

۱. نیت.
۲. ایستادن در فرض در حال توانائی.
۳. تکبیر تحریمه.
۴. قرائت سوره‌ء فاتحه.
۵. رکوع.
۶. از رکوع بلند شدن وراست شدن.
۷. سجده کردن بر هفت عضو.
۸. نشستن بین دو سجده.
۹. نشستن برای تشهد اخیر.
۱۰. خواندن تشهد اخیر.
۱۱. درود خواندن بر نبی اکرم ﷺ در تشهد اخیر.
۱۲. سلام دادن.
۱۳. آرامی در انجام همه ارکان.
۱۴. ترتیب میان ارکان.

کسیکه رکنی از ارکان را ترک کرد چه کار کند؟

۱ـ کسیکه آنرا قصدا ترک کرد، نمازش باطل شد، وباید آنرا دوباره بخواند.

۲ـ کسیکه آنرا سهوا ترک کرد، از دو حالت خالی نیست:

أ ـ بخاطر نیاورد ترک این رکن را، مگر اینکه به همان موضع، از رکعت دوم رسیده بود، درینجا رکعت گذشته که این رکن از آن ترک شده را حساب نمیکند، بلکه این رکعت بعوض رکعت اول قرار میدهد، پس در آخر سجده‌ء سهو میکند.

مثال آن: مردی در رکعت دوم هنگام سجده بخاطرش آمد که در رکعت اول سجده دوم را فراموش کرده، درینجا رکعت اول را لغو نموده، همین رکعت را رکعت اول میگرداند.

ب ـ پیش ازینکه به همان موضع در رکعت بعدی برسد به یادش آمد که رکنی را در رکعت قبلی فراموش کرده، درینجا بروی واجب است که برگردد وهمان رکن فراموش شده را اداء کند.

مثال آن : مردی رکوع را فراموش کرد، وپس از پایان قرائت به سجده رفت، ودر هنگام سجده به یادش آمد که رکوع نکرده، بر وی واجب است تا برخیزد، اول رکوع کند وبعد از آن نمازش را تکمیل کند.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

دوم: واجبات نماز

واجبات نماز

آنهائیکه سجدهء سهو جبران میکند

۱. تکبیرات انتقال میان ارکان نماز.
۲. گفتن: "سبحان ربی العظیم" در رکوع.
۳. گفتن: "سمع الله لمن حمده" برای امام وتنها گذار، وبرای مقتدی جواز ندارد.
۴. گفتن: "ربنا ولك الحمد" در بلند شدن از رکوع .
۵. گفتن: "سبحان ربی الأعلی" در سجده ها.
۶. گفتن: "ربی اغفر لی" در میان دو سجده.
۷. نشستن برای تشهد اول.
۸. تشهد اول.

https://www.al-feqh.com/fa

سوم: سنت های نماز

هر آنچه در وصف نماز آمده است بجز از شروط، ارکان، واجبات نماز، از سنت های نماز ویا آدابش میباشد، که ترک آنها در صحت نماز تأثیری ندارد، وسجدهء سهو در ترک آن نیز واجب نمیباشد.

وسنت های نماز ازین قرار است:

١. بلند کردن دستان تا برابر گوشها برای مردان وتا برابر شانه ها برای زنان حره.
٢. انگشتان را بحالت عادی گذاشتن، طوریکه نه با هم متصل ونه از هم دور باشند
٣. تکبیر تحریمه مقتدی متصل با تکبیر تحریمه امامش باشد.
۴. مرد دست راست را بالای دست چپ در زیر نافش میگذارد، و زن دستانش را بالای سینه اش میگذارد.
۵. دعای استفتاح (سبحانک اللهم) وأعوذ بالله برای قرائت، وهمچنین خواندن بسم الله قبل از فاتحه در اول هر رکعت بطور خفیه میباشد.
۶. آمین گفتن وهمچنین سبحانك اللهم ، واعوذ بالله وبسم الله خواندن بطور خفیه میباشد.
٧. راست ایستادن در آغاز وپایان تکبیر تحریمه بدون سر خم کردن.
٨. امام تکبیر وسمع الله وسلام را به جهر میگوید.
٩. میان دو پایش به اندازهٔ چهار انگشت گشادگی بگذارد.
١٠. اگر نماز گذار مقیم بود سورهٔ که بعد از فاتحه میخواند باید درنمازهای فجر وظهر از سوره های دراز مفصل باشد، ودر نمازهای عصر وعشاء از سوره های وسطی باشد، ودر نماز مغرب از سوره های کوتاه باشد، واگر مسافر بود از هر سورهٔ که بخواهد در هرنماز میتواند بخواند.
١١. قرائت را در رکعت اول هر نماز دراز باید کرد.
١٢. تکبیر گفتن در هنگام پائین شدن به رکوع وسجده ونیز در هنگام بالا شدن مگر بالا شدن از رکوع که در آن سمع الله لمن حمده گفته میشود، ودر رکوع سه بار سبحان ربی العظیم ودر سجده سه بار سبحان ربی الأعلی گفتن سنت است.
١٣. گرفتن زانوها با دستانش در هنگام رکوع کردن.
١۴. مردان باید در رکوع میان انگشتان دستانشان گشادگی بگذارند، و زنان چنان نکنند.
١۵. در رکوع باید پشت خود را هموار نموده، سر ومقعدش را باهم برابر بسازد.
١۶. با اطمینان خود را راست کند، ویا سر بلند کردن از رکوع وسحده اش با آرامش باشد.
١٧. در رفتن به سجده زانوهایش را اول وسپس دستانش وبعد ازآن رویش را بزمین بنهد وهنگام بلند شدن از سجده عکس آنرا بکند.
١٨. سجده در فاصلهٔ میان دو کف دست باشد، ودستها در برابر شانه گذاشته شوند.
١٩. مردان در حالت سجده شکمها را از رانها و آرنجهارا از پهلوها وساعدها را از زمین دور دارند.
٢٠. زنان شکمهایشانرا به رانهایشان در سجده متصل کنند.
٢١. در هنگام نشستن میان دو سجده، ونیز در نشستن برا ی تشهد خوانی دستان باید بر رانها گذاشته شوند.
٢٢. مرد زمانیکه در میان دو سجده ویا برای تشهد خوانی می نشیند، بایست پای چپش را پهن کرده بالای آن بنشیند، در حالیکه قدم پای راستش را بلند ایستاد میکند.
٢٣. زن باید تورک کند: یعنی بر مقعدش بنشیند وهردو پایش را به سمت راست بکشد، زیرا که برایش سترمند تر است.
٢۴. اشاره تنها با انگشت سبابه است، بگونه ایکه در حین "لا إله" گفتن آنرا بلند نموده ودرحین "إلا الله" گفتن آنرا پائین میکند.
٢۵. خواندن سورهٔ فاتحه در دو رکعت اخیر.
٢۶. بر نبی اکرم ﷺ در جلسه اخیر درود فرستادن.
٢٧. دعاء کردن بعد از درود بر نبی اکرم ﷺ بمانند شبیه الفاظ قرآن وسنت.

https://www.al-feqh.com/fa

۲۸. امام در سلام هایش نیت سلام بر نمازگذاران، وفرشتگان حفظه وصالحان جنیات را نیز نیت کند.
۹۲. مقتدی نیت جواب سلام امام را در جهتی که واقع شده نیز بکند.
۳۰. نماز گذار تنها، به سلامش تنها ملائکه را نیت میکند.
۳۱. در سلام دوم صدایش را نسبت به سلام اول پائین تر کند.
۳۲. با سلام امام متصل سلام بدهد.
۳۳. در سلام دادن از راست شروع کند.
۳۴. مسبوق یاکسیکه متاخر به امام پیوسته است باید منتظر باشد که امام از سلام دومش فارغ گردد تا بداند که بر امام سجدهٔ سهو نیست.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

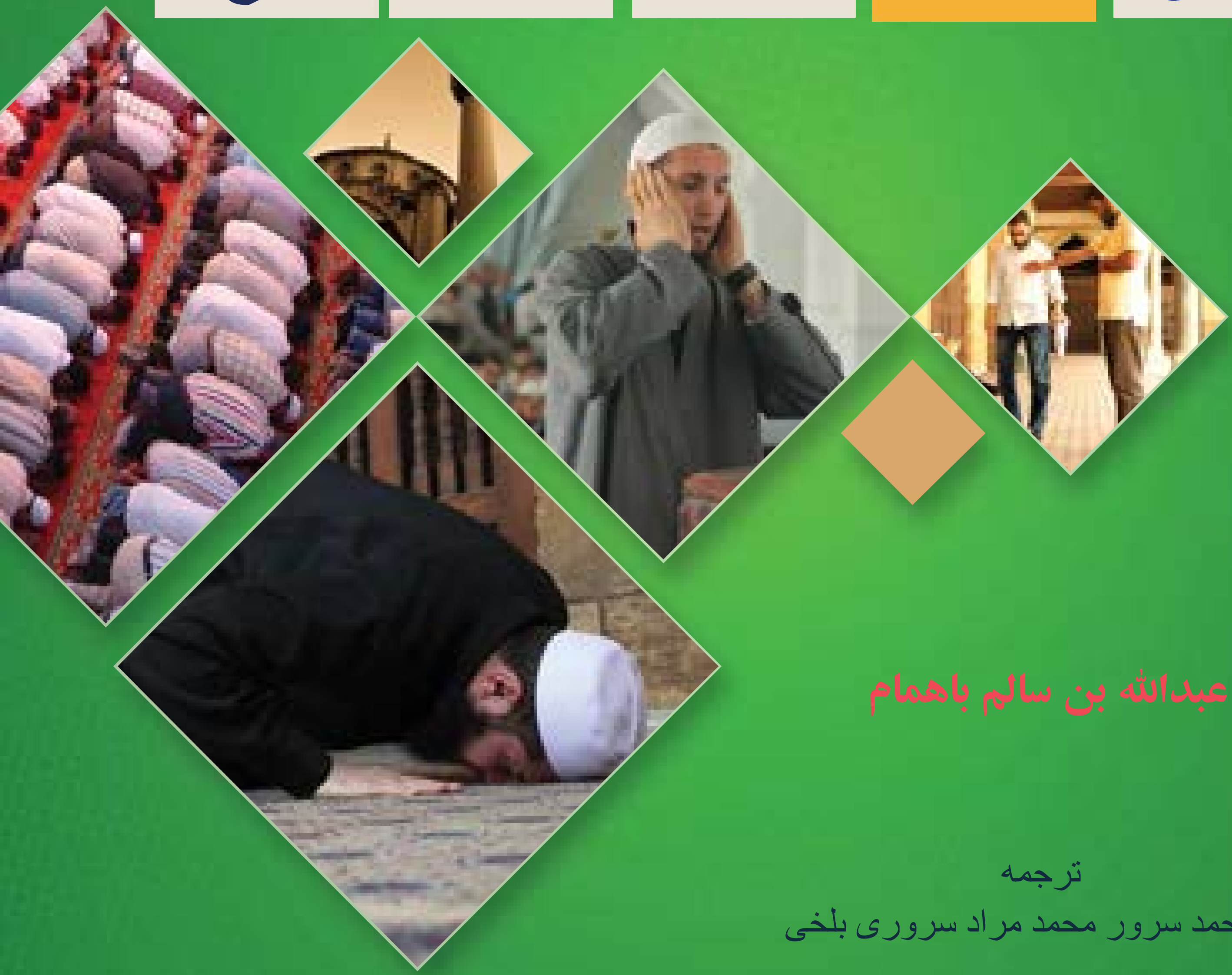

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

سجدهء سهو، شکر وتلا وت

https://www.al-feqh.com/fa

۱۰ سجدهء سهو، شکر وتلاوت

مطالب

سجدهء سهو
اسباب سجدهء سهو
وصف سجدهء سهو
سجدهء شکر
وصف سجدهء شکر
سجدهء تلاوت
وصف سجدهء تلاوت

اول سجدهء سهو

سجده سهو

عبارت از دو بار سجده کردن است که نماز گذار برای جبران خللی که در نمازش سهوا رخ داده آنرا انجام میدهد.

اسباب سجدهء سهو

۱ـ شک

شک

عبارت از تردد بین دو چیز که کدام یک از آنها واقع شده است.

شک در رابطه با نماز به دو بخش تقسم میشود:

۱ـ شک بعد از نماز:

واین شکی است که بآن توجه نمیشود.

مثال آن: مردی بعد از نماز صبح شک کرد که دو رکعت خوانده ویا سه رکعت؟ به چنین شکی توجه نمیشود، مگر اینکه یقین داشته باشد بآن یقین عمل میکند.

۲ـ شک در اثنای نماز

چنین شکی از دو حالت خالی نیست:

أ ـ اینکه یکی از دو چیز نزدش ترجیح یابد:

دراینجا بآنچه که نزدش ترجیح یافته عمل میکند، وبعد از سلام دادن، برای سهو دو سجده میکند.

مثال آن: مردی نماز ظهر را میخواند ودر رکعت شک کرد که آیا دوم است یا سوم؟ ولی ترجیح برآن شده که رکعت سوم است، پس همان رکعت سوم شمرده میشود، بعد از سلام دادن برای سهو دو سجده میکند.

ودلیل بر آن فرموده‌ء نبی اکرم ﷺ است: (هرگاه یکی از شما در نمازش شک کرد، باید که برای رسیدن به درستی فکر کند، پس از آن سلام دهد وبعد از آن دو بار سجده کند).[1]

(۱) بروایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

برای سهو سجده میکند

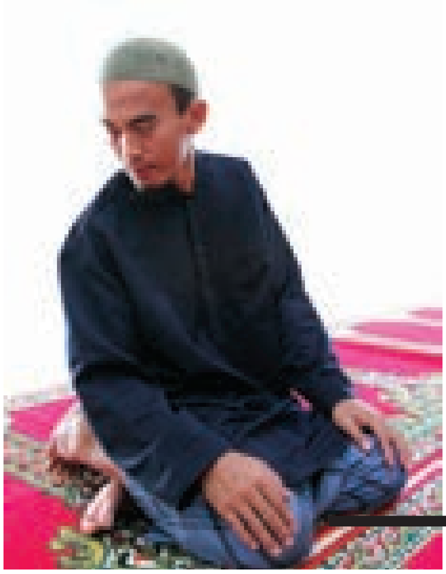

سلام میدهد

ب ـ اگر یکی از دو چیز برایش ترجیح نداشت:

درینجا بر کمترین آن بنا میکند، نمازش را تمام نموده قبل از سلام سجدهٔ سهو میکند.

مثال آن: مردی نماز ظهر را میخواند برایش شک پیدا شد که رکعت دوم است یا سوم وهیچ ترجیحی برای یکی از آن نزدش پیدا نشد؟ این مرد به کمترین آن بنا میکند، وآنرا رکعت دوم شمرده نمازش را تمام میکند، برای سهو قبل ازسلام دادن دو سجده میکند.

ودلیل بر این، فرمودهٔ نبی اکرم ﷺ است: (اگر یکی از شما در نمازش شک کرد که چند رکعت خوانده، سه رکعت ویا چهار رکعت؟ باید شک را بگذارد وبر یقین بنا کند، پس از آن دو سجده کند قبل از سلام دادن).[1]

(۱) بروایت مسلم.

سلام میدهد

برای سهو سجده میکند

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۲ـ فزونی:

یعنی نمازگذار در نمازش رکوع ویا سجده‌ء را زیاد کند.... ویا مانند آن.

فزونی از دو حالت خالی نیست:

أ ـ نماز گذار در اثنای فعل آنرا بخاطر آورد

درینجا واجب است تا از آن رجوع کرده، نمازش را تمام کند، پس از آن بعد از سلام سجده‌ٔ سهو کند.

مثال آن: مردی نماز ظهر میخواند، وبرخاست تا رکعت پنجم را بخواند، ولی در اثنای رکعت بخاطرش آمد که اشتباه کرده، درینجا واجب است تا فورا بنشیند، ونمازش را تمام کرده، بعد از سلام سجده‌ٔ سهو کند.

ب ـ نماز گذار بعد از ادای آن بخاطر بیاورد.

ودرینجا نمازش را تمام کرده، بعد از سلام سجده‌ٔ سهو میکند.

ودلیل آن حدیث ابن مسعود ﷺ اینکه نبی اکرم ﷺ نماز ظهر را پنج رکعت خواندند، برایشان گفته شد: (آیا به نماز زیادت شده؟ فرمودند: یعنی چه گفت: پنج رکعت خواندید). بعد از سلام دو سجده کردند[1]

۳ـ کمبود:

یعنی نمازگذار رکنی از ارکان ویا واجبی از واجبات نماز را انجام ندهد، طوریکه کمبودی واقع شود.

۱ـ کمبود رکن:

وآن از دو حالت خالی نیست:

أ ـ اگر به موضع کمبود در رکعت بعدی رسید و به یادش آمد

درینجا رکعتی را که رکنی از آن ترک شده است را ملغی میکند، ورکعت بعدی را بعوض آن معتبر میشمارد.

مثال آن: مردی رکوع را در رکعت اول فراموش کرد، ودر رکوع رکعت دوم به یادش آمد که رکوع در رکعت اول را فراموش کرده، پس همین رکعت، رکعت اول است نه قبلی آن، ونمازش را تمام میکند، پس از آن بعد از سلام برای سهو سجده میکند.

(۱) بروایت بخاری.

سلام میدهد — برای سهو سجده میکند

ب ـ نماز گزار قبل از رسیدن به موضع آن در رکعت بعدی بخاطر بیآورد:

درینجا بر وی واجب است تا برگردد ورکن ترک شده را بجا آورد، وبه نماز خود تا اتمامش ادامه دهد، بعد از سلام برای سهو سجده میکند.

مثال آن: مردی سجده‌ٔ دوم ونشستن قبل ازآنرا فراموش کرد، پس ازینکه در رکعت دوم از رکوع برخاست بیادش آمد، پس بر میگردد ومینشیند وسجده میکند وبعد از آن نمازش را تمام نموده بعد از سلام دادن برای سهو سجده میکند.

۲ـ کمبود واجب:

اگر نمازگذار واجبی از واجبات نماز را فراموش کرد، از سه حالت خالی نمیباشد:

أ ـ قبل ازینکه از موضع همان واجب در نماز بگذرد به یادش آمد.

درینحالت آنرا انجام دهد، وهیچ چیزی بروی نیست.

ب ـ پس ازینکه از موضع آن در نمازگذشت وقبل ازینکه به رکن بعدی برسد به یادش آمد.

درینحالت برمیگردد، وآن واجب را اداء میکند، پس از آن نمازش را تمام نموده بعد از سلام دادن سجده‌ٔ سهو میکند.

ج ـ پس از رسیدن به رکن بعدی به یادش آمد.

درینحالت به نمازش ادامه میدهد، وبر نمیگردد، وقبل

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

ازسلام دادن برای سهو سجده میکند.

مثال آن: مردی از سجدهٔ دوم در رکعت دوم سرش را بلند کرد تا به رکعت سوم برخیزد ولی قبل ازینکه از جا بلند شود بیادش آمد که به تشهد اول ننشسته است، پس به تشهد می نشیند ونمازش را تمام میکند وهیچ چیزی بر وی نیست.

اگر پس ازینکه بلند شد وقبل ازینکه بکلی ایستاده شود به یادش آمد که به تشهد اول ننشسته است، می نشیند وتشهد میخواند، وسپس نمازش را به پایان میبرد، وبعد از سلام دادن برای سهو سجده میکند.

اگر پس ازینکه برخاست وایستاده شد بخاطرش آمد که تشهد اول را فراموش کرده، بر نمیگردد، بلکه نمازش را تمام میکند، وبرای سهو قبل از سلام دادن سجده میکند.

ودلیل آن، حدیث عبدالله بن بحینة رضي الله عنه اینکه نبی اکرم ﷺ با آنها نماز ظهر را اداء کردند، بعد از دو رکعت به قعده ننشستند، مردم هم با ایشان برخاستند، تا اینکه نماز را تمام کردند، ومردم انتظار سلام دادن ایشانرا داشتند، در حالیکه نشسته بودند، قبل از سلام دو سجده کردند وبعد ازآن سلام دادند.[1]

(۱) بروایت بخاری.

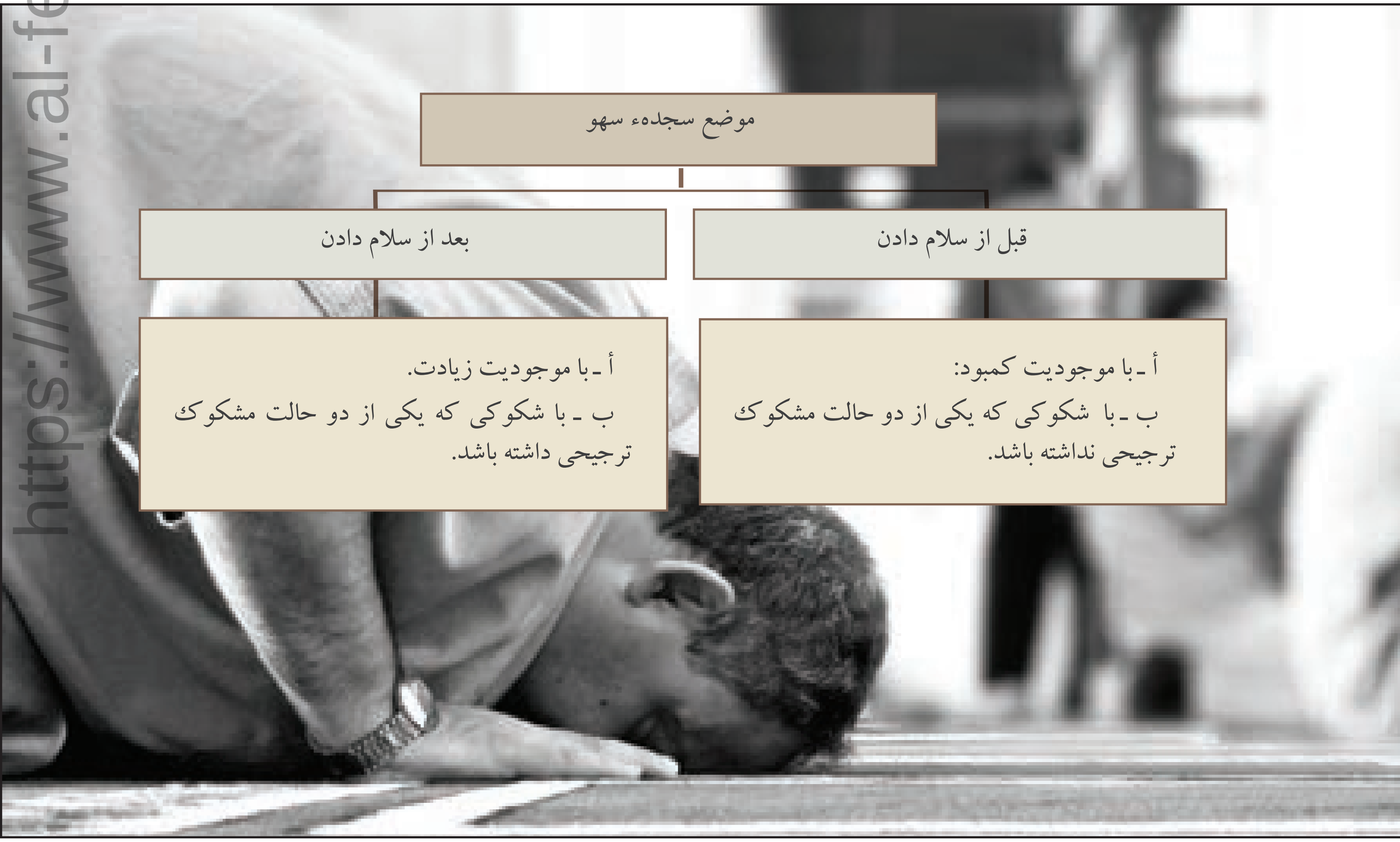

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

وصف سجدهء سهو

نماز گزار تکبیر گفته پس از آن دو سجده میکند مانند سجدهء نماز، وبعد از آن سلام میدهد.

مسائل

۱ـ اگر نمازگذار سلام داد قبل از تمام شدن نماز، وبه خاطر نیاورد مگر بعد از دیر زمانی، نماز را از نو اعاده کند، واگر بعد از گذشت وقت کمی مانند دقائقی چند یعنی دو تا سه دقیقه باشد، نمازش را تکمیل میکند، وبعد از نماز برای سهو سجده میکند.

۲ـ بر مقتدی واجب است تا از امام در سجدهء سهو پیروی کند، اگرچه بعد از سهو به امام پیوسته باشد.

۳ـ نمازگذار اگر مرتکب دو سهوی گردید که موضع یکی قبل ازسلام، وموضع دومی بعد از سلام بود، تنها قبل از سلام سجده میکند.

تکبیر تحریمه

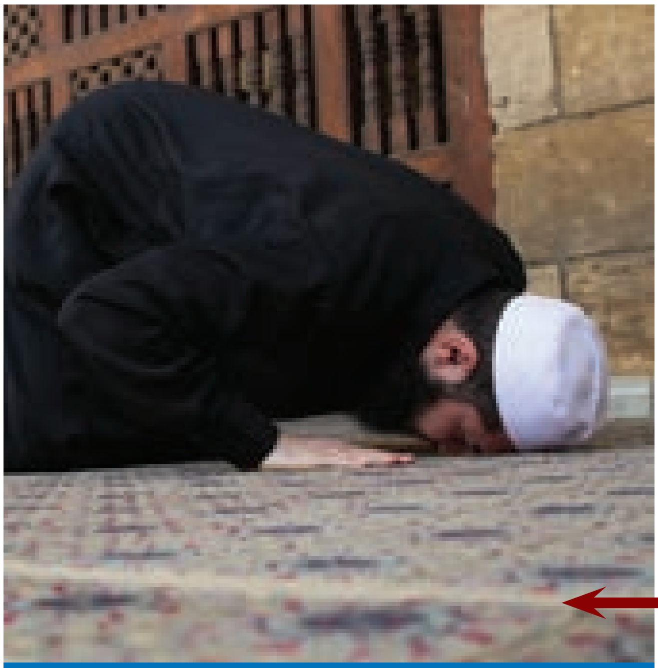

برای سهو سجده میکند

https://www.al-feqh.com/fa

دوم: سجدهء شکر

سجدهء شکر

سجدهء شکر گذاری برای الله هنگام دریافت نعمتی ویا چیز خوشی ویا دفع بلا وناخوشی ومانند آن.

ودلیل مشروعیت سجدهء شکر: حدیث ابی بکرة ﷺ است اینکه نبی اکرم ﷺ هرگاه برایش امر خوشی ویا بشارتی داده میشد برای شکر الله به سجده میرفت.[۱]

وصف سجدهء شکر

تکبیر گویان به سجده میرود ومیگوید: «سبحان ربی الأعلی» والله تعالی را سپاس میگوید وبر نعمتی که بر ایش ارزانی فرموده شکر میکند، پس از آن از سجده بلند میشود بدون اینکه تکبیری بگوید ویا سلام بدهد.

سوم: سجدهء تلاوت

سجدهء تلاوت

سجده ایست که قاری اگر آیت سجده را بخواند باید سجده کند.

ودلیل مشروعیت سجدهٔ تلاوت، آنچه که از ابن عمر ﷺ ثابت شده که گفت: (نبی اکرم ﷺ بر ما سورهٔ را که در آن سجده بود قرائت میکردند، پس سجده میکردند وما نیز سجده میکردیم).[۲]

اگر قاری در نماز ـ جهری ویا خفیه ـ آیت سجده را خواند، باید سجده کند، واگر در خارج نماز نیز آنرا بخواند، باید سجده کند، ووضوء داشتن برایش شرط است.

(۱) بروایت بخاری.
(۲) بروایت ابو داوود.

وصف سجدهء تلاوت

ـ قاری ویا شنوندهٔ آیت سجده، تکبیر گویان سجده میکند ومیگوید: «سبحان ربی الأعلی»، واین دعا را میخواند: «سجد وجهی للذی خلقه، وشق سمعه وبصره بحوله وقوته»[۳].

«اللهم اکتب لی بها عندك أجراً، وضع عنی بها وزراً، واجعلها لی عندك ذُخراً، وتقبلها منی کما تقبلتها من عبدك داود»[۴].

(۳) بروایت ترمذی.
(۴) بروایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

آیاتیکه در آن سجدهء تلاوت وجود دارد ازینقرار است:

سوره الأعراف آیه رقم: (۲۰۶)	،سوره الرعد آیه رقم: (۱۵)
سوره النحل آیه رقم: (۴۹)	سوره الإسراء آیه رقم: (۱۰۷)
سوره مریم آیه رقم: (۵۸)	سوره الحج آیه رقم: (۱۸)
سوره الحج آیه رقم: (۷۷)	سوره الفرقان آیه رقم: (۶۰)
سوره النمل آیه رقم: (۲۵)	سوره السجدة آیه رقم: (۱۵)
سوره ص آیه رقم: (۲۴)	سوره فصلت آیه رقم: (۳۷)
سوره النجم آیه رقم: (۶۲)	سوره الانشقاق آیه رقم: (۲۱)
سوره العلق آیه رقم: (۱۹)	

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

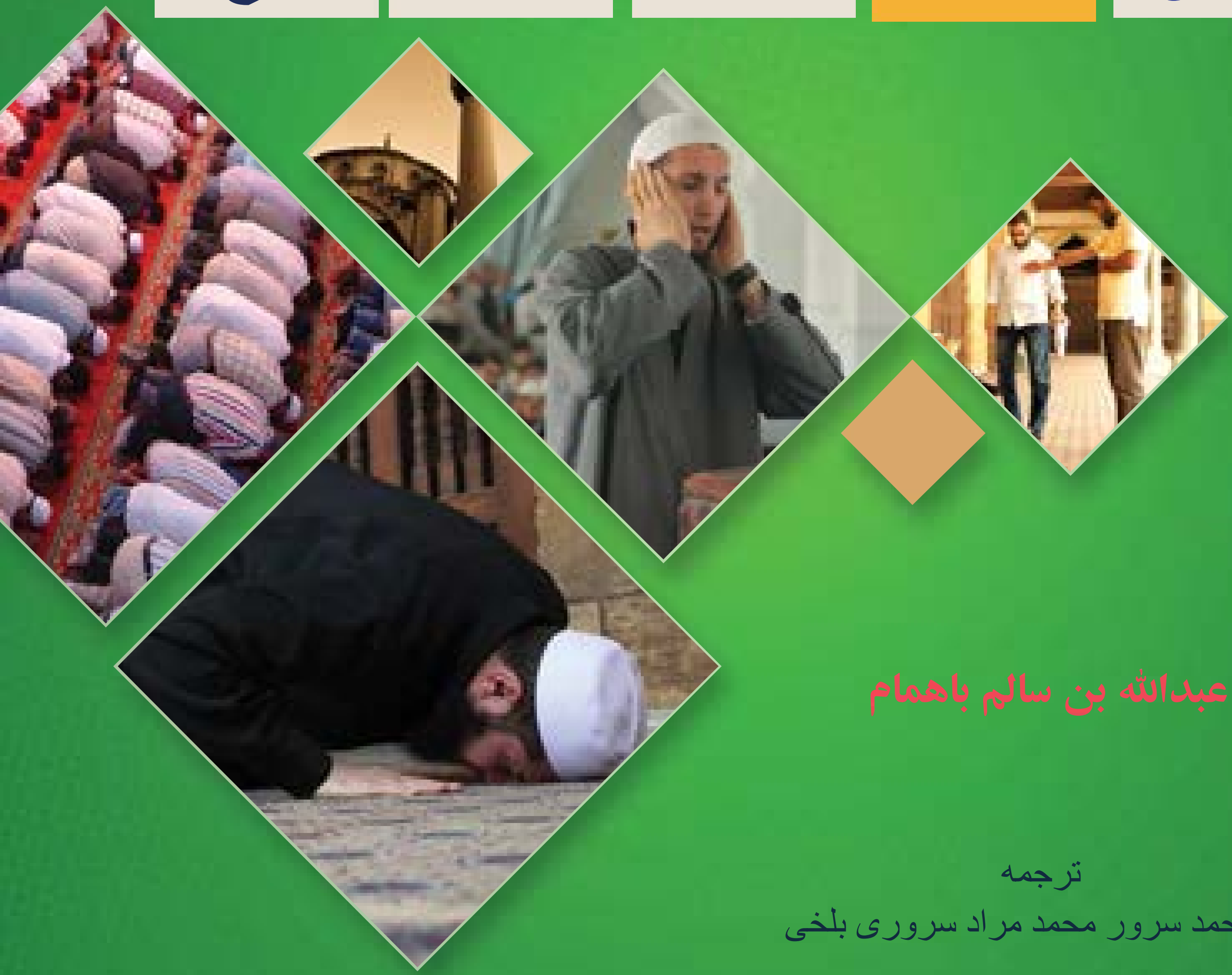

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه
د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

نماز جماعت

https://www.al-feqh.com/fa

۱۱

نماز جماعت

مطالب

حکم نماز جماعت

حکم نماز جماعت وفضیلت آن

شناسائی با برادران.

برائت بنده از منافقت

اجتماع شمل مسلمانان

همبستگی مسلمانان

اظهار شعائر دین

وحدت دلهای مسلمانان

خشمگین کردن دشمنان الله

تهذیب نفس

نابودی اشتباهات

حکم نماز جماعت

شرع شریف به مردانیکه توانائی دارند امر کرده تا نماز را به جماعت اداء کنند، وبه کسانیکه جماعت را ترک میکنند، هشدار داده است، ونبی اکرم ﷺ به سوزانیدن کسانیکه به جماعت حضور نمی یابند عزم داشته، ونیز نبی اکرم ﷺ برای نابینا اجازه ترک جماعت را نداده است، ودلیل بر آن :

۱. فرموده ٔ خداوند ﷻ در مورد نماز خوف است: ﴿ اگر در میان آنها بودی ونماز خوف را برپا کردی، باید که گروهی از آنها بایستد ﴾ (نساء:۱۰۲) از آنجائیکه الله تعالی امر به جماعت در حال خوف وسفر کرده، پس در حال وجود امنیت واقامت بطریق اولی باید جماعت گردد.

۲. حدیث ابی هریرة رضی الله عنه که در آن آمده است: رسول الله ﷺ فرمودند: (سنگین ترین نماز بر منافقین نماز عشاء ونماز صبح میباشد، اگر از آنچه که در آندو وجود دارد، میدانستند، به آندو میآمدند، ولو که خود را به روی دستان وسینه[1] میکشانیدند، عزم کردم که به نماز امر کنم که بر پا شود، پس از آن به مردی امر کنم که برای مردم امامت کند، سپس همراه مردانیکه باخود دسته های هیزم دارند بسوی قومی درحرکت شوم که به نماز حضور نیافته اند،

(۱) حبوا: روی دو دست به سینه راه رفتن.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

بر آنان خانه هایشانرا آتش بزنم).[۱] نبی اکرم ﷺ به آتش زدن تخلف کنندگان از جماعت عزم نمیکند، مگر اینکه جماعت واجب باشد، بهمین گونه تخلف کاران به نفاق وصف نمیشوند، مگر اینکه واجب بوده است.

۳. حدیث نابینائیکه از نبی اکرم ﷺ اجازه خواست تا به خانه اش نماز بخواند ـ چون رهنمائی ندارد ـ نبی اکرم ﷺ برایش فرمودند: (آیا اذان را میشنوی؟) آنمرد گفت: آری، فرمودند: باید (جواب بدهی).[۲]

(۱) باتفاق بخاری ومسلم.
(۲) بروایت مسلم.

۴. آنچه از ابن مسعود رضي الله عنه ثابت شده که گفت: (کسیکه خرسند میگردد ازینکه فردا به لقاء الله تعالی مسلمان برود، باید ازین نمازها که برایش ندا کرده میشود، محافظت کند، زیرا که الله تعالی به نبی شما شیوهای هدایت را مشروع کرده که نماز جماعت از همین شیوهای هدایت میباشد، اگر شما در خانه هایتان مانند این تخلف کار نماز بخوانید، هر آئینه سنت نبی تانرا ترک میکنید، هرگاه سنت پیامبر تانرا ترک کردید، گمراه میشوید، مردی نیست که وضوء بکند، بهترین وضوء، پس از آن عزم رفتن به مسجدی ازین مساجد را میکند، الله تعالی به هر گامیکه بر می دارد

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

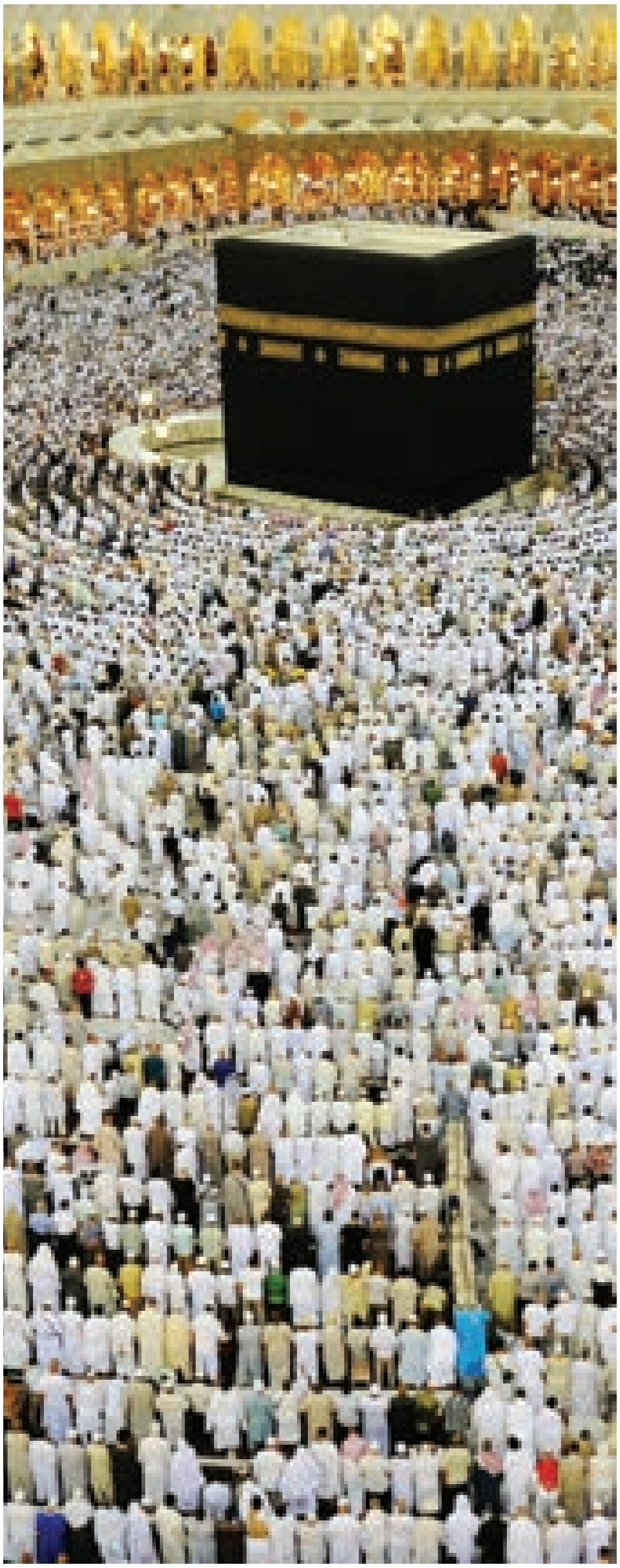

یک حسنه مینویسد، وبآن مرتبه بلند میکند، ویک اشتباهی را نابود میسازد، وبر میآید که جز منافق معلوم النفاق کس دیگری از آن تخلف نمیورزد، ومردانی بودند که بوسیله دو تن آورده میشدند ـ با تکیه به شانه های دونفر ـ تا در صف نماز ایستاد کرده شوند)[۱]

حکمت نماز جماعت وفضایل آن

۱. آشنائی برادران ودوستان در راه خدا باهمدیگر، وتحکیم ریشه های محبت در میانشان، که ایمان بوسیله آن آسان میگردد، وراه ایمان وبهشت با محبت در راه الله تعالی آسان میگردد.

۲. بندهٔ ایکه تکبیر تحریمه را چهل روز پیهم دریابد، برایش برائت از نفاق وآتش دوزخ است، بدلیل روایت انس ﷺ از رسول الله ﷺ که فرمودند: (کسیکه برای الله تعالی چهل روز در جماعت به گونهٔ نماز خواند که تکبیر اول را دریابد، برایش دو برائت نوشته میشود: برائت از آتش دوزخ، وبرائت از نفاق).[۲]

۳. اجتماع جمع مسلمانان، وایجاد الفت میان دلهای شان برای خیر وصلاح.

۴. همبستگی وهمکاری میان مسلمانان.

۵. بروز شعائر دینی وقوت آن.

۶. متحد کردن دلهای مسلمانان، طوریکه در یک صف نماز سیاه وسفید وعرب وعجم، وبزرگ وکوچک، وثروتمند ومستمند، در کنار هم، در یک مسجد، ودر عقب یک امام، ودر یک وقت میایستند، در حالیکه همه بسوی یک قبله ویک جهت روگردانیده اند وخدای واحدی را میپرستند.

۷. خشمگین کردن دشمنان الله تعالی است، زیراکه مسلمانان تا زمانیکه بر ادای نماز در مساجد محافظت میکنند، از قوت وبازدارندگی برخوردار میباشند.

(۱) بروایت ترمذی.
(۲) بروایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

۸. سبب نابودی اشتباهات وبلندی مرتبه است، از ابی هریرة ﷺ روایت شده که رسول الله ﷺ فرمودند: (آیا شما را بر آنچه که با آن الله تعالی اشتباهات را محو نموده، مراتب را بلند میکند، دلالت نکنم؟ گفتند: آری دلالت کنید ای رسول الله. فرمودند: در حال مشقت وسختی مانند سرما وغیره، خوب وضوء کردن، کثرت گام برداری بسوی مساجد، وانتظار نماز پس از نماز، این است رباط یعنی بستن نفس برای طاعت)[۱]

۹. نماز جماعت نسبت به نماز تنهائی بیست وهفت مرتبه برتری دارد، از عبدالله بن عمر ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: (نماز جماعت نسبت به نماز تنهاگذار بیست وهفت مرتبه برتری دارد).[۲]

(۱) بروایت مسلم.
(۲) بروایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۱۲

پیش نمازی وپیروی

مطالب

مستحقتر به امامت

موضعیت امام ومقتدی

موضعیت زنان

از احکام اقتداء به امام

سبقت از امام

مستحق پیش نمازی

براین ترتیب:

یکم: قاری تر به کتاب الله: یعنی حافظ تر وعالمتر به احکامش باشد.

دوم: داناتر به سنت: یعنی کسیکه به معانی آن واحکامش داناترباشد.

سوم: در مهاجرت مقدمتر: یعنی کسیکه در مهاجرت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام پیش گامتر باشد، واگر مهاجرت نبود، کسیکه در ترک معصیت وتوبه پیش گامتر باشد.

چهارم: سالمندتر: هنگامیکه در شرطهای قبلی برابر باشند.

ودلیل آنچه تذکر داده شد، حدیث ابی مسعود انصاری ﷺ است که گفت:رسول الله ﷺ فرمودند: (برای قوم، کسیکه قاری تر شان به کتاب الله باشد امامت میکند، اگر در قرائت برابر بودند، داناترشان به سنت، اگر در سنت نیز برابر بودند، پیش گامترشان به هجرت، اگر در هجرت نیز برابر بودند، پس مقدمترشان در اسلام[۱] امامت کند).[۲]

این ترتیب هنگام ارادهٔ تولیت پیش نمازی برای مسجد، ویا در جماعتی که امام راتبی (امام معینی برای نماز در مسجدش) نباشد، رعایت میشود، اما اگر جماعتی امام معینی دارد، ویا صاحب خانه امام باشد، ویا کسی صاحب امری[۳] بوده، پس همان شخص نسبت به دیگران مقدم میباشد، بدلیل فرمودهٔ آنحضرت ﷺ: (هیچ مردی امامت در حیطه سلطه مردی نکند، ونیز در موضع اعزاز[۴] کسی بدون اجازهٔ او منشیند).[۵]

موضعیت امام ومقتدیان

۱. اگر مقتدی یکتن باشد: سنت آنست که بسمت راست امام وبرابر او بایستد، بدلیل حدیث ابن عباس ﷺ که گفت: (با نبی اکرم ﷺ شبی نماز خواندم، بسمت چپ ایشان ایستادم، رسول الله ﷺ از پشت سرم گرفته مرا بسمت راست خود شان گردانیدند).[۶]

۲. اگر جماعت دو تن ویا بیشتر باشند: امام در پیشروی ودر وسط آنان میایستد، بدلیل حدیث جابر ﷺ وجبار ﷺ

(۱)سلما: از نظر اسلام، ودر روایتی (سنا) سالمندترشان.
(۲) بروایت مسلم.
(۳) مانند اینکه سلطانی باشد ویا فرماندهی ویا رئیسی موضعی ومانند.
(۴) التكرمة: آنچه برای نشستن مهمان آماده میشود.
(۵) بروایت مسلم.
(۶) باتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

اینکه یکی از آنان بسمت راست رسول الله ﷺ ودیگری بسمت چپ ایشان ایستادند، جابر گفت: (رسول الله ﷺ از دستان ما گرفته، هردوی ما را بعقب زدند تا در پشت سرشان ما را ایستاد کردند).[۱]

موضعیت زنان

۱. اگر زنان بجماعت نماز بخوانند، سنت آنست که امامشان در وسط آنان بایستد، واز آنان پیشتر نباشد.

۲. اگر زنی بمردی اقتداء کرد در عقب وی میایستد، واگر با مردان به نماز ایستاد، در عقب صف مردان میایستد.

۳. اگر گروهی از زنان با مردان بجماعت نماز بخوانند، سنت آنست که صفهای زنان در عقب صفهای مردان باشد، از ابی هریرة ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: (بهترین صف زنان آخر آنست، وبدترین آن اولش میباشد).[۲]

نماز زنان

زن در کنار مردان

(۱) بروایت مسلم.
(۲) بروایت ابن ماجه.

از احکام اقتداء به امام

۱. برای کسیکه در خانهٔ خود بوده، از خلال شنیدن صدای بلندگو، ویا از خلال گوش دادن برادیو اقتداء به امام کند صحیح نیست.

۲. اقتداء به امام در خارج از مسجد، اگر صفها با هم متصل باشد، صحیح است.

۳. مقتدیانیکه در بام مسجد باشند، ویا پائین تر، اقتدای شان به امام مسجد صحیح است اگر صدای امام را بشنوند.

۴. اقتدای کسیکه نماز فرضی را میخواند در عقب کسیکه نماز نفلی میخواند، صحیح نیست، وبر عکس آن صحیح است.

اقتداء در خارج مسجد

سبقت امام

۱. برای مقتدی پیروی از امام مشروعیت دارد، طوریکه هر عمل را بعد از امامش مباشرتا انجام میدهد، بدلیل فرمودهٔ نبی اکرم ﷺ: (امام برای آنست که از وی پیروی شود، اگر تکبیر گفت به تعقیش تکبیر بگوئید، واگر رکوع کرد، پس شما نیز رکوع کنید، واگر سجده نمود، شما نیز سجده نمائید).[۳]

۲. سبقت از امام حرام است، نبی اکرم ﷺدرینمورد تشدید نموده فرموده است: (آیا یکی از شما که قبل از امام سرش را بلند کند، ازین بیم ندارد که الله تعالی سرش را سر الاغ بگرداند، ویا چهرهء او را چهره الاغ بگرداند).[۴]

۳ـ کسیکه سهوا از امام خود سبقت کرده، واجب آنست که برگردد واز او پیروی کند.

(۳) باتفاق بخاری ومسلم.
(۴) باتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

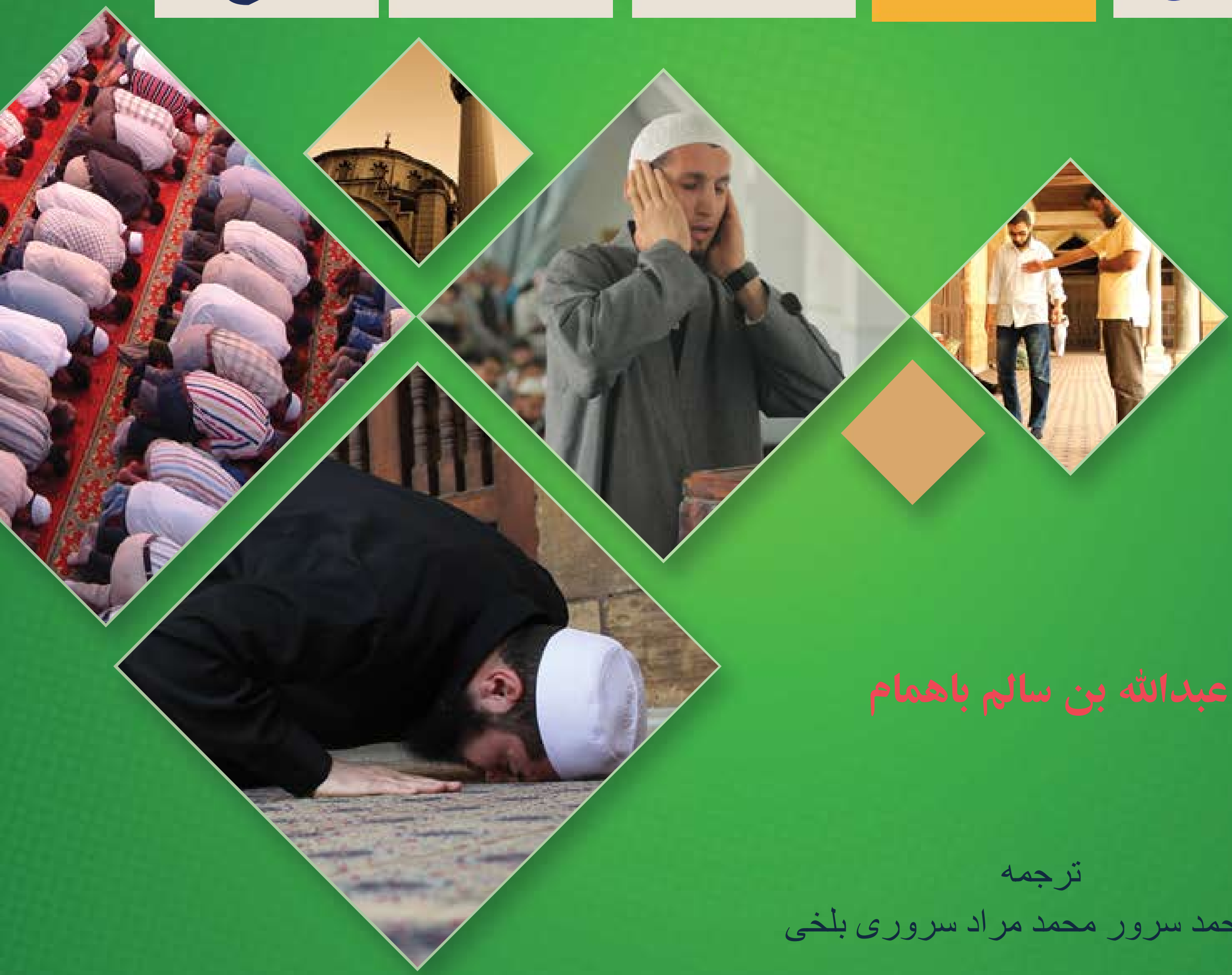

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

پیش نمازی وپیرو روی

https://www.al-feqh.com/fa

۱۲

پیش نمازی وپیروی

مطالب

مستحقتر به امامت
موضعیت امام ومقتدی
موضعیت زنان
از احکام اقتداء به امام
سبقت از امام

مستحق پیش نمازی

براین ترتیب:

یکم: قاری تر به کتاب الله: یعنی حافظ تر وعالمتر به احکامش باشد.

دوم: داناتر به سنت: یعنی کسیکه به معانی آن واحکامش داناترباشد.

سوم: در مهاجرت مقدمتر: یعنی کسیکه در مهاجرت از سرزمین کفر به سرزمین اسلام پیش گامتر باشد، واگر مهاجرت نبود، کسیکه در ترک معصیت وتوبه پیش گامتر باشد.

چهارم: سالمندتر: هنگامیکه در شرطهای قبلی برابر باشند.

ودلیل آنچه تذکر داده شد، حدیث ابی مسعود انصاری رضي الله عنه است که گفت:رسول الله ﷺ فرمودند: (برای قوم، کسیکه قاری تر شان به کتاب الله باشد امامت میکند، اگر در قرائت برابر بودند، داناترشان به سنت، اگر در سنت نیز برابر بودند، پیش گامترشان به هجرت، اگر در هجرت نیز برابر بودند، پس مقدمترشان در اسلام[۱] امامت کند).[۲]

این ترتیب هنگام ارادهٔ تولیت پیش نمازی برای مسجد، ویا در جماعتی که امام راتبی (امام معینی برای نماز در مسجدش) نباشد، رعایت میشود، اما اگر جماعتی امام معینی دارد، ویا صاحب خانه امام باشد، ویا کسی صاحب امری[۳] بوده، پس همان شخص نسبت به دیگران مقدم میباشد، بدلیل فرمودهٔ آنحضرت ﷺ: (هیچ مردی امامت در حیطه سلطه مردی نکند، ونیز در موضع اعزاز[۴] کسی بدون اجازهٔ او منشیند).[۵]

موضعیت امام ومقتدیان

۱. اگر مقتدی یکتن باشد: سنت آنست که بسمت راست امام وبرابر او بایستد، بدلیل حدیث ابن عباس رضي الله عنهما که گفت: (با نبی اکرم ﷺ شبی نماز خواندم، بسمت چپ ایشان ایستادم، رسول الله ﷺ از پشت سرم گرفته مرا بسمت راست خود شان گردانیدند).[۶]

۲. اگر جماعت دو تن ویا بیشتر باشند: امام در پیشروی ودر وسط آنان میایستد، بدلیل حدیث جابر رضي الله عنه وجبار رضي الله عنه

(۱)سلما: از نظر اسلام، ودر روایتی (سنا) سالمندترشان.
(۲) بروایت مسلم.
(۳) مانند اینکه سلطانی باشد ویا فرماندهی ویا رئیسی موضعی ومانند.
(۴) التکرمة: آنچه برای نشستن مهمان آماده میشود.
(۵) بروایت مسلم.
(۶) باتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

اینکه یکی از آنان بسمت راست رسول الله ﷺ ودیگری بسمت چپ ایشان ایستادند، جابر گفت: (رسول الله ﷺ از دستان ما گرفته، هردوی ما را بعقب زدند تا در پشت سرشان ما را ایستاد کردند).(۱)

موضعیت زنان

۱. اگر زنان بجماعت نماز بخوانند، سنت آنست که امامشان در وسط آنان بایستد، واز آنان پیشتر نباشد.

۲. اگر زنی بمردی اقتداء کرد در عقب وی میایستد، واگر با مردان به نماز ایستاد، در عقب صف مردان میایستد.

۳. اگر گروهی از زنان با مردان بجماعت نماز بخوانند، سنت آنست که صفهای زنان در عقب صفهای مردان باشد، از ابی هریرۀ رضي الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: (بهترین صف زنان آخر آنست، وبدترین آن اولش میباشد).(۲)

نماز زنان

زن در کنار مردان

(۱) بروایت مسلم.
(۲) بروایت ابن ماجه.

از احکام اقتداء به امام

۱. برای کسیکه در خانهٔ خود بوده، از خلال شنیدن صدای بلندگو، ویا از خلال گوش دادن برادیو اقتداء به امام کند صحیح نیست.

۲. اقتداء به امام در خارج از مسجد، اگر صفها با هم متصل باشد، صحیح است.

۳. مقتدیانیکه در بام مسجد باشند، ویا پائین تر، اقتدای شان به امام مسجد صحیح است اگر صدای امام را بشنوند.

۴. اقتدای کسیکه نماز فرضی را میخواند در عقب کسیکه نماز نفلی میخواند، صحیح نیست، وبر عکس آن صحیح است.

اقتداء در خارج مسجد

سبقت امام

۱. برای مقتدی پیروی از امام مشروعیت دارد، طوریکه هر عمل را بعد از امامش مباشرتا انجام میدهد، بدلیل فرمودهٔ نبی اکرم ﷺ: (امام برای آنست که از وی پیروی شود، اگر تکبیر گفت به تعقیبش تکبیر بگوئید، واگر رکوع کرد، پس شما نیز رکوع کنید، واگر سجده نمود، شما نیز سجده نمائید).(۳)

۲. سبقت از امام حرام است، نبی اکرم ﷺدرینمورد تشدید نموده فرموده است: (آیا یکی از شما که قبل از امام سرش را بلند کند، ازین بیم ندارد که الله تعالی سرش را سر الاغ بگرداند، ویا چهرهء او را چهره الاغ بگرداند).(۴)

۳ـ کسیکه سهوا از امام خود سبقت کرده، واجب آنست که برگردد واز او پیروی کند.

(۳) باتفاق بخاری ومسلم.
(۴) باتفاق بخاری ومسلم.

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

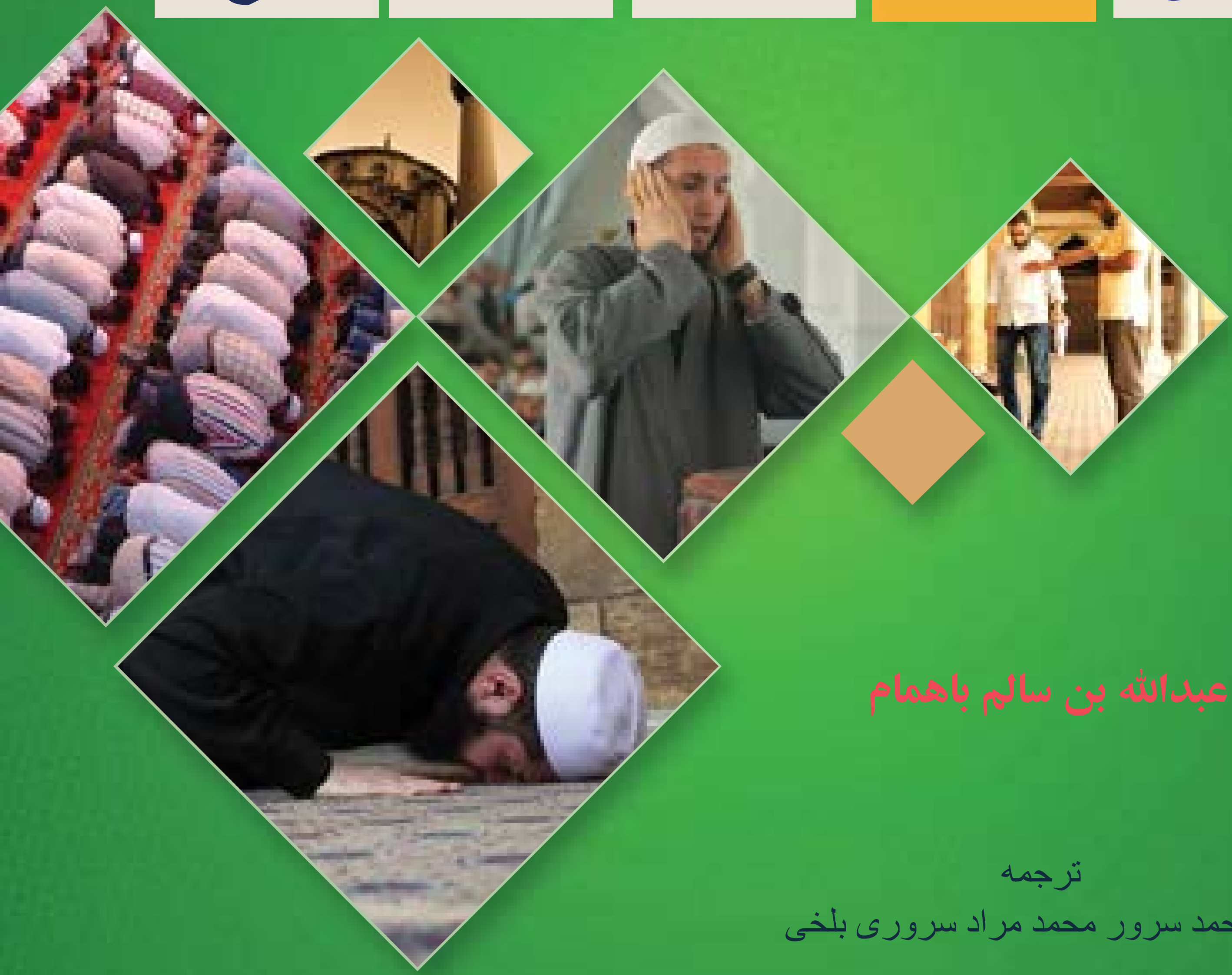

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

نماز صاحبان عذر

https://www.al-feqh.com/fa

۱۳

نماز صاحبان عذر

مطالب

تعریف عذرها
نماز بیمار
از احکام نماز بیمار
نماز مسافر
مقصود از سفر
نماز مسافر در اتوبوس
جمع بین دو نماز
نماز خوف
وصف نماز خوف

صاحبان عذر

بیماری، سفر، خوف.

۱ـ نماز بیمار

بر مریض لازم است تا نماز را بقدر توانش اداء کند، اگر مانند انسان تندرست توان ادای آنرا داشت، باید که بهمان گونه بخواند، اگر توانائی آنرا نداشت، پس بقدر توانش مورد بازخواست میباشد.

بنابرآن اگر بیمار توانائی قیام را داشت واجب است که ایستاده بخواند، اگر توان ایستادن را نداشت، نماز را نشسته بخواند، اگر توان نشستن رانیز نداشت، بر پهلو رو به قبله خوابیده نماز بخواند، اگر به پهلو نیز قادر نبود، بر پشت بخوابد، وپاهایش را بسوی قبله درازکند، اگر اینهم برایش آسان نبود، بهر گونهٔ که برایش ممکن بود نماز بخواند.

ودلیلش هم فرموده خداوند ﷻ: (از الله تعالی بقدر توان بترسید)[التغابن:۱۶] میباشد، ونیز فرمودهٔ آنحضرت ﷺ به عمران بن حصین رضی الله عنه: (نماز بخوان ایستاده، اگر نتوانستی نشسته بخوان، اگر نتوانستی بر پهلو بخوان).[۱]

از احکام نماز بیمار

۱. اگر بیمار نشسته نماز خواند وتوان سجده را داشت، بروی سجده کردن واجب است.

۲. اگر بیمار نشسته نماز خواند واز سجده کردن عاجز بود، پس با بدنش به رکوع وسجده اشاره می کند، وسجده اش پائین تر از رکوعش میباشد، اگر اشاره با بدن مشکل بود، با سرش اشاره میکند، همچنین اگر بر پشت خوابیده نماز خواند با سرخود اشاره میکند.

۳. اگر برای بیمار وضوء کردن در هر نماز مشکل بود، ویا خواندن نمازها در اوقاتش مشقت بار بود، میتواند جمع بین دو نماز ظهر وعصر، وبین مغرب وعشاء در وقت اولی ویا دومی برپایهء اینکه کدام یک برایش مناسب تر است بکند.

۴. تا زمانیکه بیمار عقلش کار میکند، نماز هرگز از وی ساقط نمیشود، برای بیمار شایسته نیست که به بهانهء بیماری در مورد نماز سستی کند، باید بقدر توان در ادای نماز کوشش کند.

(۱) بروایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۲- نماز مسافر

برای مسافر واجب است تا نماز چهار رکعتی را قصر کند، (ظهر، عصر وعشاء) را دو رکعت بخواند، بدلیل فرموده ٔ خداوند ﷻ: (هرگاه در زمین سفر کردید، بر شما باکی نیست که در نماز قصر کنید اگر بیم داشتید که کفار به شما فتنه ایجاد کند، کافران هر آئینه برای شما دشمن واضح هستند) (نساء ۱۰۱).

وهمچنین بدلیل آنچه از انس بن مالک رضي الله عنه روایت شده که گفت: (با رسول الله ﷺ از مدینه بسوی مکه برآمدیم، پس نماز ها را با ما دو رکعتی اداء کردند، تا اینکه برگشتیم).[۱]

مقصود به سفر

هر آنچه که در عرف، کلمهٔ سفر بآن گفته میشود، سفر بوده، نماز در آن قصر میشود.

قصر نماز

۱. قصر مسافر پس از ترک خانه های شهریکه در آن سکونت دارد آغاز میشود، برایش قصر نماز جائز نیست تا زمانیکه در خانه مسکونی خود میباشد، زیرا از نبی اکرم ﷺ روایتی ثابت نشده که قصر نماز کرده، مگر بعد از خارج شدن از آبادیهای محل اقامتشان.

۲. اگر مسافر به سرزمینی برسد وقصد اقامت پانزده روزه ویا بیشتر از آنرا کرد، باید که نمازهایش را کامل بخواند، اگر قصد اقامت کمتر ازین روزها را داشت میتواند قصر بخواند، اگر قصد اقامت مدت معینی را نداشت بلکه میخواست بمجرد انجام کارش آنجا را ترک گوید، برایش قصر خواندن تا برگشتش جائز است، هر چند که مدت اقامت بیش ازاین روزها نیز گردد.

۳. اگر مقیمی در عقب مسافری که نماز را قصر میخواند اقتداء کرد، بروی واجب است تا بعد از سلام دادن امام، نمازش را به اتمام برساند.

جمع کردن میان دو نماز

۱. آیابرای مسافر وبیمار جمع بین دو نماز ظهر وعصر در وقت یکی از آنها، وهمچنین میان مغرب وعشاء در وقت یکی از آنها جائز است؟

علماء درین مسئله اختلاف نظر دارند: احناف به این نظرند که برای مسافر ومریض جمع بین دو نماز جواز ندارد، مگر اینکه جمع شکلی باشد، طوریکه نماز اول را در آخر وقتش ونماز دوم را در اول وقتش اداءکند، ودلیل آنها فرموده ٔ

(۱) بروایت نسائی.

https://www.al-feqh.com/fa

خداوند متعال است: (نماز بر مؤمنان فرض وقتی است). در حالیکه جمهور علماء باین نظر اند که برای مسافر با توجه به احادیث صحیحی که درین باره وارد شده جواز دارد، از آنجمله روایت معاذ رضي الله عنه است که میگوید: (با نبی اکرم ﷺ به غزوه تبوک برآمدیم، آنحضرت نمازهای ظهروعصر را باهم جمع میکرد وهمچنین نمازهای مغرب وعشاء را نیز باهم جمع میکرد) (بروایت مسلم).

اما در مورد بیمار، نیز جمع صلاتین را برایش مجاز دانسته اند بنا بر قیاس به سفر بعلت وجود مشقت میان هردو، اگر در وقت نماز اولی جمع کرد جمع تقدیم واگر در وقت نماز دومی بود جمع تاخیر میباشد.

۲. لازم نیست که جمع وقصر با هم انجام شود، احیانا جمع وقصر باهم میباشند، وگاهی جمع میشود، ولی قصرنمیباشد.

نماز مسافر در اتوبوس

۱ـ اگر نفلی باشد

نمازش صحیح است با عذر ویا بدون عذر باشد، بدلیل آنچه که ثابت شده رسول الله ﷺسوار بر مرکبشان به هرسوئی که رهسپار بود، نفل می خواندند.[۱]

۲ـ اگر فرضی بود

نماز صحیح است، اگر توان پیاده شدن برای نماز خواندن در زمین را نداشته باشد، یا اینکه اگر پیاده شد از سوار شدن عاجز است، ویا بر جانش از دشمنی بیم دارد، ویا مانند آن، دارای چندین حالت است، که از آنجمله:

أ ـ توان روبه قبله شدن را دارد ونیز رکوع وسجده را میتواند انجام دهد، مانند اینکه در کشتی باشد، بر وی لازم است تا نماز به همان گونه عادی اداء کند، زیرا که توانائی آنرا دارد.

ب ـ توانائی رو به قبله شدن را دارد، ولی توانائی رکوع وسجده را ندارد، بروی لازم است که در هنگام تکبیر تحریمه رو به قبله باشد، پس از آن طبق توجه اتوبوس به هر سو نماز میخواند، وبرای رکوع وسجده اشاره میکند.

(۱) بروایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۳ـ نماز خوف

نماز خوف در کشت وخونیکه مباح باشد، مشروع است، چه در اقامت باشد ویا در سفر، ودلیل مشروعیتش از قرآن وسنت است:

۱. از قرآن فرموده خداوند ﷻ: (واگر در میان آنها بودی وبرایشان نماز اقامه کردی، باید گروهی از آنها با تو بایستند وسلاحهایشانرا با خود بگیرند، هنگامیکه سجده کردند، در عقب شما باشند، وگروهی دیگریکه نماز نخوانده اند، بیایند وبا تو نماز بخوانند، احتیاط کنند وسلاحهایشان را با خود بگیرند) (نساء ۱۰۲).

۲. واز سنت: فعل رسول الله ﷺ است، طوریکه با یارانشان نمازخوف خوانده اند، ونیز اصحاب آنحضرت ﷺ بعد از ایشان نیز خوانده اند.

وصف نماز خوف

خوف بر تعداد رکعات تاثیری ندارد، اگر در حال اقامت باشد، بهمان شکل اقامت خوانده میشود، واگر در سفر باشد نماز قصر خوانده میشود، ولی اختلاف در وصف آن میباشد، ودر وصف آن اشکال مختلفی وجود دارد که همه آنها جائز است.

وخوفیکه موجب این گونه نماز میشود، از دو حالت خالی نیست:

حالت اول: حالت خوف حملهء دشمن:

نماز به هر شکلی از اشکالی که از نبی اکرم ﷺ روایت شده خوانده میشود، که مشهورترین آن در حدیث سهل بن ابی حثمهٔ رضی الله عنه چنین آمده است: امام باید آنها را به دو گروه تقسیم کند، گروهی بسوی دشمن برای پاسداری میایستد، وگروه دیگر با امام نماز میخواند، وقتیکه امام به رکعت دوم برخیزد، نیت دور شدن از امام را میکند وبرای خودش نماز را تمام نموده، سلام میدهد، پس از آن برای پاسداری بسوی دشمن میروند، وگروه اول میآید وبا امام رکعت دوم را میخواند، هنگامیکه برای تشهد مینشیند، برمیخیزند وبا خود نمازشانرا تمام میکنند، در حالیکه امام منتظر میماند، وقتیکه نشستند وتشهد خواندند امام با آنها سلام میدهد.[۱]

این شکل در حالتی است که نماز در سفر باشد، ویا در نماز فجر در حال اقامت باشد، اما اگر در حالت اقامت بوده ویا در نماز مغرب باشد، با گروه اول دو رکعت را میخواند، سپس این گروه عزم جدائی از امام را نموده با خودشان نماز را تمام میکنند، ومیروند، وگروه دوم میآید وامام با آنها متباقی نماز را میخواند، وقتیکه برای تشهد اخیرمینشیند گروه دوم از او جدا شده با خودشان نماز را تکمیل میکنند، امام منتظر آنها میماند تا اینکه برای تشهد اخیر بنشینند وبا آنها سلام میدهد.

حالت دوم: اینکه خوف شدت گیرد، ونتوانند نماز رابه گونهء که یاد شد اداء کنند:

درین حالت پیاده وسوار رو بسوی قبله نماز میخوانند اگر فرصت یابند، ودر غیر آن به هر سمتیکه متوجه بودند نماز میخوانند، چنانچه ابن عمر رضی الله عنه گفته است: (اگر خوف بیشتر از آن شد، پیاده روان ایستاده بر پاهایشان ویا سواره، رو به سوی قبله ویا غیرقبله نماز میخوانند).[۲] وبرای رکوع وسجده اشاره میکنند، پس نماز میگذارد در حالیکه راه میرود ویا سوار هواپیمایش ویا سوار تانکش طبق حالتی که دارد نماز می خواند، چنین است اگر در حالت جنگ وشدت زدوخورد باشد، ویا غیر ازین حالتی باشد که نماز را به شکل مطلوب

(۱) بروایت بخاری.
(۲) بروایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

اداء کرده نمیتواند.بدلیل این فرموده خداوند ﷻ: (اگر خوف داشتید بس پیاده ویا سوار) (بقره ۲۳۹)

در هواپیما نماز میخواند

در کشتی نماز میخواند

در تانک نماز میخواند

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

حج	زکات	روزه	نماز	پاکی

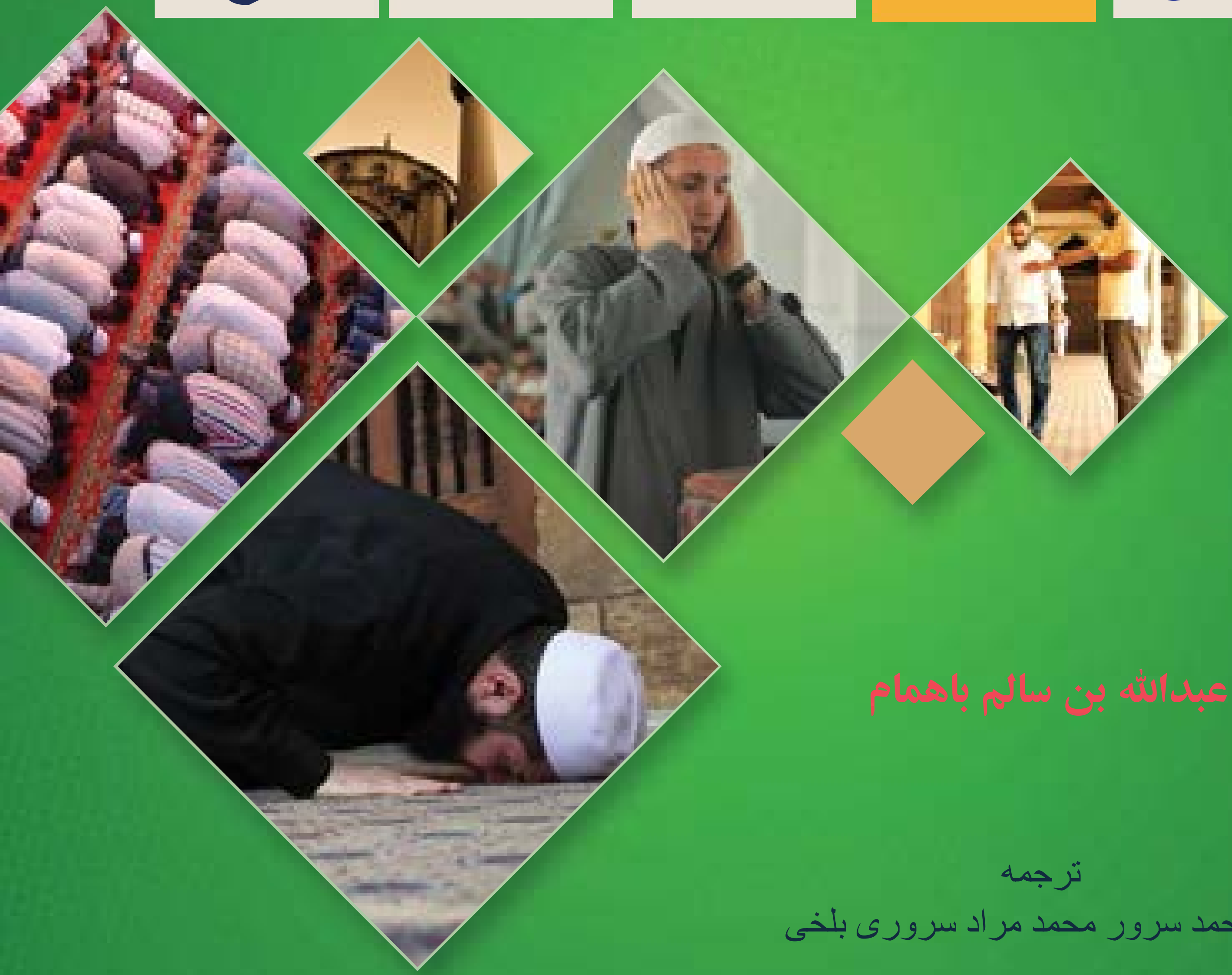

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

نماز نفلی

https://www.al-feqh.com/fa

۱۵

نماز نفلی

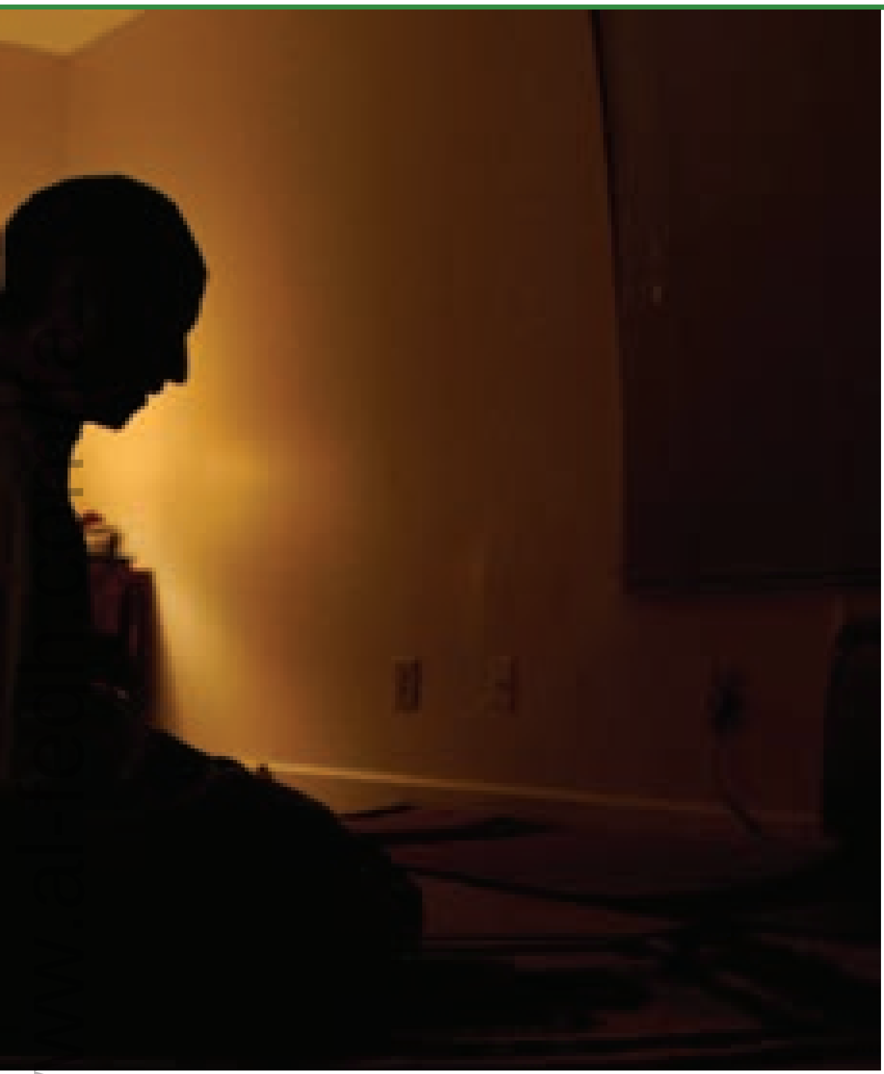

مطالب

تعریف نماز نفل

برتری نماز نفل

انواع نماز نفل

یکم: سنتهای رواتب

دوم: نماز وتر

سوم: نماز تراویح

چهارم: نماز ضحی

پنجم: نماز تحیه مسجد

ششم: نماز استخاره

هفتم: نفل مطلق

نماز نفلی

نماز مشروع غیر از واجب.

برتری نماز نفلی

۱. نماز نفلی سبب محبت الله تعالی به بنده اش میباشد، چنانچه در حدیث قدسی آمده است که الله تعالی میفرماید: (وبنده‌ٔ من همچنان با نوافل بمن تقرب میجوید تا اینکه وی را دوست میدارم، اگر دوست داشتم، من گوش شنوای او میباشم، ونیز چشم بینای او میشوم، ونیز دست او میشوم که بآن بقوت میگیرد، ونیز پای او میشوم که بر آن راه میرود، واگر از من چیزی بخواهد برایش عطا میکنم، واگر طلب پناه کند بوی پناه میدهم).[۱]

۲. نماز نفلی، کمبود فرائض را جبران میکند، چنانچه نبی اکرم ﷺ فرموده اند: (نخستین چیزیکه در روز قیامت مردم از اعمال شان مورد محاسبه قرار میگیرند، نماز است، پروردگار ما ـجل وعزـ به فرشتگانش ـ در حالیکه او داناتر است ـ میفرماید: به نماز بنده ام بنگرید، آیا کامل کرده ویا کمبود دارد؟ اگر کامل خوانده باشد، برایش کامل نوشته میشود، واگر چیزی از آن ناقص بود، میفرماید: ببینید آیا بنده نفلی خوانده است؟ اگر نفلی وجود داشت، میفرماید: (حساب فرضرا از نفل وی تمام کنید) پس بهمین منوال اعمال بازخواست میشود)..[۲]

(۱) بروایت بخاری.

(۲) بروایت ابوداود.

https://w

https://www.al-feqh.com/fa

نماز نفلی در خانه برتر است

ادای نماز نفل در خانه نسبت به مسجد برتری دارد، مگر آنچه که در آن جماعت مشروع باشد مانند نماز تراویح در رمضان، نبی اکرم ﷺ فرموده اند: (برترین نماز شخص نمازی است که در خانه اش میخواند، مگر اینکه نماز فرضی باشد).[۱]

انواع نماز نفل

نماز نفل انواع زیادی دارد، که مهمترین آنها ازینقرار است:

یکم: سنتهای رواتب[۲]

وآن سنتهائیست که وابسته به فرض میباشد.

(۱) بروایت بخاری.
(۲) رواتب: جمع راتبه: وآن عبارت از شیء ثابت ودائم.

مجموع سنتهای رواتب ده ویا دوازده رکعت میباشند، ازینقرار:

- دو رکعت قبل از نماز فجر.
- دو ویا چهار رکعت قبل از نماز ظهر، ودو رکعت بعد از آن.
- دو رکعت بعد از نمازمغرب.
- دو رکعت بعد از عشاء.

از ابن عمر ؓ روایت است که گفت: (من از نبی اکرم ﷺ ده رکعت را حفظ کردم: دو رکعت قبل از ظهر، ودو رکعت بعد از آن، و دو رکعت بعد از مغرب در خانه شان، ودو رکعت بعد از عشاء در خانه شان، و دو رکعت قبل از نماز فجر)[۳]

مانند آن از عائشه ؓ نیز روایت شده، مگر اینکه قبل از ظهر را چهار رکعت ذکر کرده است.[۴]

مؤکدترین سنتهای رواتب که نبی اکرم ﷺ در سفر واقامت شان به آن موظبت کرده اند، دو رکعت فجر است، چنانچه در حدیث عائشه ؓ آمده که گفته است: (نبی اکرم ﷺ بر هیچ یک از نوافل مواظبت شدید مانند دو رکعت فجرنداشتند).[۵]

وسنت آنست که در آن بدون اینکه بواجباتش اخلال کند ، تخفیف نماید ، چنانچه از عائشه ؓ روایت شده که گفت: (آنحضرت ﷺ دو رکعت قبل از نماز صبح را بسیار خفیف میخواند، به گونهٔ که میگفتم که آیا ام الکتاب – فاتحه- را خوانده اند؟)[۶]

همانطوریکه قضای آن نیز جواز دارد، بدلیل فرمودهٔ آنحضرت ﷺ: (کسیکه دو رکعت فجر را نخوانده، باید بعد از طلوع خورشید آنرا بخواند).[۷]

(۳) باتفاق بخاری ومسلم.
(۴) بروایت مسلم.
(۵) باتفاق بخاری ومسلم.
(۶) بروایت بخاری.
(۷) بروایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

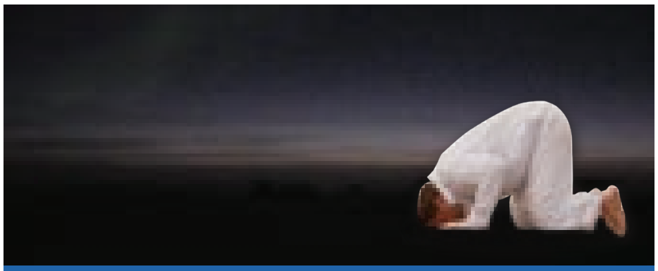
بعد از عشاء

قضای سنت فجر در روز

بعد از مغرب

قبل از فجر

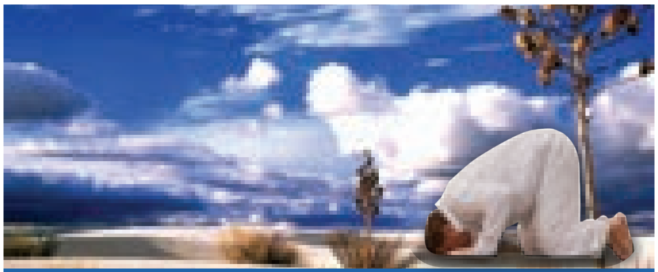
قبل از ظهر وبعد از آن

سنت قبلی	نماز فرضی	سنت بعدی
دو رکعت	فجر	——
۴ رکعت	ظهر	دو رکعت
——	عصر	——
——	مغرب	دو رکعت
——	عشاء	دو رکعت

دوم: نماز وتر

حکم وتر وفضائل آن:

وتر واجب مؤکد است، آنحضرت ﷺ فرموده اند: (خداوند طاق است، وتر را دوست میدارد، پس نماز وتر بخوانید ای اهل قرآن)[(۱)].

وصف وتر:

۱. اقل وتر یک رکعت است، واکثرش یازده ، ویا سیزده رکعت است که نماز گذار دو دو رکعت میخواند، سپس یک رکعت خوانده ، وتر میکند.

۲. ادنای کمال سه رکعت است: دو رکعت خوانده سلام میدهد، سپس یک رکعت دیگر خوانده سلام میدهد، ومیتواند سه رکعت را متصل به یک تشهد بخواند، ونزد بعض ائمه سه رکعت را به دو تشهد میخواند. مستحب است که در رکعت اول سوره الأعلى ودر رکعت دوم سوره الکافرون ودر رکعت سوم سوره الإخلاص را بخواند. بدلیل آنچه از ابی بن کعب رضی الله عنه روایت شده که گفت: (رسول الله ﷺ در رکعت اول وتر "سبح اسم ربک الأعلى " ودر دوم "قل یاأیها الکافرون" ودر سوم "قل هو الله أحد" را میخواند[(۲)].

(۱) بروایت ابوداود.
(۲) بروایت نسائی.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

وقت وتر:

بعد از نماز عشاء تا طلوع فجر، ادای وتر در ثلث اخیر شب افضلیت دارد، بدلیل فرموده ٔ نبی اکرم ﷺ:(نماز آخر شب مشهود است).[۱]

دعاء در وتر:

در رکعت اخیر وتر دعاء مشروع گردیده، قبل از رکوع[۲] ویابعد از بلند شدن از رکوع[۳]، دستان خود را بلند کرده دعای وارده درین زمینه را میخواند، که از آنجمله است:

«اللهم اهدنی فیمن هدیت، وعافنی فیمن عافیت، وتولنی فیمن تولیت، وبارک لی فیما أعطیت، وقنی شر ما قضیت، فإنک تقضی ولا یقضی علیک، إنه لا یذل من والیت، ولا یعز من عادیت، تبارکت ربنا وتعالیت».[۴]

مسائل

۱. سنت اینست که بعد از نماز وتر بگوید: «سبحان الملک القدوس»[۵] سه بار، در بار سوم صدای خود را بلند نموده دراز کند، ومیتواند: «رب الملائکة والروح»[۶] را آن زیاد کند.

۲. مسح کردن روی با دستان بعد از دعاء نه در وترونه در غیر وتر مشروع نمیباشد، زیرا که از نبی اکرم ﷺ درین مورد حدیث صحیحی نیامده است.

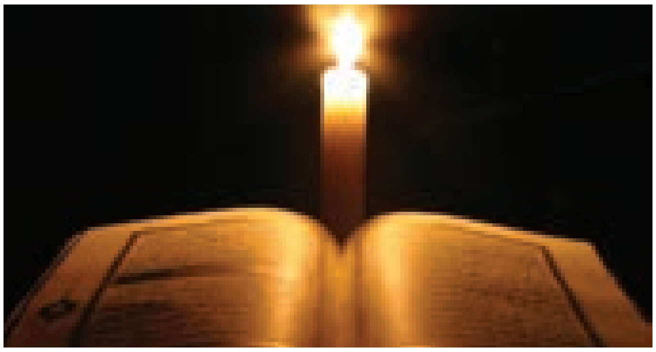

(۱) بروایت مسلم.
(۲) بروایت ابوداود.
(۳) بروایت بخاری.
(۴) بروایت ترمذی.
(۵) بروایت احمد
(۶) بروایت دار قطنی.

قضای وتر در روز

قضای وتر در روز مشروع است، وقضایش جفت میباشد، زیرا که از عائشه روایت شده که رسول الله ﷺ هرگاه نماز شب از ایشان به سبب ناخوشی وغیره قضاء میشد، در روز دوازده رکعت نماز میخواندند.[۱]

۱- بروایت مسلم.

سوم: نماز تراویح

وتراویح: نماز شب در رمضان میباشد.

وبه تراویح مسمی شده؛ زیرا که در میان هر چهار رکعت بخاطر طول رکعتها برای راحت توقف میکردند.

فضیلت نماز تراویح:

نبی اکرم ﷺ فرمودند: (کسیکه رمضان را از روی ایمان وحساب اجر نزد خدا به روزه و قیام شب سپری کرد، گناهان گذشته اش بخشوده میشود).[۱]

حکم نماز تراویح:

تراویح سنت مؤکد بوده که رسول الله ﷺ آنرا در ماه مبارک رمضان مشروع کرده اند، زیرا نبی اکرم ﷺ با صحابه کرام چند شبی نماز خواندند، سپس از بیم اینکه بر آنان فرض شود، ترک کردند، وبعد از پیامبر ﷺ صحابه کرام ﷺ آنرا اداء کردند.[۲]

(۱) بروایت بخاری ومسلم.
(۲) بروایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

شمار رکعات نماز تراویح:

برخی گفته اند که بیست رکعت است، از سائب بن یزید ﷺ روایت است که گفت: در عهد عمر بن خطاب ﷺ در ماه رمضان بیست رکعت میخواندند.

همچنین گفت: با آرامی میخواندند.

وبرخی دیگر گفته اند: یازده رکعت است.

مسائل

۱. ترک آنچه از قیام شبانه عادت دارد، مکروه است، از عبدالله بن عمرو بن العاص ﷺ روایت است که گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: (ای عبدالله مانند فلان مشو، شبانه برای نماز برمیخاست، سپس قیام شبانه را ترک کرد).[۱]

۲. برای مرد مستحب است هنگامیکه شبانه برای نماز شب بیدار میشود، همسرش را نیز برای نماز شب بیدار کند، واگر زن بیدار شد شوهرش را نیز بیدار کند، بدلیل فرموده ٔ آنحضرت ﷺ: (اگر مرد همسرش را به نماز شب بیدار کند، پس آندو-ویا یکی آنها- دو رکعت نماز بخوانند، هر دو در جمله ٔ ذاکرین وذاکرات نوشته میشوند).[۲]

بیدار شدن برای نماز

۳. کسیکه در نماز شب، خواب بروی غلبه کند، باید نماز را گذاشته بخوابد تا اینکه خواب از وی برود، از عائشه ﷺ روایت است که نبی اکرم ﷺ فرموده اند: (اگر یکی از شما در نماز پینکی رفت، باید بخوابد تا اینکه خواب از وی برود).[۳]

غلبه خواب

۴. دعاء وطلب مغفرت در ثلث اخیر شب مستحب است، بدلیل روایت ابوهریرة ﷺ که گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: (الله تعالی در ثلث اخیر شب به آسمان دنیا فرود آمده میگوید: کسیکه مرا بخواهد، برایش اجابت میکنم، کسیکه طلب مغفرت میکند، او را مورد مغفرت قرار میدهم).[۴]

دعاء کردن در ثلث اخیر شب

(۱) بروایت بخاری ومسلم.
(۲) بروایت ابوداود.
(۳) بروایت بخاری ومسلم.
(۴) بروایت بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

چهارم: نماز ضحی (اشراق)

وآن نمازیست که در وقت ضحی مشروع گردید، ووقت ضحی: از طلوع خورشید وبلند شدنش به اندازهء یک نیزه میباشد ـ این مقدار ارتفاع خورشید در حدود سوم حصهء یک ساعت میباشد ـ که تا زوال خورشید ادامه دارد.

وقت ضحی

فضیلت نماز ضحی:

الله تعالی در حدیث قدسی میفرماید: (ای فرزند آدم، برای من در اول روز چهار رکعت نماز بخوان، ترا در آخر آن کفایت میکنم).[۱]

شمار رکعات نماز ضحی:

جواز دارد که نماز ضحی را دو رکعت، ویا چهار، ویا شش، ویا هشت رکعت بخوانی، زیرا که نبی اکرم ﷺ چنین کرده اند.

پنجم: نماز تحیهء مسجد

وآن دو رکعتی است برای کسی به مسجد داخل میشود، مشروع شده، وقبل از نشستن آنرا بخواند.

ودلیلش فرمودهٔ نبی اکرم ﷺ:(اگر یکی از شما به مسجد داخل شد، باید قبل از نشستن دو رکعت نماز بخواند).[۲]

سنت راتبه ویا نماز فرضی از آن کفایت میکند، پس کسیکه داخل مسجد برای ادای نماز ظهر گردید، پس سنت ظهر را خواند، از نماز تحیهٔ مسجد نیز کفایت میکند، وبروی تحیهء مسجد نمیباشد.

(۱) بروایت مسلم
(۲) بروایت بخاری ومسلم.

تحیه مسجد

ششم: نماز استخاره

هرگاه بندهٔ در کاری از کارها متردد گردید، قبل ازینکه بآن اقدام کند، دو رکعت نماز میخواند، آنحضرت ﷺ یاران را آموزش میدادند مانند آنکه سورهٔ از قرآن را آموزش میدادند.

دعاء استخاره:

نبی اکرم ﷺ فرمودند: (اگر یکی از شما در کاری اراده میکند، باید دو رکعت نماز غیر از فرضي بخواند، پس از آن بگوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلاَ أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلاَ أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلاَّمُ الْغُيُوبِ، اَللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي -أَوْ قَالَ عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ- فَاقْدُرْهُ لِي، وَيَسِّرْهُ لِي، ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ،وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي، وَمَعَاشِي، وَعَاقِبَةِ أَمْرِي -أَوْ قَالَ فِي عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ- فَاصْرِفْهُ عَنِّي وَاصْرِفْنِي عَنْهُ، وَاقْدُرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِي -قَالَ- وَيُسَمِّي حَاجَتَهُ».[۳]

(۳) بروایت بخاری

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

هفتم: دو رکعت نماز بعد از وضوء

از ابی هریره ﷺ روایت شده که نبی اکرم ﷺ در هنگام نماز فجر فرمودند: (ای بلال بمن بگو از کاریکه در اسلام کردی، زیراکه من صدای کفشهای(۱) تو را در پیش رویم در بهشت شنیدم) گفت: (من کاری نکرده ام که نزدم امیدوار کننده باشد، تنها هرگاهیکه وضوء میکردم چه در روز بود یا شب هر چند رکعتی که میتوانستم به آن وضوء نماز میخواندم)[۲]

هشتم: نفل مطلق

آنست که مقید به زمان وسبب نمیباشد.

ونماز نفلی مطلق در هر وقت جواز دارد، مگر در اوقاتیکه نماز خواندن در آن منع شده است.

مثال های نفل مطلق

شب خیزی

نبی اکرم ﷺ فرموده اند: (بعد از فرض، نماز برتر، نماز شب است).[۳]

وهمچنین آنحضرت ﷺ فرموده اند: (در بهشت اتاقهای است که بیرون از درون ودرون از بیرون آن دیده میشود، عرب بادیه نشینی بلند شد وگفت: برای چه کسی است ای رسول الله؟ فرمودند: برای کسیکه سخن خوب گوید، وطعام بدهد، ومداوم روزه دار باشد، وبرای الله نماز بخواند در حالیکه مردم در خواب باشند).[۴]

اوقات نهی از نماز خواندن

۱. بعد از نماز صبح تا بعد از طلوع خورشید وبلند شدنش باندازهٔ یک نیزه، که بطور عادی تقریبا ثلث یک ساعت میشود.

۲. از هنگامیکه خورشید در وسط آسمان باشد تا اینکه میلان پیدا کند.

۳. از نماز عصر تا اینکه خورشید غروب کند.

ودلیل آن حدیث عقبه بن عامر است که گفت: (سه ساعتی است که رسول الله ﷺ از نماز خواندن، وگور کردن[۵] مردگان ما در آنها، منع کرده اند: هنگام طلوع خورشید[۶] تا اینکه بلند شود، وهنگام ظهر تا اینکه خورشید اندکی از آن حالت میلان کند، وهنگامیکه خورشید بغروب نزدیک[۷] شود تا اینکه کاملا غروب نماید).[۸]

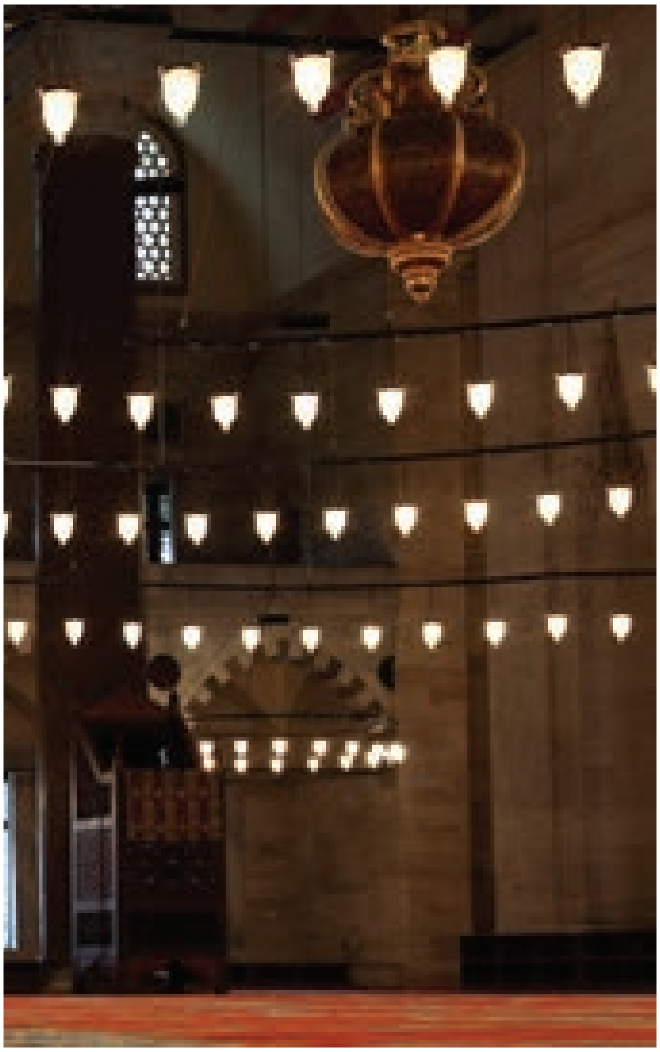

(۱) دف نعلیک: یعنی صدای کفشهایت.
(۲) بروایت بخاری.
(۳) بروایت مسلم.
(۴) بروایت ترمذی.

(۵) نقبر: مرده را دفن میکنیم.
(۶) بازغة : واضح.
(۷) تضیف: میلان میکند.
(۸) بروایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

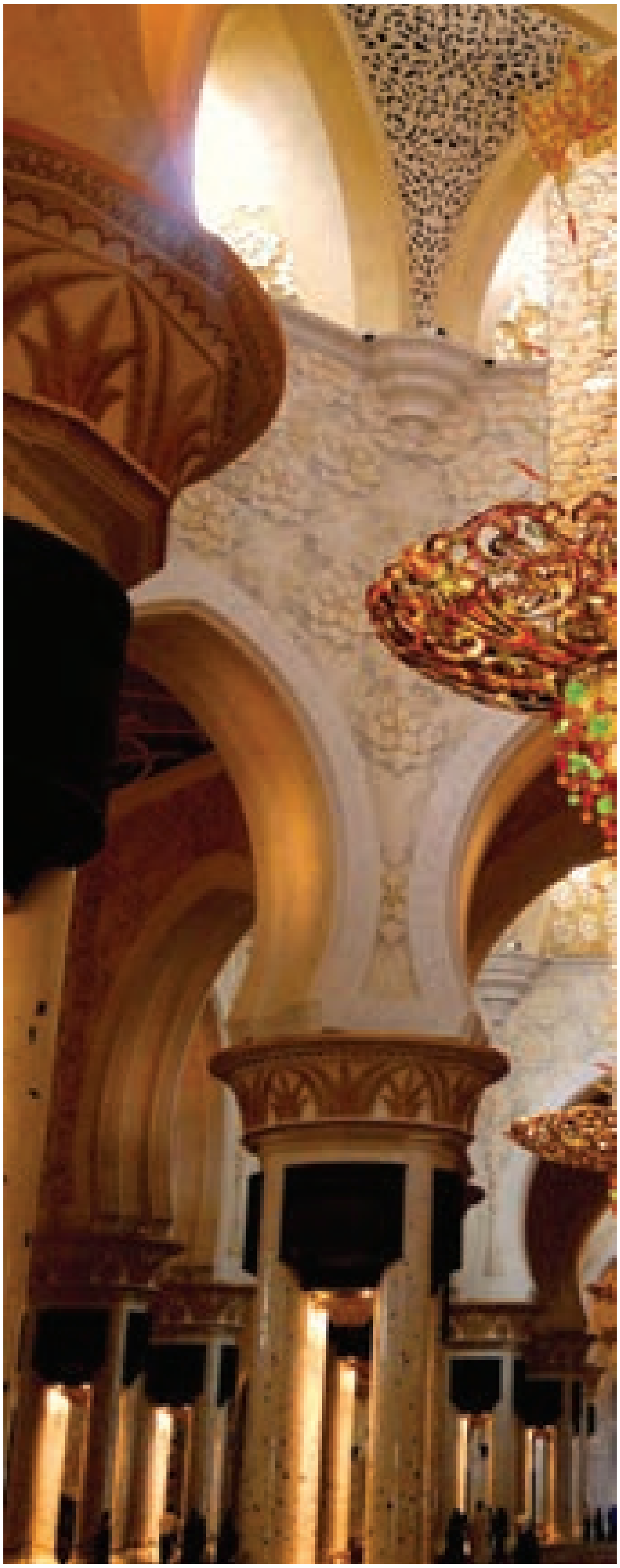

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

حج | زکات | روزه | **نماز** | پاکی

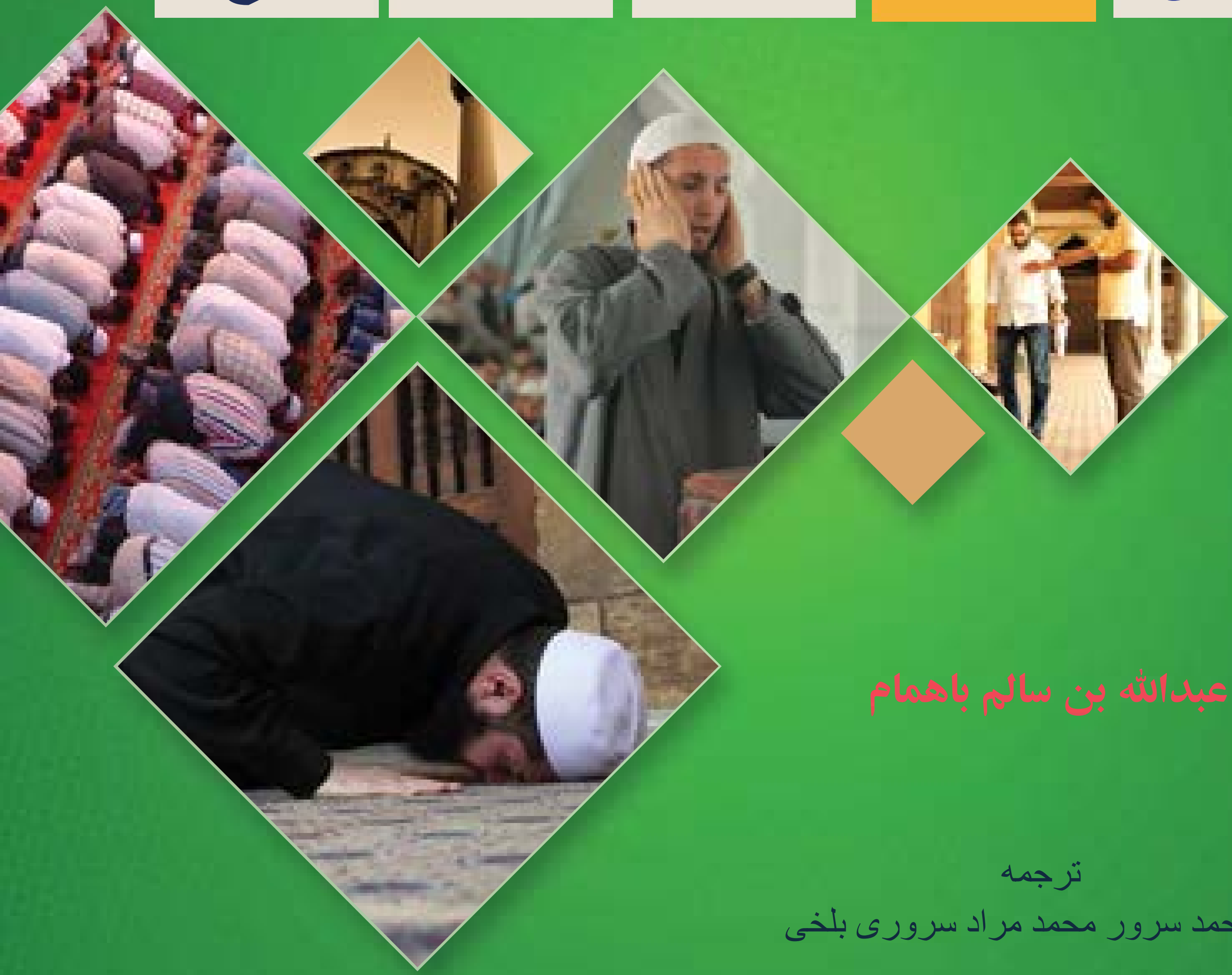

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

نماز استسقاء

https://www.al-feqh.com/fa

نماز استسقاء

مطالب

تعریف استسقاء
مشروعیت نماز استسقاء
وقت نماز استسقاء
جای ادای نماز استسقاء
وصف نماز استسقاء
از احکام نماز استسقاء
مستحب هنگام نزول باران

استسقاء

طلب باران از الله تعالی در زمان خشکسالی وقلت باران.

دلیل مشروعیت نماز استسقاء

نماز استسقاء سنت مؤکد است، بدلیل فعل نبی اکرم ﷺ چنانچه در حدیث عبدالله بن زید رضي الله عنه آمده است، اینکه نبی اکرم ﷺ به نماز گاه برآمدند وطلب باران کردند، بسوی قبله ایستادند، وردای شانرا واژگون پوشیدند، سپس دو رکعت نماز خواندند.[۱]

وقت نماز استسقاء

نماز استسقاء مشروع است، زمانیکه خشکسالی رخ دهد وباران نبارد، ویا آبهای چشمه سار ها وچاها کم شود، ویا رودخانه ها خشک شود ویا مانند اینها، مستحب آنستکه بعد از طلوع خورشید وبلندیش بمقدار یک نیزه یعنی تقریبا ثلث ساعت پس از طلوع خورشید مانند وقت نماز عید خوانده شود.

جای ادای نماز استسقاء

سنت آنست که در نمازگاه غیر از مسجد خوانده شود، زیرا که رسول الله ﷺ چنین کرده اند، مگر اینکه نیازی باشد.

وصف نماز استسقاء

۱. نماز استسقاء دو رکعت است بدون اذان واقامت، که در آن بصدای بلند قرائت کرده میشود.
۲. نمازگذار در رکعت اول پس از تکبیر تحریمه هفت تکبیر دیگر میگوید، ودر رکعت دوم بجز از تکبیر برخاستن از سجده پنج تکبیر دیگر میگوید.
۳. نماز گذار دستانش را با هر تکبیریکه میگوید بلند میکند، ودر میان تکبیرات حمد وسپاس الله تعالی را گفته وبر نبی اکرم ﷺ درود میفرستد.
۴. پس از پایان نماز امام یک خطبه میدهد، که در آن استغفار، وقرائت قرآن را بیشتر میکند، پس از آن بدعاء میپردازد، واز دعاهای ماثور بیشتر میخواند، واصرار میکند، ودر هنگام دعا دستانش را بلند میکند وبدرگاه الله تعالی عذر وزاری وفقر ومسکنت خود را با خشوع وخضوع کامل ابراز میدارد.

(۱) باتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۵ـ امام در حالیکه رو بقبله ایستاده است، ردایش را واژگون نموده راستش را به سمت چپ وچپش را به راست میگرداند، وهمچنان در میان خود وپروردگارش بدعا مشغول میشود.

از احکام نماز استسقاء

۱. باید قبل از آن به مردم موعظه گفته شود تا دلهای شان رقت یابد: برای توبه از گناهان تذکر داده شوند، ونیز بآنان تاکید شود تا حقوق مظلومان را برایشان باز گردانند، زیرا که ارتکاب گناهان سبب عدم نزول باران میباشد، وتوبه واستغفار وپرهیزگاری سبب اجابت دعاء وسبب خیر وبرکت میباشد، ومردم را به دادن صدقه به مستمندان بر می انگیزد، زیراکه چنین کاری سبب رحمت خداوند میباشد.

۲. برای برآمدن جهت ادای نماز استسقاء روزی را تعیین کنند، تا مردم برایش آمادگی داشته باشند.

۳. سنت آنست که رفتن به نماز با خشوع وخضوع وتضرع وتذلل وابراز نیاز به الله تعالی همراه باشد، بنابرآن آرایش وعطر زدن جواز ندارد، ابن عباس ﵄ در وصف برآمدن نبی اکرم ﷺ بسوی نماز استسقاء چنین روایت کرده است: (رسول الله ﷺ برای نماز بدون آراستن،[۱] با تواضع وفروتنی برآمدند تا اینکه به نمازگاه رسیدند).[۲]

۴. در خطبهٔ استسقاء با دستان بلند دعاء واستغفار بسیار گوید.

مستحب هنگام نزول باران

مستحب آنست که هنگام نزول اولین قطرات باران بایستد وخود را در معرض آن قرار دهد، زیرا که نبی اکرم ﷺ چنانچه در حدیث انس ﵁ آمده چنین کرده اند: (بما ورسول الله ﷺ بارانی رسید، گفت: رسول الله ﷺ جامه اش را کشید تا اینکه باران بوی رسید، گفتیم ای رسول الله، چرا چنین کردید؟ فرمودند: تازه از نزد پروردگارش آمده است).[۳]

(۱) المتبذل: ترک آراستن وپوشاک خوب.

(۲) بروایت ابوداود.

(۳) بروایت مسلم.

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

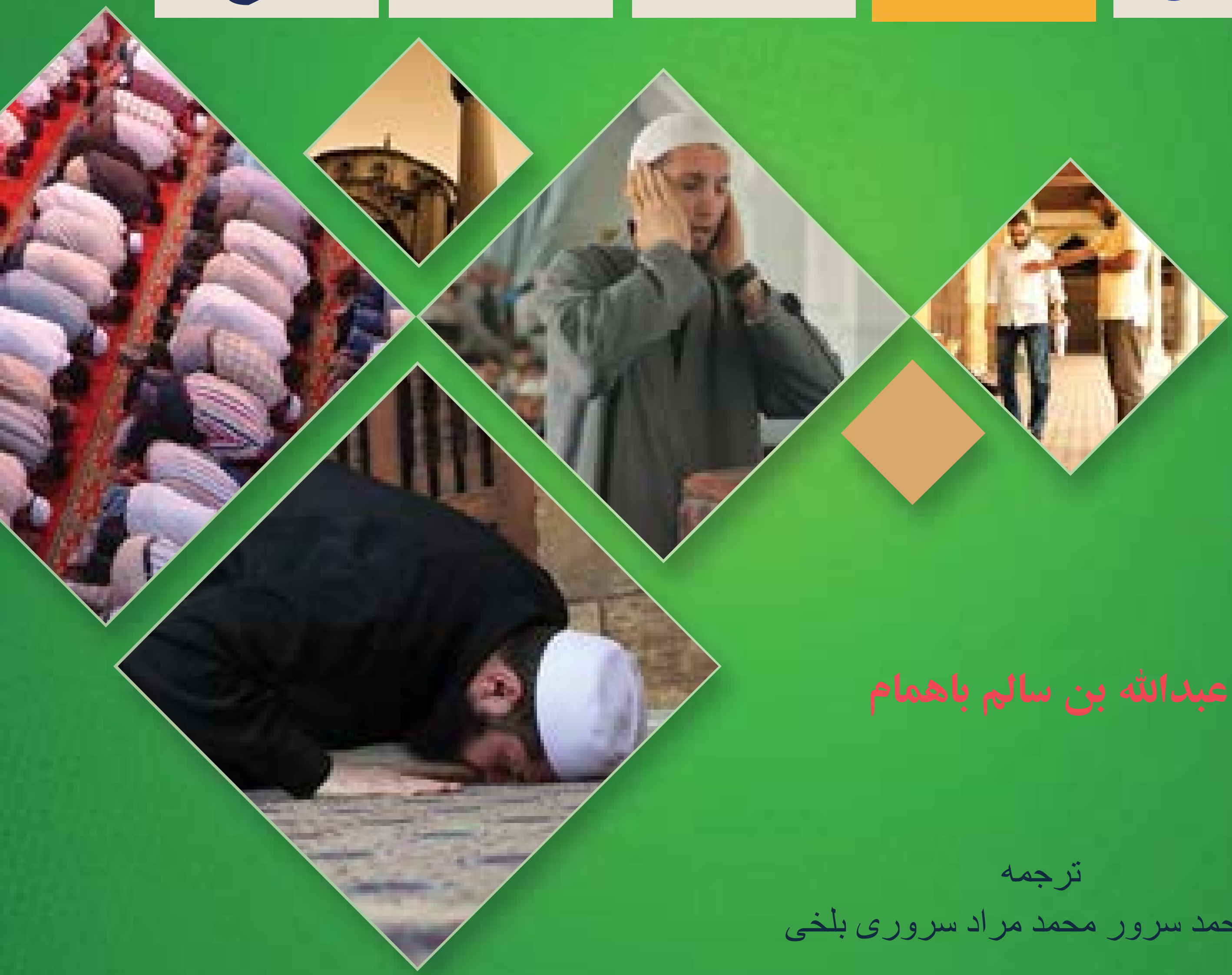

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

نماز کسوف وخسوف

https://www.al-feqh.com/fa

۱۷ نماز کسوف وخسوف

مطالب

تعریف کسوف وخسوف
حکمت از کسوف وخسوف
نماز کسوف وخسوف
حکم نماز کسوف وخسوف
وقت نماز کسوف وخسوف
وصف نماز کسوف وخسوف
سنتهای نماز کسوف وخسوف

خورشید گرفتگی

رفتن نور خورشید ویا برخی از آن در روز.

مهتاب گرفتگی

رفتن نور مهتاب ویا برخی از آن در شب.

حکمت در کسوف وخسوف

خورشید وماه دو آیتی از آیات الله تعالی است که بآن بندگانش را بیم میدهد، تا بسوی خدا برگردند، آنحضرتﷺ فرموده اند: (برای خورشید وماه، به مرگ وزندگی کسی گرفتگی رخ نمیدهد، بلکه آنها دو علامهٔ از علامات الله ﷻ هستند که با آنها بندگانش را بیم میدهد، هرگاه گرفتگی به آنها رخ داد، بسوی نماز بشتابید).[۱]

نماز کسوف وخسوف

حکم نماز کسوف وخسوف

سنت مؤکد بوده، بدلیل فرموده آنحضرتﷺ: (خورشید

(۱) برویت ابوداود.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

وماه دو علامهء از علامات الله تعالی بوده، که بمرگ وزندگی کسی گرفتگی برای آنها رخ نمیدهد، هرگاه گرفتگی آنها را دیدید، بدعای الله وتکبیرگویی ونماز خوانی وصدقه دادن بپردازید).[۱]

وقت نماز کسوف وخسوف

ـ وقت نماز از آغار کسوف ویا خسوف تا پایان یافتنش میباشد.

ـ نمازگذار نمازش را به اتمام میرساند، اگر چه خسوف وکسوف پیش از آن پایان یافته بود، اگر نماز پایان یافت قبل ازینکه خسوف ویا کسوف پایان یافته باشد، نماز را اعاده نمیکند، بلکه به دعاء واستغفار ادامه میدهد.

وصف نماز کسوف خورشید گرفتگی

از عائشهﷺ روایت است که گفت: (در زمان رسول اللهﷺخورشید گرفتگی رخ داد، رسول الله ﷺ با مردم نماز خواندند، به قیام ایستاده درازش کردند، سپس رکوعی دراز نمودند، پس از آن به قیام برخاسته بازهم قیام را دراز کردند نه مانند اول، بعد از آن رکوع دراز کردند نه مانند اول، پس از آن به سجده رفته سجدهء دراز کردند، بعد از آن رکعت دوم را نیز مانند رکعت اول اداء کردند، سپس به نماز پایان دادند در حالیکه آفتاب روشن شده بود، بعد از آن بمردم خطبه ایراد کردند، حمد وسپاس الله تعالی را گفته فرمودند: (خورشید وماه دو علامهء از علامات الله تعالی بوده، که بمرگ وزندگی کسی گرفتگی برای آنها رخ نمیدهد، هرگاه گرفتگی آنها را دیدید، بدعای الله وتکبیرگویی ونماز خوانی وصدقه دادن بپردازید).[۲]

بنابرآن اگر کسوف ویا خسوف رخ داد:

۱. برای نماز اینطور نداء میکنند: ((الصلاۃ جامعۃ)).

۲. هرگاه مردم جمع شدند، امام با آنها دو رکعت نماز دراز میخواند، بصدای بلند قرائت میکند، در رکعت اول سوره فاتحه را با سورهءدراز دیگر میخواند، پس از آن رکوعی درازی میکند، بعد از آن با گفتن: «سمع الله لمن حمده، ربنا ولك الحمد» از رکوع بلند شده بار دیگر سوره فاتحه را با سوره دیگر که اندکی از سوره اولی کوتاهتر باشد میخواند، پس از آن رکوع میکند، اندکی کوتاهتر از رکوع اول، بعد از آن با گفتن: «سمع الله لمن حمده، ربنا ولك الحمد» از رکوع بلند میشود، سپس دو سجدهء دراز میکند ودر میان آندو مینشیند ولی دراز نمیکند، پس از آن تکبیر گویان از سجدهء دوم بلند میشود، ورکعت دوم را مانند رکعت اول با قیام ورکوع وسجده اش میخواند ونسبت به رکعت اول اندکی کوتاهتر، پس از آن می نشیند وتشهد خوانده وسلام میدهد.

(۱) بروایت بخاری ومسلم.

(۲) به روایت بخاری.

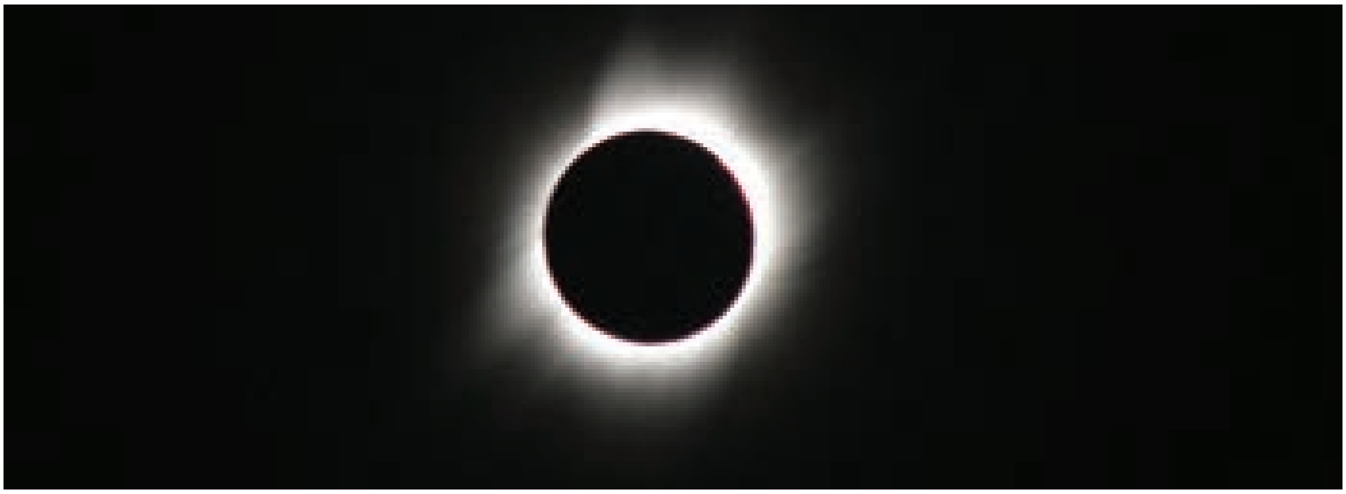

https://www.al-feqh.com/fa

وبرخی از اهل علم بجواز یک رکوع در هر رکعت نیز سخن گفته اند.سنتهای نماز کسوف وخسوف

سنتهای نماز کسوف وخسوف:

۱. نماز کسوف را با جماعت بخواند، واگر به تنهایی خواند، باکی ندارد.

۲. در مسجد باشد، ممانعتی در مورد مشارکت زنان وجود ندارد.

۳. نماز را با قیام ورکوع وسجودش دراز کنند، مگر اینکه کسوف ویا خسوف پایان یابد، پس نماز را کوتاه بخواند.

۴. قیام، رکوع وسجود رکعت دوم را نسبت به اول کوتاهتر کنند.

۵. بعد از نماز به موعظه بپردازد، بمردم از قدرت الله تعالی وبیان حکمت کسوف سخن بگوید، ومردم را به انجام طاعات، وترک منکرات برانگیزد.

۶. دعاء وتضرع و زاری واستغفار بسیار گوید وصدقه دهی وسایر اعمال صالحه نیز بسیار کند، تا اینکه الله تعالی گرفتگی را پایان دهد.

۷. بلند کردن دستان در دعای کسوف جواز دارد، بدلیل حدیث عبدالرحمن بن سمرةﷺ که گفت: (من به نزد آنحضرتﷺ آمدم که ایشان در حال قیام دستانشانرا بلند کرده بودند).[۱]

(۱) بروایت مسلم.

رهنمائیها

۱ـ نماز خوانده نمیشود اگر خسوف وکسوف دانسته نشد، مگر بعد از پایان یافتن آنها.

۲ـ شناسائی سبب خسوف وکسوف بوسیلهء علم عصری، به این مطلب آسیبی نمی رساند که آندو علامه های از علائم الله تعالی است که به بندگانش بیم میدهد، پس شایسته هر مسلمان است تا در حالت وقوع آن به عبادت وتضرع به خدا مشغول گردد، نه در پیی نظر ورصد خسوف وکسوف گردد، از ابی بکرةﷺ روایت است که گفت: خورشید گرفتگی در عهد رسول اللهﷺ رخ داد، آنحضرت در حالیکه سراسیمه بود وردایش را می کشانید بیرون شد..) که این خود دلیل شدت بیم وترس آنحضرتﷺ بود.

۳ـ دریافت رکعت در نماز کسوف با دریافت رکوع اول است، پس کسیکه رکوع اول از او گذشت، ولی رکوع دوم را دریافت، این رکعت از وی فوت شده محسوب میگردد، که باید بعد از سلام دادن امام، آنرا بهمان وصفی که گفته شد تکمیل کند.

۴ـ کسوف اگرچه در اوقات نهی از نماز رخ داد، نماز کسوف خوانده میشود.

۵ـ نماز کسوف وخسوف بمجرد شایعه خبر آن خوانده نمیشود، بلکه وقوع آنرا بوضاحت مشاهده کنند.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

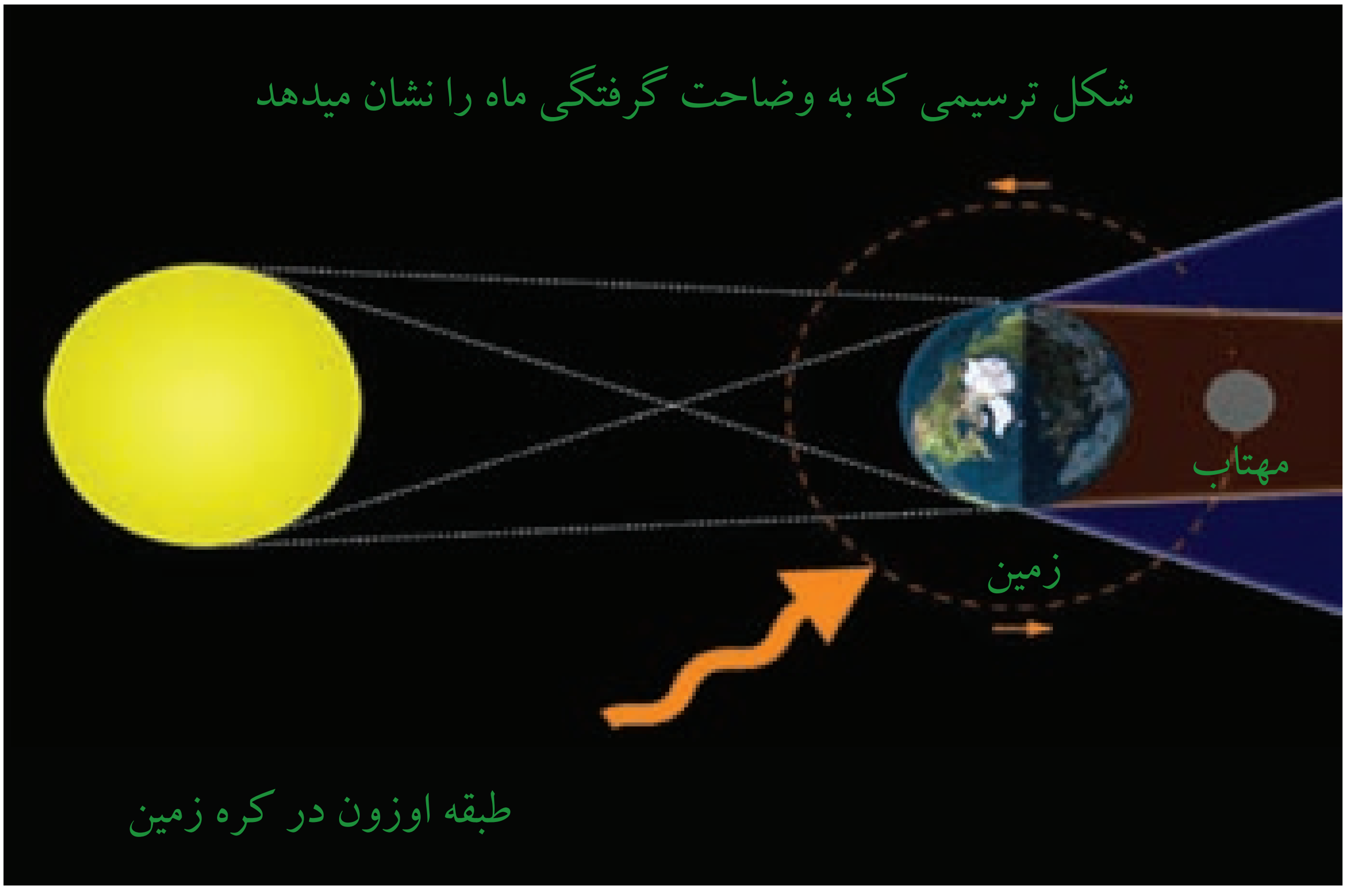

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

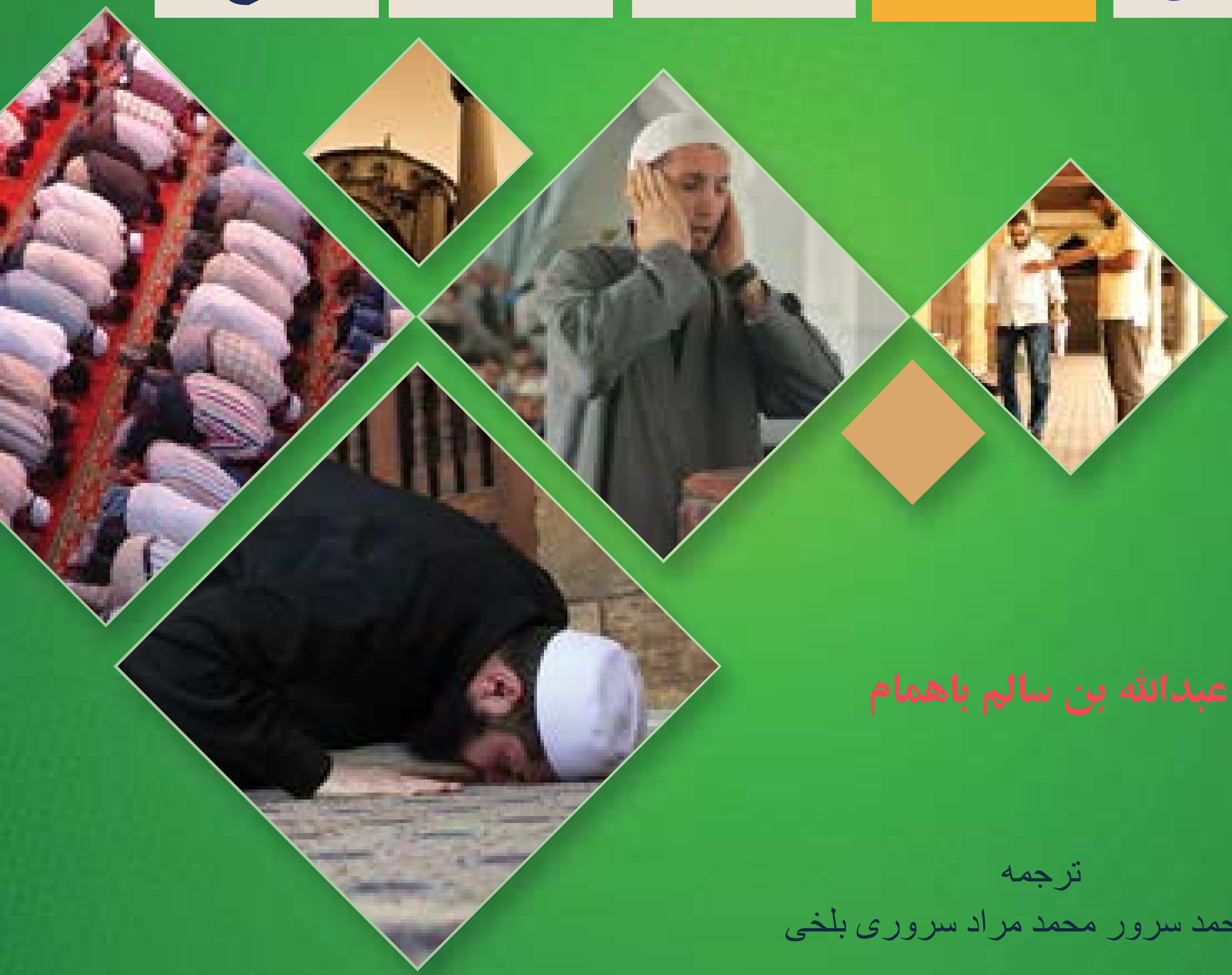

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

نماز عیدین

https://www.al-feqh.com/fa

نماز عیدین

مطالب

مظاهر عید

حکم نماز عیدین

وصف نماز عیدین

موضع نماز عیدین

مستحبات نماز عیدین

راهنمائیها

مظاهرعید

مسلمانان دو عید دارند: عید فطر که پس از ماه رمضان است، وعید اضحی که پس از روز عرفه میباشد، و الله تعالی بعوض اعیاد جاهلیت وهر عید جدید این دو عید را بما عطا نموده است، از انس بن مالک ﷺ روایت است که گفت: برای اهل جاهلیت در سال، دو روزی بود که در آن بازی میکردند، زمانیکه نبی اکرم ﷺ وارد مدینه شدند، فرمودند: (برای شما دو روزی بود در آن بازی میکردید، الله تعالی آنرا با دو روز بهتراز آنها مبدل کرد: روز فطر، وروزاضحی).[۱] جشن گیری ومشارکت در اعیاد کافران جواز ندارد، زیرا که چنین کاری ابراز علامات هردین وابراز شرائع ومنهاجش میباشد.

خداوند تعالی میفرماید: (پیروی هواوهوس آنها را بعوض آنچه از حق آمده مکن، برای هریکی ازشما شریعت ومنهاجی گردانیدیم) (مائده:۴۸)

الله تعالی در دو عید نمازی را مشروع گردانیده، که بنام نماز عید یاد میشود، نماز عید مهمترین مظهری از مظاهر عید بشمار میرود.

(۱) بروایت نسائی

حکم نماز عیدین

نماز عیدین واجب بوده، زیرا که نبی اکرم ﷺ به ادای آن امرکرده اند، بلکه به رفتن زنان کم سن وسالمند نیز امر کرده اند، اگرچه در حالت حیض نیز باشند، که نماز نمیخوانند، این همه بخاطر فضیلت نماز وتاکید برآن است، ودلیل وجوبش ازینقراراست:

۱ـ فرموده ٔ الله ﷻ: (پس برای پروردگارت نماز بخوان وقربانی کن) (کوثر:۳).

۲ـ نبی اکرم ﷺ به آن امرفرموده اند، حتا به زنان نیز امر کردند که به نماز عید بروند، چنانچه ام عطیة ؓ میگوید: (رسول الله ﷺ به ما امرکردند که در عید فطر واضحی: دختران نوجوان(۲) وزنان حایض(۳) وکنیزکان باکره(۴) را بیرون بریم، اما زنان حایض از نماز دوری میجویند، وبه دعوت مسلمانان شرکت نموده از خیر آن بهره میبرند).[۵]

(۲) عواتق: جمع عاتق: یعنی دختران نوجوان.
(۳) حیض: جمع حائض.
(۴) ذوات الخمور: کنیز باکره.
(۵) بروایت بخاری

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

وصف نماز عیدین

نماز عید دو رکعت بدون اذان وبدون اقامت است، که قرائت در آنها به جهر میباشد، وصف آن ازینقرار است:

۱. دررکعت اول بعد از تکبیر تحریمه واستفتاح وقبل از أعوذ بالله گفتن وقرائت کردن سه بار تکبیر میگوید.

۲. أعوذ بالله وبسم الله گفته به قرائت سوره فاتحه وسورهٔ دیگری بعد از آن آغاز میکند، وسنت آنست که دردو رکعت بعد از سوره فاتحه سوره (الأعلی) را دررکعت اول وسوره (الغاشیة) را در رکعت دوم، ویا اینکه در اول سوره (ق) ودر دوم سوره (القمر) را بخواند.

۳. در رکعت دوم بعد از تکبیر انتقال سه بار تکبیر گفته، ودستانش را با هر تکبیر بلند میکند.

۴. در میان تکبیرات، حمد وسپاس الله تعالی را گفته، بر نبی اکرم ﷺ درود میفرستد.

۵. هرگاه سلام دهد به منبر بالا شده پس دو خطبه دهد، ومیان آندو اندک بنشیند، خطبهٔ اول را با نه بار تکبیر وخطبه دوم را با هفت بار تکبیر آغاز میکند.

۶. در عید فطر مستحب است که در مورد احکام زکات فطر، ودر عید اضحی در مورد احکام قربانی یاد آوری کند.

جای نماز عیدین

اقامهٔ نماز عیدین در نمازگاه سنت است نه درمسجد، اگر درمسجد خوانده شد باکی ندارد ـ اگر برای ضرورتی بود ـ

مستحبات نماز عیدین

۱. مردان باید بهترین لباس بپوشند، اما زنان برای نماز بدون آرایش وبدون استعمال عطر بیرون روند.

۲. مقتدیان باید زود هنگام به نماز گاه بروند تا در صفهای اولی جا گیرند.

۳. باید پیاده از یک راه برود واز راه دیگر برگردد ـ اگر میسربود ـ از جابر رضی الله عنه روایت شده که گفت: (نبی اکرم ﷺ هرگاه روز عید میبود، راه را تغییر میداد).[1]

۴. قبل از رفتن به نماز عید باید چند خرمائی که شمارش طاق باشد(سه ویا پنج دانه خرما) را تناول کند، ودر عید اضحی تا برگشت از نماز چیزی تناول نکند.

۵. تأخیر در نماز عید فطر مستحب است، تا مسلمانان فرصت بیشتری برای ادای زکات فطر بمستحقینش داشته باشند، اما در نماز عید اضحی مستحب آن است که پیشتر بخوانند.

(۱) بروایت بخاری

https://www.al-feqh.com/fa

از احکام عیدین

۱. نفل خواندن قبل از نمازعید وبعد ازآن در نمازگاه مکروه است، مگر اینکه نمازعید در مسجد خوانده شود، پس تحیهٔ مسجد پس از داخل شدن بمسجد خوانده شود.

۲. برای کسیکه نماز عید ویا بعض آن ازوی فوت شد سنت است: ادای آن برهمان وصفی که آمده است، طوریکه دو رکعت نمازبا تکبیراتش وآنچه از وی فوت شده اتمامش کند به همان وصفی که ذکر شده است.

۳. الله تعالی درپایان ماه رمضان برای بندگانش مشروع نموده تا برایش تکبیر گویند، خداوند تعالی فرموده است: (وبرای اینکه عدت را تکمیل کنید، و الله را بر آنچه بشما هدایت کرده تکبیربگوئید) (بقره:۱۸۵)

(تکبروا الله) أی: بزرگش دارید با دلها وزبانهایتان.

این امر به لفظ (الله اکبر، الله اکبر، لا إله إلا الله، والله أکبر، الله أکبر، ولله الحمد) میباشد.

۴. سنت آنست که مردان صدای شانرا درتکبیرگفتن بلند کنند، اما زنان به صدای پائین تکبیر میگویند، زیرا که زنان به پائین کردن صدایشان امر شده اند.

۵. تکبیر درعید فطر ازغروب خورشید شب عید آغاز میشود ـ اگرداخل شدن ماه قبل از غروب دانسته شد مانند اینکه مردم ماه را سی روزتکمیل کرده باشند، ویا رویت هلال شوال ثابت شود ـ وبا شروع نمازعید، تکبیرات پایان می یابد. اما در عید اضحی تکبیر گفتن بعد از نماز صبح روز عرفه آغاز میشود وتا پایان نماز عصر روز سوم أیام تشریق ادامه دارد.

راهنمائی

۱. مستحب است که مسلمانان به یکدیگرخود عید را تبریک گویند.

۲. خوشی به عید واظهار این فرحت وخوشی نیزمستحب است، وباید مسلمان به اقارب ودوستان وبرادرانش نیزتهنئت گوید.

۳. عید فرصتی است که باید برای صلهٔ رحم قطع شده، وبرای اصلاح میان متخاصمین نیزمغتنم شمرده شود.

۴. در روز عید زیارت قبرها جواز ندارد، بلکه این کار مخالف خوشی وفرحت عید میباشد.

۵. در ایام عید باید در لباس، خوراک وتفریحات فرزندان بگونهٔ که خداوند حلال گردانیده نو آوری وگسترش داده شود، زیرا که روزهای خوشی وفرحت وبهجت است، خداوند میفرماید: (بگو ای محمد به فضل الله (نزول قرآن) ورحمتش (اینکه آنها را پیرو قرآن گردانیده)، بآن خرسند شوند چرا که برایشان بهتر است از آنچه جمع میکنند) (یونس:۵۸)

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

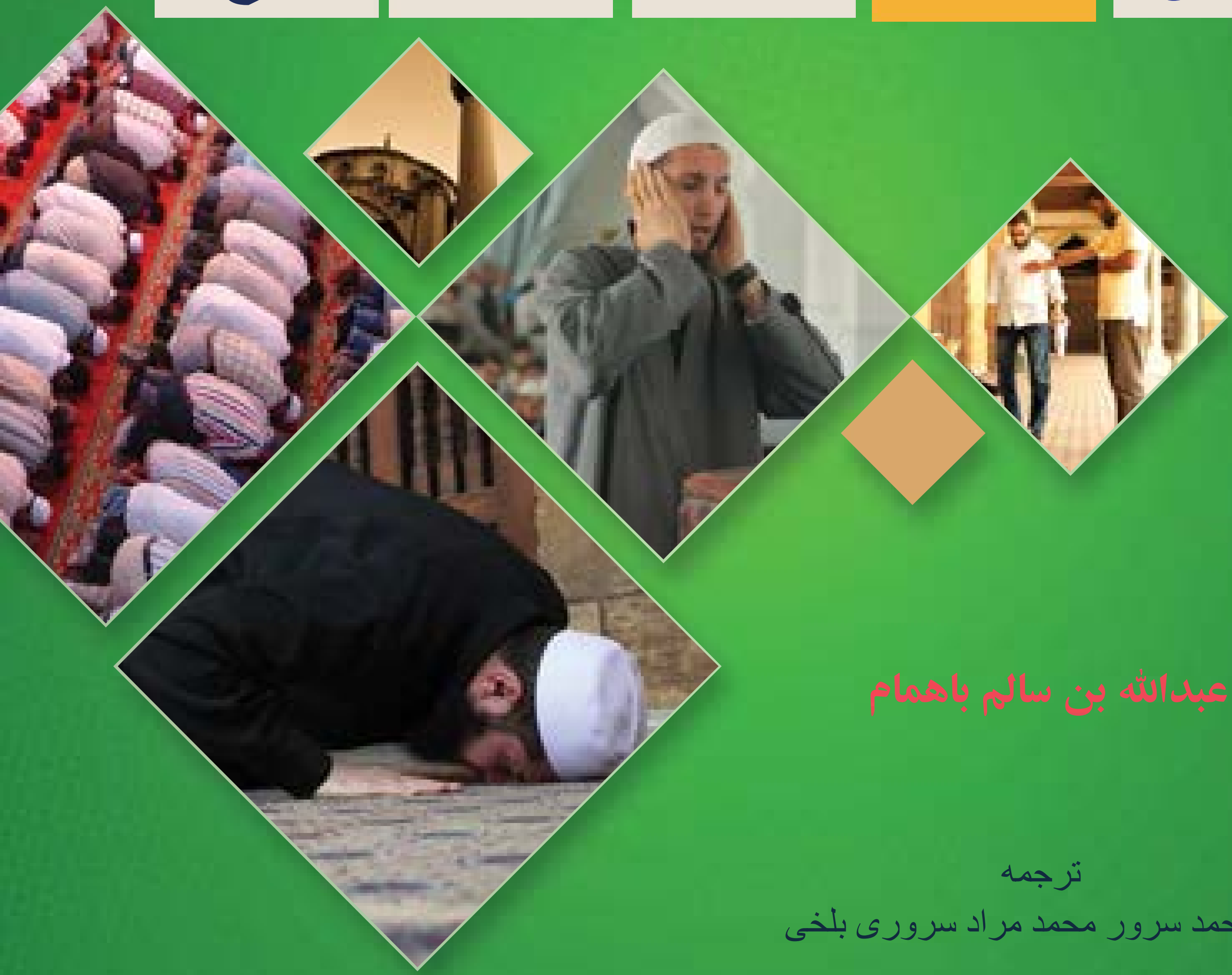

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

نماز جنا زه

https://www.al-feqh.com/fa

۱۹ نماز جنازه

مطالب

تجهیز مرده
احکام غسل دادن مرده
وصف غسل دادن مرده
کفن کردن مرده
نماز جنازه
ارکان نماز جنازه
سنتهای نماز جنازه
وصف نماز جنازه
برداشتن مرده وتشییع وبخاک سپاری مرده
عزا داری
زیارت گورستان
ممنوعات جنازه

تجهیز مرده

برای کسیکه بر وی علامات مرگ ظاهر شود مستحب است که نزد وی حضور یابند وبا گفتن (لااله إلا الله) تذکر دهند، بدلیل فرمودهٔ نبی اکرم ﷺ: (به مردگان تان لااله إلا الله را تلقین کنید).[۱]

هنگامیکه مرد چشمانش بسته میشود، با جامهٔ پوشانیده میشود، وبرای تجهیز ونمازبروی وتدفینش عجله شود.

حکم غسل دادن مرده وتجهیز وتدفینش

غسل دادن مرده، وکفن کردن، وبرداشتن، ونماز جنازه خواندن بر وی، وبخاک سپردنش فرض کفائی بوده، اگرکسی که از عهده آن برآمده میتواند انجام داد، گناه از دیگران ساقط میشود.

احکام غسل دادن مرده

۱. برای غسل دادن مرده کسی را برگزیند که اطمینانی بوده از امانت وعدالت برخوردارباشد، ونیزبه احکام غسل مرده آگهی داشته باشد.

۲. برای غسل دادن، کسیکه مرده برایش وصیت کرده باشد مقدم است، پس از او نزدیکانش به ترتیب، اگر به احکام غسل دادن آگهی داشته باشند، ورنه کسیکه آگهی به احکام یاد شده دارد مقدم میباشد.

۳. مرد غسل میدهد به مرد، و زن غسل میدهد به زن، وهریک از زن وشوهر میتوانند یکدیگر خود را غسل بدهند، بدلیل فرمودهٔ نبی اکرم ﷺ به عائشه رضي الله عنها: (چه آسیبی بتو میرسد اگرپیش ازمن بمیری ترا غسل میدهم ،وکفن میکنم، وبرتو نماز خوانده، سپس بخاک میسپارمت).[۱]

مردان وزنان میتوانند، کودکان کمتر از هفت سال را غسل دهند، وبرای مسلمان ـ مرد باشد یا زن ـ جائز نیست که کافری را غسل دهد، ویا جنازه اش را بردارد ویا بروی نماز بخواند، هر چندیکه از نزدیکانش مانند پدر بوده باشد.

(۱) بروایت مسلم

(۱) بروایت ابن ماجه

https://www.al-feqh.com/fa

۴. شهید میدان جنگ، غسل داده نمیشود، ونیز کفن کرده نمیشود، وهمچنین بر وی نماز جنازه نیز خوانده نمیشود، بلکه با همان لباسهای تنش بخاک سپرده میشود.

۵. اگرسقطی – کودکی که قبل از تکمیل، پسر باشد یا دختر- چهار ماهه باشد غسل داده ، کفن کرده میشود، وسپس نماز جنازه بروی خوانده میشود، زیرا که بعد از چهارماهگی حکم انسان را دارد.

۶. آبیکه مرده را غسل میدهند، باید پاک ومباح باشد، ودر جای مستور غسل داده شود، وکسانیکه ارتباطی به غسل دادن مرده ندارند، نباید حضور داشته باشند.

وصف غسل دادن مرده

۱. مرده را برتخت غسلش میگذارند، پس ازآن عورتش را میپوشانند، بعد از آن لباسهایش را ازتنش میکشند، واو را از انظار در اتاقی ویا مانند آن پنهان میدارند.

۲. برای غسل دهنده مستحب است که د ر حین غسل دادن بر دستش پارچهٔ بپیچاند.

۳. غسل دهنده سر مرده را بلند میکند تا به نشستن نزدیک شود، پس از آن دستش را برشکم مرده کشیده فشار میدهد، پس از آن شرمگاه پیش وپس مرده را پاک میکند، واگر درآنها نجاستی بود میشوید

۴. نیت غسل نموده وبسم الله میخواند.

۵. غسل دهنده، مرده را وضوء میدهد مانند وضوی نماز، مگر مضمضه واستنشاق، که به دست کشیدن بردهن وبینی او اکتفاء میشود.

۶. سر مرده وریش او را با آب سدر، ویا صابون، ویا مانند آن میشوید.

۷. طرف راست را شسته سپس طرف چپ را میشوید، بعد از آن غسل سایر بدن را انجام میدهد.

۸. مستحب است تا در شستن اخیر کافور بزنند.

۹. مرده خشک کرده میشود.

۱۰. آنچه زائل کردنش از مرده مشروع است مانند گرفتن ناخنها، وموی زیرناف وزیر بغل، آنرا انجام می دهد.

۱۱. موی زن، گیسو بافته شده وبه پشت سر انداخته میشود

آگاهی ها.

یکبار شستن واجب است، اگر به آن پاک شود، ومستحب سه بار شستن است، اگرچه پاک شده باشد.

ـ اگر به علت نبودن آب غسل مرده ممکن نبود، ویا برخی از جسم سوخته ویا مانند آن بود، با خاک تیمم داده میشود.

ـ برای کسیکه مرده را غسل داده مستحب است که خودش نیز پس از آن غسل کند.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

کفن کردن مرده

۱. سنت آنست تا مرد را در سه پارچه ٔ پنبه ٔ سفید کفن کنند، که بدنش ازآن دیده نشود، تمام بدنش را بپوشاند، در آن مغالات نکند.

و زن در پنج پارچه ٔ پنبه ٔ ازار وچادر وپیراهن ودولفافه کفن کرده میشود.

وکودک دریک پارچه، ویا سه پارچه نیزجائز است، ودخترکوچک در پیراهن ودو لفافه کفن کرده میشود.

۲. به سه قطعه از پارچه های کفن بخور دود کرده میشود، بدلیل فرموده ٔ آنحضرت ﷺ هرگاه به میت خوشبوئی بخورکردید،[۱]آنرا طاق بگردانید.[۲]

۳. این قطعات سه گانه بالای هم پهن میشود، ودر میان آنها مخلوطی از خوشبوئی مانند عنبر، کافورومشک وامثالش گذاشته میشود، مگر اینکه مرده در حالت احرام باشد، به کفنش بخور ویا خوشبوئی دیگر زده نمیشود، بدلیل فرموده ٔ آنحضرت ﷺ: (وبه خوشبوئی تماسش ندهید).[۳]

خوشبوئی گذاشتن بر پارچه ها

(۱) جمر: دود کردن خوشبوئی
(۲) بروایت ابن حبان.
(۳) بروایت بخاری.

۴. مرده روی این پارچه ها، به پشت خوابانیده میشود، پس ازآن گوشه ٔ چپ قسمت بالا را گرفته بر بخش راست پهن کنند، سپس گوشه ٔ راست را بر چپ پهن کنند، بهمین گونه پارچه های دوم وسوم را نیز می پیچند، بعد از آن ما زاد را بطرف سر میگردانند وبا رشته ٔ آنرا گره میزنند تا باز نشود، ودر هنگام بخاک سپاری آنرا میگشایند.

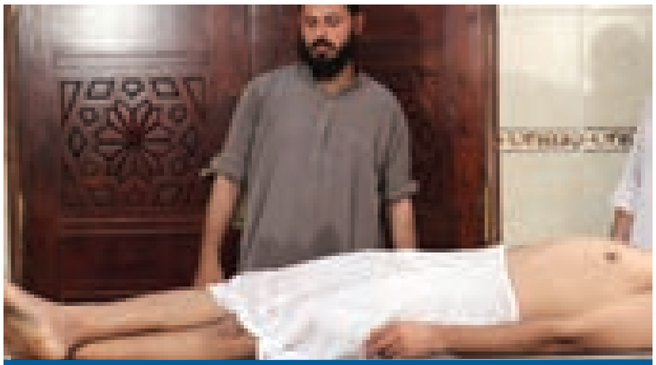

۵. پوشانیدن همه ٔ بدن در کفن واجب است، مگر اینکه جز پارچه ٔ کوتاهی در دسترس نباشد، پس آنرا بسوی سرش پهن کنند و طرف پاهایش را با نبات خوشبوئی بنام اذخرمیپوشانند،[۴]بدلیل گفته خباب در داستان کفن کردن مصعب بن عمیر رضی الله عنه: (نبی اکرم ﷺ به ما امر کردند که سرش را بپوشانیم، وبر پاهایش از نبات اذخر بگذاریم.[۵]

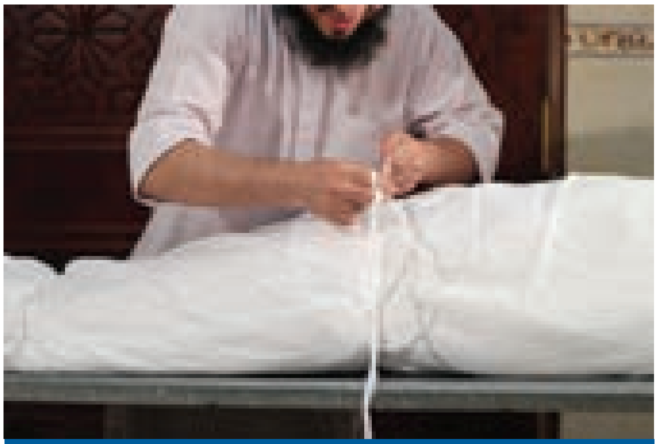

(۴) اذخر: نبات خوشبوئی است.
(۵) بروایت بخاری

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۶. کسیکه در حالت احرام بمیرد، در همان دو جامهٔ احرامش کفن کرده میشود، وسر مرد محرم پوشانیده نمیشود، بدلیل فرمودهٔ آنحضرت ﷺ: (با آب وسدرغسلش بدهید، ودر دو جامه اش کفن کنید، مخلوطی خوشبوئی[۱] کفن مرده بآن نزنید، وسرش را نیز نپوشانید،[۲] زیراکه در روز قیامت تلبیه گویان[۳] زنده میشود).[۴]

نماز جنازه

ارکان نماز جنازه

۱. قیام با توانائی.

۲. تکبیرات چهارگانه.

۳. قرائت فاتحه

۴. درود بر نبی ﷺ

۵. دعاء برای مرده.

۶. ترتیب.

۷. سلام دادن

سنتهای نماز جنازه

۱. أعوذ بالله خواندن قبل از قرائت.

۲. دعاء برای خودش ومسلمانان.

۳. قرائت در خفا باشد.

۴. صفها را باید زیاد کنند، طوریکه سه صف ویا بیشتر از آن.

وصف نماز جنازه

نزد احناف امام در برابر سینهٔ میت اگر مرد باشد، یا زن می ایستد، مقتدیان بر عقب امام میایستند مانند ایستادن به سایر نمازها، پس از آن چهار تکبیر گفته میشود با جزئیات زیر نزد سائر مذاهب:

۱. تکبیراول را میگوید که تکبیرتحریمه است، وپس از آن فاتحه را بخواند.

۲. تکبیر دوم را میگوید، وبر نبی اکرم ﷺ درود میفرستد همانگونه که در نماز در تشهد اخیرمیخواند.

۳. تکبیر سوم را گفته برای میت وخودش ومسلمانان دعاء میکند، وازجمله: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا، وَصَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا، وَذَكَرِنَا وَأُنْثَانَا، وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا، اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِيمَانِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِسْلَامِ، اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ (بروایت أبو داود)

ویا این دعا را میخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ وَارْحَمْهُ، وَعَافِهِ وَاعْفُ عَنْهُ، وَأَكْرِمْ نُزُلَهُ، وَوَسِّعْ مُدْخَلَهُ، وَاغْسِلْهُ بِالْمَاءِ وَالثَّلْجِ وَالْبَرَدِ، وَنَقِّهِ مِنَ الْخَطَايَا كَمَا نَقَّيْتَ الثَّوْبَ الْأَبْيَضَ مِنَ الدَّنَسِ، وَأَبْدِلْهُ دَارًا خَيْرًا مِنْ دَارِهِ، وَأَهْلًا خَيْرًا مِنْ أَهْلِهِ، وَزَوْجًا خَيْرًا مِنْ زَوْجِهِ، وَأَدْخِلْهُ الْجَنَّةَ وَأَعِذْهُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، أَوْ مِنْ عَذَابِ النَّارِ»[۵] واگر مرده زن بود ضمیر را در دعاء مونث میگرداند.

واگر مرده کودک ویا سقط باشد[۶] چنین گوید: « اللهم اجعله ذخراً لوالديه، وفرَطاً[۷]، وأجراً، وشفيعاً مجاباً»[۸]

۴. تکبیر چهارم را گفته، بعد از آن اندکی سکوت میکند، وپس از آن یک بار سلام می دهد بطرف راستش ویا دو بار سلام میدهد.

(۱) الحنوط: مخلوطی از خوشبوئی است برای کفن مردگان.
(۲) لاتخمروا رأسه: سرش را نپوشانید.
(۳) ملبيا: لبيك اللهم لبيك ميگويد.
(۴) بروایت بخاری.

(۵) بروایت مسلم.
(۶) السقط: جنینیکه قبل از کامل شدن از شکم مادرش می افتد.
(۷) الفرط: سابق ومتقدم.
(۸) بروایت بخاری

https://www.al-feqh.com/fa

عزا داری

تسليت دادن به اقارب مرده مستحب است، زيرا كه درين كار تطييب خاطر آنان بوده، از فشار مصيبت برآنها ميكاهد، وآنها را به صبربرميأنگيزد.

وتسليت وتعزيت دادن به هرلفظى كه همان غرض را اداء كند صحيح است، مانند اينكه بگويد:(براى الله است آنچه را گرفت، واز آن اوست آنچه را عطا كرد، وهرچيزى نزد او مرگ معينى دارد)[1] ومانند آن.

(۱) بروايت بخارى

برآمدن زنان با جنازه ها

خروج زنان با جنازه ها امرى نامشروع ميباشد، زيرا كه از أم عطية ﵂ روايت است كه گفت: (ما از دنباله روى جنازه ها نهى شده ايم، از ما خواسته نشده است).[1]

۱- بروايت ابن ماجه

برداشتن مرده وتشييع وخاك سپاريش

هرگاه نماز بر ميت پايان يافت، سنت آنست كه به قبرش ببرند، وبراى كسيكه به دنبال جنازه ميرود سنت است تا جنازه را بردارد، وبراى كسيكه ميت را به قبر داخل ميكند سنت است كه بگويد: «بسم الله، وعلى ملة رسول الله»[1] ومرده را بر پهلوى راستش روبه قبله در لحد بگذارد،[2] پس از آن گره هاى كفن را باز كند، بعد از آن لحد را با گل ببندد.

وهمچنين براى كسيكه درمراسم دفن حضور دارد سنت است،تا با دو كف دستانش خاك بردارد، وسه بار به قبر آنرا بريزد، سپس قبر را با خاك پر كنند، وباندازهٔ يك وجب از زمين بلندش كنند، وبالايش سنگ وسنگ ريزه بگذارند وآب پاشى كنند، گذاشتن صخرهٔ بريك ويا دو طرف قبر باكى ندارد، تا علامه برآن باشد.

(۱) بروايت ترمذى
(۲) لحد: در زمين سخت بطرف پائين يك كمرحفر كنند، پس از آن بسمت قبله حفر را ميلان دهند.

https://www.al-feqh.com/fa

مشارکت در برداشتن جنازه

لحد

کف دستانش را خاک پرکرده به قبر بریزد،

علامهء برقبر

زیارت گورستان

زیارت گورستان برای مردان سنت است بغرض عبرت گیری ودعاء کردن برای مردگان، بدلیل فرموده ٔ نبی اکرم ﷺ (شمارا از زیارت قبرها منع کرده بودم ، پس بزیارت قبرها بروید، زیرا که آخرت را به خاطرشما می آورد)[۱]

ازدعاهائیکه برای زیارت قبرها روایت شده: «السلام علیکم دار قوم مؤمنین، وإنا إن شاء الله بکم لاحقون»[۲].

ویا «السلام علی أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین، ویرحم الله المستقدمین منا والمستأخرین، وإنا إن شاء الله بکم للاحقون»[۳].

«أسأل الله لنا ولکم العافیة»[۴]

واگر برای مردگان دعای طلب رحمت ومغفرت کند نیز جواز دارد.

”

زیارت گورستان در روز عید

تخصیص زیارت قبرها در روز عید برین عقیده که چنین کاری مشروع بوده، بدعت میباشد، بدلیل اینکه ازنبی اکرم ﷺ چنین چیزی روایت نشده است.

“

(۱) بروایت مسلم.
(۲) بروایت مسلم.
(۳) بروایت مسلم.
(۴) بروایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

ممنوعات جنازه

۱. فریاد وفغان کردن،[۱] واظهارناله وانزجار نسبت قضاء وقدر الله تعالی، آنحضرتﷺ فرمودند:(اگر زن نوحه گر، قبل از مرگش توبه نکند، در روز قیامت با لباسیکه از مس گداخته[۲] است بر میخیزد).[۳]

۲. پاره کردن لباس، وبروی سیلی زدن وفریاد کشیدن، وموی سر کندن ویا تراشیدنش.

رسول اللهﷺ فرمودند: (از ما نیست کسیکه به روی خود میزند، ویا گریبان پاره میکند، ویا به دعوای جاهلیت دعوت میکند).[۴]

۳. روشن کردن قبرها.

از ابن عباس رضی الله عنه روایت است که گفت :(رسول اللهﷺ لعنت کرده است زنانی را که بزیارت قبرها میروند، ونیز کسانی که قبرها را مساجد میگیرند، وبقبرها چراغ[۵] میآویزند).[۶]

۴. نشستن بر قبرها، ویا رنگ کردن آنها، ویا بنا کردن بر آنها.

از جابر رضی الله عنه روایت است که گفت: (رسول اللهﷺ نهی کردند از اینکه قبرها گچ کاری[۷] شود، ویا اینکه بر آنها بنشینند، ویا اینکه بالای قبرها بنا کرده شود).[۸]

۵. تبرک جستن بقبر وطواف کردن بدور آن، واز مردگان چیزی خواستن، پس این کار ها از شرکیات بوده اگر باین عقیده شود که آنها میتوانند نفع وضرر برسانند، زیرا که بجز الله تعالی کسی دیگری نفع وضرر رسانیده نمیتواند، خداوند متعال فرمود: (بگو برای خود مالک نفع وضرر نیستم مگر آنچه را که الله بخواهد) (اعراف: ۱۸۸)

۶. گور کردن در مساجد، ویا بر سر قبری مسجد بنا کردن، ویا بسوی قبر نماز خواندن.

رسول الله ﷺ فرمودند: (الله تعالی یهود ونصاری را که قبرهای انبیای شانرا مسجد گردانیدند، لعنت کرده است).[۹]

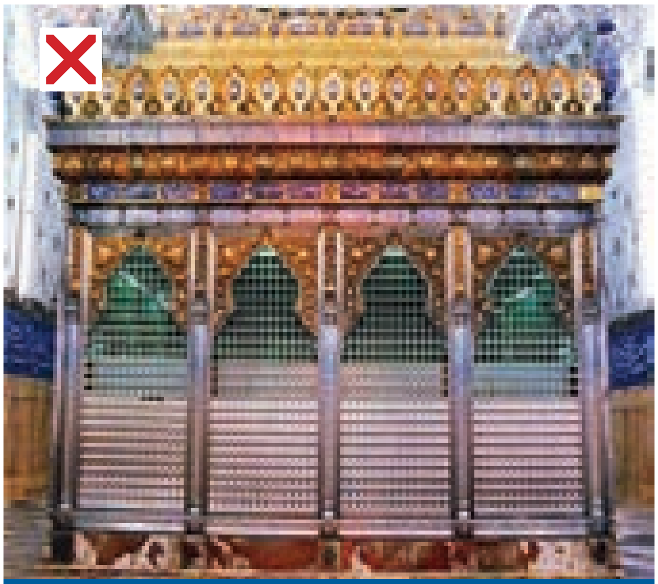

روشن کردن قبرها ورنگ کردن آنها جواز ندارد

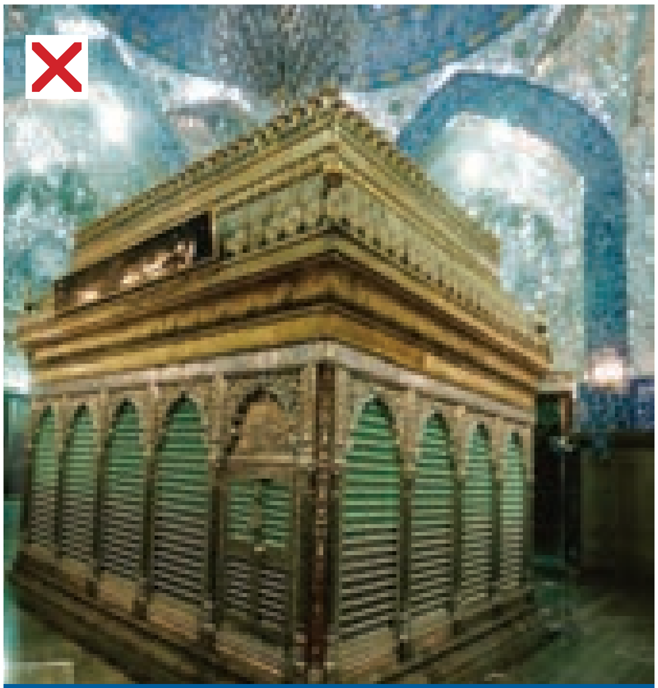

طواف کردن به قبرها جواز ندارد

(۱) الندب: بیان کردن خوبیهای مرده که با گریه بلند همراه باشد.
(۲) قطران: جامهء از مس گداخته شده.
(۳) بروایت مسلم
(۴) بروایت مسلم
(۵) السرج: چراغها.
(۶) بروایت ترمذی.
(۷) یجصص: گچ کاری ورنگ شود
(۸) بروایت مسلم.
(۹) بروایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

از احکام جنازه

۱. کسیکه نماز جنازه از او فوت شد، میتواند بر سرقبر قبل از دفنش ویا بعد از دفنش نماز جنازه بخواند، چنانچه از نبی اکرم ﷺ ثابت شده که در داستان زنیکه مسجد را پاک میکرد، آنحضرت ﷺ بر قبر آن زن نماز جنازه خواندند.[۱]

۲. مستحب آنست که برای اهل مرده طعامی آماده شود، زیرا مصبتی که رسیده آنها را از تهیهٔ طعام بخود مشغول نموده است.

هنگامیکه روایت شد در میان آل جعفر کسی مرده است، نبی اکرم ﷺ فرمودند: (برای آل جعفر طعامی تهیه کنید، زیرا برای آنها چیزی پیدا شده که بآن مشغول شده اند).[۲]

تهیه طعام برای اهل مرده

۳. گریستن بر مرده بدون اینکه در آن ابراز سخط وفریاد زدن وبیان خوبیهای مرده باشد جائز است، آنحضرت ﷺ هنگامیکه پسرشان ابراهیم وفات نمود فرمودند: (چشمان ما اشک میریزند، وقلب ما محزون است، وچیزی نمیگوئیم ، مگر آنچه پروردگار ما را خشنود کند، وما به فراق تو ای ابراهیم محزون هستیم).[۳]

۴. شهید میدان جنگ، غسل داده نمیشود، ونیز کفن کرده نمیشود، وهمچنین بر وی نماز جنازه نیز خوانده نمیشود، بلکه با همان لباسهای تنش بخاک سپرده میشود، بدلیل آنچه که ثابت شده نبی اکرم ﷺ امر کردند که شهداء أحد بهمان خونهایشان بدون اینکه غسل داده شوند دفن شوند.[۴]

۵. کسیکه در حالت احرام بمیرد، در همان دو جامهٔ احرامش کفن کرده میشود، وسر مرد محرم پوشانیده نمیشود، بدلیل آنچه که ثابت شده آنحضرت ﷺ در مورد مرد محرم بحج که وفات نمود فرمودند: (با آب وسدر غسلش بدهید، ودر دو جامه اش کفن کنید، مخلوطی خوشبوئی کفن مرده بآن نزنید، وسرش را نیز نپوشانید، زیرا که در روز قیامت تلبیه گویان زنده میشود).[۵]

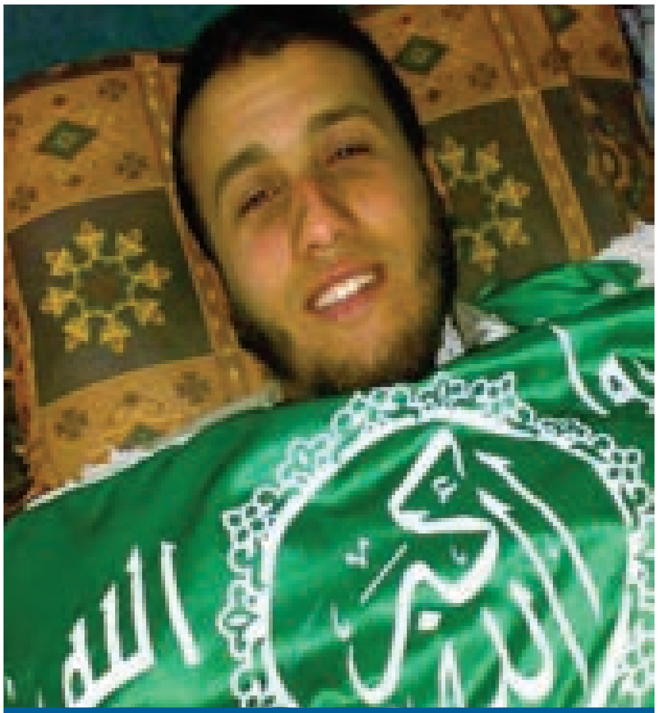

شهید در لباسش دفن میشود

(۱) بروایت بخاری.
(۲) بروایت ابوداود.
(۳) بروایت بخاری.
(۴)بروایت بخاری.
(۵) بروایت بخاری.

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

فضیلت روزه وحکم آن

https://www.al-feqh.com/fa

۱

فضیلت روزه وحکم آن

مطالب

تعریف روزه
فضیلت روزه
حکمت مشروعیت روزه
حکم روزه
نیت در روزه

روزه در لغت

گرفتن وامتناع از چیزی

روزه در شریعت

پرستش برای الله تعالی با امتناع از خوردن ونوشیدن وهمبستری با همسر از طلوع بامداد تا غروب خورشید.

فضیلت روزه

روزه دارای فضیلت بزرگی است، وپاداش بسیار مضاعف دارد، الله تعالی به بزرگی وشرافت روزه، افزوده است، در حدیث قدسی که از ابی هریره ﷺ روایت شده می فرماید که: رسول الله ﷺ فرمودند: ((هر عمل فرزند آدم چند برابر است، یک حسنه به ده چند تا هفتصد چند پاداش دارد، الله عزوجل فرمود:مگر روزه، که برای من است، ومن پاداش آنرا میدهم، بخاطر من شهوت وطعامش را ترک میکند، برای روزه دار دو خوشی است: خوشی در هنگام افطار، وخوشی دیگر هنگام دیدار پروردگارش، بوی دهن[1] وی نزد الله تعالی از بوی مشک خوشتر است)).[2]

(۱) خلوف: تغیر بوی دهن.

حکمت مشروعیت روزه

۱. پرهیزگاری الله تعالی در پذیرش امرش وپیروی شریعتش تحقق می یابد. الله ﷻ میفرماید: (تا شما پرهیزگار شوید (بقره:۱۸۳).

۲. نفس را بر صبر و بردباری عادت میدهد، و نیز اراده را در غلبه بر شهوتها تقویت میکند.

۳. انسان را بر نیکوکاری وشفقت برای نیازمندان ومستمندان عادت میدهد، زیرا هنگامیکه گرسنگی میکشد، قلب واحساسش در برابر برادران نیازمندش نرم می شود.

۴. در روزه داری بدن راحت میشود وتندرستی نیز تحقق می یابد.

حکم روزه

روزه ای که الله تعالی مشروع گردانیده به این بخشها تقسیم میشود:

۱- روزهء واجب

بر دو نوع است:

أ ـ روزه ای که الله تعالی در ابتداء بر بنده واجب کرده ، که آن روزهء رمضان است، ورکنی از ارکان اسلام میباشد.

ب ـ روزه ای که بنده، خود سبب وجوبش میباشد، مانند روزهء نذری، و روزهء کفاره ها.

۲- روزهء مستحب

هر روزه ای که شریعت فعل آنرا مستحب گردانیده است، مانند روزهء دوشنبه وپنجشنبه، روزهء سه روز در هر ماه، روزهء روز عاشوراء، و روزهء ده روز اول ذیحجه، و روزهء روز عرفه

(۲) به اتفاق بخاری ومسلم

https://www.al-feqh.com/fa

شرطهای وجوب روزه

۱. اسلام: پس بر کافر واجب نیست.
۲. بلوغ: پس بر کودک واجب نیست، ولی اگر توان روزه گرفتن را داشته باشد برایش امر میشود روزه بگیرد، تا برایش عادت شود.
۳. عقل: بر دیوانه واجب نیست.
۴. توانائی: بر کسیکه ناتوان باشد، واجب نیست.

روزه بر کودک واجب نیست.

روزه بر بیمار ناتوان واجب نیست

نیت در روزه

از شب نیت روزه گرفتن واجب است، اگر روزهٔ واجب باشد، اما اگر روزهٔ نفلی باشد، از شب نیت روزه داشتن واجب نمیباشد، بلکه نیت روزهٔ نفلی را میتواند در روز هم بکند، اگر چیزی نخورده بود، بدلیل روایت أم المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها که فرمود: ((رسول الله ﷺ روزی داخل شده فرمودند: آیا چیزی دارید؟ گفتیم: نه، فرمودند: پس من روزه دار هستم))[۱].

(۱) به روایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

ارکان، مباحات، مستحبات،

مکروهات ومفسدات روزه

https://www.al-feqh.com/fa

ارکان، مباحات، مستحبات، مکروهات ومفسدات روزه

مطالب

ارکان روزه
مباحات روزه
مستحبات روزه
مکروهات روزه
مفسدات روزه

ارکان روزه

رکن اول: خود داری از مفطرات از طلوع فجر تا غروب خورشید.

بدلیل فرموده‌ء الله متعال: (وبخورید وبنوشید تا اینکه رشته‌ء سفید از رشته سیاه فجر بشما واضح شود، پس از آن روزه را تا به شب تمام کنید) (بقره:۱۸۷)

مقصود از رشته‌ء سفید ورشته‌ء سیاه: روشنی روز، وسیاهی شب میباشد..

رکن دوم: نیت است

یعنی روزه دار با این خود داری از مفطرات قصد پرستش الله عزوجل را بکند، بدلیل فرموده‌ء آنحضرت ﷺ: ((اعمال به نیتهایش مرتبط است، وبرای هر کس همان چیزیست که نیتش را کرده است)).[۱]

مباحات روزه

۱. غسل کردن، نشستن در آب برای سرد شدن.
۲. بلعیدن آب دهن واخلاط.
۳. چشیدن طعام فقط به زبان، بشرط اینکه چیزی از آن در حلقش فرو نرود.
۴. بوئیدن عطرها، وخوشبوگر هوا

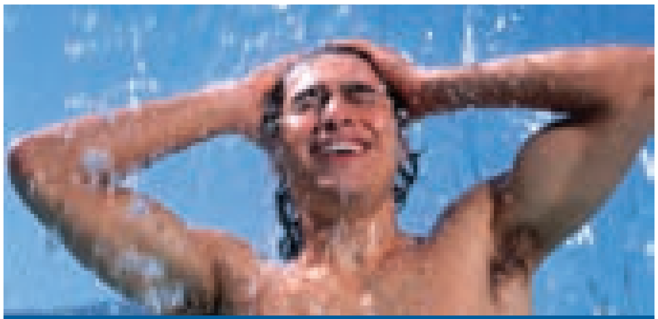
غسل کردن روزه دار مباح است

برای روزه دار چشیدن طعام مباح است

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

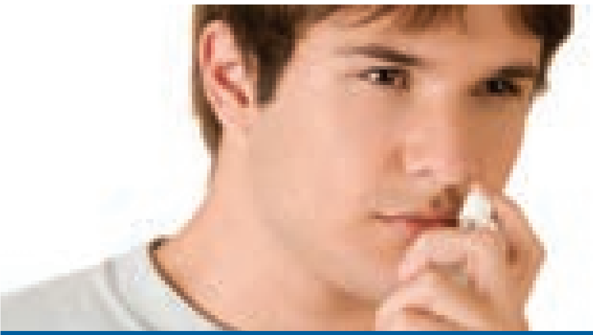

برای روزه دار بوئیدن عطر مباح است

استعمال مسواک برای روزه دار

استعمال مسواک در هر وقت مشروع است، چه قبل از زوال باشد ویا بعد از آن، وچه مسواک تر باشد یا خشک، ولی روزه دار متوجه باشد که چیزی از مسواک تر به حلقش نرود، زیرا درین حالت روزه اش میشکند.

برای روزه دار مسواک زدن مباح است

مستحبات روزه

۱ـ سحرخیزی (پس شبی) وتاخیرش تا نزدیکی اذان فجر.

بدلیل فرموده آنحضرتﷺ: ((برای خوردن غذا به سحری برخیزید، زیرا که در سحر خیزی برکت است)).[۱] سحر خیزی به غذای بسیار وکم وبه نوشیدن جرعه ء آبی نیز تحقق می یابد، بدلیل فرموده‌ء آنحضرت ﷺ: ((سحری، خوردنش برکت است، پس آنرا ترک مکنید، ولو اینکه یکی از شما جرعه‌ء آبی بنوشد، زیرا الله تعالی وفرشتگانش بر سحر خیزان درود میفرستند)).[۲] تاخیر کردن سحرخیزی مستحب است، از زید بن ثابتؓ روایت است که فرمود: ((با رسول الله ﷺ سحری خوردیم وپس از آن به نماز ایستادیم، انس بن مالک فرمود: پرسیدم: میان آندو چه مقدار زمانی بود؟ فرمود: بمقدار پنجاه آیت)).[۳]

سحری بخورد اگرچه جرعه‌ء آب باشد

نوشیدن در اثنای اذان

اگر نوشیدنی در دستش بود اذان را شنید، میتواند آنرا تا آخر بنوشد، از أبی هریرة ؓ روایت است که فرمود: رسول الله ﷺ فرمودند: ((اگر نوشیدنی در دست یکی از شما بود واذان را شنید، تا اینکه نیازش را برآورده نکرده، آنرا نگذارد)).[۴]

۲ـ عجله برای افطار

برای روزه دار مستحب است هنگامیکه از غروب خورشید متأکد گردید، زود افطار کند، بدلیل فرموده‌ء آنحضرتﷺ: ((مردم هنوز به خیر اند، اگر زود افطار کنند)).[۵]

وافطار با چند خرمای تازه مستحب است، اگر نیافت با چند خرما، وشمار آن طاق باشد، اگر آنرا هم پیدا نکرد، چند جرعه آب بنوشد، بدلیل حدیث انس بن مالکؓ که فرمود: ((رسول الله ﷺ قبل از نماز با خرمای تازه افطار میکردند، اگر خرمای تازه نبود باخرمای خشک، واگر آنهم نبود، چند جرعه[۶] آب مینوشیدند))[۷]، اگر چیزی نیافت در قلبش نیت افطار رامیکند، واین برایش کافی است.

۳ـ دعای هنگام افطار

بدلیل آنچه که از رسول الله ﷺ ثابت شده، آنحضرت ﷺ در هنگام افطار میفرمودند: ((تشنگی رفت، ورگها سیراب

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) به روایت احمد

(۳) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۴) به اتفاق بخاری ومسلم
(۵) به روایت ابو داود.
(۶) حسا: نوشید.
(۷) به روایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

شد، وبخواست الله اجر ثابت شد))[۱]. وهمچنین فرموده اند: ((برای روزه دار در هنگام افطارش دعائیست که رد نمیشود))[۲]

کسیکه اشتباها افطار کرد

هرگاه روزه دار به گمان اینکه خورشید غروب کرده، ویا اینکه هنوز طلوع فجر نشده چیزی بخورد، وپس از آن عکس آن ظاهر شد، بر وی قضای روزه واجب نیست، بدلیل فرموده‌ء خداوند متعال: (و بر شما در آنچه اشتباه کردید گناهی نیست، ولی بر آنچه دلهایتان قصد کرده است، و الله غفور ورحیم است) (احزاب: ۵) ونیز بدلیل فرموده‌ء آنحضرت ﷺ : ((الله تعالی از اشتباه وفراموشی وآنچه امت من بر آن اکراه شوند گذشت کرده است))[۱].

(۱)به روایت ابن ماجه.

۴ـ ترک بیهودگی وهمبستری

بدلیل فرموده‌ء آنحضرت ﷺ: ((اگر روز، روزه‌ء یکی از شما بود، فحش نگوید[۳] ویا همبستری نکند، با صدای بلند مجادله نکند[۴]، اگر کسی به وی دشنام داد، ویا با او جنگ کرد، باید بگوید: من شخص روزه دار هستم))[۵].

۵ـ انواع عبادتها بسیار کند

مانند تلاوت قرآن، وذکر الله، نماز تراویح، شب خیزی، شب زنده داری برای شب قدر، ادای سنتهای راتبه، صدقه

(۱) به روایت ابو داود.
(۲) به روایت ابن ماجه.
(۳) یرفث: از رفث است، وآن سخن فحش گفتن را گویند، وبه همبسترشدن وهمآغوش شدن نیز اطلاق میشود.
(۴) یصخب: از صخب است: وآن مخاصمت کردن وفریاد زدن را گوید.
(۵) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

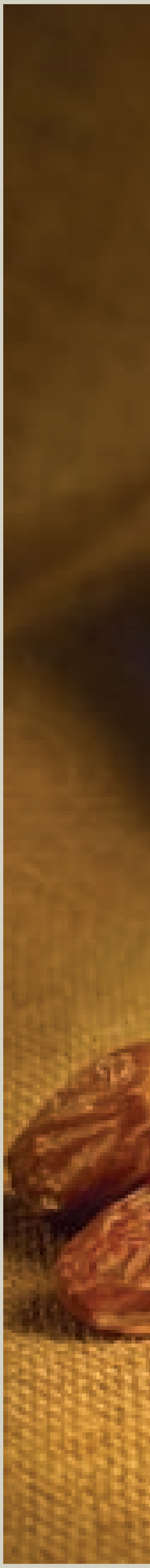

دادن، سخاوتمند بودن، در راه خیر صرف کردن، برای روزه داران افطاری دادن، وعمره کردن، زیرا که پاداش نیکوکاری در رمضان چند برابر است، از ابن عباس ﷺ روایت است که فرمود: ((رسول الله ﷺ سخاوتمندتر از همهء مردم بودند، ودر رمضان زمانیکه جبرئیل ﷺ بدیدار ایشان میآمد، بیش از هر وقت سخاوتمندتر میبودند، جبرئیل در هر شب رمضان با ایشان دیدار مینمود، وقرآن را برایشان مدارست میکرد، پس رسول الله ﷺ در هنگام دیدار جبرئیل از وزش باد هم سخاوتمندتر بودند))[1].

مکروهات روزه

١ـ در مضمضه واستنشاق مبالغه کردن

زیرا بیم آنست که آب به شکمش برود، بدلیل فرموده‌ء آنحضرت ﷺ ((در استنشاق یعنی آب در بینی کردن مبالغه کن، مگر اینکه روزه دار باشی))[2]

٢ـ بوسیدن بشهوت

برای روزه دار اگر بیم انزال منی باشد، ویا باعث هیجان شهوتش میشود، بوسیدن مکروه است.

روزه دار باید از هر آنچه که شهوت انگیز باشد اجتناب کند، مگر اینکه برخود اطمینان دارد که روزه اش فاسد نمیشود، باکی ندارد، از أم المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده که فرمود: ((نبی اکرم ﷺ بوسه میکردند، وهمآغوش میشدند در حالیکه روزه دار بودند، وتوانمندی مهار کردن نیاز[3] خود را داشتند))[4]. وبنابرین برای جوان همآغوشی مکروه است، نه برای سالمند، از ابی هریرة ﷺ روایت است که: ((مردی از رسول الله ﷺ در مورد همآغوشی روزه دار پرسید، برایش مجاز دانستند، ومردی دیگری آمد وپرسید، وی را منع کردند، پس کسیکه برایش اجازه دادند سالمند بود، وکسیکه او را منع کردند، جوان بود))[5].

(١) به روایت بخاری.
(٢) به روایت ابو داود
(٣) إربه: یعنی : نیازش.
(۴) به روایت بخاری ومسلم.
(۵) به روایت ابو داود.

مفسدات روزه

١ـ خوردن ونوشیدن قصدی در روز رمضان

بدلیل فرموده‌ء الله متعال: (وبخورید وبنوشید تا اینکه رشته‌ء سفید از رشته سیاه فجر بشما واضح شود، پس از آن روزه را تا به شب تمام کنید) (بقره:١٨٧) مقصود از رشته‌ء سفید ورشته‌ء سیاه: روشنی روز، وسیاهی شب میباشد.

افطار بخاطر کار

کسانیکه در نانوائی وکارهای مشقت بار مشغول هستند، افطار کردن برایشان مباح نیست، زیرا که آنها مانند دیگران مکلف به روزه داشتن هستند.

آگاهی ها

کسیکه بفراموشی خورد ویا نوشید، روزه اش صحیح است، وزمانیکه یادش آمد، بر وی واجب است تا خودرا نگهدارد، بدلیل فرموده‌ء آنحضرت ﷺ ((کسیکه فراموش کرد که روزه دارد، پس چیزی را خورد ویا نوشید، باید روزه اش را تمام کند، آنچه خورده ویا نوشیده، طعامی بوده که الله تعالی

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

بوی عطا کرده است)).[۱]

هر آنچه که از راه دهن ویا بینی وارد بدن شود، ویا از جمله‌ء آنچه که بمعنای خورد ونوش باشد مانند سرنگ زدن مغذی روزه را فاسد میکند، اما سرنگ غیر مغذی مانند پنسلین وامثالش روزه را فاسد نمیکند، زیرا که خوردن ونوشیدن نبوده وبمعنای آنهم نمیباشد.

آنچیزیکه از راه دهن برای نیاز بآن وارد بدن شود مانند دوربین درمانی وداروی فشاری نفس تنگی ومانند آن روزه را فاسد نمیکند.

سرمه کردن، وداروی قطره‌ء به چشم ویا گوش ومانند آنها چکانیدن به روزه آسیبی نمیرساند، زیرا دلیلی بر فاسد شدن روزه وجود ندارد، ونیز چشم، مدخل عادی خوردن ونوشیدن نمیباشد. همینگونه است داروی قطره‌ء گوش وبینی، ولی برای بینی بهتر است از چکانیدن قطره اجتناب شود، چرا که آنحضرت ﷺ از مبالغه‌ء استنشاق، برای روزه دار[۲] منع کرده اند، بدلیل آنکه مدخلی بجوف بدن میباشد.

اگر آنچه را که مغذی نیست، ویا ضرر میرساند کشید، مانند سیگار، روزه اش را میشکند، زیرا که از مدخل عادی که دهن است آنرا کشیده است که بمعنای خوردن ونوشیدن میباشد. آنچه که اجتناب از آن ممکن نباشد مانند گرد وغبار راه، ویا بقایای طعام در میان دندانها اگر بشکم میرود روزه را فاسد نمیکند.

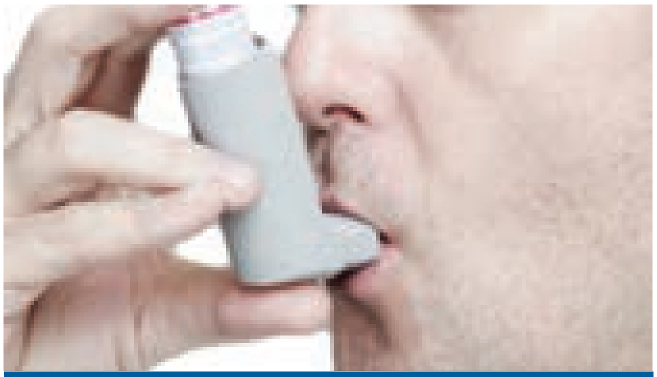
داروی فشاری نفس تنگی روزه را نمیشکند

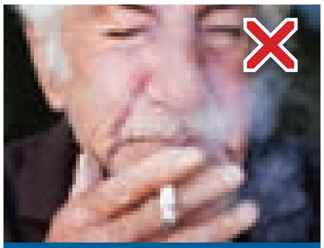
سیگار کشیدن روزه را میشکند

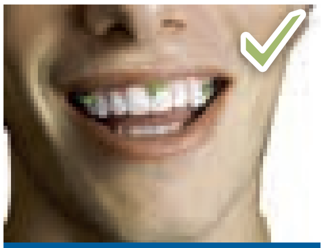
بقایای غذا روزه را نمیشکند

داروی مغذی روزه را میشکند

سرنگ پنسلین روزه را نمیشکند

سرنگ مغذی روزه را میشکند

قطره‌ء چشم روزه را نمیشکند

سرمه کردن روزه را نمیشکند

(۱) به روایت مسلم.
(۲) به روایت ترمذی

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

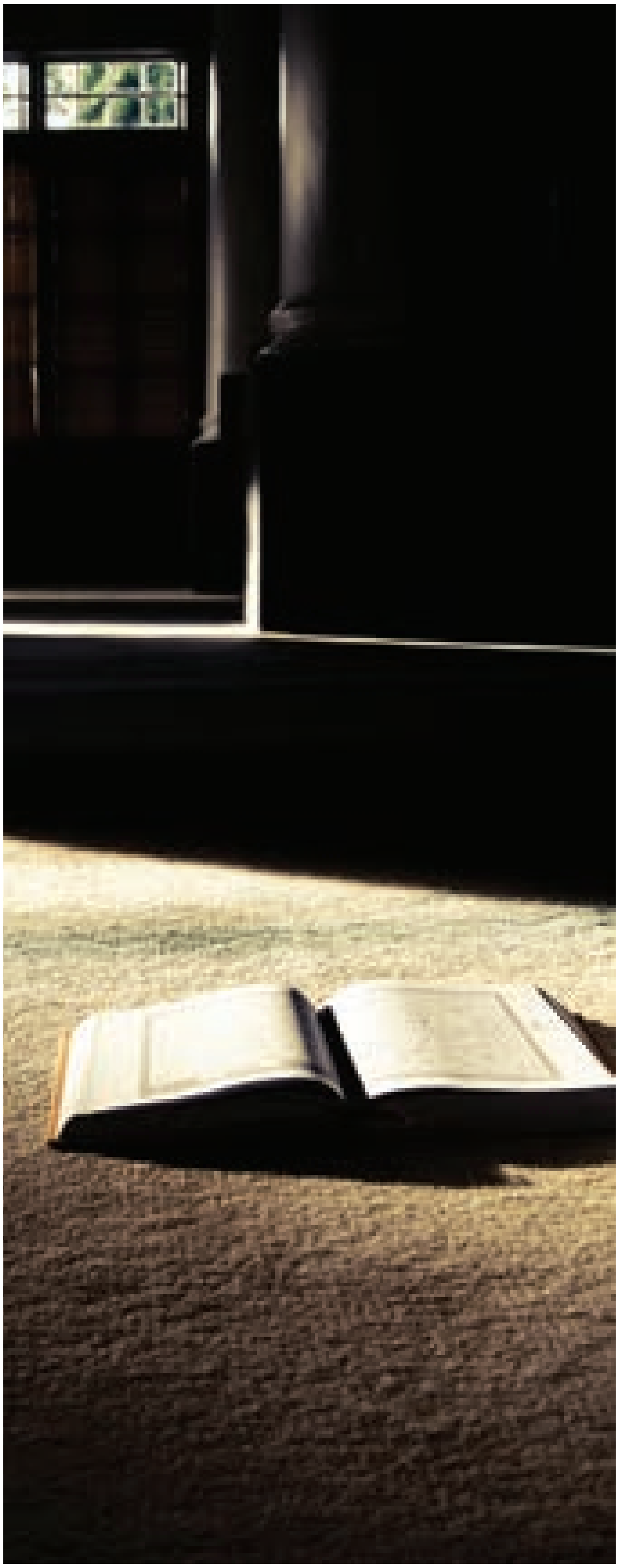

https://www.al-feqh.com/fa

٢ـ همبستر شدن

بدلیل فرموده‌ء الله متعال: (برای شما حلال شده در شبهای روزه همبستری با زنانتان) (بقره:١٨٧)

ورفث: آمیزش وهمبسترشدن، کسیکه روزه دار بود وهمبسترشد روزه اش باطل گردیده، بر وی قضای روزی که همبستر شده، وپرداخت کفاره شدید نیز میباشد، که عبارت از آزاد سازی غلامی، اگر پیدا نشد، دو ماه پیهم روزه گرفتن است، اگر نمیتواند، باید شصت مسکین را غذا بدهد، بدلیل آنچه از ابی هریرة ﷺ ثابت شده که فرمود: ((مردی نزد نبی اکرم ﷺ آمد وگفت: هلاك شدم، فرمودند: چه شده؟ گفت: با همسرم در روز رمضان همبستر شدم، فرمودند: آیا توان آزاد سازی برده‌ء را داری؟ گفت: نه، فرمودند: آیا میتوانی دو ماه پیهم روزه بگیری؟ گفت: نه فرمودند: آیا میتوانی شصت مسکین را غذا بدهی، گفت: نه، فرمودند بنشین، پس نشست، نبی اکرم ﷺ پیمانه‌ء[1] بزرگ پر از خرما را آورده، فرمودند: این را بگیر، وصدقه بکن، گفت: آیا به فقیرتر از ما؟ نبی اکرم ﷺ خندیدند تا اینکه دندانهای شان ظاهر شد، پس فرمودند: طعام اهل وعیالت باشد))[2]

کفاره به همان ترتیبیکه آمده میباشد، مساکین را غذا نمیدهد، مگر اینکه توان روزه گرفتن را نداشته باشد، ونیز روزه نمیگیرد، مگر اینکه توان آزاد سازی برده را نداشته باشد.

اگر زن شوهرش را وادار به جماع کرد، باید کفاره بدهد، واگر شوهرش او را به جماع مجبور کرد، روزهٔ زن نیز باطل شده، و بر وی فقط قضای یک روز، روزه است نه کفاره..

(١) العرق: پیمانه‌ء بزرگ
(٢) باتفاق بخاری ومسلم

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

روزهء رمضان

https://www.al-feqh.com/fa

روزهء رمضان

مطالب

روزهء رمضان
از فضائل رمضان
افطار در رمضان
چگونه دخول رمضان ثابت میشود

روزهء رمضان

روزهء رمضان رکنی از ارکان اسلام است، وفریضهء است که الله تعالی بر بندگانش فرض گردانیده است.

الله متعال فرموده است: (ای کسانیکه ایمان آوردید، روزه برشما فرض شده، چنانچه بر کسانی پیش از شما نیز فرض شده بود، تا باشد که پرهیزگار شوید) (بقره: ۱۸۳)

ورسول الله ﷺفرموده اند: ((اسلام بر پنج چیز بنا شده))[۱] واز جمله: ((روزهء رمضان)) را ذکر کرده اند.

دخول رمضان چگونه ثابت میشود؟

دخول ماه رمضان با رؤیت هلال ثابت میشود، اگر پس از غروب خورشید روز بیست ونهم ماه شعبان هلال دیده شد، بدون تردید ماه رمضان داخل شده است، اما اگر بعد از غروب خورشید شب سیم شعبان هلال دیده نشد، ویا غبار ویا ابرها ویا دود مانع رؤیت هلال گردید، ماه شعبان سی روز کامل حساب میشود، بدلیل فرمودهء آنحضرت ﷺ: ((با دیدن هلال روزه بگیرید، وبا دیدنش افطار کنید، اگر هوا ابری شد، ماه را سی روز حساب کنید)).[۲]

(۱) به روایت بخاری.
(۲) باتفاق بخاری ومسلم.

افطار در رمضان

روزه خوردن در رمضان حرام بوده واز گناهان کبیره بشمار میرود، اگر کسی بدون عذر یک روزی آنرا بخورد، اگر توبه نکند روزه عمر برایش کفایت نمی کند،بدلیل فرمودهء نبی اکرم ﷺ: ((کسیکه یک روز رمضان را بدون عذری که الله تعالی افطار را در آن مجاز دانسته بخورد، روزهء دهر قضائی آنرا کفایت نمیکند)).[۳] وجزای روزه خوری بسیار سنگین است، از ابی امامه باهلی رضی الله عنه روایت است که فرمود: ((از رسول الله ﷺ شنیدم که میفرمود: من در خواب بودم[۴] که دو مردی آمدند...ومرا باخود بردند، ناگهان قومی را دیدم که از رگهای پاهایشان[۵] آویخته بودند، گوشه های دهنهایشان[۶] پاره بود واز آنها خون می چکید، فرمودندکه پرسیدم: اینها چه کسانی هستند؟ گفت: اینها کسانی هستند که پیش از پایان وقت روزه ءشان افطار میکنند)).[۷]

(۳) به روایت ابو داود
(۴) بینا: بینما: در حالیکه.
(۵) عراقیب: جمع عرقوب: وآن رگهای پشت شتالنگ های پاها
(۶) أشداق: گوشه های دهن.
(۷) به روایت ابن حبان.

https://www.al-feqh.com/fa

عذر های روزه خوری در رمضان

۱ـ بیماری

برای بیمار روزه خوردن در رمضان مباح است، بدلیل فرمودهء الله متعال: (اگر کسی از شما بیمار ویا مسافر بوده، باید از روزهای دیگر قضای آنرا بشمارد) (بقره: ۱۸۴)

بیماری که رخصت روزه خوردن برای بیمار در آن وجود دارد، همانست که روزه گرفتن با آن برای بیمار مشقت بار بود، ویا روزه برای مریض مسبب ضرری برایش میگردد.

روزه خوردن بیمار

اگر بیمار روزه خورد – در بیماری که امید بهبودی وجود داشت – بر وی قضای روزهای را که افطار کرده بعد از شفا یابی از بیماریش واجب است، بدلیل فرمودهء الله متعال: (اگر کسی از شما بیمار ویا مسافر بود، باید از روزهای دیگر قضای آنرا بشمارد) (بقره: ۱۸۴).

۲ـ سفر

برای مسافر روزه خوردن در رمضان مباح است، وبر وی قضای آن واجب است، بدلیل فرمودهء الله متعال: (اگر کسی از شما بیمار ویا مسافر بود، باید از روزهای دیگر قضای آنرا بشمارد) (بقره: ۱۸۴).سفریکه روزه خوردن را مباح میکند، همان سفریست که در آن نماز نیز قصر خوانده میشود، که در عرف وعادت برایش سفر گفته میشود، بشرط اینکه سفر مباح باشد، نه سفری که برای معصیت بوده، ویا سفری که غرض از آن حیلهء برای روزه خوردن باشد، در چنین سفری اجازه روزه خوردن را ندارد.

واگر مسافر روزه گرفت، روزه اش صحیح بوده از رمضان حساب میشود، بدلیل حدیث انس بن مالک ﷺ که فرمود: ((با نبی اکرم ﷺ سفر میکردیم، روزه دار ما بر روزه خوریا روزه خور ما بر روزه دار اعتراضی نداشت)).[1] اگر بر مسافر روزه سخت بود، ویا بر وی مضر بود، روزه خوردن برایش بهتر است، زیرا که نبی اکرم ﷺ مردی را دیدند که از گرمی، بر وی سایه کرده ومردم در اطرافش جمع شده بودند، آنحضرت ﷺ فرمودند: ((روزه داشتن در سفر از نیکوئی نمیباشد)).[2]

۳ـ بارداری وشیردهی

زن باردار ویا زن شیرده اگر بیم آن میرفت که روزه داشتن او برای خودش آسیب میرساند، روزه میخورد، ومانند بیمار، قضای آنرا بجا میآورد، بدلیل فرمودهء آنحضرت ﷺ: ((الله تعالی از مسافر روزه و برخی از نماز را عفو کرده، وهمچنین از زن باردار وزن شیرده روزه را عفو نموده است))[3] واگر زن باردار ویا زن شیرده برخود از روزه داشتن بیمی نداشت، ولی نسبت به حمل وکودک شیرخواره اش بیم آسیب رسی بآن داشت، روزه اش را میخورد، وقضای آنرا روزه میگیرد، واز هر روزیکه افطار کرده برای مسکینی طعام میدهد، بدلیل فرمودهء ابن عباس ﷺ: ((وزن شیرده وباردار اگر بر کودکانشان بیم آسیب از روزه را داشتند، افطار نمود، به مساکین طعام میدهند)).[4]

۴ـ حیض ونفاس

زنیکه در رمضان حیض دید ویا ولادت کرد، روزه اش را باید بخورد، وروزه داشتن بر وی حرام است، اگر روزه گرفت صحیح نیست، وبر وی قضای روزهای افطار شده واجب میباشد، بدلیل اینکه از أم المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها زمانیکه از قضای زن حائض روزه را نه نماز را پرسیده شد، چنین فرمود: ((هنگامی که به آن مبتلا میشدیم، به قضای روزه امر میشدیم، نه به قضای نماز)).[5]

(۱) به روایت بخاری.

(۲) به روایت بخاری.
(۳) به روایت ترمذی.
(۴) به روایت ابو داود
(۵) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

روزهء نفلی

https://www.al-feqh.com/fa

روزهٔ نفلی

مطالب

تعریف روزهٔ نفلی
روزهائیکه روزه داشتنش سنت است
۱ـ شش روز از شوال
۲ـ نه روز از ذیحجه
۳ـ روزهٔ عاشوراء
۴ـ ایام بیض
۵ـ روزهای دوشنبه وپنجشنبه
۶ـ روزه داشتن یکروز ونداشتن روز دیگر
۷ـ ماهای محرم وشعبان

روزهٔ نفلی

هر روزه ای که واجب نبوده، انسـان جهت تقرب به الله تعالی بآن اقدام میکند.

ودر روزهٔ نفلی فضیلت واجر بزرگی است، در حدیث قدسیکه از ابی هریرهٔ ﷺ روایت شده: رسول الله ﷺ فرموده اند: ((هر عمل فرزند آدم چند برابر است، یک حسنه ده برابر آن تا هفتصد برابرش پاداش دارد، الله تعالی میفرماید: مگر روزه، که برای من است، ومن پاداش آنرا میدهم))[1].

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.

روزهائیکه روزه داشتنش سنت است:

۱ـ شش روز از ماه شوال

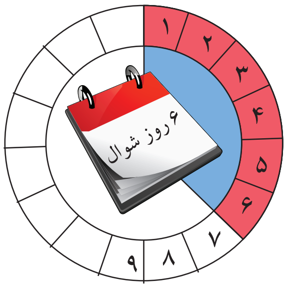

بدلیل فرموده‌ٔ نبی اکرم ﷺ: ((کسیکه رمضان را روزه گرفت، پس از آن شش روز شوال را، روزه اش مانند روزهٔ دهر خواهد بود))[2]. برابر است که پیهم روزه گیرد یا متفرقه.

۲ـ نه روز از روزهای اوایل ذیحجه

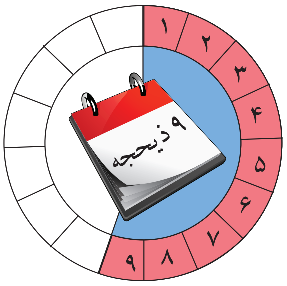

بدلیل فرمودهٔ نبی اکرم ﷺ: ((هیچ روزهای نیست که عمل صالح نزد الله تعالی محبوبتر ازین روزها باشد - یعنی روزهای دهگانه- گفتند: ای رسول الله! وجهاد در راه الله نیز چنین نیست؟ فرمودند: ((وجهاد در راه الله نیز چنین نیست، مگر اینکه مردی با جان ومالش برای جهاد خارج شود، وبا هیچ یک از آنها برنگردد))[3] وروز مؤکد آن روز عرفه است، که روزهٔ آن برای غیر حاج -روز نهم ذیحجه- مهم است، بدلیل فرمودهٔ نبی اکرم ﷺ: ((روزه روز عرفه گمان میکنم بر الله تعالی که کفارهٔ گناهان سال گذشته وسال پس از آنرا باشد))[4].

(۲) به روایت مسلم
(۳) به روایت بخاری.
(۴) به روایت مسلم

https://www.al-feqh.com/fa

۳ـ روزهء روز عاشوراء با یکروز پیش از آن

عاشوراء

روز دهم ماه محرم خدا.

بدلیل فرموده‌ء نبی اکرم ﷺ: ((وروزه‌ء روز عاشوراء گمان میکنم بر الله تعالی که کفاره‌ء گناهان یک سال قبل باشد)).[۱]

۴ـ روزهای بیض هر ماه

روزهای بیض

همان روزهای سیزدهم، وچهاردهم، وپانزدهم هر ماه هجری قمری، وبنام بیض مسمی شد، زیراکه شبهایش با روشنی مهتاب سفید میزند.

به دلیل آنچه که از عبدالملک بن منهال از پدرش روایت شده: که با نبی اکرم ﷺ بوده که فرمود: نبی اکرم ﷺ به آنها امر میکرد تا روزهای بیض را روزه دار باشند، ومیفرمودند: ((که آن بمنزله‌ء روزه‌ء دهر است)).[۲]

۵ـ روزه‌ء روزهای دوشنبه وپنجشنبه از هر هفته

بدلیل آنچه از ابی هریرةؓ روایت شده که رسول الله ﷺ فرمودند: ((اعمال در روزهای دوشنبه وپنجشنبه عرضه میشود، پس دوست میدارم اینکه عمل من در حالیکه روزه دار باشم عرضه شود)).[۳]

۶ـ روزه داشتن یکروز ونداشتن روز دیگر

بهترین روزه‌ء نفلی روزه‌ء داود عليه السلام است، که یک روز، روزه دار بودند، وروز دیگر افطار میکردند، از عبدالله بن عمروؓ روایت است که فرمود: رسول الله ﷺ فرمودند: ((محبوب ترین روزه نزد الله تعالی روزه‌ء داود ؑ بود، که یکروز روزه میبود وروز دیگر افطار میکرد)).[۴]

۷ـ روزه‌ء ماه محرم

از ابی هریرة ؓ روایت شده که فرمود: رسول الله ﷺ فرمودند: ((بهترین روزه بعد از رمضان روزه‌ء ماه الله، محرم است)).[۵]

۸ ـ روزه‌ء ماه شعبان

از اسامه بن زیدؓ روایت است که فرمود: عرض کردم : ((ای رسول الله، شما را ندیده ام که در ماهای دیگر مانند شعبان روزه دار باشید، فرمودند: این ماهیکه میان رجب ورمضان است مردم از آن غافلند، این ماهیست که اعمال به پروردگار جهانیان بلند میشود، من دوست میدارم که عمل من در حالیکه روزه دار باشم بلند کرده شود)).[۶]

(۱) به روایت مسلم.
(۲) به روایت ابن حبان.
(۳) به روایت ترمذی.
(۴) به روایت نسائی.
(۵) به روایت مسلم
(۶) به روایت نسائی.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

حج	زکات	روزه	نماز	پاکی

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه
د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

شب قدر

https://www.al-feqh.com/fa

شب قدر

مطالب

چرا شب قدر نامیده شده است؟
فضیلت شب قدر ومنزلت آن
کدام شب، لیلة القدر است؟
اعمال مستحب در شب قدر
علائم شب قدر

چرا به شب قدر نامگذاری شده؟

۱. گفته شده که برای تعظیم است، مانند فرموده‌ء الله متعال: (و الله تعالی را بحق بزرگواریش تعظیم نکردند) (انعام: ۹۱)یعنی: شبی دارای قدر وعظمت وبزرگی، بدلیل نزول قرآن درین شب، ونیز فرود آمدن فرشتگان وبرکت ورحمت ومغفرت الهی درآن.

۲. گفته شده: قدر بمعنی ضیق وتنگ کردن است، مانند فرموده‌ء الله تعالی: (وکسیکه بروی روزیش تنگ شد، باید از آنچه که الله تعالی برایش داده انفاق کند) (طلاق:۷).

ومعنی ضیق وتنگ کردن در شب قدر اینست که: با تعیین آن از دانستن پنهان مانده است.

۳. ونیز گفته شده: قدر بمعنی تقدیر است، یعنی درین شب احکام همان سال مقدر میشود، بدلیل فرموده‌ء الله تعالی: (در شب قدر هر امر محکم بیان میگردد) (دخان:۴) [1]

فضیلت شب قدر ومنزلت آن

۱ـ قرآن در آن نازل شده

الله تعالی فرموده است: (ما آنرا در شب قدر نازل کردیم) (قدر:۱)

۲ـ از هزار ماه بهتر است

الله تعالی فرموده است: (شب قدر از هزار ماه بهتر است) (قدر:۳) یعنی: عمل در این شب بهتر است از هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد.

۳ـ فرشتگان وروح درین شب فرود میآیند

الله متعال فرموده است: (فرشتگان وروح درین شب با اجازه‌ء پروردگارشان فرود میآیند برای ارزیابی هر امری که الله متعال تا سال آینده به آن حکم کرده است) (قدر:۴) ومقصود از روح: جبرئیل عليه السلام است.

واز ابی هریرة رضی الله عنه روایت شده که فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: ((لیلة القدر شب بیست وهفتم ویا بیست ونهم

(۱) فتح الباری(۴/۲۵۵).

https://www.al-feqh.com/fa

است، فرشتگان درین شب بیش از شمار سنگ ریزه در زمین هستند)).[۱]

۴ـ شب قدر سلامتی است

الله تعالی فرموده است: (سلامتی است تا طلوع فجر) (قدر:۵) یعنی: تمام این شب سلامتی وخیر است، از آغازش تا طلوع فجر در آن بدی نیست.

۵ـ این شبی مبارکی است

الله متعال فرموده است: (ما در شب مبارکی آنرا نازل کردیم، ما بیم دهنده بودیم) (دخان: ۳) ابن عباس ﷺفرمود: ((یعنی، شب قدر)).

۶ـ درین شب به مقدرات سال امر میشود

الله متعال فرموده است: (درین شب هر امر محکم بیان میشود) (دخان:۴)

۷ـ کسیکه از روی ایمان واحتساب اجر، این شب را به عبادت سپری کرد، گناهان گذشته اش بخشوده میشود.

رسول الله ﷺ فرموده اند: ((کسیکه از روی ایمان واحتساب اجر، شب قدر بعبادت برخیزد، گناهان گذشته اش بخشوده میشود)).[۲]

کدام شب، شب قدر است؟

الله تعالی این شب را مخفی‌داشته در شبهای فرد (طاق) دهه‌ء اخیر رمضان که شبهای: ۲۱ و۲۳ و۲۵ و۲۷ و۲۹ میباشد، تا مسلمانان برای عبادت سعی وکوشش بیشتر کنند. بدلیل فرموده‌ء نبی اکرمﷺ: ((لیلة القدر را در شبهای طاق دهه‌ء اخیر رمضان جستجو کنید)).[۳]

وبرخی اهل علم برای – جمع کردن میان ادله – فرموده اند که: شب قدر در میان این شبها در گردش میباشد.

(۱) به روایت ابن خزیمه.
(۲) به روایت بخاری ومسلم.
(۳) به روایت بخاری ومسلم.

اعمال مستحب در شب قدر

۱. اعتکاف: در تمامی دهه‌ء اخیر بوده، وتنها ویژه‌ء شب قدر نیست، از أم المؤمنین عائشه صدیقه رضی الله عنها روایت شده که فرمود: ((رسول الله ﷺ در دهه‌ء اخیر رمضان به اعتکاف می نشتند)).[۴]

۲. شب زنده داری آن ازروی ایمان واحتساب اجر: رسول الله ﷺ فرموده اند: ((کسیکه از روی ایمان واحتساب اجر، شب قدر بعبادت برخیزد، گناهان گذشته اش بخشوده میشود)).[۵]

۳ـ دعاء کردن: از أم المؤمنین عائشه صدیقهرضی الله عنها روایت شده که فرمود: ((گفتم: ای رسول الله، اگر لیلة القدر را دریافتم، چه دعاء بکنم؟ فرمودند: بگو: ای بار خدایا، تو عفو کننده وکریمی هستی که عفو را دوست میداری، پس مرا مورد عفو خود قرار ده)).[۶]

علائم شب قدر

۱ـ شبی نه گرم ونه سرد وروشن

از جابر بن عبدالله ﷺ روایت شده که فرمود: رسول الله ﷺ فرموده اند: ((به من لیلة القدر نشان داده شد، پس از آن فراموش کردم، وآن در شبهای دهه‌ء اخیر، در شبی است که نه گرم است ونه سرد[۷] وشبی روشن[۸] میباشد)).[۹]

۲ـ خورشید در صبح آن سفید بوده بدون شعاع میباشد.

ابی بن کعبﷺ – هنگامیکه از علائمش پرسیده شد- فرمود: ((همان علامتی را که رسول الله ﷺ بما خبر داده اند، اینکه خورشید در آنروز بدون شعاع طلوع میکند)).

و در روایت مسلم: ((سفید است بدون شعاع)).[۱۰]

(۴) به روایت بخاری ومسلم.
(۵) به روایت بخاری ومسلم.
(۶) به روایت ترمذی
(۷) طلقة: اگر در آن گرمی وسردی آسیب رسان نباشد.
(۸) بلجة: تابان
(۹) به روایت ابن خزیمه
(۱۰) به روایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

حج	زکات	روزه	نماز	پاکی

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

زکات ، حکم وشروط آن

https://www.al-feqh.com/fa

۱

زکات ، حکم وشروط آن

مطالب

تعریف زکات

منزلت زکات

حکم مانع زکات

حکمت فرضیت زکات

فضیلت زکات

اموالیکه در آنها زکات فرض است

شرطهای فرضیت زکات

جدا کردن زکات

زکات در لغت

رشد وافزایش

زکات در شریعت

مقـدار معینی مال که در وقت معینی برای گروه معینی پرداخت میشود

منزلت زکات

زکات فریضه ای از فرایض اسلام است، و رکن سوم ارکان اسـلام نیز میباشـد، الله عزوجل فرموده اسـت: (ونماز را برپا داریـد و زکات را بپردازید) (نـور: ۵۶) ، نبی اکرم ﷺ فرموده اند: ((اسـلام بر پنج چیز بنا شده است: شهادت لاَ إِلَهَ إِلاَّ الله، وَأَنَّ مُحَمَّـدًا عَبْـدُهُ وَرَسُـولُهُ، و برپا کردن نمـاز، و پرداخت زکات، وحج بیت الله، و روزهء رمضان)) [۱]

حکم منع کنندهٔ زکات.

منـع کنندهء زکات، یا از روی انـکار، [۲] و یا از روی بخل ورزی مانع آن میشود.

۱ـ مانع زکات از روی انکار

کسـیکه وجوب زکات را انکار کند، بـه اجماع امت کافر میشـود، اگر وجوب آنرا میدانسته اسـت، بدلیل تکذیبش الله تعالی وپیامبرش را.

وابوبکر صدیق رضی الله عنه با کسـانیکه از دادن زکات امتناع داشتند جنگ نموده، وفرمود: قسم بخدا با کسیکه میان نماز و زکات فرقی قائل شـود بجنگ بر میخیزم، زیـرا که زکات حق مال اسـت، وقسـم بخدا اگر از پرداخت زکات سال که به رسول

(۱) به روایت بخاری ومسلم
(۲) جحود: یعنی انکار از واجب بودنش.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

الله ﷺ میپرداختند، امتناع ورزند، با آنها جنگ خواهم کرد.[۱]

۲ـ مانع زکات از روی بخل

کسیکه از روی بخل، از دادن زکات امتناع میکند، از وی با زور گرفته میشود، ولی کافر نمیگردد، هر چند که مرتکب گناهی از بزرگترین گناهان کبیره شده است.

بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺدر مورد مانع زکات: ((هر صاحب زر و سیمی که حق آنرا نمی دهد، در روز قیامت با تخته های آتشینی که در آتش دوزخ سوزان شده، پهلو، پیشانی و پشت او را داغ کنند، هر زمانیکه سرد شود، بار دیگر اعاده میشود، در روزیکه برابر پنجاه هزار سال است، تا اینکه میان بندگان قضاوت شود. تا راه خود را ببیند که یا به سوی بهشت، و یا به سوی دوزخ باز شود))[۲]، اگر به جنگ برخاست ، با او قتال شود، تا زمانی که به امر الله تعالی تابع شده، زکات بپردازد، بدلیل فرموده ای الله تعالی:(اگر توبه کردند، ونماز را برپاداشته، و زکات را آوردند، متعرض شان نشوید) (توبه:۵) ونیز بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ: ((امر شده ام با مردم بجنگم، تا شهادت بدهند که لاَ إِلَهَ إِلاَّ اللهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللهِ، ونماز برپا کنند، و زکات بدهند، اگر چنین کردند، خونها واموال شان را از من در امان داشته اند، مگر بحق اسلام، وحسابشان نزد الله تعالی است)).[۳]

(۱) به روایت بخاری.
(۲) به روایت مسلم.
(۳) به روایت بخاری ومسلم

حکمت واجب شدن زکات

۱. پاکسازی نفسها از بخل وگناهان واشتباهات، الله تعالی میفرماید: (از مالهایشان زکات بگیر تا آنها را از آثار گناهان پاک سازی، ودر نفسهایشان فعل خیر را رشد دهی). (توبه:۱۰۳)

۲. پاکسازی مال و نمو و رشد آن، وحلول برکت در آن: بدلیل فرموده ای نبی اکرمﷺ: ((صدقه یعنی زکات چیزی از مال را ناقص نمیکند))[۴]

۳. آزمایش بنده است در فرمانبرداری از اوامر الله تعالی، ونیز تقدیم محبت الله تعالی بر محبت مال است.

۴. همدردی با مستمند و رفع حاجت نیازمندان میباشد، که باعث افزایش محبت شده، بالاترین درجهء تکافل اجتماعی میان افراد جامعهء مسلمان را تحقق میبخشد.

۵. خوگرفتن وعادت کردن به مصرف کردن دارائی در سبیل الله.

(۴) به روایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

فضیلت زکات

۱. سبب وعلت نائل شدن به رحمت الله تعالی میباشد، الله تعالی میفرماید:((ورحمت من شامل همه چیز بوده، و برای کسانیکه پرهیزگاری دارند، و زکات میدهند، آنرا مینویسم، یعنی در آخرت به آن حکم میکنم)) (اعراف: ۱۵۶)

۲. شرط تحقق نصرت و یاری الله تعالی میباشد، چنانچه الله تعالی فرموده است: (و الله نصرت میدهد کسی را که به نصرت الله شتافته است، الله توانمند با عزت است، کسانیرا که در زمین مسلطشان گردانیدیم، نماز را برپا میکنند ، وزکات را به مستحقینش میدهند) (حج: ۴۰و۴۱).

۳. از اسباب کفارهء اشتباهات نیز میباشد، نبی اکرم ﷺ فرموده است: وصدقه اشتباهات را میپوشاند، چنانچه آب آتش را خاموش میکند).(۱)

(۱) به روایت ترمذی.

مالهائیکه در آن زکات واجب است

شرایط وجوب زکات

۱ـ اسلام

بر کافر زکات نیست، زیرا که الله تعالی عمل کافر را قبول نمیکند.

۲ـ آزادی

بر برده زکات نیست، زیرا که مال او ملک بادارش میباشد.

۳ـ مالکیت نصاب است

نصاب:

رسیدن مال به مقدار معینی است که در آن زکات واجب میگردد

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

شرطهای نصاب:

أ ـ مالی که به نصاب رسیده، اضافه از نیازمندیهای ضروری باشد که انسان از آن مستغنی شده نمیتواند، مانند : طعام، لباس ومسکن، زیرا که زکات برای تسلی مستمندان واجب شده، بنابر این باید صاحب مال نیازمند نباشد.

ب ـ مال به نصاب رسیده ملک کامل شخص معین باشد، بنابر این زکات در مالیکه ملک شخص معینی نباشد واجب نیست، مانند: مالیکه برای بنای مسجد جمع آوری شده، ویا مالیکه وقف شده به منافع عمومی، ویا اموالیکه در صندوقهای جمعیتهای خیریه میباشد، در آنها زکات نیست.

۴ـ گذشت یک سال بر مال

حول:
یکسال کامل هجری.

باید بر مالی که به نصاب رسیده ودر ملکیت صاحبش بوده ، دوازده ماه هجری قمری بر آن سپری شود، این شرط ویژهء نقدین (زر و سیم) وکالاهای بازرگانی، وحیوانات اهلی میباشد، اما در مورد محصولات کشاورزی، میوجات، معادن وگنجها، گذشت سال در آنها شرط نیست.

جدا کردن زکات

وقت جدا کردن زکات

اگر وقت وجوب آن فرا رسید وتوانائی جدا کردن زکات را داشته باشد ، اخراج زکات واجب است، وتاخیر آن جواز ندارد، مگر ضرورتی بوده باشد، مانند اینکه در سرزمینهای دور افتادهء بوده، ویا اینکه محبوس باشد، ویا مانند آن.

دلیل وجوب جدا کردن فوری زکات این فرموده ای خداوند متعال است: (حق آنرا در روز خرمن کردنش بدهید) (انعام: ۱۴۱) (وزکات را بدهید) (نور: ۵۶) امر مقتضی آنست که فورا بآن فعل اقدام شود.

> ### مستحقتر به زکات
> برای زکات دهنده شایسته است، تا برای یافتن مستحقتر به زکات تلاش کند، کسانیرا که به آن نیاز شدید دارند پیدا کند، به هر تعدادیکه صفات استحقاق در یک شخص بیشتر باشد، به زکات گرفتن مستحقتر میشود، مانند فقیری که از اقارب باشد، ویا فقیر طالب علم باشد ویا مانند اینها.

حکم شتاب در جدا کردن زکات

شتاب کردن در اخراج زکات در هنگام نیاز مسلمانان جائز است، از ابن عباس ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ عمر ﷺ را برای جمع آوری زکات فرستادند، و در برگشت از عباس ﷺ گلایه کرد، وفرمود: از دادن زکاتش بمن امتناع کرد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((ای عمر، عباس زکات دو ساله را یکسال پیش پرداخت کرده است)).[۱]

مکان جدا کردن زکات

بهتر آنست که زکات را در میان مردمان سرزمینیکه اموال در آنجاست توزیع کند، مگر اینکه نیازی به آن در سرزمینهای نزدیک ودور بیشتر باشد، انتقال زکات مجاز است، به طور مثال در سرزمینی دور افتادهء، فقر وتنگدستی بیشتر بوده، ویا برای زکات دهنده در آنجا نزدیکان مستمندی مانند فقراء سرزمینش باشد، زیرا در دادن زکات برای نزدیکانش منافعی وجود دارد چه پرداخت زکات به آنان صدقه وصله رحم هردو را شامل میشود.

(۱) به روایت دارقطنی

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

زکات برآمده از زمین

https://www.al-feqh.com/fa

۲ زکات برآمده از زمین

مطالب

تعریف خارج از زمین
یکم: حبوبات ومیوجات
تعریف حبوبات ومیوجات
حکم زکات حبوبات ومیوجات
شرطهای وجوب زکات حبوبات ومیوجات
وقت وجوب زکات حبوبات ومیوجات
مقدار زکات واجب در حبوبات ومیوجات
دوم: زکات معادن وگنجها
تعریف معادن وگنجها
حکم زکات معادن وگنجها
شرطهای وجوب زکات معادن وگنجها
مقدار زکات واجب در معادن وگنجها

برآمده از زمین

هر چیزیکه از زمین برآید وقابل بهره گیری باشد

یکم: دانه ها ومیوجات

دانه ها

هر دانه ایکه قابل ذخیره باشد مانند جو، وگندم وغیره.

میوجات

هر میوهء که قابل ذخیره کردن باشد مانند: خرما، کشمش، وبادام.

حکم زکات دانه ها، میوجات

زکات حبوبات ومیوجات فرض است، بدلیل فرموده ای الله تعالی: (حق آنرا در روز خرمن کردنش بدهید) (انعام: ۱۴۱) ونیز بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ: ((در آنچه که از باران

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

وچشمه سارها آبیاری میشود، ویا از جملهء عثری[۱] باشد عشر (یک دهم) وآنچه با آب کشیده[۲] آبیاری میشود زکاتش نیم عشر میباشد.[۳]

شرطهای فرضیت زکات حبوبات ومیوجات

۱ـ قابلیت ذخیره شدن را داشته باشد.

اگر ذخیره نمیشد، واز خوار وبار روزانه بود، در آن زکات نیســت، زیرا که صفت مال بودن در آنچه قابلیت ذخیره شدن را ندارد کامل نیست، بخاطر عدم بهره گیری کامل از آن.

۲ـ از جمله چیزهای پیمانه ای باشد:

یعنــی از آنچه که با ترازو وزن شــدنی وبا پیمانه ها نیز قابل مقایســه باشد، این فرموده ای نبی اکرم ﷺبر آن دلالت دارد: ((در حبوبــات وخرمــا، تا اینکه به پنج وســق نرســد صدقه نیست[۴])).[۵]

اگر از جملهء مکیل وموزون نبود، مانند سبزیجات در آنها زکات نیست.

۳ـ باید در اثر کشت انسان در زمینش بروید:

اگر خود روئیده باشد، در آن زکات نیست.

۴ـ به نصاب رسیدن:

یعنی بمقدار پنج وســق باشــد، بدلیل فرمــوده ای نبی اکرم ﷺ: ((در حبوبات وخرما، تا اینکه به پنج وســق نرسد صدقه نیســت)).[۶] پس نصاب سه صد صاع نبوی است که برابر: ۶۱۲ کیلوگرم گندم خوب میشــود، انــواع مختلف یک جنس از محصولات همان ســال باهم جمع میشود، تا نصاب را تکمیل کند، ماننــد انواع مختلف خرما مثل: ســکری با برحی وغیره باهــم یکجا میشــود، زیرا که آنهــا انواع متعــدد یک جنس هستند، وبرای تکمیل نصاب، یک جنس با جنس دیگر یکجا نمیشود، نمیتوان گندم را با جو ویا گندم را با خرما در تکمیل

(۱) عثری: آنچه بدون آبیاری، یا با ریشهء خود، ویا بوسیلهء باران وسیل دریا سیراب شود، آنرا عثری گویند.
(۲) آبیاری با آب کشیده: یعنی در کشیدن آب سختی وجود دارد.
(۳) به روایت بخاری.
(۴) وسق: شصت صاع
(۵) به روایت مسلم.
(۶) به روایت مسلم.

نصاب یکجا کرد.

وقت وجوب زکات حبوبات ومیوجات

زکات در حبوبات هنگامیکه دانه هایش سخت شد ودر میوجــات زمانیکه شــکل گرفت واجب میشــود، طوریکه میوه قابل خوردن باشــد، کسیکه حبوبات ومیوجات را بعد از وجوب زکات بر آنها فروخت، زکاتش بر فروشــنده اســت، زیرا که او مالک آنها در هنگام وجوب زکات بوده است

مقدار زکات واجب در حبوبات ومیوجات

۱. واجب عشر (۱۰٪) است، در آنچه که بدون مشقت وبدون مصارف آبیاری حاصل شــود، مانند آبیاری با آب باران، وآب چشمه سار ها.
۲. واجب نیم عشــر (۵ ٪) اســت در آنچه که با مشــقت وبا مصارف آبیاری شود، مانند آبیاری با آب چاها.
۳. واجب سه چهارم عشر(۷،۵ ٪) است در آنچه که با مجموع آنها آبیاری شود، مانند اینکه گاهی با آب باران واحیانا با آب چاه آبیاری شده باشد.

ودلیلش فرموده ای نبی اکرم ﷺ: ((در آنچه از آب باران، وروودخانه، وچشمه سارها آبیاری شده عشر است، و در آنچه بوســیله ســانیه[۷] یعنی شــتر از آب چاه آبیاری شده، نیم عشر میباشد)).[۸]

(۷) سانیة: شتریکه بوسیلهء آن از چاه آب میکشند.
(۸) به روایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

نابود شدن حبوبات ومیوجات

اگر حبوبات ویا میوجات بدون تقصیر صاحبش نابود گردید، زکاتی بر آنها نیست، اگر بعد از وجوب زکات، آنها بسبب تقصیر و یا تجاوز او نابود گردید، زکات آنها ساقط نمیشود، بلکه ادای زکات بر وی واجب میباشد

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

دوم: معادن وگنجها

معدن

آنچه که از زمین اســتخراج شــود واز جنسش نباشد، مانند طلا، نقره، آهن، سنگ های گرانبها، سرب وغیره مواد خامی که از زمین استخراج میشود.

گنجها

مالی که بوسیله انسان، در زیر زمین مدفون باشد: مانند طلا، نقره وغیره.

حکم زکات معادن وگنجها

واجب است، بدلیل فرموده ای خداوند متعال: (ای کسانیکه ایمان آورده اید از پاکیهای آنچه کسب کرده اید، انفاق کنید، ونیــز از آنچه برا ی شــما از زمین خارج کردیــم) (بقره: ۲۶۷) وفرموده ای نبی اکرمﷺ: ((ودر گنجها پنج یک میباشد))[۱].

شرطهای زکات گنجها

برای زکات گنجها شرطهای وجود ندارد، اگر کسی مالك آن شد، باید زکات آنرا فوری خارج سازد

مقدار زکات واجب در معادن وگنجها

زکات واجــب در آنها اگر مقدارش کم باشــد ویا بســیار، خمس یا پنج یک میباشد، بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ : ((ودر گنجها، یک پنجم است))[۲].

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) به اتفاق بخاری ومسلم.

طلای خام

نقره خام

سرب خام

آهن خام

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

زکات نقدین

https://www.al-feqh.com/fa

۳

زکات نقدین

مطالب

- تعریف نقدین
- حکم زکات نقدین
- شرطهای وجوب زکات نقدین
- نصاب زکات نقدین
- مقدار زکات نقدین
- زکات زیورات
- زیورات طلائی ونقرئی
- زیورات غیر از سیم و زر

نقدین

طلا و نقره، وآنچه از ارزهای کاغذی رایج امروز که قائم مقام آنها باشد.

حکم زکات نقدین

واجب اســت: بدلیل فرموده ای الله تعالی: (وکســانیکه طلا ونقره را ذخیره کرده گنج میسازند، وآنها را در راه خدا خرج نمیکنند، برایشان از عذاب دردناک بشارت بده) (توبه: ۳۴) ونیز بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ: ((هر صاحب زر و سیمی که حق آنرا نمی دهد، در روز قیامت با تخته های آتشـینی که در آتش دوزخ سوزان شده پهلو، پیشانی وپشت او را داغ کنند، هر زمانیکه سرد شود، بار دیگر اعاده میشود، در روزیکه برابر پنجاه هزار سـال اسـت، تا اینکه میان بندگان قضاوت شـود، تا راه خود را ببینند که یا به سـوی بهشـت، ویا به سوی دوزخ میباشد)).[1]

شرطهای وجوب زکات نقدین

۱. گذشت یک سال برآنها.
۲. مالکیت کامل به آن.
۳. به نصاب رسیدن.

(۱) به روایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

نصاب زکات نقدین

۱. نصاب طلا: بیست دینار (۸۵گرام)

ودینار طلا= چهار وربع گرام است، نصاب طلا به گرام ۴،۲۵×۲۰= ۸۵ گرام طلای خالص.

۲. نصاب نقره: دوصد درهم (۵۹۵گرام)

و درهم نقره = ۲،۹۷۵ گرام، نصاب نقره به گرام= ۲،۹۷۵×۲۰۰= ۵۹۵ گرام نقرهء خالص.

۳. نصاب اسکناس یا بانکنوت: بر پایهء بهای نصاب طلا ویا نقره در وقت خارج کردن محاسبه میشود، اگر به نصاب یکی از آنها رسید، زکاتش واجب میشود.

بطور مثال: اگر یک گرام طلا = ۳۰ دولار بود، زکات زمانی بروی واجب میشود که مالک: ۸۵×۳۰=۲۵۵۰ دولار باشد.

اوراق بهادار

نقره

طلا

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

مقدار زکات نقدین

مقدار زکات واجب در طلا ونقره واوراق بهادار: ربع عشر= ۲،۵٪ میباشد.

در هر بیست دینار طلا باید نیم دینار طلا زکات بدهد، وبهر مقداری که افزایش یابد ویا کم شود، بهمان اندازه حساب میشود.

ودر هر دوصد درهم نقره باید پنج درهم زکات بدهد، واضافه از آن بهمین گونه حساب میشود. بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ: اگر ۲۰۰ درهم داشتی، ویکسال بر آن سپری شد، در آن پنج درهم است، در طلا تا به بیست دینار نرسیده بر تو زکاتی نیست، اگرمالک بیست دینار شدی، ومدت یکسال بر آن سپری شد، در آن نیم دینار است، وبر مازاد بهمان اندازه حسابش زکات است)).[۱]

نمونهء عملی

مردی مالک ۹۰۰۰ دولار است، بر آن – در حال مالکیتش- یک سال گذشت، آیا بر آن زکات است؟

یکم: نصاب زکات را با توجه به طلا ویا نقره چنین محاسبه میکنیم:

نصاب = هشتاد وپنج گرام طلای خالص.

= ۸۵× نرخ گرام طلای خالص در روز وجوب زکات، فرض میکنیم که یک گرام طلا = ۳۰دولار است.

= ۸۵×۳۰= ۲۵۵۰ دولار.

نصاب = ۲۵۵۰ دولار میباشد، بنابرین دارائی این مرد به نصاب رسیده، ویک سال هم برآن گذشته، پس بر آن زکات واجب شده است.

دوم: مقدار زکاتیکه اخراجش بر وی واجب است، از این قرار میباشد:

مقدار زکات= ۲،۵٪

= ۹۰۰۰×۲،۵ ÷ ۱۰۰= ۲۲۵ دولار.

بنابرین بر این مرد واجب است تا ۲۲۵ دولار از مدرک دارائی خود به حساب زکات بپردازد.

زکات زیورات

زیورات دو نوع است: زیورات طلائی ونقرئی، زیورات غیر طلائی ونقرئی.

۱ـ زیورات طلائی ونقرئی

بخش اول: زیوراتی که برای ذخیره کردن وگنج سازی، ویا بغرض بارزگانی ساخته شده، که زکات در آن واجب است.

بخش دوم: زیوراتی که برای استعمال ساخته شده، اخراج زکات از نظر احتیاط وبرائت ذمه است، زنی نزد نبی اکرم ﷺ آمد، ودخترش دو النگوی طلائی یا دست بند[۲] بدست داشت نیز همراهش بود، آنحضرت ﷺ برایش فرمودند: آیا زکات آنرا میدهی گفت: نه، فرمودند: ((آیا خوش میشوی که الله تعالی بسبب آن، دو دست بند آتشین برایت در روز قیامت بگرداند؟)) گفت: آندو از دستانش کشیده به سوی نبی اکرم ﷺ انداخته وگفت: ((این دو برای الله عزوجل ورسولش ﷺ باشد))[۳]

برخی از علماء در زیورات زکات را واجب نمیدانند، زیرا که این زیورات مالیکه غرض از آن نمو ورشد باشد نیست، بلکه وسائل شخصی بوده که مورد استعمال وبهره گیری قرار میگیرد. ماند لباسها واثاثیه وکالاهائی که ضمن نیازمندیها و زینت زن میباشد.

اصل در زکات نمو ورشد مال ویا قابلیت رشد آن میباشد تا زکات در آن لازم گردد.

واخراج زکات از نظر احتیاط بر زیوراتی است، که بمنظور استعمال مباح و زینت ساخته شده، زیراکه این گفته احتیاط وبرائت ذمه را مد نظرداشته است، بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ: ((آنجه ترا در شک می اندازد را به سوی آنجه ترا در شک نمی اندازد ترک کن)).[۴]

(۱) به روایت ابوداود

(۲) مسکتان: دو دستبند.

(۳) به روایت ابو داود.

(۴) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

زیورات طلائی

مروارید

زیورات نقرئی

الماس

۲ـ زیورات غیر از زر وسیم

مانند الماس، یاقوت، مروارید وغیره، در اینها زکات نیست، هرچند که بهایش گزاف باشد، مگر اینکه برای بازرگانی بوده، که درینحال ضمن کالاهای بازرگانی شامل میشود.

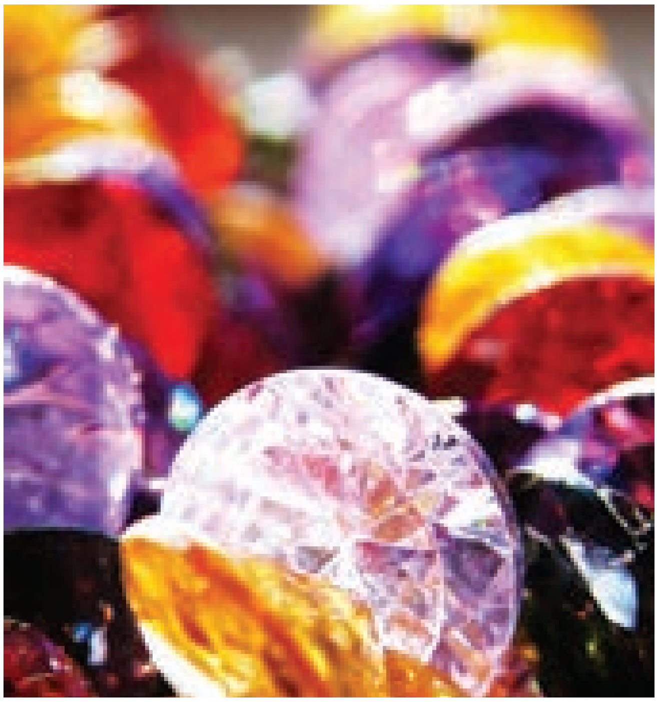

یاقوت

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

زکات کالاهای بازرگانی

https://www.al-feqh.com/fa

۴

زکات کالاهای بازرگانی

مطالب

تعریف زکات کالاهای بازرگانی
حکم زکات کالاهای بازرگانی
شرطهای وجوب زکات کالاهای بازرگانی
چگونگی اخراج زکات بازرگانی
تاجر زکات کالاهای بازرگانی را چگونه محاسبه میکند؟
زکات سهام

کالاهای بازرگانی

هر آنچه برای خرید وفروش بغرض کسب فائده مهیا شده است.

کالاهای بازرگانی را عروض نامیده شده، زیرا که ثبات ندارد، بلکه عرضه میشود و پس از آن نابود میشود، زیرا که بازرگان عین این کالا ها را نمیخواهد، بلکه غرضش فائده کردن وسود بردن از نقدین میباشد، و به همه انواع اموال غیر نقدی کالاهای بازرگانی گفته میشود، مانند خودروها، پوشاک، پارچه ها، آهن، چوب وغیره که برای بازرگانی وتجارت آماده شده است.

https://www.al-feqh.com

https://www.al-feqh.com/fa

حکم زکات کالاهای بازرگانی

واجب است، بدلیل فرموده ای خداوند متعال: (ای کسانیکه ایمـان آوردیـد از پاکیزگیهائیکه که کسـب کردید، انفاق کنیـد) (بقره:۲۶۷). عموم اهل علم یاد آور شـده اند که مراد از این آیت: زکات کالاهای بازرگانی است، ونیز بدلیل فرموده ای خداونـد متعـال: (از اموالشـان زکات بگیر) (توبـه: ۱۰۳)، وکالاهای بازرگانی از ظاهرترین اموال میباشـد. پس زکات در آن واجب است.

شرطهای وجوب زکات کالاهای بازرگانی

۱. بهای آن به نصاب رسیده باشـد، ونصاب با توجه به بهای طلا ونقره تعیین میشود.
۲. باید برآن یکسال سپری شود.
۳. برای بازرگانی مهیا باشد، طوریکه غرض از آن سود بردن باشـد، بدلیل فرموده ای رسول اکرمﷺ: ((اعمال بر نیتها استوار است))[1]

اگر نیتش را از بازرگانی به اسـتعمال آن تغیر داد، موضوع گذشت سـال بر آن قطع میشود، اگر دوباره به نیت بازرگانی برگشت، مساله حول را از همین نقطه جدید آغاز میکند، مگر اینکـه این تغیـر نیت بغرض فریب کاری برای سـاقط کردن زکات بوده باشد، موضوع حول منقطع نمیگردد.

مثـال آن: اگر قطعه زمینی را در مـاه محرم بغرض تجارت خرید، ودر ماه شـعبان نیتـش را تغیرداد برای بنای مسـکن، موضوع سـپری شـدن سـال منقطع میگردد، پس اگر در ماه شـوال دوباره تغیر نیت داد به سـوی تجارت، گذشـت سال جدید را از ماه شــوال آغاز میکند، مگر اینکه غرض او ازین تغیـرات حیله وفریبکاری بمنظور سـاقط کردن زکات بوده، که در این حالت موضوع حول منقطع نشـده بلکه از همان ماه محرم حساب میشود.

چگونگی اخراج زکات بازرگانی

هرگاه سـال سپری شـد، آنر معین میسـازد، وکالاهای که برای فروش دارد را به نرخ روز در بازار محاسـبه میکند، و از آن ویا از بهای آن، طبق نیاز مستمندان زکات را جدا میکند.

تاجر زکات کالاهای بازرگانی را چگونه محاسبه میکند؟

۱. آنچه از کالاها و اموال تجارتی در دسترس دارد را به نرخ روز، بهای آنرا تعیین میکند.
۲. پول نقدی که با خود دارد، چه در تجارت آنرا اسـتعمال کرده ویا نکرده به آن می افزاید.
۳. همهء قرضهـا و وام هائیرا که قابـل دریافت میداند به آن اضافه میکند.
۴. همهء قرضها و وام هائیرا که دیگران از وی طلب دارند را از مجموع دارائی خود طرح ومنفی کند.
۵. پس ازاین از متباقی دارائی ربع عشر(۲،۵٪) زکات را جدا کند.

زکات واجـب = (بهـای کالاهای بازرگانـی + پول نقد + قرضهـا ی قابل دریافـت – قرضهای طلبکاران بـر تاجر) × (نسبت زکات ۲،۵).

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

> ### مالک بودن نصاب
> آیا مالکیت نصاب در تمامی سال از اول تا آخرش شرط میباشد؟ ویا اینکه به کامل بودنش در آغاز وپایان سال اکتفاء میشود؟ و یا اینکه تنها پایان سال اعتبار دارد؟ کامل بودن نصاب در آغاز وپایان سال معتبر است، زیرا که ارزیابی کامل بودن نصاب در تمام سال مشکل میباشد، بنابر این اول سال جهت منعقد شدن سبب وجوب زکات، وآخر سال بخاطر دانستن سپری شدن یک سال اعتبار داده شد، وبرای یک مسلمان آسانتر اینست که ماهی چون رمضان وغیره را برای آغاز کارش تعیین کند، ودر همین ماه دارائی خود را ارزیابی نموده زکاتش را محاسبه کند.

زکات سهام

سهام

جزئی از اجزای متساوی سرمایه شرکت سهامی است.

مثال آن: شرکتی سهامی که سرمایه اش سه میلیون دولار است، سرمایه اش را در هنگام افتتاح به ده هزار بخش تقسم کرد، هر جزء یا بخش (۳۰۰) دولار ارزش دارد، این جزء و یا بخش را سهم مینامند، وصاحب سهم شریک در شرکت بمقدار سهام خود میباشد،

حکم زکات سهام معاملاتی

مباح است، مگر اینکه فعالیت شرکت حرام باشد، ویا اینکه برآن تعامل سود خواری مرتب گردد.

جداکردن زکات سهام

۱. اگر شرکت زکات را جدا کند، ذمهء صاحب سهام برائت می یابد.

۲. اگر شرکت زکات را جدا نکند، بهای آن از نظر نرخ بازار ارزیابی میشود، اگر به نصاب رسید وبر آن یکسال سپری شد، زکاتش را ربع عشر(۲،۵٪) جدا میکند، زیرا از کالاهای بازرگانی محسوب میشود.

مثال آن: شخصی ۱۰۰۰ سهم دارد،که بهای هرسهم در روز جدا کردن زکات ۱۰ دولارمیباشد، بنابرین بهای سهامش ۱۰۰۰۰ دولار بوده که بیشتر از نصاب میباشد، پس زمانیکه یکسال بر آن گذشت زکاتش را جدا میکند.

> ### زکات بر سرمایه است
> در اموال تجارتی از سرمایهء که برای خرید وفروش بمنظور کسب سود مهیا شده زکات پرداخت میشود، اما آنچه که دارائی ثابت بوده، هنگام ارزیابی کلی، بر آن زکاتی نیست، مانند قفسه های مغازه، ویخچالهائیکه برای سرد سازی مواد میباشد، وماشینهای حمل ونقل، ووسائل بالا وپائین کردن بارها وامثال اینها.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

زکات چهارپایا ن

https://www.al-feqh.com/fa

۵ زکات چهارپایان

مطالب

تعریف چهارپایان
حکم زکات چهارپایان
شرطهای وجوب زکات چهارپایان
نصاب شرعی برای زکات چهارپایان
نصاب شتر وشمار آن
نصاب گاو وشمار آن
نصاب گوسفند وشمار آن

چهارپایان

شتر، گاو، و گوسفند.

حکم زکات چهارپایان

واجب اســت، بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ: ((صاحبان شــتر، گاو، وگوســفندی که زکات آنها را نداده اند، در روز قیامت این چهار پایانش بزرگتر وچاقتر شده میآیند، وصاحبان خـود ها را با شاخهایشــان میزنند، وزیر پا[۱] نیــز میکنند، اگر آخرین آنها ازیــن کار برآمدند، اولین آنها بــاز میگردند، تا اینکه میان مردم قضاوت پایان یابد)).[۲]

شرطهای وجوب زکات چهارپایان

۱. باید که از ملکیت چهار پایان در نزد مالکش یکسال کامل ســپری شود، بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ: ((تا زمانیکه بر مالی یکسال نگذشته، در آن زکات نیست)).[۳]

۲. این چهار پایان سائمه باشند، بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ: ((در هر چهل شتر سائمه یک شتر بنت لبون است)).[۴]

شتر ســائمه: همان شتری اســت که در چراگاهها از علفها وگیاهان مباحیکه الله تعالی رویانیده، بدون اینکه کســی آنرا کاشته باشد، تغذیه کنند، اما اگر تغذیهء آنها از مزرعه ای که کشت کرده اند، باشــد، در حکم سائمه نبوده، بر آنها زکات نیست.

۳. برای بهره گیری از شــیر ونســل آنان مهیا شــده باشد، نه برای کار، و شتر کاری: آنستکه برای قلبه کردن، ویا آب کشــیدن از چاه، ویا بارکشــی، ونقل امتعه از آن اســتفاده میشود.

بر شتران کاری زکات واجب نیست، زیرا که در این حالت از نیازمندیهای اصلی انسان مانند پوشاک وغیره بشمار میرود.

اما اگر برای کرایه دادن تخصیص یافته بود، زکات در اجره آنست، هرگاه بر آن یکسال سپری شود.

۴. چهارپایان به نصاب شرعی رسیده باشند.

(۱) ظلف: شنگل یا پای
(۲) به روایت مسلم.
(۳) به روایت ابن ماجه.
(۴) به روایت نسائی.

https://www.al-feqh.com/fa

نصاب شرعی برای زکات چهارپایان

یکم: نصاب شتر، ومقدار واجب در هر نصاب

از انس بن مالک رضی الله عنه نقل شده که ابوبکر صدیق رضی الله عنه برایش نوشت: ((این فریضهء زکات است که رسول الله صلی الله علیه وسلم بر مسلمانان فرض گردانیده، وهمان امری است که الله تعالی بر رسولش امر کرده: در بیست وچهار شتر وکمتر از آن در هر پنج شتر یک گوسفند است، اگر به بیست وپنج رسید تا سی وپنج درآن بنت مخاض[1] است، وقتیکه به سی وشش شتر رسید تا چهل وپنج شتر در آن بنت لبون[2] است، پس اگر به چهل وشش برسد تا شصت در آن حقه[3] است، هرگاه به شصت ویک رسید تا هفتاد وپنج در آن جذعه[4] است، کسیکه فقط چهار شتر دارد، در آن زکات نیست، مگر اینکه صاحبش بخواهد، پس اگر به پنج شتر رسید در آن یک گوسفند[5] است.[6]

(۱) بنت المخاض: شتر مادهء یکساله.
(۲) بنت اللبون: شتر مادهء دو ساله.
(۳) الحقه: شتر مادهء سه ساله.
(۴) الجذعه: شتر مادهء چهار ساله.
(۵) در گوسفندیکه برای زکات جدا میشود، باید که (جذع) از گوسفند، یعنی که شش ماهه باشد، ودر بز باید (ثنی) یعنی یکساله بوده باشد.
(۶) به روایت بخاری.

نصاب وزکات شتر

شمار شتران	مقدار زکات واجب بر آنها
۵- ۹	یک گوسفند
۱۰- ۱۴	دو گوسفند
۱۵- ۱۹	سه گوسفند
۲۰- ۲۴	چهار گوسفند
۲۵- ۳۵	بنت مخاض (شتری مادهء یکساله)
۳۶- ۴۵	بنت لبون (شتری مادهء دوساله)
۴۶: ۶۰	حقه(شتر مادهء سه ساله.)
۶۱: ۷۵	الجذعه (شتر مادهء چهار ساله.)
۷۶: ۹۰	دو بنت لبون(شتری مادهء دوساله)
۹۱: ۱۲۰	دو حقهٔ (شتری مادهء سه ساله)
۱۲۰:.....	در هر چهل: یک بنت لبون، و در هر پنجاه: یک حقه است

https://www.al-feqh.com/fa

دوم: نصابهای گاو، ومقدار واجب در هر نصاب

از معاذ بن جبل رضی الله عنه روایت شـده که فرمود: ((نبی اکرم صلی الله علیه وسلم مرا به یمن فرسـتاده امر کرد که از هر سی گاو یک تبیع نر یا ماده[1] بگیرم، و از هر چهل یک مسنهٔ[2])).[3]

نصابها وزکات گاو

شمار گاو	مقدار زکات واجب در آن
۳۰- ۳۹	تبیع (گوساله‌ء یک ساله)
۴۰- ۵۹	مسنه (گوساله‌ء دو ساله)
۶۰- ۶۹	دو تبیع
۷۰- ۷۹	یک تبیع ویک مسنهٔ

سوم: نصابهای گوسفندان، ومقدار واجب در هر نصاب

در حدیث انس رضی الله عنه که قبلا ذکر شـد، آمده اسـت: ((ودر زکات گوسـفندان سائمه هنگامیکه شمار آنها به چهل برسد، تا یکصد وبیست، زکاتش یک گوسفند است، اگر از یکصد وبیسـت افزون شد، تا دوصد گوسـفند، زکاتش دو گوسفند اسـت، اگر از دو صد گوسفند اضافه شـد تا سه صد، در آن سه گوسفند است، اگر از سه صد گوسفند افزون شد، پس در هر صد اضافی یک گوسـفند زکات بدهد. هرگاه گوسفندان سـائمه مـردی از چهل گوسـفند اگـر یکی هم کمتـر بود، برآن زکات نیسـت، مگر اینکـه صاحبش پرداخت زکات را بخواهد)).[4]

نصابها وزکات گوسفند

شمار گوسفندان	مقدار زکات واجب در آن
۴۰: ۱۲۰	گوسفند
۱۲۱: ۲۰۰	دو گوسفند
۲۰۱: ۳۰۰	سه گوسفند (وهرگاه صدی دیگر اضافه شد، گوسفندی بر آن افزون میشود)

(۱) التبیع والتبیعة: گوساله‌ء که یکسال را تمام کرده باشد.
(۲) المسنة: گوساله‌ء که دو سال را تمام کرده باشد.
(۳) به روایت ابو داود.
(۴) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

انواع دیگری، از زکاتها

https://www.al-feqh.com/fa

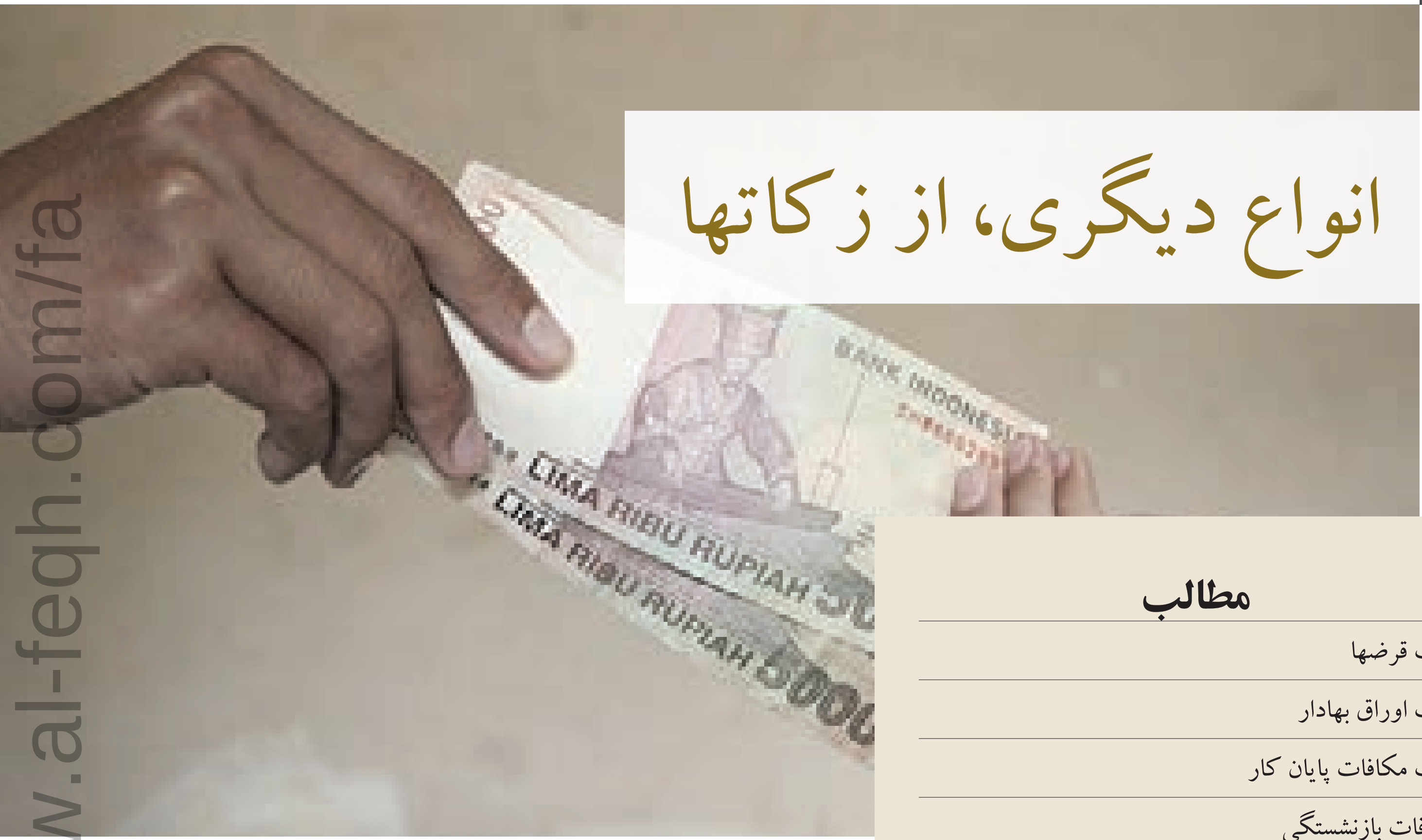

انواع دیگری، از زکاتها

مطالب

زکات قرضها
زکات اوراق بهادار
زکات مکافات پایان کار
ومکافات بازنشستگی
وحقوق بازنشستگی
زکات بیمه مستاجر
زکات حقوق معنوی
زکات کرایه ومعاشات
وفوائد حرفه های آزاد
زکات مال حرام

زکات دینها ووامها

وام یا قرض

مالیکه پرداختش بر مدیون واجب است.

حکم زکات قرض های که پرداختش بر زکات دهنده واجب میباشد

اگر مقـدار قرضهای شـخصی بانـدازهء نصـاب زکاتش برسـد، ویا اندکی کمتر از نصاب باشد، بر وی زکات واجب نیسـت، واگر قرض، نصاب را پائین نمی آورد، درین حالت از سرمایه بمقدار قرض کم میشـود، واز متباقی زکاتش جدا میگردد. مثال: اگر شـخصی (۱۰۰۰۰دولار) داشـت، ومقدار (۱۰۰۰۰دولار) مدیون بود، بروی زکات واجب نیسـت, زیرا که دین شامل همه نصاب میشود، وهمچنین اگر (۹۹۵۰دولار) مدیون بود، زیرا که از نصاب کمتر است، بر وی زکات واجب نیسـت، اما اگر قرض او (۴۰۰۰ دولار) بود، از سرمایه منفی یا طرح میگردد، که متباقی (۶۰۰۰دولار) است که در آن زکات واجب میباشد.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

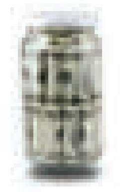

۱۰۰۰۰ ملکیت - ۱۰۰۰۰ و ۹۹۵۰ مدیونی = زکات واجب نیست

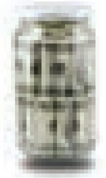

۱۰۰۰۰ملکیت - ۴۰۰۰ مدیونی = ۶۰۰۰ متباقی = در آن زکات واجب است

حکم زکات قرضهای مستحقه زکات دهنده بر دیگران

۱. اگر دریافت قرض ممکن نباشد، مانند اینکه مدیون مفلس بوده، ویا منکر قرض باشد، در این حالت هرسال زکات بر وام دهنده واجب نیست، بلکه اگر آنرا دریافت کرد، زکات یک سالش را بپردازد.

۲. اگر دریافت قرض ناممکن نباشد، مانند اینکه مدیون نیت پرداخت را داشته، وتاخیر نمیکند، بر وام دهنده واجب است تا هر سال زکاتش راپبردازد، زیرا که در حکم موجود در نزدش میباشد.

زکات اوراق بهادار

ورق بها دار

گواهینامه ای است که به موجب آن صادر کننده التزام خود را برای پرداخت بهای یاد شده در هنگام استحقاق، با سود اتفاق شده درین سند به حامل آن می پردازد.

حکم زکات اوراق بها دار

زکات اوراق بهادار حکم زکات قرض و وام را بخود میگیرد، اگر به نصاب برسد، زکات بر آن واجب است، وهمچنین است حکم آنچه که در ملکیت صاحبش بوده وبه آن ملحق گردیده، چه پول باشد ویا کالاهای بازرگانی که سال بر آنها سپری شود، از آنها ربع عشر جدا میکند، اگر جدا کردن اوراق بهادار ممکن نباشد، مگر بعد از یک مدت زمانی، در این حالت زکات از آن ساقط نمیشود، ولی زمانیکه سالهای آنها از هم جدا شد، برای هر سال سپری شده ، زکاتش را پرداخت کند.

وام در برابر فائده

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

زکات مکافات پایان کار ومکافات بازنشستگی وحقوق بازنشستگی

مکافات پایان کار

مبلغ مالی معینی اســت کــه کارگــر در پایان کارش مســتحق آن میشــود، وطبق قوانین ولوایح از کارفرما بنابر شرایط تعیین شده دریافت میدارد.

مکافات بازنشستگی

مبلــغ مالــی معینی اســت که دولــت، ویــا بنگاهای اختصاصی بــه کارمند ویا کارگری که شــامل قانون بیمه های اجتماعی باشد، می پردازد، اگر واجد شرایط مطلوب برای استحقاق حقوق بازنشستگی بوده باشد.

حقوق بازنشستگی

مبلغ مالی است که کارمند ویا کارگر مستحق آن بوده از دولــت ویا بنــگاه اختصاصی در پایــان کارش طبق قوانین ولوایح دریافت میکند، اگر واجد شرایط معینی بوده باشد.

حکم آن

بر کارگر وکارمند در مورد اســتحقاقش نسبت به این مدت کارش زکاتی واجب نیســت، زیرا مالکیتی که برای وجوب زکات شرط است تحقق نیافته است، چونکه قادر به صرف آن و یا تصرف به حقی از حقوق ملکیت را در تمام مدت کارش بر آن نداشته است. چنین استحقاقی زمانی ملکیت کارمند ویا کارگــر بر آن اتمام مــی یابد که فرمانی برای تعیین وتســلیم آن برایشــان صادر شــود، تا کارمند وکارگر به یکبارگی ویا به مــدت زمان دوره ای آنــرا دریافت نمایــد، در این حالت ملکیت شــان کامل بوده، زکات مال مورد استفاده اش را که در تصرفش باشد جدا میکند.

زکات بیمهء که مستاجر می پردازد

بیمه

اموالیکــه مســتاجر به مؤجــر برای موثق کــردن پیش پرداخت میکند.

زکاتش بر مســتاجر واجب نیســت، زیرا کــه در ملکیت او نمیباشــد، پس ملکیت کامل که شــرط وجوب زکات است تحقق نیافته است.[۱]

زکات حقوق معنوی

حقوق معنوی

سلطه ایست برای شخص بر چیزی غیر مادی، برابر است که ثمرهء فکری باشد مانند حق مؤلف در تالیفات علمی و ادبی، ویا حق برائت اختراع در اختراعات صنعتی، ویا نتیجــهء فعالیتهای بازرگانی بــوده که تاجر برای جذب خریــداران انجــام داده، چنانچــه در نامهــای بازرگانی وعلائم بازرگانی معمول میباشد.

حکم زکات حقوق معنوی

حقوق معنوی در عرف، بهای مالی دارد، که شــریعت آنرا معتبر میداند، بنابر این تصرف برآن طبق موازین شــرعی مجاز بوده، از تجــاوز برآن مصئون میباشــد.در خود حقوق تالیف وابتکار زکات واجب نیست، بدلیل عدم تحقق شرایط زکات در آنهــا، ولاکن اگر از آن بهره برداری شــود، بر عائداتش، حکم مال مورد استفاده اجراء میگردد.[۲]

(۱) قضایا فقهیة معاصرة د/ صلاح الصاوی ،ص ۶۰.
(۲) قضایا فقهیة معاصرة د/ صلاح الصاوی ،ص ۶۰.

https://www.al-feqh.com/fa

زکات اجره ها، و حقوق ها ومکاسب حرفه های آزاد

اجره ها، ومعاشات

آنچه کارگر در مقابل کارش دریافت میدارد

حکم آن

حیثیت زکات نقدین را بطور کامل دارد، اگر به نصاب برسد ویکسال برآن سپری شود، زکات واجب است، ومقدار زکاتش ربع عشر (۲،۵٪) میباشد.

زکات مال حرام

مال حرام

هر مالیکه شریعت از داشتن ویا نفع بردنش، منع کرده، مثل مالیکه از بازرگانی شراب، ویا سود خوری، ویا مال دزدی ومانند آن بدست آید.

مالیکه در ذات خود حرام بوده – مانند مالیکه از بازرگانی شراب، وخوک – بدست آمده، محل زکات نمیباشد، وهمچنین بر مال حرام لغیره زکات نیست، زیراکه اختلال موازین شرعی در کسب آن دیده می شود – مثل مال مسروقه – بخاطر نبودن ملکیت کامل در آن که شرط وجوب زکات میباشد.

بر مال حرام چگونه تصرف کرد

أـ مال حرامیکه خللی در شیوه کسب آنست، اگر دست کسی باشد، هرگز مالك آن نمیشود، هر چند که مدت زیادی بر آن سپری شود، بر وی واجب است که به مالکش ویا وارث او – اگر میشناسدش – برگرداند، اگر از شناسائی او مایوس شد، واجب آنست که در امور خیریه بمنظور رهائی از آن خرچ کند، ومقصودش صدقه به صاحبش باشد.

ب ـ اگر مالی را به عنوان اجره در کار حرام دریافت کرد، باید آنرا در امور خیریه مصرف کند، وبرای کسیکه از وی گرفته برنگرداند، زیرا که برگردانیدن برای او متضمن کمك به گناه میباشد.

ج ـ مال حرام را به کسی که از وی گرفته بر نگرداند، اگر هنوز هم بر معامله غیر مشروعی که منجر به حرمت مال شده اصرار دارد، مانند سود ربا خوری، بلکه همچنین آنرا در امور خیریه به مصرف برساند.

د ـ اگر برگردانیدن خود مال حرام ممکن نبود، واجب آنست که مانند آنرا برگرداند، ویا بهای آنرا به صاحبش اگر بشناسد پرداخت نماید، ودر غیر اینصورت مانند ومثل آنرا بر گرداند، ویا بهای آنرا به امور خیریه خرج کند ومقصودش صدقه به صاحبش باشد.[1]

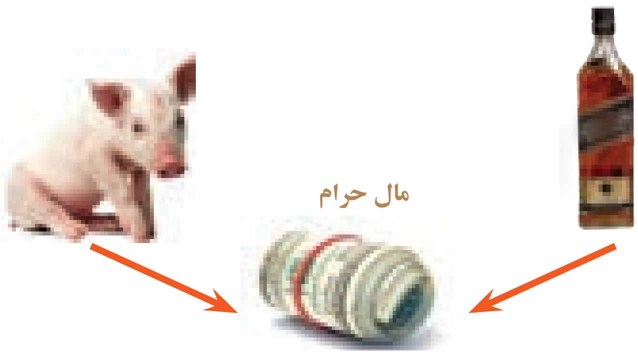

(۱) قضایا فقهیه معاصرة: د/ صلاح الصاوی: ص ۶۱ وما بعدها.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

حج	زکات	روزه	نماز	پاکی

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

اهل زکات وجدا کردن زکا ت

https://www.al-feqh.com/fa

۷

اهل زکات وجدا کردن زکات

مطالب

- اهل زکات
- ۱ـ فقراء
- ۲ـ مساکین
- ۳ـ کارمندان جمع آوری
- ٤ـ مؤلفة القلوب
- ۵ـ بردگان
- ۶ـ قرضداران (بدهکاران)
- ۷ـ مجاهدان ومرابطان راه الله
- ۸ـ مسافریکه ارتباط او با سرزمینش قطع شده

https://www.al-feqh.com/fa

اهل زکات

آنهائیکه مستحق گرفتن زکات هستند، هشت گروهی میباشند که الله تعالی آنها را بطور حصری در این آیت تذکر داده است: (صدقات یعنی زکات برای فقراء ومساکین وکارمندان زکات ومولفة القلوب وآزاد سازی بردگان وبدهکاران ومجاهدین ومسافریکه ارتباط او با کشورش قطع شده، فرضی است از جانب الله تعالی، و الله دانای حکیم است. (توبه: ۶۰)

۱- فقراء

فقراء

جمع فقیر: و فقیر کسیکه چیزی ندارد تا نیازمندیهای خود و خانواده اش مانند خوردنی ونوشیدنی وپوشاک ومسکن را بر آورده سازد.

از زکات به مقدار کفایت یکساله او وخانواده اش پرداخت میشود.

https://www.al-feqh.com/fa

۲- مساکین

مساکین

جمع مسکین: ومسکین کسی است که مقدار نیمه ویا بیشـتر از نیمهء کفایتش را دارد، مانند کسیکه یکصد دارد ونیاز به دوصد میباشد، برایش بمقدار کفایت او وخانواده اش بمدت یکسال پرداخت میشود.

۳-کارمندان جمع آوری زکات

کارمندان جمع آوری زکات

کسـانیکه برای جمـع آوری زکات، وتوزیع آن به مستحقینش از سوی ولات امر تعیین میشوند.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۴-مؤلفة القلوب

مؤلفة القلوب

ســرورانیکه در میان اقوامشــان نفوذ دارنـد، وبا دادن عطایا امید مســلمان شدنشان میرود، ویا از شر آنها در امان میشوند، ویا مســلمانانی هستند که ایمانشان قوت میگرد، ویا در برابر دشــمنی از دشــمنان مسلمانان به دفاع میپردازند.

برای آنها از زکات بمقداریکه دلهای آنانرا به اسـلام تمایل دهد پرداخت میشود.

۵- الرقاب

بردگان

غلام ومکاتب (غلامی که بـرای آزادی خود متحمل پرداخت مبلغی باشد)

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۶- الغارمون

قرضداران

جمع غارم: وآن کسیکه بر او دین باشد

قرضداران (بدهکاران) دو نوع هستند:

یک: کسیکه بر وی دینی است بخاطر نیازمندی خودش، اگر فقیر بود بمقدار کفایت پرداخت قرضش، از زکات برایش داده میشود.

دو: کسیکه متحمل دین وقرضی شده برای صلح میان دو گروه مسلمانان، برایش از زکات بمقدار کفایت پرداخت دینش داده شود، هرچند که ثروتمند باشد.

۷- در راه الله

در راه الله

کسانیکه در راه الله جهاد میکنند

برای آنها نیز بمقدار کفایت مصارف جهاد در راه الله پرداخت میشود.همچنین مخارج بسیاری از فعالیتهای دعوت که جهاد در راه الله بشمار میرود، نیز از همین باب پرداخت میشود، ومدرکی دیگری برایش وجود ندارد.

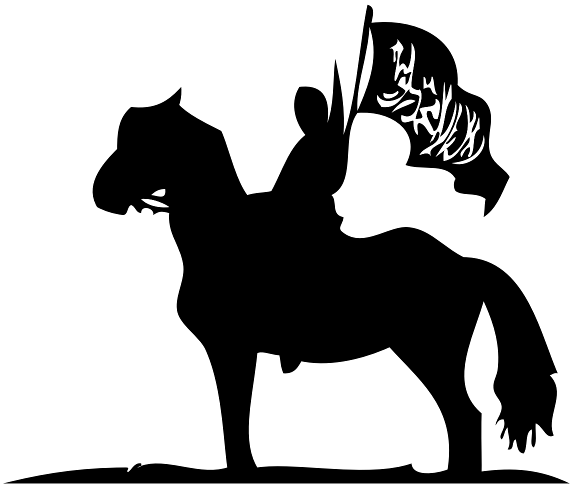

۸- مسافر

مسافر

مسافریکه ارتباط او با سرزمینش قطع شده، ومالی هم ندارد

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

آگاهی ها

۱ـ زکات بـرای غیـر از این هشـت گروهی یاد شـده به دیگـری پرداخت نمیشـود، هرچند که از وجوه نیکوکاری واحسان باشد، مانند بنای مساجد، ومدرسـه هـا، وبیمارسـتانها وغیره که میشـود از صدقات در آن خرج کرد.

۲ـ در هنگام پرداخت زکات شرط نیست که برای همهء گروه های هشـتگانه باشـد، بلکه پرداخت به یک گروهی از آنها هم کفایت میکند.

کسانیکه زکات به آنها داده نمیشود

۱- ثروتمندان، وانسانهای تندرستی که توان کار کردن را دارند

بدلیل فرموده ای رسول الله ﷺ: ((برای ثروتمند وتندرستی که توان کار کردن را دارد در آن سهمی نیست))[۱]

۲- اصل، وفرع، وهمسر، وکسانیکه نفقه آنها بر انسان واجب است

دادن زکات بـرای کسـانیکه نفقهء آنها بر مسـلمان واجب است، جواز ندارد، مانند: پدر، ومادر، وپدر بزرگ، مادربزرگ، فرزندان، فرزندان فرزند، زیرا که پرداخت زکات برای ایشان ، آنهـا را از نفقهء واجب بر زکات دهنده مسـتغنی نموده از وی سـاقط میسـازد، ودر نتیجه منفعـت زکات برای خودش برمیگردد، مانند آنست که برای خودش زکات پرداخته باشد.

۳- کافرانیکه مؤلفة القلوب نباشند

بـرای کافرانیکه غـرض از پرداخت زکات بـه آنها تمایل دلهایشـان به اسلام نباشـد، دادن زکات برایشان جواز ندارد، بدلیل فرموده ای رسول الله ﷺ: از ثروتمندانشان گرفته میشود، وبـه مستمندانشـان داده میشـود))[۲] یعنی: غـرض ثرومندان ومستمندان مسلمانان است نه غیر آنان, زیرا که مقصد از دادن زکات غنی کردن فقراء مسـلمانان هست، تا پایه های دوستی وبرادری در میان جامعه مسلمان مستحکم گردد، چنین چیزی با کافران مجاز نمی باشد.

۴- آل نبی اکرم ﷺ[۳]

زکات برای آل نبی اکرم ﷺ بخاطر عزت وشـرافت شان حلال نیسـت، بدلیل فرموده ای نبی اکرم ﷺ: ((این صدقات چرکهای مردم میباشد، که برای محمد وخاندان محمد حلال نیست)).[۴]

(۱) بروایت أبو داود.
(۲) به روایت بخاری.
(۳) آل النبي: همان بنی هاشم میباشد.
(۴) به روایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

۵-آزادشدگان آل نبی اکرم ﷺ

آنها بردگان آزاد شـده ای آل نبی اکرم ﷺ هستند، بدلیل حدیث آنحضرتﷺ: ((صدقه بر ما حلال نیست، وبردگان آزاد شـده هر قوم از جمله آنان میباشند))[۱]، ومعنای (من أنفسهم) اینست که حکم موالی مانند حکم خود آنها است، پس زکات بر بردگان آزاد شده آل بنی هاشم‌ﷺ نیز حرام است.

۶-غلام مملوک

برای غلام مملوک زکات داده نمیشـود، زیرا که مال غلام ملکیت بادارش میباشـد، اگر زکات برایش داده شـود به ملکیت بادارش منتقل میشـود، زیرا که نفقهء او بر بادارش میباشـد، از این موضوع تنها مکاتب (غلامی که برای آزادی خود در مقابل پرداخت مال با بادارش قرار دادی بسـته اسـت) استثناء شده اسـت، برای مکاتب بمقدار ادای قرض کتابتش داده میشود، اگر غلامی کارمند جمع آوری زکات بود، از زکات برایش پرداخت میشود، زیرا که درینحالت مانند اجیر بوده وکرایه دادن غلام با اجازهء بادارش جواز دارد.

(۱) به روایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه
د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

زکات فطر

https://www.al-feqh.com/fa

زکات فطر

مطالب

تعریف زکات فطر
حکم زکات فطر
وقت دادن زکات فطر
مقدار زکات فطر
به چه کسانی زکات فطر بدهند
حکمت زکات فطر
معلومات مهم

زکات فطر

صدقه ایست که رسول الله ﷺ در پایان رمضان فرض گردانیده اند.

وبه زکات فطر مسمی شده، زیرا که با پایان روزه رمضان واجب شده است.

حکم زکات فطر

زکات فطر بر هر مسلمانیکه در شب وروز عید مالک یک صاع مواد غذائی اضافی از خوراک خود وخانواده اش باشد واجب است.

برای زکات فطر دهنده لازم است تا زکات فطر خود، همسر، وکسانیرا که نفقهء شان بر وی میباشد، اگرچه جنین در شکم مادرش باشد نیز بپردازد.

ودلیل واجب بودنش روایتی از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما است که فرمود: ((رسول الله ﷺ زکات فطر را یک صاع خرما، ویا یک صاع جو بر برده وآزاد، مرد وزن، کوچک وبزرگ مسلمان فرض گردانیده، وامر کرده اند که پیش از رفتن به نماز عید پرداخت شود)).[۱]

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.

جو

خرما

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

وقت دادن زکات فطر

بهترین وقت دادن زکات فطر روزعید است، که پس از طلوع فجر وپیش از ادای نماز عید داده شود، وتقدیم آن یک روز ویا دو روز قبل از عید نیز جائز است، زیرا که صحابهء کرام چنین کرده اند، وتاخیر کردنش تا بعد از نماز عید جواز ندارد، بدلیل حدیث ذکر شـده از ابن عمر رضی الله عنه: ((و امر کرده اند که پیش از رفتن به نماز عید پرداخت شـود)) ونیز در حدیث ابن عباس رضی الله عنه آمده است: ((کسیکه قبل از نماز عید اداء کرد زکات قبول شده است، وکسیکه بعد از نماز عید اداء کرد، صدقهء از صدقات میباشد.[۱]

مقدار زکات فطر

از هر فرد یک صاع[۲] اسـت، که از مواد غذائی انسـانها باشد، مانند برنج، خرما، گندم وغیره، بدلیل حدیث ابی سعید خدری رضی الله عنه که فرمود: ((در زمان رسـول الله ﷺ در روز عید فطر یک صاعی از خوراکه را می دادیم،)) وابوسـعید رضی الله عنه در ادامه فرمود: ((وخوراکهء ما جو، کشمش وقروت (کشک)[۳]وخرما بود)).[۴]

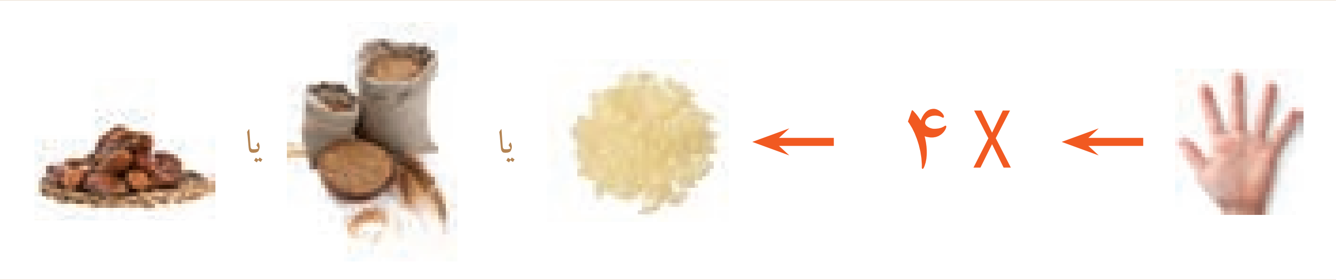

(۱) بروایت ابو داود
(۲) صاع یا پیمانه گندم تقریبا برابر دو کیلو وچهل گرام میباشد (۲،۰۴۰ گرام).
(۳) أقط: قروت.
(۴) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

به چه کسانی زکات فطر بدهند

صدقهء فطر برای گروه های هشـــتگانه ای پرداخت میشود که زکات مال به آنها داده میشود، صدقه فطر در این فرموده الله تعالی: (صدقات برای فقراء ...) (توبه:۶۰) نیز شامل میباشد.

حکمت زکات فطر

۱. پاک کردن روزه دار از سخنان بیجا وبیهوده است، بدلیل روایت ابن عباس رضي الله عنه که فرمود: ((رسول الله صلی الله علیه وسلم زکات فطر را فرض کرد برای پاکی روزه دار از سخنان بیجا وبیهوده،وبرای غذا دادن مساکین))[۱] زیرا که روزه دار هیچگاهی از سخنان بیجا وبیهوده خالی نیست، بنابرین زکات فطر برای روزه دار آنچه را که در هنگام روزه داشتنش از سخنان محرم ومکروه سر زده، پاک می سازد، وبدون تردیدسخنان یاد شده باعث نقصان ثواب اعمالش میگردد وبه روزه او آسیب وارد میکند.

۲. وســعت وفراخی است بر مســاکین وفقراء، ومســتغنی گردانیدن آنها اســت از ذلت وخواری گدائی وتکدی در روز عید،که روز خوشی وفرحت بوده، تا با مردم در این خوشی وشادمانی مشارکت کنند.

معلومات مهم در مورد زکاتبهای زکات

اصـل در زکات جدا کردن از خود همان چیزیکه زکات واجب شـده میباشـد، ولی اگر ضرورت ویا مصلحت راجح ایجاب میکرد میتوان بهای آنرا پرداخت کرد.

رابطه دولت با زکات

اصل اینســت که زکات مال از اختصاص ســلطه میباشـد، که برای زکات دهندگان وتخمین شـخصی آنها واگذار نشـود، اگر درین موضوع مقامات سستی کرد، مسئولیت شخصی به عهده هر مسلمان است تا زکاتش را بپردازد.

سرمایه گذاری اموال زکات برای مصلحت مستحقین:

ســرمایه گذاری اموال زکات در پروژه های منفعت بار به مســتحقین زکات جــواز دارد، اگر وضعیت عاجل برای صرف اموال زکات موجود نباشد.

آیا در مال حقی بدون زکات مانند مالیات وتکس وجود دارد؟

زکات حق دوره ای معین در مال است، که بر کسانیکه توانائی آنرا دارند واجب عینی است.

در مال حقوق دیگری غیر از زکات است که شکل غیر عادی دارد، ومقدارش هم معین نمیباشد، ومانند ثبوت زکات ثابت نیســت، این حقوق به ســبب مال واجب نیســت، بلکه به علل واســباب عارضی واجب میگردد، ومال شــرط وجوب آن میباشــد. از مثالهای آن نفقهء پدر و مادر ، وخویشاوندان، وهمسر، ودفع ضرر هنگام فاجعه ها است، اگر عائدات بیت المال کفایت آنرا نکند.

مالیات اگر عادلانه هم باشــد از زکات مســتغنی نمــی گرداند، زیرا که زکات عبادتی از عبادتهاســت، ومالیات وتکس یک التزام مدنی میباشد، هیچ یکی از آنها نمیتواند جایگزین دیگری گردد.

(۱) به روایت ابو داود.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

حج	زکات	روزه	نماز	پاکی

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

صدقهء نفلی

9

صدقهء نفلی

مطالب

تعریف صدقه نفلی
حکم صدقه نفلی
آداب صدقه نفلی
آداب واجب
آداب مستحب
فوائد صدقهء نفلی
فوائدیکه برای فرد برمیگردد
فوائدیکه برای جامعه بر میگردد

صدقهء نفلی

آنچـه که برای تقرب به الله تعالـی غیر از فریضه داده شود.

بـا ایـن تعریف تحفه وهدیـه ومانند آنها کـه برای محبت ودوستی داده میشوند از صدقه نفلی جدا میشوند، ودر مسمی صدقهء ویژه بعض احکام در شریعت داخل نمیشوند.

حکم صدقهء نفلی

صدقهء نفلی در همه اوقات مســتحب است، وبخصوص در هنگام نیاز، در کتاب الله ودر سنت رسول الله ﷺ بر آن تشویق شده، که از جمله:

فرموده ای الله تعالی اســت: (چه کســی به الله قرض حسنه میدهد تا آنرا برایش چندین برابر بسیار زیاد بگرداند) (بقره: ۲۴۵)

از ابـی هریرة ﷺ روایت اســت که فرمود: رســول الله ﷺ فرمودند: ((کســیکه بمقدار خرمائی از کسب پاک – که الله تعالـی جز پــاک را نمی پذیرد- صدقه بدهــد، الله تعالی آنرا بدســت راســت خود می پذیرد، وســپس آنرا برای صاحبش پرورش میدهد، همانطوریکه یکی از شــما کرهء اسپش را می پروراند تا اینکه مانند کوهی بشود)).(۱)

نبـی اکرم ﷺ کســی را که پنهانی صدقــه میدهد در جمله هفت کســی شمرده، که الله تعالی در ســایهء خود در روزیکه سایه ای جز سایه ای او نیست قرار میدهد ((ومردی که صدقه میدهد پنهانی، طوریکه دست چپش از آنچه که دست راستش انفاق کرده نمی داند)).(۲)

از کعب بن عجرة ﷺ روایت شده که نبی اکرم ﷺ فرموده اند: ((صدقه اشــتباه را چنان خامــوش میکند که آب آتش را خاموش میسازد)).(۳)

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۳) به روایت ترمذی

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

آداب صدقه نفلی

۱-آداب واجب

أ-اخلاص برای الله تعالی، غرضش از دادن زکات، خاص برای الله باشد نه برای ریاکاری وخود نمائی.

ب ـ از منت کردن وآزار رسانیدن اجتناب کند، بدلیل فرموده ای الله عزوجل: (ای کسانیکه ایمان آوردید صدقه هایتانرا با منت کردن وآزار رسانیدن باطل مکنید) (بقره:۲۶۴)

۲-آداب مستحب

أ- مستحب است برای هر مسلمان که برای خویشاوندان نیازمند خود که نفقهء آنها بر وی لازم نیست صدقه بدهد، مانند عموهایش، وخالوهایش (دایی هایش)، و زن به شوهر فقیرش وامثال اینها، این صدقه بهتر است از صدقه دادن به دیگران، الله تعالی میفرماید: (یتیمی خویشاوند) (بلد:۱۵). ودر حدیث شریف آمده است: ((صدقه بر مسکین صدقه است، وصدقه بر خویشاوند دو چیز است، یکی صدقه است، ودومی ارتباط خویشاوندی است)).[۱]

ب ـ باید که از مال حلال، خوب و دوست داشتنی خود را برگزیند، الله تعالی فرموده است: (هرگز به نیکوئی نائل نمیشوید تا از آنچه که دوست می دارید انفاق کنید) (آل عمران: ۹۲)

ج ـ پنهانی دادن صدقه، زیرا که این شیوه به اخلاص نزدیک تر، و از ریا کاری وخود نمائی بعیدتر است، وهمچنین به معزز داشتن فقیر نیز قریب تر میباشد، الله تعالی فرموده است: (اگر صدقات را آشکار بسازید خوب است، واگر به طور پنهانی به فقراء بدهید، برای شما بهتر است) (بقره: ۲۷۱)، اگر در ظاهر کردن صدقه مصلحتی بود، مانند اینکه دیگران از وی در انفاق پیروی کنند، ونیز تشویق حاضرین بود، ظاهر کردنش مستحب است، ولی مسلمان باید به نیت خود متوجه باشد.

د ـ صدقه دادن به آنچه که برایش میسر است اگرچه کم باشد، رسول الله ﷺ فرمودند: ((از آتش بپرهیزید، اگرچه به نیمهء خرما باشد)).[۲]

(۱) به روایت نسائی.
(۲) به روایت بخاری

فوائد صدقهء نفلی

یکم: فوائدیکه برای فرد بر می گردد

۱. پاک سازی نفس است، الله تعالی فرموده است: (از مالهایشان صدقه بگیر، آنها را پاک بساز و تزکیه بکن با آن) (توبه: ۱۰۳)

۲. پیروی از پیشوای ما محمدﷺ است، زیرا که سخاوتمندی وکرم از اخلاق آنحضرت بود، وهمیشه بخشش میکردند واز فقر نمی ترسیدند، و به بلال رضي الله عنه می فرمودند: ((ای بلال انفاق کن، و بیم کم کردن[۳] از صاحب عرش مدار)).[۴]

۳. الله تعالی عوض آنچه را انفاق کرده برایش میدهد، ونفس صاحبش بلند میشود، الله تعالی درین مورد می فرماید: (وآنچه را که انفاق کردید عوضش را میدهد، و او بهترین روزی دهنده است).(سبأ: ۳۹)

(۳) إقلالا: از روی فقر.
(۴) به روایت بزار.

https://www.al-feqh.com/fa

۴. پاکسازی مال از اشتباهات خرید وفروش است، از قیس بن ابی غرزةؓ روایت شده که فرمود: در زمان رسول الله ﷺ بما سماسره[۱] میگفتند، رسول الله ﷺ از نزد ما گذشتند وما را به نام بهتر از آن نامگذاری کردند، وفرمودند: ((ای گروه تجار، خرید وفروش سخنان بیهوده گفتن وقسم یاد کردن دارد، پس آنرا با صدقه دادن بیامیزید[۲]))[۳].

۵. بدست آوردن حسنات، وکفاره گناهان است، بدلیل فرموده رسول الله ﷺ: ((کسیکه به مقدار خرمائی از کسب پاک - که الله تعالی جز پاک را نمی پذیرد- صدقه بدهد، الله تعالی آنرا بدست راست خود می پذیرد، وسپس آنرا برای صاحبش پرورش میدهد، همانطوریکه یکی از شما کرهء اسپش را می پروراند، تا اینکه مانند کوهی بشود)).[۴]

۶. مسلمان از صدقه جاریه اش پس از مرگ نیز نفع میبرد، از ابی هریرةؓ روایت شده که رسول الله ﷺ فرمودند: ((زمانیکه انسان بمیرد، عملش منقطع میشود، مگر از سه چیز: مگر از صدقه جاریه، ویا علمی که از آن استفاده کنند، ویا فرزند صالحی که برایش دعاء کند)).[۵]

ثانیا: فوائدیکه برای جامعه برمیگردد

۱. صدقه رسالت زکات در مورد جامعه را اتمام می بخشد.

۲. باعث تکافل وهمکاری وثبات وگسترش محبت در جامعه مسلمان میشود.

(۱) سماسره: مراد از آن فروشندگان است.
(۲) فشوبوه: امر است از شوب بمعنی خلط، وآمیزش، برای کفاره آنچه از دروغ وغیره در میان آنها میگذرد امر فرمودند.
(۳) به روایت ابوداود.
(۴) به اتفاق بخاری ومسلم
(۵) به روایت مسلم

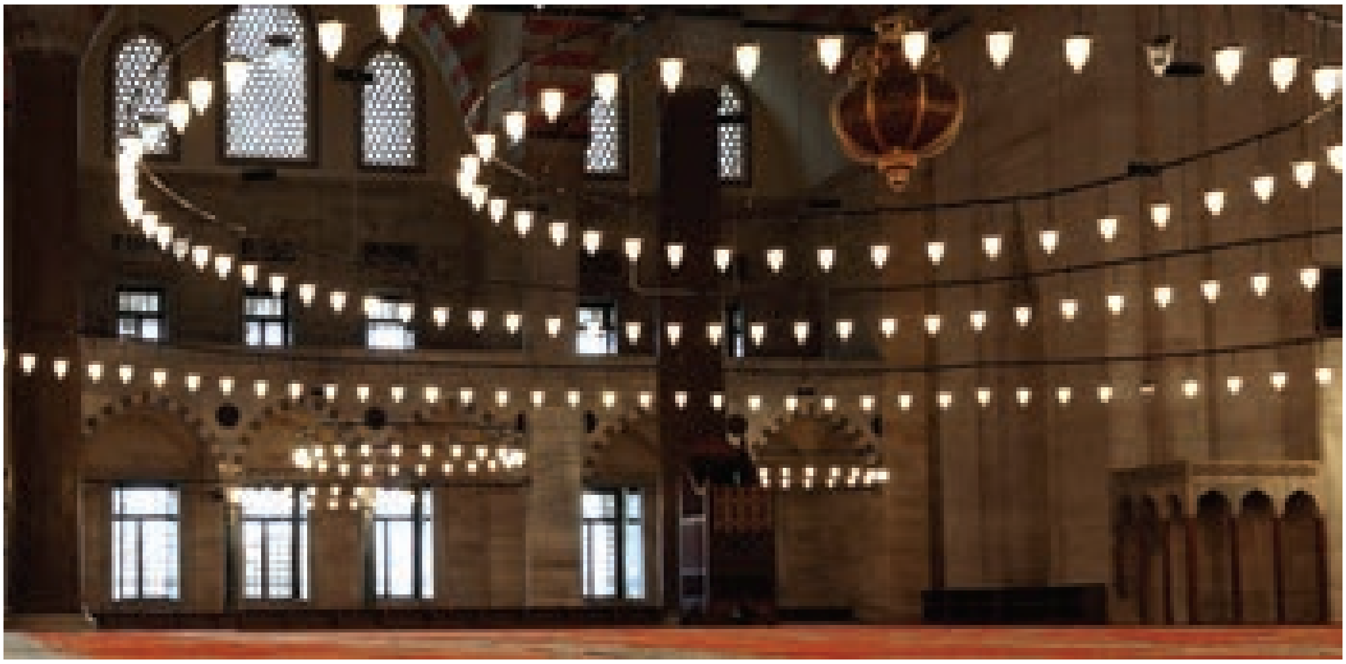

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

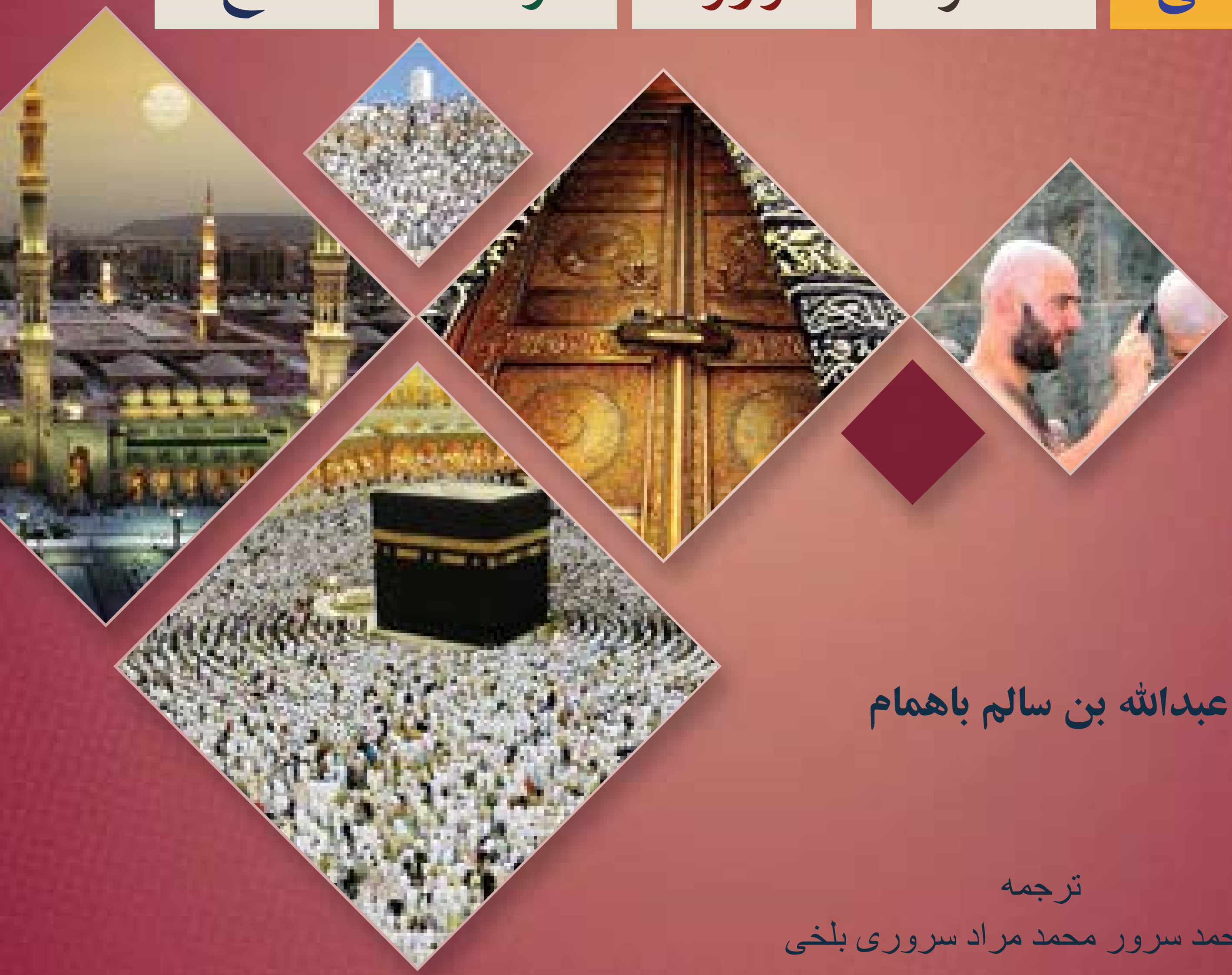

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

تعریفات مقدماتی در مورد حج

https://www.al-feqh.com/fa

۱

تعریفات مقدماتی در مورد حج

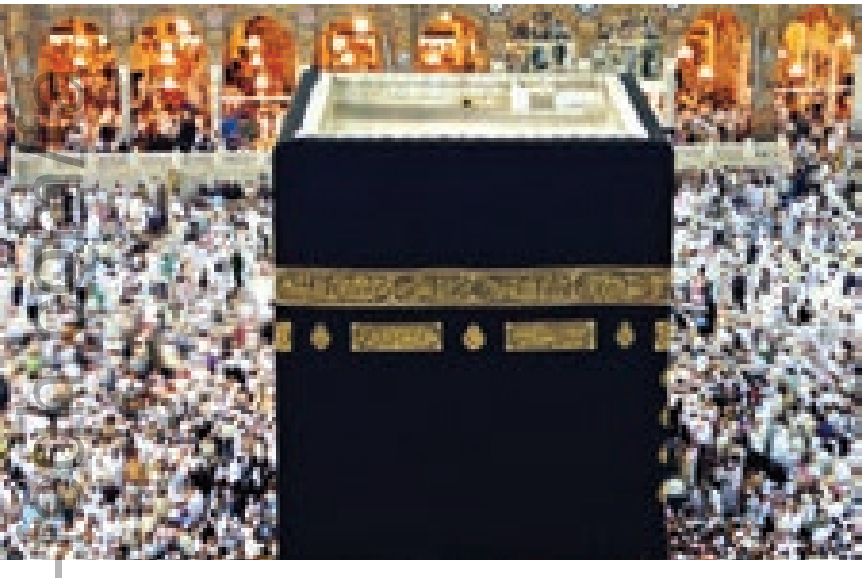

مطالب

مکه مکرمه از نگاه تاریخ و واقعیت

فضیلت مکه مکرمه

احکام ویژهٔ مکهٔ مکرمه وحرم شریف

کعبهء مشرفه

فضیلت کعبه

مشاعر حج

مکهٔ مکرمه

اسمی است اشتقاق شده از کلمه سامی (بک) یعنی وادی

مکهٔ مکرمه از نگاه تاریخ و واقعیت

نام مکه به لفظ بکه دراین فرموده الله تعالی: (نخستین خانه ای که برای عبادت مردم بناء شده همانست که در بکه بوده ومبارک وهدایت است برای جهانیان) (آل عمران:۹۶). آمده است.

تاریخ مکه مکرمه به قرن نوزده قبل از میلاد در عهد سیدنا ابراهیم واسماعیل عليهما السلام نخستین ساکنان آن بوده اند برمیگردد، الله تعالی به نقل از ابراهیم عليه السلام می فرماید:

(پروردگارا! من بعضی از فرزندانم را (به فرمان تو) در سرزمین بدون کشت و زرعی، در جوار خانه مکرّم تو اسکان دادم ، خداوندا تا این که نماز را برپای دارند، پس چنان کن که دلهای گروهی از مردمان متوجّه آنان گردد و ایشان را از میوه‌ها بهره‌مند فرما، شاید که سپاس گذاری کنند) (ابراهیم:۳۷)

وازبرکت دعای سیدنا ابراهیم عليه السلام آب زمزم از زیر پاهای اسماعیل عليه السلام زمانیکه آب وغذای مادرش هاجرپایان یافته بود جوش زد. از همان هنگام قبائل عرب به موضع آب رو آوردند، وزندگی در آن دمیده شد.

قبائل همچنان به جایگزین شدن ادامه دادند، وروز به روز به تعداد شان افزوده شد، تا اینکه سلطه به قریش رسید تا در آنجا حاکمیت نماید، بالآخره نبی اکرم ﷺ ظهور نمودند، که در تغییر زندگی در مکه مکرمه وجزیرة العرب وجهان تأثیر بسزائی داشتند.

نبی اکرم ﷺ در مکهٔ مکرمه به پیامبری مبعوث شدند، وکعبه معظمه قبلهٔ مسلمانان شد، و مکهٔ مکرمه گهواره دعوت اسلام گردید، ولی مردمانش پیش از همه از آن متنفر بودند، ومسلمانان را آزار وشکنجه می دادند، تا اینکه مسلمانان به هجرت به مدینه منوره مجبور شدند، ودولت اسلام در آنجا تشکیل گردید، پس از آن نبی اکرم ﷺ فاتحانه وارد مکه مکرمه شدند، از آن زمان تا عصر ما سرزمین اسلام بوده است.

مکه مکرمه – بویژه حرم مکی شریف – مورد توجه واهتمام شایان خلفاء وحاکمان مسلمان بوده، که به توسعه وتکامل آن دست زده اند، وآنرا به مرکز نور افشانی اسلام به جهانیان مبدل نموده اند.

https://www.al-feqh.com/fa

فضیلت مکهٔ مکرمه

۱ـ امنیت است برای کسیکه بآن وارد میشود

الله تعالی فرموده است: (وهرکه وارد آن شد، در امنیت میباشد) (آل عمران: ۹۷) یعنی: حرم مکه.

۲ـ دجال وطاعون به آن داخل نمیشود

از ابی هریرة ﷺ روایت شده که فرمود: نبی اکرمﷺ فرمودند: ((مدینه ومکه از فرشتگان مملومیباشند، بر سرهر راه آن[۱] فرشته ای است، دجال وطاعون به آنها داخل نمیشود)).[۲]

۳ـ نماز در مسجد الحرام معادل یکصد هزار نماز است

از جابرﷺ روایت است که نبی اکرمﷺ فرمودند: ((یک نماز در مسجد الحرام برتری دارد به یکصد هزار نماز در غیر از آن)).[۳]

۴ـ محبوبترین سرزمین نزد الله تعالی است

رسول الله ﷺ فرموده اند: ((قسم به الله که توبهترین سرزمین الله هستی، ومحبوبترین سرزمین الله در نزد الله میباشی)).[۴]

مکهٔ مکرمه

(۱) نقب: راه.
(۲) به روایت احمد.
(۳) به روایت ابن ماجه.
(۴) به روایت ترمذی.

احکام ویژه برای مکهٔ مکرمه وحرم شریف

۱ـ وعید سخت برای کسیکه در حرم بفکر کاری بدی افتد، چه آنرا عملی سازد ویا نسازد.

الله تعالی می فرماید: (وهرکسیکه در آن از روی ظلم ارادهٔ معصیت خدا را بکند وی را از عذاب دردناک می چشانیم) (حج:۲۵) والحاد: یعنی هرگونه معصیت خداوند.

واز ابن عباس ﷺ روایت شده که نبی اکرمﷺ فرمودند: ((مبغوضترین مردم نزد الله سه شخص هستند)) وازمیان آنها ((ملحدی که در حرم باشد)).[۵]

۲ـ جنگ وخونریزی درآن، حرام است

الله تعالی فرموده است: (وزمانیکه خانه کعبه را ثوابگاه وامن برای مردم گردانیدیم) (بقره: ۱۲۵)، پس هرکسیکه به مکه مکرمه وارد میشود در امن است، وبهمین دلیل نبی اکرمﷺ فرموده اند: ((برای هیچ یک از شما حلال نیست که در مکه سلاح بردارد))[۶] وهمچنین نبی اکرمﷺ فرموده اند: ((الله تعالی مکه مکرمه را حرم گردانیده ومردم آنرا حرم نکرده اند، پس برای کسیکه به الله وروز آخرت ایمان دارد حلال نیست که در آن دست به خونریزی بزند، و درختانش نیز قطع نمیشود[۷])).[۸]

جنگ وخونریزی

(۵) به روایت بخاری.
(۶) به روایت مسلم.
(۷) یعضد: قطع میشود.
(۸) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

۳ـ داخل شدن کفارومشرکان در حرم مکه نیز حرام است

الله تعالی فرموده است: (ای کسانیکه ایمان آورده اید، مشرکان پلید اند، پس از امسال نباید به مسجد الحرام نزدیک شوند) (توبه: ۲۸).

نبی اکرمﷺکه درمنی بودند امر کرده اند که اعلام شود: ((پس ازین سال دیگرمشرکی نباید حج کند، وکسی برهنه خانه خدا را طواف نکند)).[۱]

۴ـ حرمت شکار، وحرمت قطع درختان، وحرمت برداشتن اشیای یافته شده[۲] در حرم

از ابن عباس رضی الله عنه روایت شده که نبی اکرمﷺ فرمودند: ((الله تعالی مکه مکرمه را حرام گردانید، برای هیچیکسی پیش ازمن وبعد از من حلال نشده، وتنها برای من ساعتی از روز حلال گردانیده شد، گیاهان تر آن درو[۳]ودرختانش قطع نشوند،[۴]ونیزصیدش شکار نشود،[۵]وهمچنین یافته شده اش را کسی نبردارد مگر کسیکه صاحبش را بشناسد)).[۶]

مشعرهای حج

مشعرهای حج

علائم ظاهری که عبادت حج را برتری میدهد.

۱ـ عرفات

عرفات مفرد آن عرفه است، وعرفات نامگذاری شده بخاطر شناسائی آدم وحواء د رآنجا، ویا اینکه مردم در آنجا به گناهانشان اعتراف میکنند.

وعرفات مشعری است خارج از حدود حرم مکی، ودر سمت جنوب شرق مسجد الحرام به فاصله ۲۲ کیلومتر موقعیت دارد. مساحت کلی آن ۱۰،۴ کم مربع میباشد، وحاجیان در نهم ماه ذیحجه در آنجا اجتماع میکنند.

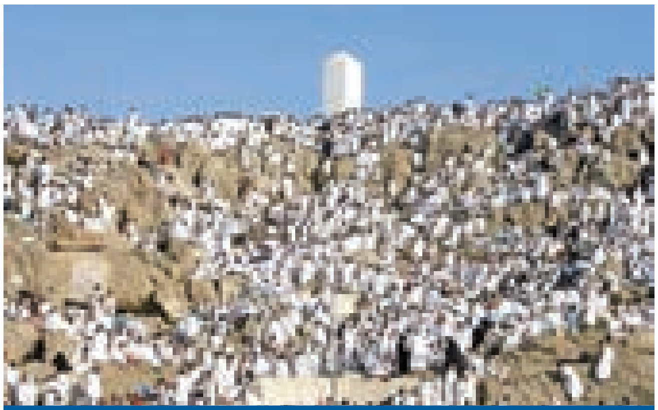

عرفات

مسجد نمره

نمره کوهی است در سمت غرب مسجد، که بنام آن مسجد نمره یاد شده است، نبی اکرمﷺ در وسط وادی عرنه فرود آمده، وخطبه ونماز در آنجا خوانده اند، مسجد نمره دراوایل خلافت عباسیان درهمان موضعی بناء شده که نبی اکرمﷺ در وسط وادی عرنه خطبه ونماز خوانده اند، مسجد نمره در عهد سعودی توسعه وگسترش داده شده که اکنون مساحت آن بیش از ۱۱۰ هزار متر مربع میباشد، وحاجیان در روز نهم ماه ذیحجه در آنجا جمع میشوند.

مسجد نمره

(۱) به روایت بخاری.
(۲) اللقطة: آنچه یافته شود، وصاحبش را ندانند.
(۳) یختلی خلاها: گیاهان تر آنرا قطع کنند.
(۴) یعضد: قطع میشود.
(۵) ینفر: رمانیدن وحشت زده کردن.
(۶) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

مسجد صخرات

در دامنهٔ جبل الرحمه سمت راست بالا رونده، ودر آنجا صخرهای بزرگی است که رسول اللهﷺ در شامگاه عرفه نزدش ایستاده اند، حجاج در روز نهم ماه ذیحجه در آنجا اجتماع میکنند.

مسجد صخرات

جبل الرحمه

کوهی کوچکی است که از سنگهای بزرگ تشکیل شده، در فاصله ۲۰ کیلومتری شرق مکه مکرمه موقعیت دارد، وسطحش پهن ووسیع است، ومحیط آن ۶۴۰ مترمیباشد، وحاجیان بالای آن در روز نهم ماه ذیحجه برای نیایش جمع میشوند.

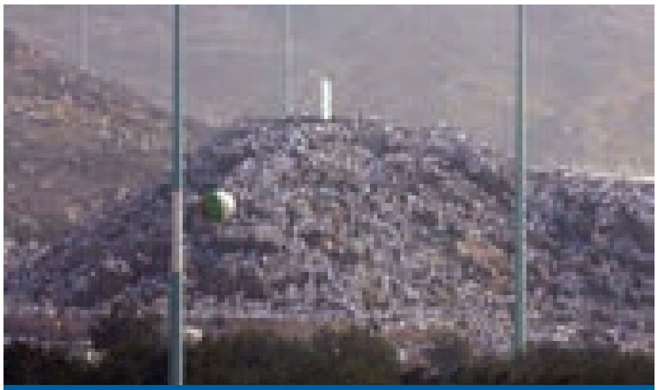

۲ـ منی

منی باین نام مسمی شده بسبب اینکه درآن خونهای قربانیها می ریزد.

ودرفاصلهٔ ۷ کیلومتری میان مکه ومزدلفه موقعیت دارد، حاجیان شب عرفه و حاجیانی که شتاب دارند شبهای ۱۱-۱۲ ذیحجه را وآنهائی که بخواهند تأخیرکنند شب ۱۳ را نیزدر آنجا سپری میکنند، منی از مشاعر بوده که داخل مرزهای حرم میباشد، مسجد خیف وجمرات سه گانه نیز در آنجا موقعیت دارد.

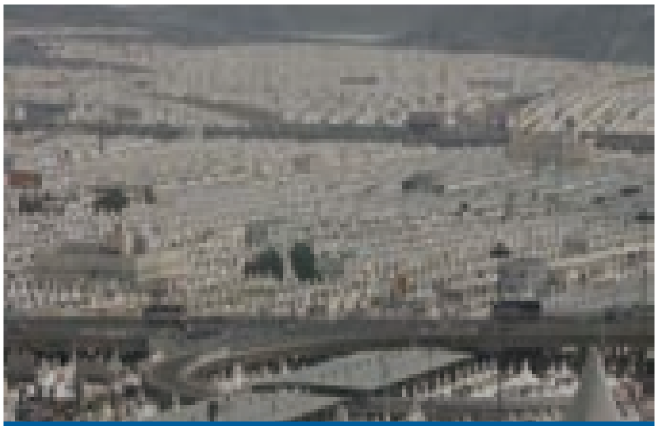

منی

جمرات

جمرات جمع جمره، یعنی سنگ ریزه های کوچک.

وجمرات سه گانه برخی ازمناسک در منی میباشد: جمرهٔ صغری، جمره وسطی وجمره عقبه است: که عبارت از ستونهای سنگی است در میان حوضهای سه گانه قرار دارد، وعلامه همان مکانی است که شیطان در آنجاها ظاهر شده، وسیدنا ابراهیمعليه السلام آنرا رمی نمود، فاصله میان جمره عقبه و وسطی تقریبا ۲۴۷متر، ومیان جمره وسطی وصغری تقریبا ۲۰۰ متر میباشد.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

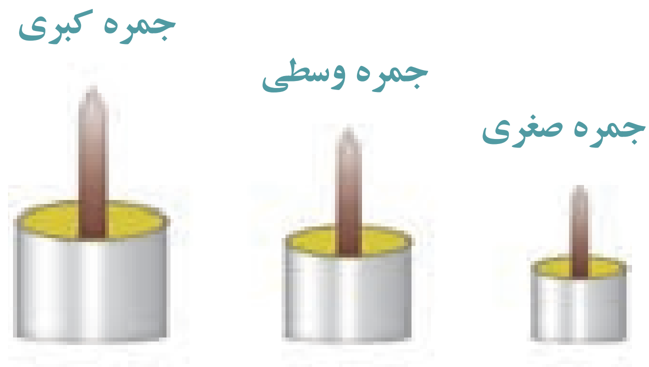

مسجد خیف

در دامنه جنوبی کوه منی ودر نزدیکی جمرهٔ صغری موقعیت دارد.

مسجد خیف

۳ـ مزدلفه

مزدلفه موضعی است میان منی وعرفات، که حاجیان پس از وقوف در عرفات شب را در آنجا سپری می کنند.

در مرکز مزدلفه مشعرالحرام موقعیت دارد که مستحب است حاجیان در نزد آن بایستند وياد الله نمايند، وشکر وسپاس گویند، ودعاء بسیار کنند، وحاجیان در برگشت ازعرفات که پس از غروب خورشید ۹ ذیحجه است، شب را درآنجا سپری کنند.

مزدلفه

۴ـ مسجد الحرام

همان بیت الله الحرام است، و درآن چندین نشانی ظاهری است که مهمترین آنها:

* کعبه مشرفه است

کعبه مشرفه شکل مکعب را دارد،

* حجر اسماعیل

و آن همان بخش شمالی خانه کعبه است که قریش در اثر کمبود هزینه زمانیکه خانه کعبه را دو باره بنا می کردند نتوانستند شامل آن سازند، پس دیواری قوسی که حطیم نامیده می شود بر آن زدند تا علامتی باشد براینکه اینجا بخشی از بیت الله است، این نامگذاری از سوی عموم مردم بوده، اساس شرعی ندازد.

کعبه مشرفه

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

حجراسود

در گوشه جنوبی کعبه وبه سمت چپ باب کعبه قرار دارد، وسنگی است از بهشت، که شکسته شده، وهشت سنگ ریزه آن که هریک به حجم خرما میباشد، باقی مانده است.

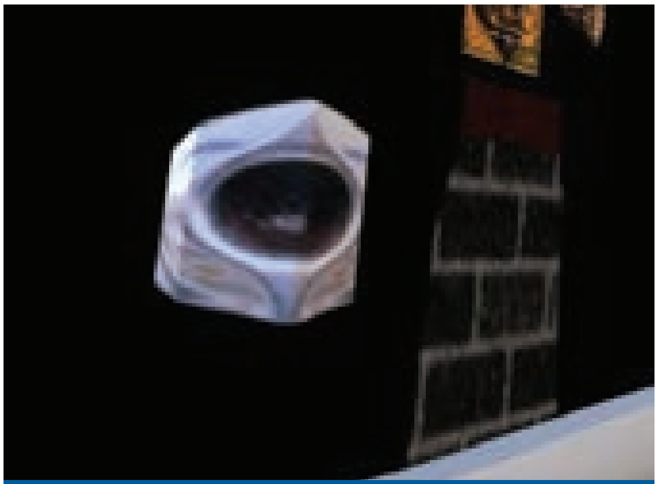

حجراسود

گوشه یمانی

همان گوشهٔ جنوب غربی کعبه است، که رکن یمانی نامیده میشود، زیرا که در جهت یمن قرار دارد، و از امتیازات رکن یمانی اینست که بر بنیاد اولی بیت الله که ابراهیم واسماعیل علیهماالسلام خانه کعبه را بلند کرده بودند بناشده است.

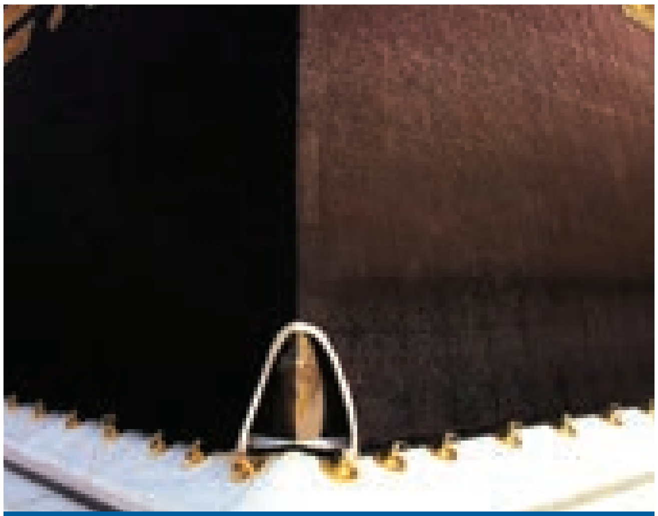

رکن یمانی

ملتزم

همان موضعی که میان حجر اسود وباب کعبه است، وبه اندازهٔ دو متر میباشد، که موضع قبولی دعاء است، وسنت است تا در هنگام دعاء کردن روی،سینه، بند وکف دستان را بآن بچسپانند.

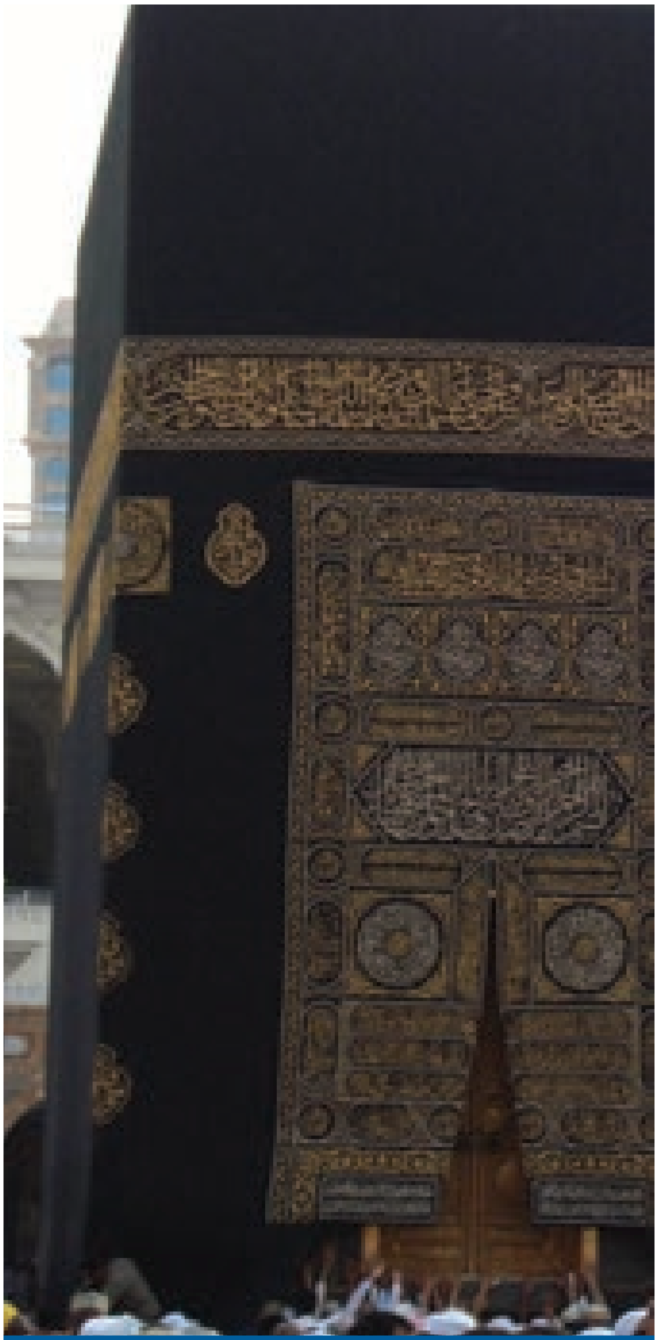

ملتزم

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

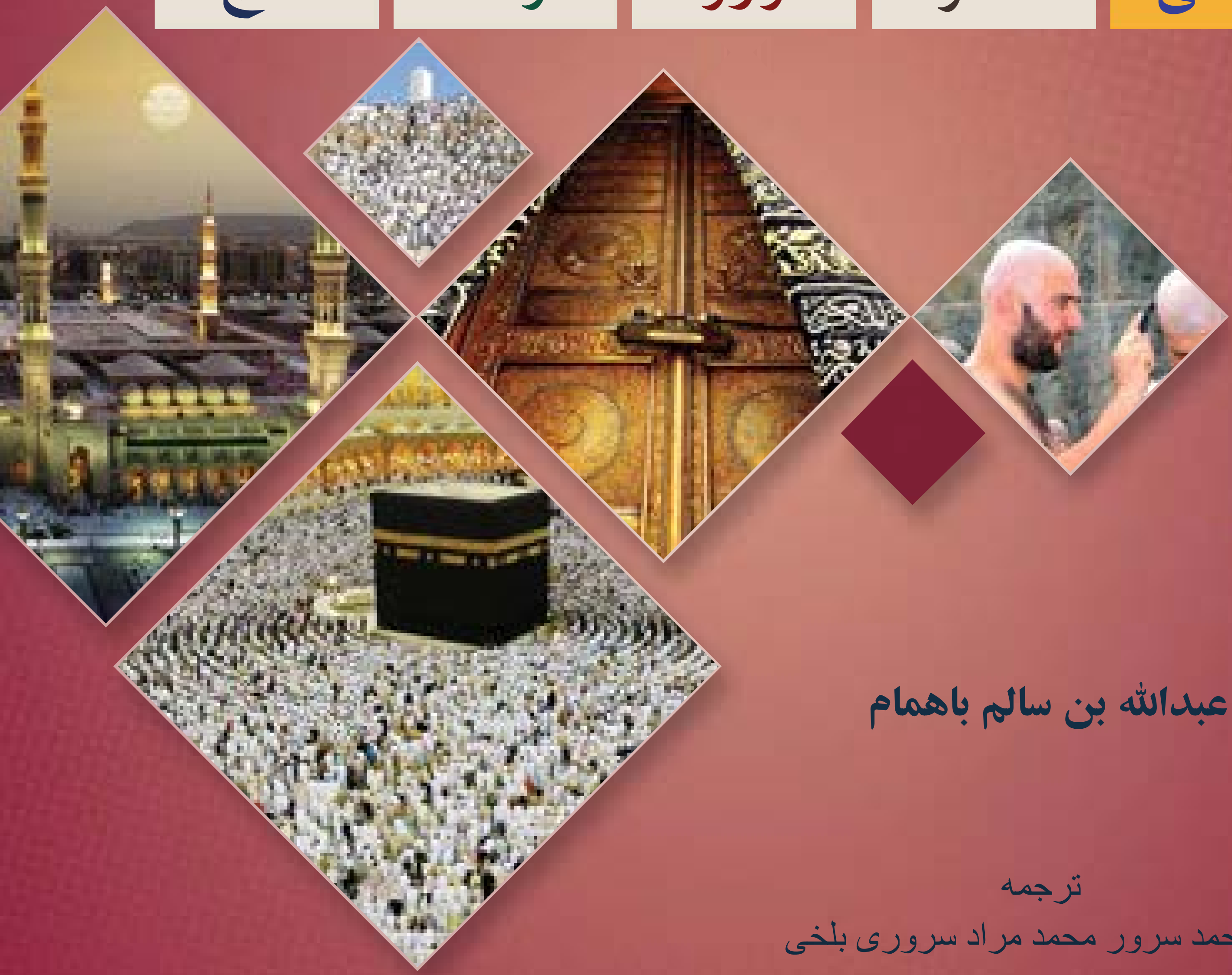

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

احکام حج وعمره

https://www.al-feqh.com/fa

۲

احکام حج وعمره

مطالب

تعریف حج
حکم حج وفضیلت آن
شرطهای حج
تعریف عمره
حکم عمره وفضیلت آن

حج

حج در لغت

قصد وتوجه کردن است.

حج درشریعت

قصد مکه رفتن در وقت معین، برای انجام مناسک مخصوص.

حکم حج وفضیلت آن

حج رکنی از ارکان پنجگانه اسلام است، که الله تعالی بر بندگانش فرض گردانیده است، الله تعالی فرموده است: (وبرای الله است بر مردم، حج خانه کعبه برکسانیکه توانائی رفتن به آنرا دارند، وکسیکه کافرشد، الله از جهانیان بی نیاز میباشد) (آل عمران: ۹۷).

ونبی اکرمﷺ فرمودند: ((اسلام بر پنج چیز بنا شده: شهادت دادن اینکه الهی جز الله نیست، ومحمد بنده وفرستاده اوست، وبرپا داشتن نماز، ودادن زکات، وحج خانه کعبه، وروزه رمضان)).[۱]

ونیزنبی اکرمﷺ فرمودند: ((کسیکه حج کرد، در آن فحش نگفت[۲] ومعصیتی[۳] مرتکب نشد، گناهان گذشته اش بخشوده میشود)).[۴]

شروط حج

۱ـ اسلام است

پس بر کافر واجب نیست، واز او درست نیست.

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) رفث: به فحش گفتن نیزاطلاق میشود.
(۳) فسوق: معصیت.
(۴) به روایت ترمذی.

https://www.al-feqh.co

https://www.al-feqh.com/fa

۲ـ عقل است.

پس بر دیوانه واجب نیست، بدلیل فرموده نبی اکرمﷺ: ((قلم از سه کس برداشته شده: از خوابیده تا بیدارشود، واز کودك تا بالغ گردد، واز دیوانه تا عاقل شود)).[۱]

۳ـ بالغ شدن

پس برکودك واجب نیست، واگر احرام به حج بست، حجش درست است، ولی از حج اسلام که فرض است کفایت نمیکند، بلکه حج نفلی برایش میباشد، بدلیل حدیث ابن عباس رضي الله عنه که زنی کودکی را به رسول اللهﷺ بلند کرد وگفت: آیا برای این حج است؟ فرمودند: ((آری، وبرای تونیز اجر است)).[۲]

محرم شدن کودک برای حج جائز است

۴ـ آزادی است

پس بر برده واجب نیست، بدلیل فرموده نبی اکرمﷺ: ((هر بردهٔ که حج کرد ، وپس از آن آزاد شد، بر وی حج دیگری لازم است)).[۳]

۵ـ توانائی است

یعنی داشتن هزینه مصارف خوراك وپوشاك[۴] ووسیلهٔ سفر، [۵]بدلیل فرمودهٔ الله تعالی: (وبرای الله است بر مردم حج خانه کعبه برکسانیکه توانائی رفتن به آنرا دارند) (آل عمران:۹۷).

(۱) به روایت ابوداود.
(۲) به روایت مسلم.
(۳) به روایت بیهقی.
(۴) زاد: خوردنی ونوشیدنی وپوشاکی که به آن نیاز باشد
(۵) راحله: وسیلهء سواری، ماشین، ویا هواپیما، ویا کشتی.

۶ـ وجود محرم[۶] برای زن

به دلیل حدیث ابن عباس رضي الله عنه که فرمود: نبی اکرمﷺ را هنگام خطبه شنیدم که میفرمودند: ((زن سفر نکند، مگر همراه صاحب محرمی)) مردی برخاست وگفت: ای رسول الله: همسرم برای حج خارج شده، ومن به غزوه فلان وفلان میروم، آنحضرتﷺفرمودند: ((برو با زنت حج بکن)).[۷]

نیابت کردن در حج

کسیکه از حج کردن ناتوان باشد، به علت سالخوردگی، ویا بیماریکه امید شفا یافتن از آن نیست، ویا به سبب ضعیفی بدنی طوریکه توان سوارشدن وسائل سفر را ندارد، بر وی لازم است که برای حج وعمره کردن کسی را از جانب خود نائب بگیرد، اگربعد از احرام نمودن نائبش به حج ویا عمره شفا یافت، از وی کافی است، از الفضل بن عباس رضي الله عنه روایت است که زنی از خثعم گفت: ((ای رسول الله، بر پدرم فریضه حج الله است، در حالیکه بسیار سالخورده است، نمیتواند بر پشت شتر قرار گیرد، فرمودند: بعوض او حج بکن)).[۸]

مردی ناتوان از حج

(۶) محرم: کسیکه بر وی ازوداج زنی حرام باشد، مانند پدر، برادر، وعمو وخالو.
(۷) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۸) به روایت ترمذی.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

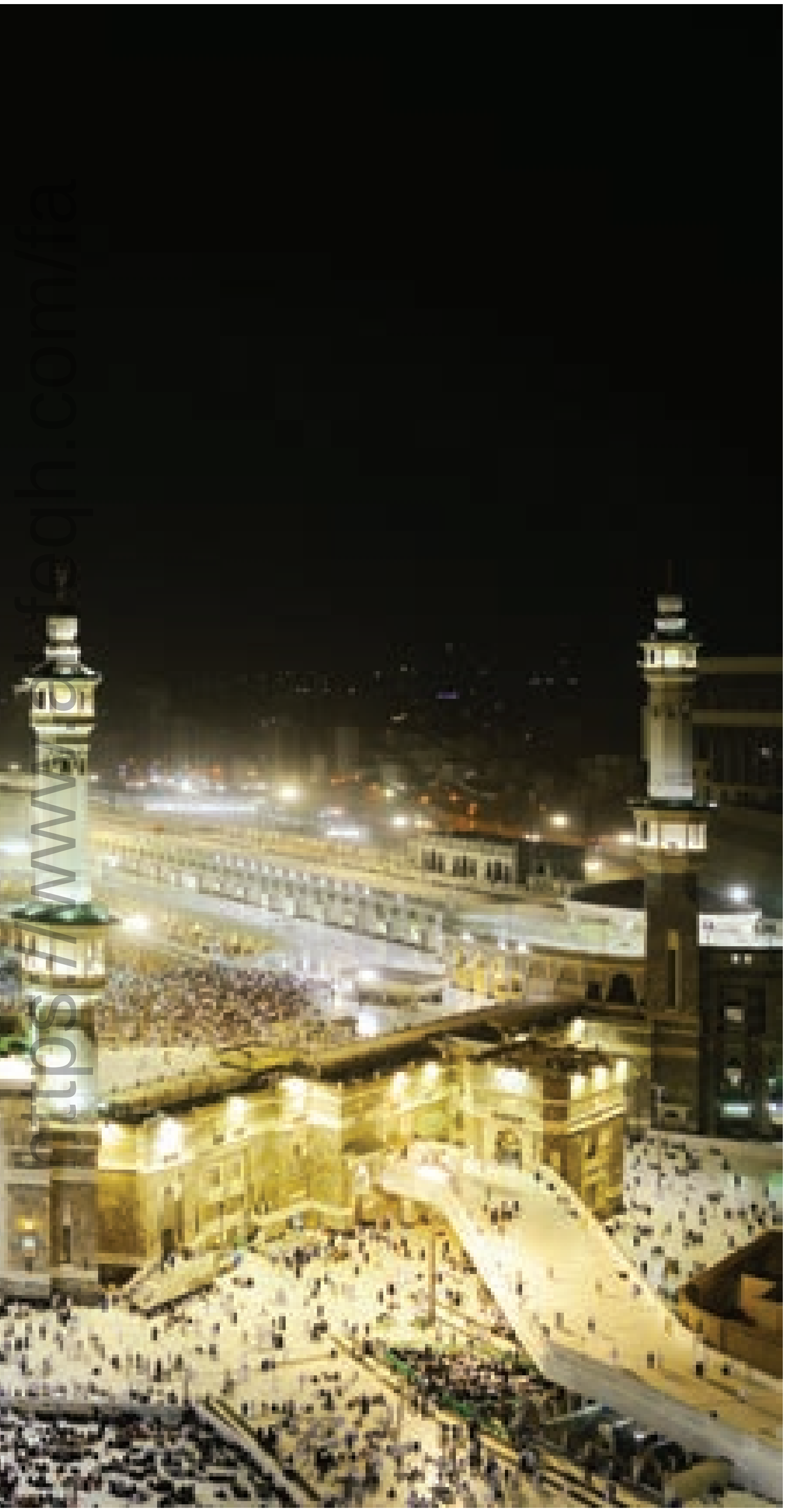

برای کسیکه در حج از شخص دیگری نیابت میکند شرطهای زیر معتبر است:

۱. شروط یاد شده حج در وی تحقق یابد.

۲. کسیکه به نیابت حج میکند باید پیش از این برای خودش حج کرده باشد، اگر کسیکه به نیابت از دیگری حج کرد، وهنوز برای خودش حج نکرده بود، این حج برای خودش صحیح است، وهمان حج اسلام برایش شمرده میشود، نه برای دیگری، ودلیل آنهم روایت ابن عباس ﷺ که نبی اکرمﷺ مردی را شنید که میگفت: ((لبيك عن شبرمه، فرمودند: شبرمه کیست؟ آنمرد گفت: برادرمن، ویا خویشاوند من است، فرمودند: آیا خودت حج کرده ای؟ گفت: نه فرمودند: از خودت حج کن، پس از آن از شبرمه)).[۱]

عمره در لغت زیارت

عمره در شریعت

زیارت بیت الحرام در هر وقت، برای انجام مناسک مخصوص.

حکم عمره وفضیلت آن

عمره کردن یکبار در عمر مانند حج واجب است، ونزد برخی از أئمه سنت است، بدلیل فرمودهٔ نبی اکرمﷺ: ((اسلام اینست که شهادت دهی الهی جزالله نیست، ومحمد فرستاده الله هست، ونماز برپا داری، وزکات بدهی، وحج بیت الله را اداء کنی، وعمره نمائی، واز جنابت غسل کنی، ووضوء را خوب انجام دهی، ورمضان را روزه بگیری)).[۲]

ورسول اللهﷺفرموده اند: ((عمره تا عمره کفاره است برای آنچه در میان آنها است، وحج خالی از اشتباهات پاداشی جز بهشت ندارد)).[۳]

(۱) به روایت ابوداود
(۲) به روایت ابن خزیمة.
(۳) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

حج	زکات	روزه	نماز	پاکی

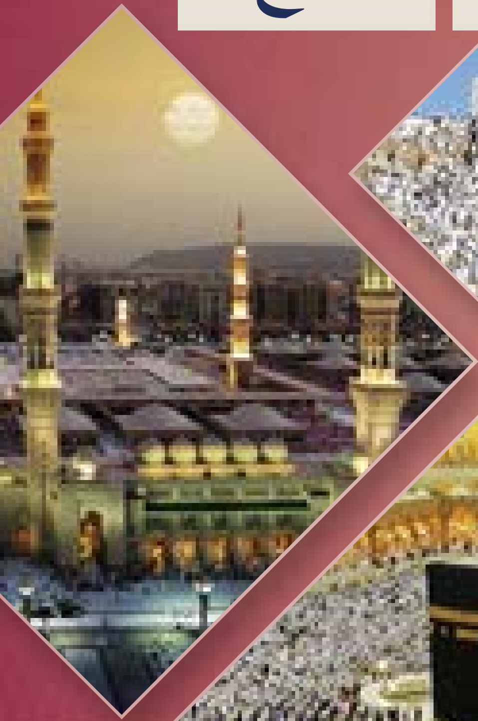
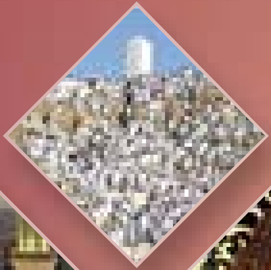

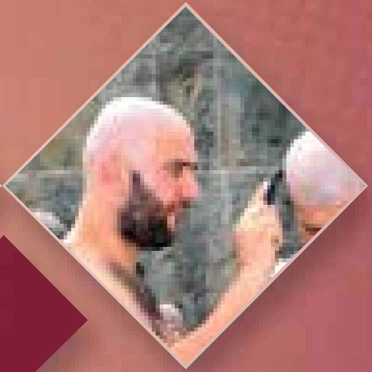
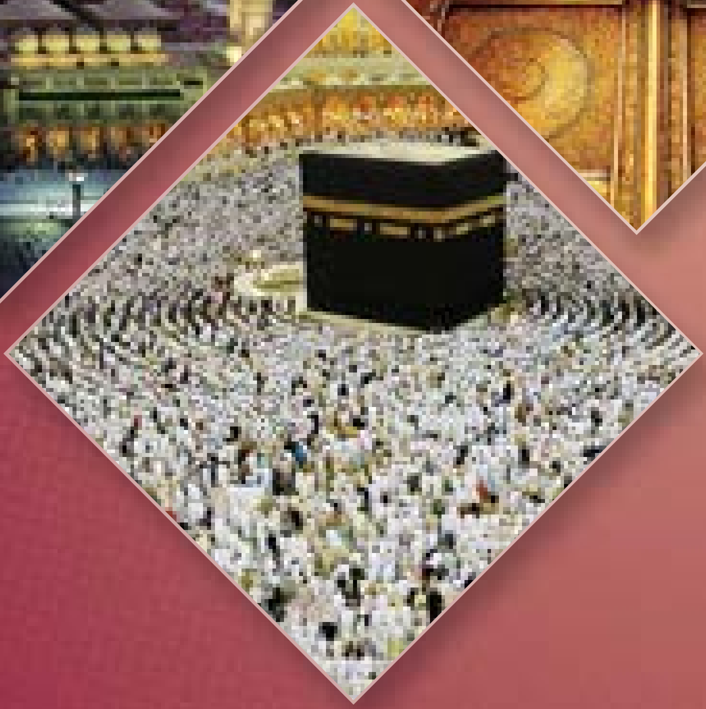

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

میقاتها

https://www.al-feqh.com/fa

۳ میقاتها

مطالب

تعریف میقات
انواع میقاتها
۱ـ ذوالحلیفة
۲ـ الجحفة
۳ـ یلملم
۴ـ قرن المنازل
۵ـ ذات عرق
میقاتهای زمانی

میقات در لغت

مرز بین دو چیز.

میقات در اصطلاح

آنچه را که شریعت معین کرده ووقتش را نیز برای عبادت، که در چه زمان ومکانی انجام شود.

انواع میقاتها

یکم: میقاتهای مکانی

میقاتهای مکانی

جاهائیکه شریعت برای احرام بستن تعیین کرده است.

برای کسیکه بخواهد حج ویا عمره کند، مجاز نیست که از آنجا بگذرد، مگر اینکه احرام بسته باشد، که پنج میقات[1] است:

۱ـ ذوالحلیفة:

که اکنون در سمت جنوبی مدینه منوره موقعیت دارد، وبه (ابیار علی) موسوم است، از مکه مکرمه (تقریبا ۴۲۰ کم) فاصله دارد.

ومیقات مردم مدینه منوره میباشد.

ذو الحلیفة

۲ـ الجحفة:

که در نزدیکی شهر رابغ موقعیت دارد، واز مکه مکرمه (تقریبا ۱۸۶کم) فاصله دارد.

ومیقات مردم شام ومصر ومغرب میباشد.

الجحفة

(۱) المواقیت وأبعادها، للشیخ عبد الله البسام، مجلة مجمع الفقه الإِسلامی، العدد ۳، الجزء ۳، ص ۱۵۵۳.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۳ـ یلملم:

وادی بزرگی است در راه مردم یمن به مکه مکرمه، که امروزه بنام: السعدیه یاد میشود، واز مکه مکرمه (تقریبا ۱۲۰کم) فاصله دارد

یلملم

۴ـ قرن المنازل:

اکنون سیل کبیر نامیده میشود، که از مکهٔ مکرمه (تقریبا ۷۵ کم) فاصله دارد.

ومیقات مردم نجد وطائف میباشد، وبالاتر از آن در جاده طائف از جهت هدی مکانی است بنام وادی محرم، که هر دوی آنها میقات اند برای مردم نجد، وکسانیکه از جاده طائف میآیند.

قرن المنازل

۵ـ ذات عرق:

اکنون (الضریبهٔ ویا الخریبات) نامیده میشود، موضعی است در(تقریبا ۱۰۰کم) شرق مکه مکرمه که حالا مورد استفاده نمیباشد.

میقات مردم مشرق زمین (عراق وایران وسرزمینهای ماورای آنها) بوده است.

ودلیل برای آنچه که گذشت روایت ابن عباس رضي الله عنه است که فرمود: ((رسول الله ﷺ برای مردم مدینه ذالحلیفه، وبرای مردم شام جحفهٔ، وبرای مردم نجد قرن المنازل، وبرای مردم یمن یلملم را میقات قرار داده فرمودند: این میقاتها برای همان مردمان، ونیز برای کسیکه از آنجا بگذرد، اگرچه از مردمان آنجا نباشد، ولی اراده حج وعمره کرده باشد، وکسیکه داخل میقات باشد، از همان جائیکه هست، حتا اهل مکه از مکه احرام می بندند)).[۱]

اما ذات عرق درحدیث گذشته ذکرش نیامده، بلکه آنرا عمر بن الخطاب رضي الله عنه تعیین کرده است.[۲]

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) به روایت بخاری.

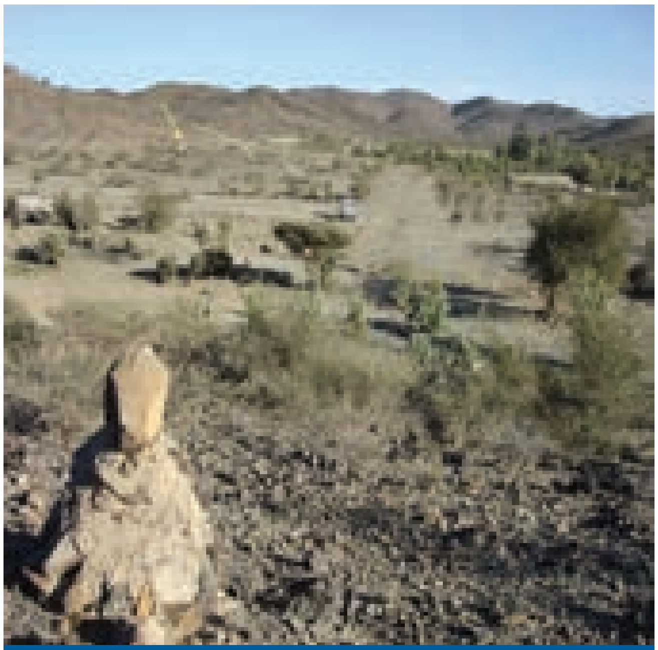

ذات عرق

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

ثانیا: میقاتهای زمانی

میقاتهای زمانی

وقت حج وعمره

أـ میقات زمانی حج:

ماه های حج: شوال وذوالقعده، وده روز ذیحجه.

ب ـ میقات زمانی عمره:

تمام روزهای سال است.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

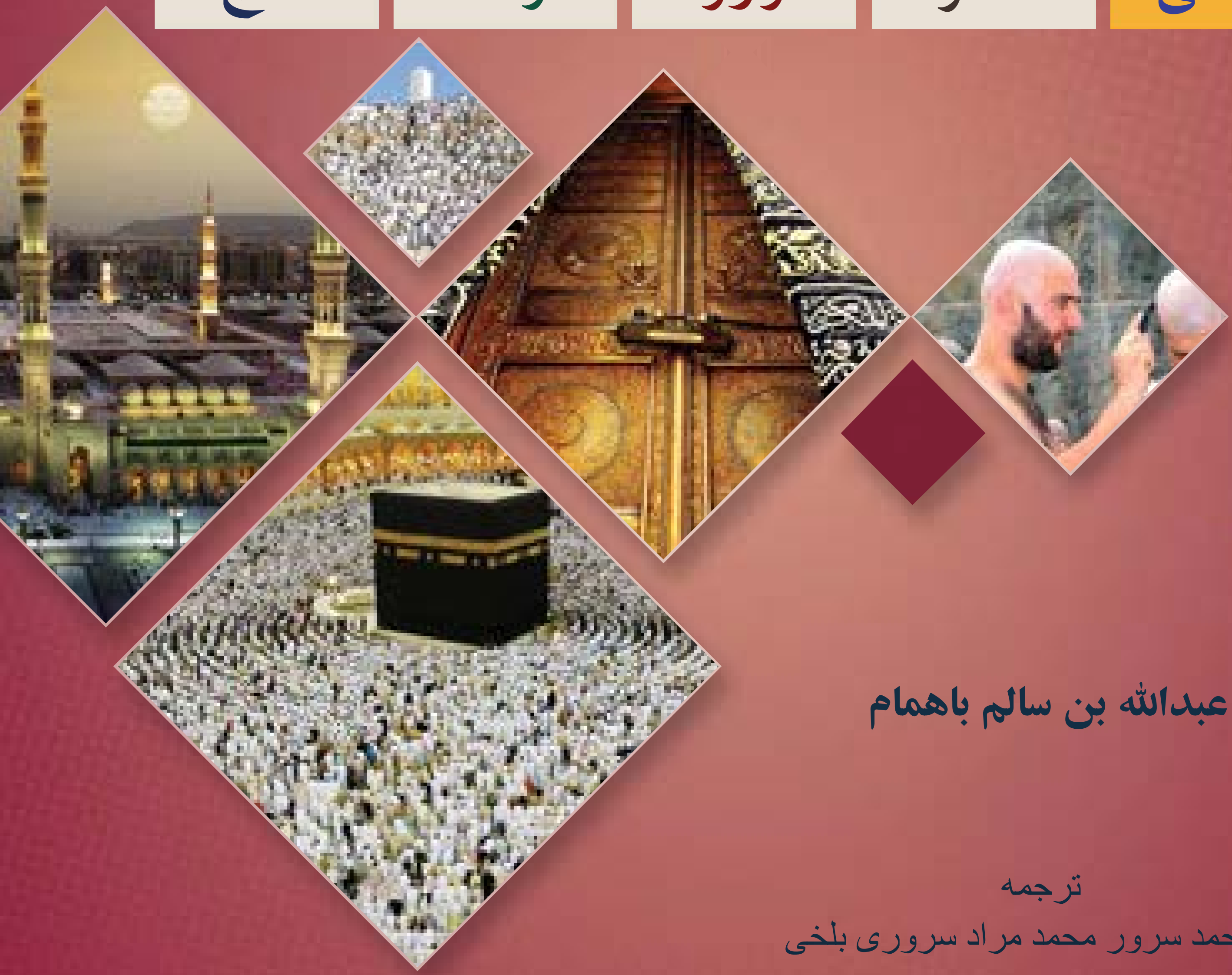

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

احرام

https://www.al-feqh.com/fa

۴

احرام

مطالب

تعریف احرام
مستحبات احرام
ممنوعات احرام

احرام در لغت

منع

احرام در شریعت

نیت دخول در نسک متصل به عمل از اعمال حج.

مستحبات احرام

۱ـ غسل کردن

از خارجه بن زید بن ثابت از پدرش روایت است که نبی اکرم ﷺ را دیده است که برای داخل شدن به احرام لباسهایشان را کشیده وغسل کرده اند.[۱]

۲ـ نظافت

یعنی موهای زیربغل وزیر ناف را تراشیدن، وکوتاه کردن سبیلها وناخنها.

(۱) به روایت ترمذی

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

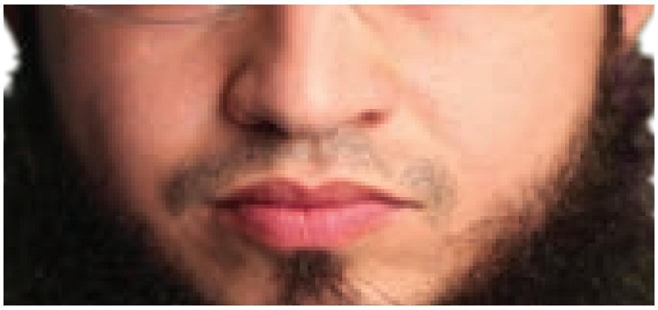

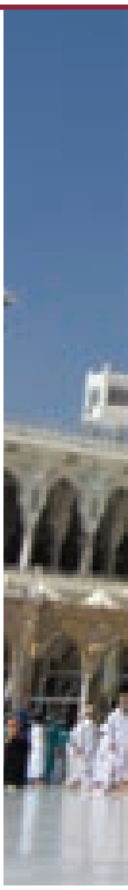

۳- خوشبوئی

بدلیل حدیث عائشة رضی الله عنها که فرمود: ((من به رسول الله ﷺ برای محرم شدنشان خوشبوئی میزدم در هنگامیکه محرم می شدند))[۱]. وبه لباسهای احرامی خوشبوئی نزنند، بدلیل فرموده ٔ رسول الله ﷺ: ((لباسهائی را که به آنها زعفران، و ورس[۲] زده اند نپوشید))[۳].

خوشبوئی

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) ورس: گیاهی زردی است دارای بوی خوش، که لباسها را به آن رنگ میکنند.
(۳) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۴ـ مرد باید لباس دوخته شده[۱] را قبل از احرام[۲] از تن بیرون آرد، و دو پارچه سفید یکی را، ازار ودیگری را، رداء بسازد، ودو دمپایی به پا کند.

بدلیل فرموده نبی اکرمﷺ: ((ویکی ازشما با ازار ورداء ودمپایی، احرام کند، اگردمپائی نیافت موزهایش را تا شتالنگها ببرد، وسپس به پا کند))[۳]، واما زن با هر لباسی، وبهر رنگی که باشد میتواند احرام کند، ولی ازپوشیدن لباس پرزرق وبرق، وتشبه به مردان اجتناب کند، وهمچنین در حالت احرام نقاب نپوشد، ودستکش ها[۴] نیز بر دستانش نپوشد.

دمپایی برای محرم

ازار ورداء برای محرم

نقاب برای زن محرم

دستکش ها برای زن محرم

(۱) دوخته شده: هر آنچه به اندازهء عضوی دوخته شده، ویا به اندازهء تمامی بدن دوخته شده، مانند: پیراهن، وازار.
(۲) اما پس از احرام کردن واجب است که لباسهای دوخته را از تن بیرون کند، زیرا که از ممنوعات احرام میباشد.
(۳) به روایت احمد.
(۴) قفاز: دستکش یعنی آنچه را زن برای پوشانیدن دستهایش می پوشد

https://www.al-feqh.com/fa

ممنوعات احرام

۱ـ پوشانیدن سر با چیزی چسپیده بآن

بدلیل حدیث ابن عمرﷺ اینکه مردی گفت: ای رسول الله! محرم چه جامه ای بپوشد؟ رسول اللهﷺ فرمودند: ((پیراهن، ودستار، وازارها،(۱) وجامه ایکه کلاهش متصل بآن باشد(۲) را نپوشید)).(۳)

ورسول اللهﷺ در مورد محرمیکه وفات کرد، فرمودند: ((وسرش(۴) را نپوشانید، زیرا که در روز قیامت تلبیه گویان برمیخیزد)).(۵)

اگر به سرش چسپیده نبود، مانند استعمال سایبان، ویا خیمه، ویا سقف اتاق، سقف ماشین سواری، گناهی بر محرم ندارد.

کلاه برای محرم

دستار برای محرم

سایبان برای محرم

پوشیدن شلوار برای محرم

(۱) آنچه که شلوار نامیده میشود.
(۲) برانس: هر جامه ایکه کلاهش با آن متصل باشد.
(۳) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۴) لاتخمروا رأسه: بر سرش چیزیکه آنرا بپوشاند نگذارید.
(۵) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۲ـ پوشیدن دوخته شده برای مرد

ومقصود از دوخته شده: آنچیزیست که به اندازه بدن ویا عضوی از آن دوخته باشند، مانند: جامه، وازار یا شلوار، پیراهن، جورابها، ودستکشها، وموزه ومانند آنها، بدلیل حدیث ابن عمرؓ که قبلا تذکر داده شد: ((پیراهن، ودستار، وازارها، وجامه ایکه کلاهش متصل بآن باشد را نپوشید)).[۱]

اگر کسیکه اراده احرام را نمود پارچه ایکه آنرا ازار بسازد نداشت، میتواند شلوارش را بپوشد تا زمانیکه پارچه ای برای ازار کردن[۲] بیابد، اگر دمپائی نیافت، همان موزهایش را بپوشد، بدلیل فرموده ای نبی اکرمﷺ: ((واگر دمپایی نیافت موزهایش را تا شتالنگها ببرد، وسپس آنرا به پا کند)).[۳]

پوشیدن دوخته شده برای محرم

دمپائی

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) مانند کسیکه لباس احرام را در چمدان سفرش در هواپیما ویا کشتی فراموش کرد، و پارچه نادوخته برای ازار کردن ندارد، میتواند، پیراهنش را از تن بیرون نموده مانند رداء به بدنش بپیچاند، وشلوارش را تا رسیدن به بندرگاهی که بتواند لباس احرامی از چمدانش بیرون کند به تن داشته باشد، بر وی هیچ چیزی نخواهد بود.
(۳) به روایت ابن خزیمه.

موزه برای محرم

۳ـ کشتن شکارصحرایی ویا صید کردنش

بدلیل فرموده الله تعالی: (شما در حالیکه محرم باشید صید را نکشید) (مائده:۹۵) یعنی شما که محرم برای حج وعمره هستید، وفرموده الله تعالی: (وبرشما صید صحرائی تا زمانیکه محرم باشید حرام است) (مائده:۹۶). مراد از صید صحرائی: آنست که از حیوانات وپرندگان وحشی مباح باشد.

اما حیوانی که اهلی باشد، صید نیست، پس برای محرم ذبح مرغ وحیوانات دیگر، مجاز است، واما صید بحر ودریا جواز دارد، بدلیل فرموده الله تعالی: (صید بحر ودریا برای شما حلال است، وهمچنین است طعامش) (مائده:۹۶) اما حیوانیکه خوردنش حرام است مانند مار وگژدم برای محرم کشتنش جواز دارد، وهمچنین هر حیوانیکه بر وی حمله کند، وجز کشتن وسیله دیگری برای دفع ضررش نباشد، کشتن این حیوان برای محرم مجاز است.

شکار پرندگان صحرائی

https://www.al-feqh.com/fa

صید دریا وبحر برای محرم جائز است

ذبح حیوانات جواز دارد

مار

گژدم

۴ـ تراشیدن مو، ویا کوتاه کردن، ویا کندنش

بدلیل فرموده ٔ الله تعالی: (وسرهایتانرا نتراشید، تا زمانیکه هدی شما به مکانش نرسیده است) (بقره: ۱۹۶) بنا بر قیاس به موی سر این نهی،شامل موی همه بدن میگردد.

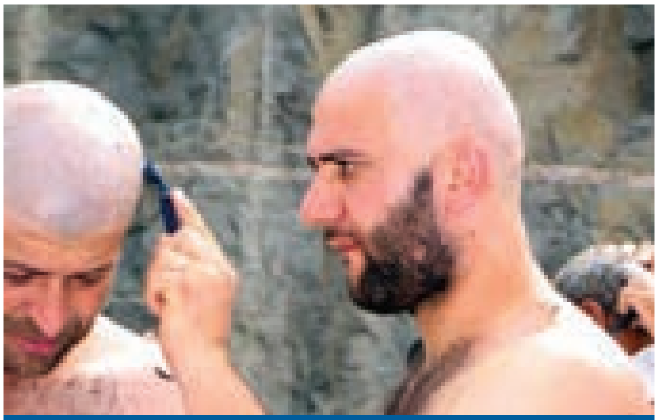

تراشیدن وکوتاه کردن

۵ـ کوتاه کردن ناخنها

چه ناخنهای دست باشد ویا پا.

کوتاه کردن ناخنهای دستها

کوتاه کردن ناخنهای پایها

۶ـ خوشبوئی در بدن ولباس

پس از داخل شدن به احرام برای محرم خوشبوئی زدن به بدن ولباس احرامش ممنوع است، ویا اینکه قصد بوئیدن آنرا بکند، بدلیل حدیث روایت شده قبلی از ابن عمر رضی‌الله‌عنه که در آن آمده است: ((لباسهائی را که به آنها زعفران و ورس[1] زده اند نپوشید)).[2] ونیز بدلیل حدیث محرمیکه وفات کرد، فرمودند: ((و به کفنش حنوط[3] که (خوشبوئی کفن مرده است) نزنید)).[4]

خوشبوئی زدن به لباس محرم

خوشبوئی زدن به بدن محرم

(۱) ورس: گیاهی زردی است دارای بوی خوش، که لباسها را به آن رنگ میکنند.
(۲) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۳) تحنطوه: حنوط استعمال کنید: وحنوط مخلوطی از خوشبوئی است که در کفنهای مردگان می زنند.
(۴)به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۷ـ عقد نکاح بستن

بدلیل حدیث عثمان ﷺ که رسول الله ﷺ فرموده اند: ((محرم نکاح نمی کند، ونکاح کرده نمی شود، ونیز خواستگاری هم نمی کند)).[۱]

۸ـ آمیزش وهمبستری

همان همبستری وآمیزش در شرمگاه است، بدلیل فرموده الله تعالی: (پس کسیکه درین ماهها، حج را بخود فرض کرد، پس از همبستری وآمیزش دوری جوید) (بقره: ۱۹۷) ابن عباس ﷺ فرمود: ((همان همبستری وآمیزش است)) که از شدیدترین ممنوعات احرام میباشد.

۹ـ آمیزش به ما دون شرمگاه

مانند بوسیدن، ولمس کردن، زیرا که وسیله برای آمیزش بر محرم است.

ممنوعات احرام برای زن

زن مانند مرد است در همه ممنوعات، ونسبت به مرد در موارد زیر متفاوت میباشد:

۱ـ لباس دوخته شده را می پوشد.

۲ـ سرش را می پوشاند.

۳ـ نقاب نمی پوشد[۱] ودستکشها[۲] بدست نمی کند، بدلیل فرمودهٔ رسول الله ﷺ: ((زن محرمه نقاب نمی زند، ودستکشها را نمی پوشد)).[۳]

وزن در حالت وجود مردان بیگانه رویش را می پوشاند طوریکه چادر را از سرش میآویزد، وبرایش آرایش با زیورات طلائی مباح است.

(۱) نقاب: آنچه که زن رویش را با آن بپوشاند.
(۲) قفاز: دستکش
(۳) به روایت بخاری

راهنمایی ها

۱. آنچه که دو رکعت سنت احرام نامیده شده اساسی ندارد، ولي اگر بعد ازنماز فرضی ویا بعد از دو رکعت تحیه وضوء احرام بست باکی ندارد، همانطوریکه دعای معینی هنگام احرام بستن وجود ندارد.

۲. اگر سفر با هواپیما بود، وبیم آن میرفت تا لباس احرام را در برابر میقات پوشیده نتواند، پس لباس احرام را از خانه ویا فرودگاه به تن کرد، محرم نیست تا زمانیکه قبل از رسیدن در برابر میقات نیت احرام نکند.

۳. بعض از حاجیان شانه راست خود را هنگام احرام بستن برهنه میکنند، این همان چیزی است که اضطباع نامیده میشود، این کار درست نیست، زیرا که اضطباع باید در هنگام طواف قدوم رعایت شود، ودر غیر آن باید شانه راست نیز پوشانیده شود.

اضطباع

نصیحت های عمومی برای حاجیان

هرگاه مسلمانیکه عزم سفر حج ویا عمره را کرد، باید از رهنمای های زیر پیروی کند:

۱. خانواده ودوستانش را به تقوی وپیرهیزگاری الله متعال توصیهٔ کند، یعنی اینکه اوامرش را انجام دهند واز منهیاتش اجتناب کنند،

۲. تمامی وامها وقرضهای که بر وی است ویا بالای دیگران

(۱) به روایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

دارد را بنویسد. وبر آن شاهدانی نیز بگیرد.

۳. باید از گناهان خود توبه نصوح کند، همانطوریکه خداوند میفرماید: به خدا توبه کنید ای مؤمنان تا رستگار شوید، وتوبه حقیقی آنست که گناهان را ترک کرده ودر مورد آنچه در گذشته از وی سر زده پشیمان باشد، وتصمیم قاطع بر عدم برگشت به آن داشته وبرای انجام کارهای نیک عجله کند.

۴. اگر به جان ویا مال ویا ناموس کسی ظلم نموده، باید قبل از سفر از آنها عذر خواهی کند، چنانچه از پیامبر ﷺ روایت شده که فرمودند: (کسیکه از وی درمورد برادرش ظلمی در مال ویا ناموس او سر زده، باید امروز از آن خود را برهاند قبل ازینکه روزی فرا رسد که نه دیناری باشد ونه درهمی، اگر عمل نیکی داشت از آن به اندازه ظلمیکه کرده گرفته میشود، واگر فاقد نیکیها بود، از گناهان مظلوم گرفته بر وی حمل شود)[۱].

۵. برای حج وعمره اش از مال حلال خرج کند، زیرا که از آنحضرت ﷺ روایت شده که فرموده اند: الله تعالی پاک هست وجز پاکی چیز دیگری را نمی پذیرد، و الله متعال مؤمنان را به آنچه امر کرده که پیامبران را نیز به آن، چنین امر کرده است: ای پیامبران از پاکیزگیها بخورید، وعمل نیک انجام دهید، و نیز میفرماید: ای کسانیکه ایمان دارید از پاکیزگیهای که به شما رزق داده ایم بخورید، وشکر الله را بگوئید اگر شما او را می پرستید، پس از آن یاد مردی را نمود که به سفر طولانی میرود وژولیده وغبار آلود میشود ودستانش را به عنوان دعا به آسمان بلند میکند ومیگوید: ای پرورگارا ای پروردگارا: در حالیکه خوردنی ونوشیدنی اش ولباسش از حرام بوده واز حرام تغذیه کرده، چگونه دعایش مستجاب گردد؟[۲]

۶. باید که غرض حج وعمره اش برای الله وروز آخرت بوده و به الله متعال با گفته وکرداری که باعث رضایتش در آن اماکن پاک میشود تقرب جوید. وازینکه غرض از حجش خود نمائی وامور دنیوی وافتخار ومانند آن باشد سخت برحذر باشد.

۷. وشایسته است تا آنچه را که در حج وعمره مشروع گردیده بیاموزد، وخود را دانا سازد، ودر مواردی که مشکل باشد پرسش نماید تا بصیرت یابد، وجای بسا تأسف است که بسیاری از حاجیان به حج میروند، بدون اینکه از چگونگی انجام مناسک آگهی داشته باشند، که در نتیجه برخی از فرائض از آنها ترک شده، که باعث بطلان حج شان میشود.

از احکام احرام

اگرهنگام مسح سر در وضوء کردن ویا غسل کردن چند موی محرم بریزد، ویا همینطور چند موی از ریش یا سبیلهایش ریخت، ویا از ناخنش چیزی جدا شد، تا زمانیکه قصدی نباشد هیچ ضرری ندارد، زن ومرد درینمورد یک حکم دارد.

برای محرم، بستن بنداژی بر پایش، اگر به آن نیازی داشت ویا منفعتی در آن نهفته بود جواز دارد.

شرط کردن در نیت

کسیکه بیمار بود، ویا از آن بیم داشت که مانعی برای انجام نسکش پیش آید، برایش مستحب است در هنگام نیت احرام نمودن بگوید: ((لبیک اللهم برای عمره ویا غیر از آن، اگر مانعی برایم رخ داد، درهمانجا که مانع واقع شد خود را از احرام حلال میسازم))، از عائشه رضی الله عنها روایت است که فرمود: رسول الله ﷺ بر ضباعة بنت الزبیر وارد شدند، وبرایش فرمودند: ((شاید که اراده حج کرده ای، پاسخ داد: ((قسم به الله که خود را چیزی جز بیمار نمی یابم))[۳] برایش فرمودند: ((حج بکن وشرط بگذار، واینچنین بگو: ای بار الها اگر مانعی پیش آمد همانجا خود را حلال میسازم))[۴] اگر چنین گفت، وبرایش مانعی پیش آمد، مجاز است که بدون کدام چیزی از احرام خارج شده به حالت تحلل در آید.

(۱) به روایت بخاری.
(۲) بهروایت مسلم.
(۳) وجعة: بیمار
(۴) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

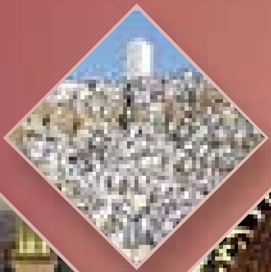

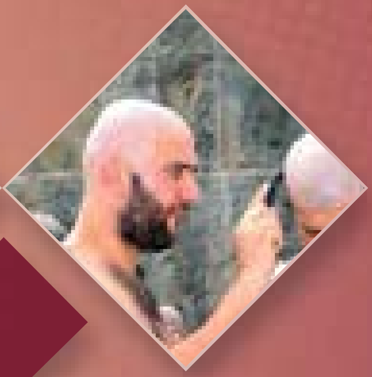
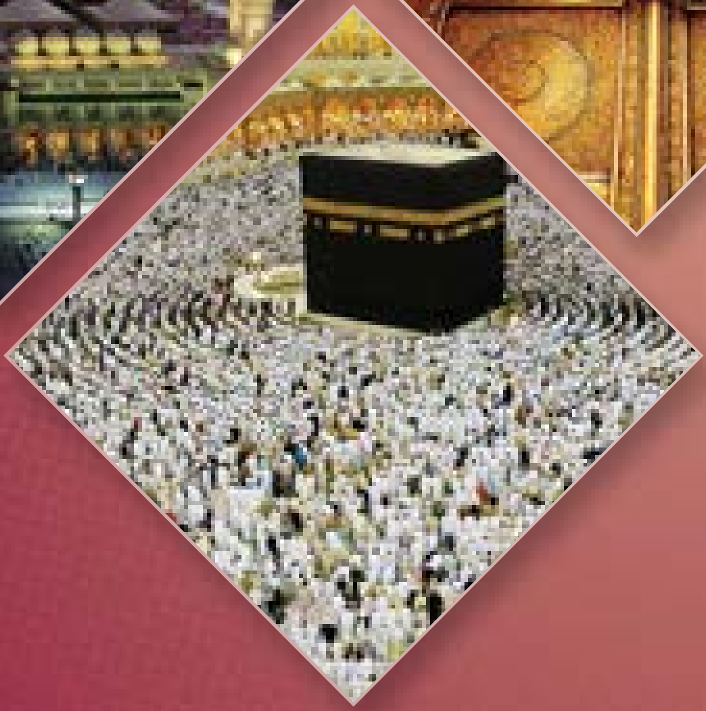

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

نسك ولبيك گفتن

https://www.al-feqh.com/fa

نسک ولبیک گفتن

مطالب

تعریف نسک
نیت نسک
انواع نسک
فرق میان نسک های سه گانه
تعریف تلبیه
حکم تلبیه
وقت تلبیه ومواضع آن

نسک

نسک در لغت

زهد وعبادت.

نسک در شریعت

آنچه را که حاج وعمره کننده میگوید وعملی میکند

https://www.al-feqh.com/fa

نیت نسک

کسیکه اراده احرام بستن را داشت، غسل کردن وپاکیزگی را تمام کرد، ولباس احرام به تن نمود، ومردان لباسهای دوخته شده را ازتن بیرون کردند، پس نیت دخول در نسک را میکند، چه حج باشد ویا عمره، ومستحب است تا نسکی را که اراده کرده تلفظ کند، واگر اراده عمره وبعد از آن حج تمتع را دارد، بگوید: ((لبیک اللهم عمرة متمتعا بها إلی الحج)) ویا ((لبیک اللهم عمرة)) وسپس هنگام حج کردن ((لبیک اللهم حجا))، واگر نیت حج مفرد را دارد میگوید: ((لبیک اللهم حجا)) وکسیکه اراده ای قران میان حج وعمره را دارد چنین گوید: ((لبیک اللهم حجا وعمرة)) بدلیل حدیث انس ﷺ که فرمود: ((رسول الله ﷺ را شنیدم که فرمودند: لبیک عمرة وحجا))،[1] اگر بر زبان تلفظ نکرد نیت قلبی وی کفایت میکند.

انواع نسک

۱ـ تمتع:

آنستکه در ماهای حج برای عمره احرام نماید، وسپس بعد از اتمامش از احرام بیرون شده از حالت تحلل بهرمند شود، بعد از آن در همان سال برای حج بار دیگر احرام بندد.

۲ـ قران:

آنستکه برای حج وعمره با هم احرام نماید.

۳ـ افراد:

آنستکه تنها برای حج احرام کند.

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

	تمتع	قران	افراد
وصف	عمره سپس حج	عمره وحج	حج تنها
احرام	دو بار احرام می بندد، یکی برای عمره، وبعد از بهره مندی از حالت تحلل، برای حج بار دیگر احرام می بندد.	برای حج وعمره یکباره احرام می بندد	برای حج تنها یکبار احرام می کند
لبیک گفتن	هنگام احرام اول میگوید: ((لبیک عمرة)) سپس زمان احرام بستن به حج میگوید: ((لبیک حجا)) ویا اینکه میگوید: ((لبیک عمرة متمتعا بها إلی الحج))	هنگام احرام کردن میگوید: ((لبیک عمرة وحجا)).	هنگام احرام کردن میگوید: ((لبیک حجا)).
هدی	هدی در آن واجب است	هدی در آن واجب است	هدی در آن واجب نیست
طواف	در آن دو طواف است، اولی برای عمره ودومی برای حج، نزد احناف	در آن یک طواف لازم است که طواف حج میباشد نزد غیر احناف	در آن یک طواف لازم است که طواف حج میباشد
سعی	در آن دو سعی است، اولی برای عمره ودومی برای حج، نزد احناف	در آن تنها یک سعی است، که سعی حج میباشد نزد غیر احناف	در آن تنها یک سعی است، که سعی حج میباشد

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

لبیک گفتن

بدلیل حدیث ابن عمرﷺ که در آن آمده است، تلبیهٔ رسول اللهﷺ همینطور بود.[۱]

ومعنی ((لبیک اللهم لبیک)): اجابت بتو بعد از اجابت.

وتلبیه متضمن سپاس وشکر برای الله تعالی بوده، وجواب به امر او، واظهار وحدانیت او، وبرائت از شرک میباشد.

لبیک گفتن

گفتن محرِم: ((لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لاَ شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ، لاَ شَرِیکَ لَکَ»

حکم تلبیه

لبیک گفتن سنت است، مردان بصدای بلند، وزنان بصدای پائین از بیم فتنه، تلبیه میگویند.

زمان ومواضع تلبیه گفتن

محرم پس از احرام بستن تلبیه گوئی را آغاز میکند، ودر راه تلبیه بسیار میگوید.

ودر مواضع بسیاری مؤکد است، که ازجمله:

زمانیکه به بلندی بالا میرود، ویا به وادی پائین میشود، ویا نماز فرضی اداء میکند، ویا زمانیکه شب ویا روز فرا میرسد.

تلبیه گفتن در عمره را با دیدن بیت الله ولمس کردن حجر اسود پایان میدهد، ودر حج زمانیکه به زدن جمره عقبه در روز عید آغاز میکند تلبیه گفتن راموتوقف میسازد.

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

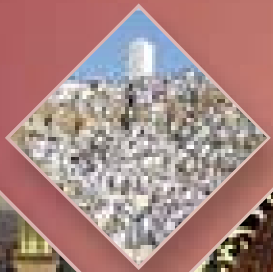

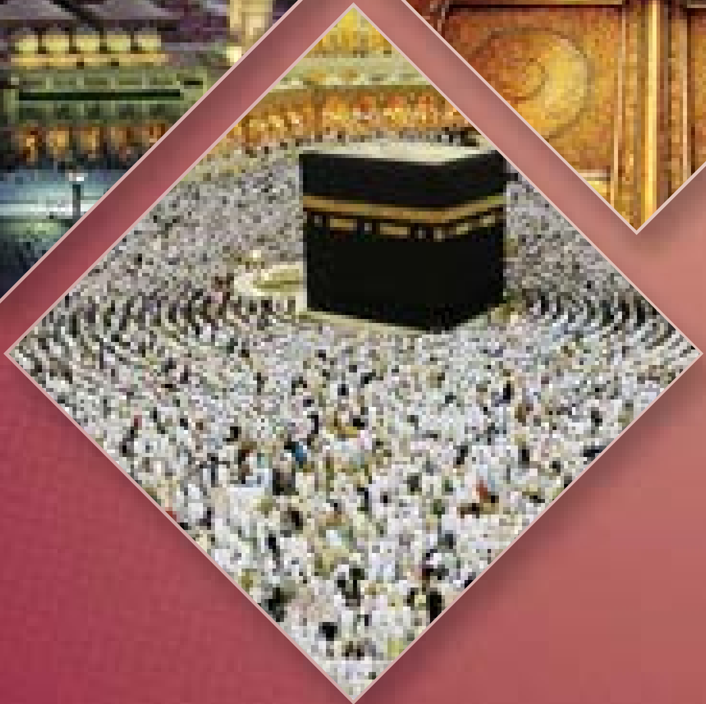

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

وصف حج وعمره

https://www.al-feqh.com/fa

وصف حج وعمره

مطالب

وصف حج
روز هشتم ماه ذیحجه
روز نهم ماه ذیحجه
روز دهم ماه ذیحجه
روز یازدهم ماه ذیحجه
روز دوازدهم ماه ذیحجه
روز سیزدهم ماه ذیحجه
وصف عمره

وصف حج

اعمال حج از روز هشتم ماه ذیحجه آغاز میشود، بشرح زیر:

روز هشتم ماه ذیحجه (روزترویه)

۱. حاج از محل اقامتش احرام میبندد، غسل میکند، وخوشبوئی میزند، وسپس لباس احرام به تن میکند، ومیگوید: ((لبیک اللهم حجاً، لبیک اللهم لبیک، لبیک لا شریک لک لبیک، إن الحمد والنعمة لک والملک، لا شریک لک))[۱].

۲. رهسپار منی شده، در آنجا نمازهای ظهر، عصر، مغرب، عشاء وفجر روز بعد را اداء میکند، هر نماز را در وقتش، وچهار رکعتی را قصر نموده دو رکعت میخواند، تا طلوع خورشید روز نهم در منی میماند.

غسل کردن

خوشبوئی

إحرام

منى

(۱) به روایت بخاری.

https://www.a

https://www.al-feqh.com/fa

روز نهم ماه ذیحجه (روز عرفه)

۱. پس از طلوع خورشید حاج رهسپار عرفه میگردد، ودر آنجا نمازهای ظهر وعصر را قصر وبه جمع تقدیم اداء میکند، وقبل از زوال خورشید به مسجد نمره –اگر برایش میسر بود– میرود.

۲. بعد ازنماز رو به قبله ودستها را بلند نموده به ذکر ودعاء ونیایش پروردگارمشغول میشود، وتا غروب خورشید در عرفه میباشد.

۳. پس از غروب خورشید به مزدلفه میرود، ونمازهای مغرب وعشاء را –با قصرکردن عشاء– اداء میکند، وشب را تا طلوع فجر در آنجا می ماند.

نمره

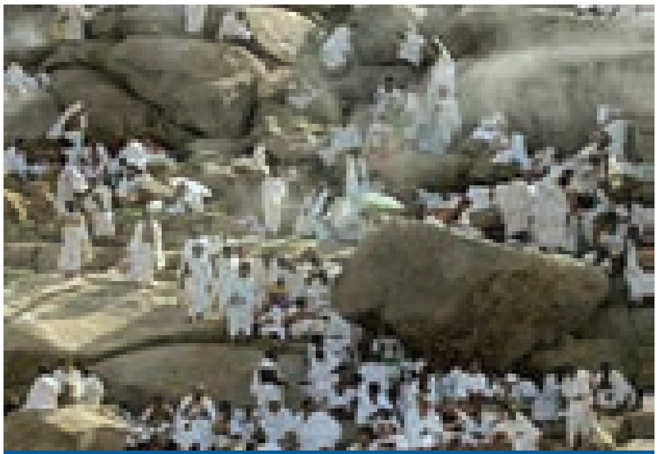

عرفات

مزدلفه

روز دهم ماه ذیحجه (روز عید)

۱. نماز فجر را میخواند، سپس برای ذکر ودعاء ونیایش تا اندك زمانی پیش از طلوع خورشید مشغول میشود.

۲. پیش از طلوع خورشید بسوی منی حرکت میکند.

۳. وقتیکه به منی رسید، به سوی جمره عقبه رفته با هفت سنگریزه یکی پس از دیگری آنرا بطور پیهم میزند.

۴. هدی اگر داشته باشد ذبح میکند.

۵. موی سرش را میتراشد ویا کوتاه میکند، وبه تحلل اول دست رسی پیدا میکند، لباسهایش را میپوشد، وخوشبوئی میزند، وهمهٔ ممنوعات احرام برایش حلال میشود بجز از آمیزش با زنان.

۶. به مکه مکرمه میرود وطواف بیت الله را که طواف افاضه وهمان طواف حج است انجام میدهد، وسعی میان صفا ومروه را برای حج انجام میدهد، اگر متمتع باشد، وهمینطور است اگر غیر متمتع بوده ولی با طواف قدوم سعی نکرده باشد، باین ترتیب به تحلل دوم میرسد، که برایش کلیه ممنوعات احرام حلال میگردد.

۷. به منی برمیگردد، وشب را در آنجا سپری میکند.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

رمی جمره عقبه

ذبح هدی

تراشیدن وکوتاه کردن

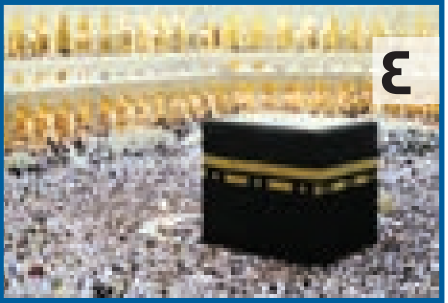

طواف

سعی میان صفا ومروه

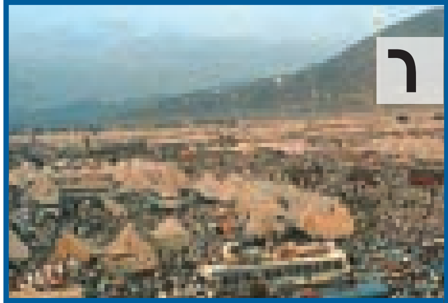

شب را درمنی سپری کردن

روز یازدهم ماه ذیحجه (نخستین روز أیام تشریق)

١. هریک از جمرات سه گانه را با هفت سنگریزه پیهم میزند، وبا هریک تکبیر نیز میگوید، ورمی را پس از زوال خورشید (وقت ظهر) انجام میدهد، وقبل از زوال جواز ندارد، وپس از رمی جمره های صغری، ووسطی دعاء کند.

وبرخی فقهاء حجم سنگریزه را با حجم نخود ویا اندکی بزرگتر ازآن وکوچکتر از بندق تعیین کرده اند.

٢. بیتوته (شب سپری کردن) در منی

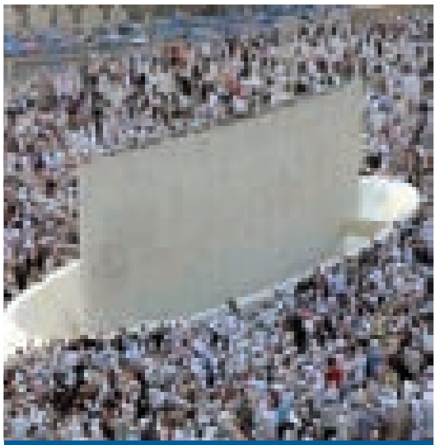
جمره وسطی

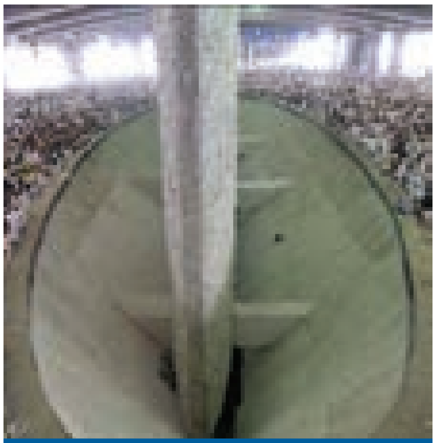
جمره کوچک

جمره عقبه

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

روز دوازدهم ذیحجه (دومین روز ایام تشریق)

۱. جمرات سه گانه را چنانکه در روز پیشین زده بود، رمی میکند.

۲. ازمنی قبل از غروب خورشید خارج میشود، اگرخواست عجله کند، واگر اراده تاخیر را داشت ، شب را سپری میکند.

۳. برای طواف وداع به مکه مکرمه میرود.

روز سیزدهم ذی حجه (آخرین روز ایام تشریق)

این ویژهٔ کسی است که تاخیر کرده است، ودرین روز اعمال زیر را انجام میدهد:

۱. جمرات سه گانه را مانند دو روز گذشته رمی میکند.

۲. از منی بیرون شده به طواف وداع میرود.

با این ترتیب حجش پایان یافته است.

حکمت طواف

حکمت طواف کردن وسعی نمودن وزدن جمرات برپا کردن ذکر الله است، از عائشه صدیقه روایت است که فرمود: رسول الله ﷺ فرمودند: ((طواف خانه خدا وسعی میان صفا ومروه وزدن جمره ها برای برپا کردن ذکر الله میباشد))[۱]

وصف عمره

۱. زمانیکه عمره کننده به میقات برسد، غسل کرده خوشبوئی میزند ولباس احرامی را بتن میکند، وبا گفتن: «لبیک عمرة» نیت عمره میکند.

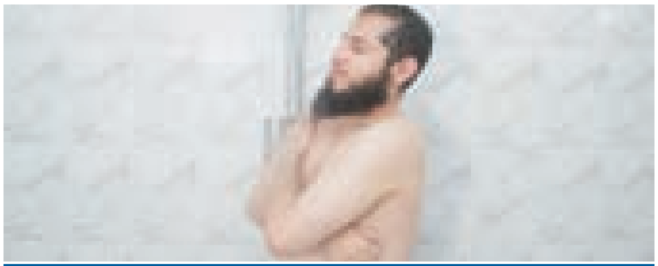

غسل کردن

(۱) به روایت ابوداود.(۱) رواه أبو داود.

احرام

خوشبوئی

۲. تلبیه گفتن را چنین آغاز میکند: «لَبَّیْکَ اللَّهُمَّ لَبَّیْکَ، لَبَّیْکَ لَا شَرِیکَ لَکَ لَبَّیْکَ، إِنَّ الْحَمْدَ وَالنِّعْمَةَ لَکَ وَالْمُلْکَ، لَا شَرِیکَ لَکَ»[۲]

وهمچنان به لبیک گفتن ادامه میدهد تا اینکه بیت الله را ببیند، وحجر اسود را لمس کند.

۳. زمانیکه به مسجد الحرام وارد میشد، اول پای راستش را بنهد، ودعای دخول مسجد را بخواند.

۴. تلبیه گفتن را متوقف کند، و طواف بیت الله را با بوسیدن ولمس کردن حجر اسود- اگرمیسربود- آغاز کند، ودر غیرآن با اشاره به آن اکتفاء نموده میگوید: «بسم الله والله أكبر، اللهم إيماناً بك، وتصديقاً بكتابك، ووفاءً بعهدك، واتباعاً لسنة نبيك محمد ﷺ».[۳]

۵. در حالیکه بیت الله به سمت چپش باشد هفت دور طواف را از حجراسود آغاز کرده وبه آن پایان میدهد.

۶. برای مردان تند رفتن در سه دور اول سنت است.

۷. در طواف آنچه را میخواهد دعاء کند، وقتی در برابر رکن یمانی قرار گرفت، آنرا لمس نموده وتکبیر گوید، اگر

(۲) به روایت بیهقی.

(۳) به روایت ابوداود.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

نتواند، به آن اشاره نکند، وتکبیر نیز نگوید، ومیان رکن یمانی و حجر اسود چنین گوید: «ربنا آتنا فی الدنیا حسنةً، وفی الآخرة حسنةً، وقنا عذاب النار».[1]

۸. پس از پایان طواف، دو رکعت نماز در عقب مقام ابراهیم – اگر میسر بود – بخواند، ورنه در هر جای مسجد الحرام میتواند بخواند.

۹. به صفا میرود، هرگاه به آن نزدیک شود این فرموده‌ٔ الله تعالی را قرائت کند: (همانا«صفا» و«مروه» از شعائر (نشانه های) الله است، پس هر که حج خانه (الله) کند ویا عمره انجام دهد، بر او گناهی نیست که میان آن دو طواف(سعی) کند، وکسی که به رغبت خود کار نیکی را انجام دهد پس بدرستی که الله سپاسگزار داناست) [البقرة:۱۵۸].

۱۰. بر صفا بالا رفته، رو بسوی کعبه نموده، ودستانش را بلند میکند، وتکبیر میگوید ونیز سپاس خداوند را گفته این ذکر را میخواند: «لَا إِلَهَ إِلَّا الله وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، آيِبُونَ تَائِبُونَ عَابِدُونَ سَاجِدُونَ لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، صَدَّقَ الله وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وحده» پس از آن دعاء میکند، بعد از آن بار دیگر همان ذکر را در دوربعدی تکرار میکند، سپس دعا نموده، برای بارسوم ذکر یاد شده را در دور سوم میخواند.

۱۱. از صفا پائین رفته بسوی مروه رهسپار میگردد، و در راه میان دو علامهٔ سبز[2] بسرعت راه میرود، وبه مروه بالا میشود، وآنچه در صفا انجام داده در مروه نیز انجام میدهد، مگر با نزدیک شدن به آن این آیت را: (همانا«صفا» و«مروه» از شعائر (نشانه های) الله است) [البقرة:۱۵۸] نمیخواند.

۱۲. میان صفا ومروه هفت بار سعی میکند.

۱۳. پس از پایان سعی، مردان موی سرشان را طوری کوتاه میکنند که شامل تمام سرشان گردد، وزنان از سر گیسوان شان باندازه سر انگشت کوتاه میکنند.

برای مردان بهتر است سر بتراشند، بدلیل روایت ابی هریرة ﷺ که فرمود: رسول الله ﷺ فرمودند: ((ای بار الها! برای کسانیکه سرتراشیدند مغفرت کن، یاران گفتند: وبرای کوتاه کنندگان؟ فرمودند: ای بار الها! برای کسانیکه سرتراشیدند مغفرت کن، گفتند: وبرای کوتاه کنندگان؟ برای سومین بارنیز چنان فرمودند وبعد از آن گفتند: وبرای کوتاه کنندگان))[3]

۱۴. از احرامش خارج شده بحالت حلالیت باز میگردد.

باین ترتیب عمره اش را پایان داده است.

سعی میان صفا ومروه

(۱) به روایت بخاری.

(۲) آندو علامه برای مکانی است که سیده هاجر(مادراسماعیل ﷺ) در سعی میان صفا ومروه بسرعت راه رفته است.

(۳) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

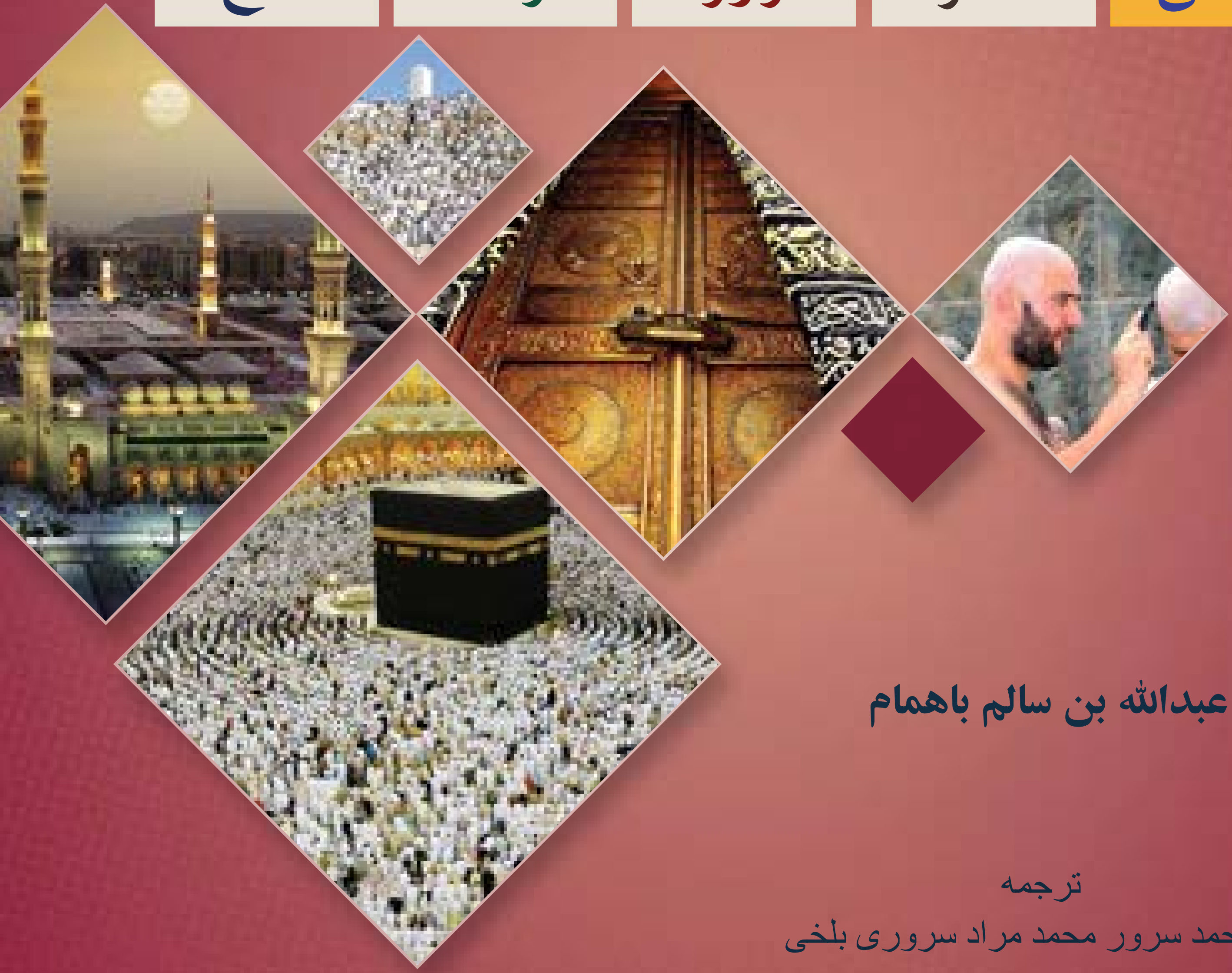

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

ارکان وواجبات وسنتهای حج

https://www.al-feqh.com/fa

۷

ارکان وواجبات وسنتهای حج

مطالب

ارکان حج
واجبات حج
سنتهای حج

ارکان حج

۱. احرام: بدلیل فرموده نبی اکرمﷺ: ((اعمال وابسته به نیتها است، وبرای هرکس پاداش آنچه که کرده است))[۱]

۲. سعی میان صفا ومروه: بدلیل فرموده نبی اکرمﷺ: ((سعی کنید، زیرا که الله تعالی برشما سعی را فرض گردانیده است)).[۲]

ونزد برخی از اهل علم واجب است، که در حال ترک شدنش با ذبح حیوانی جبران میشود.

۳. وقوف به عرفه است، بدلیل فرموده نبی اکرمﷺ: ((الحج عرفه)).[۳]

۴. طواف افاضه، بدلیل فرموده الله تعالی: (وباید که بیت العتیق را طواف کنند) (حج: ۲۹).

(۱) به روایت بخاری.
(۲) به روایت احمد.
(۳) به روایت ترمذی.

آگاهی

کسیکه رکنی از ارکان حج را ترک کند، حجش تمام نمیشود تا آنرا انجام دهد.

واجبات حج

۱. احرام نمودن از میقات است: بدلیل اینکه رسول اللهﷺ پس ازذکر میقاتها فرمودند: ((این میقاتها برای همان مردمان است، ونیز برای کسیکه از آنجا عبور کند، اگرچه از مردمان آنجا نباشد، ولی اراده حج وعمره کرده باشد)).[۴]

۲. وقوف در عرفات تا غروب خورشید برای کسیکه روز در آنجا میباشد: زیرا که نبی اکرمﷺ تا غروب در آنجا بودند.

۳. سپری کردن شب درمزدلفه: زیرا که نبی اکرمﷺدر آنجا شب را سپری کرده وفرمودند: ((باید که امتم نسکش را بگیرد، چرا که من نمی دانم، شاید پس ازاین سال آنها رانبینم))[۵] زیرا که نبی اکرمﷺ برای ضعیفان مسلمانان اجازه دادند، تا پس از نیمه شب از آنجا بیرون روند، پس

(۴) به روایت بخاری.
(۵) به روایت ابن ماجه.

https://www.al-feqh.com/fa

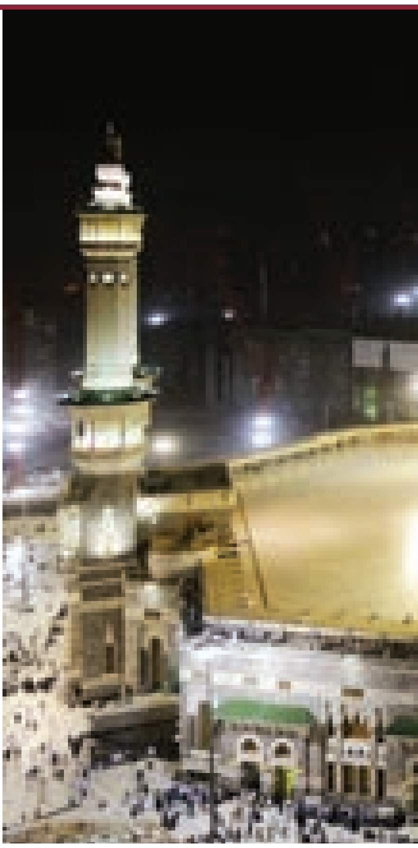

برین دلالت میکند که مبیت در مزدلفه ضروری بوده، چنانچه الله تعالی امر فرموده، تا در نزد مشعر الحرام ذکرش را بنمایند.

۴. سپری کردن شبهای ایام تشریق درمنی: بدلیل آنچه که ثابت شده نبی اکرم ﷺ برای شبانها در مورد بیتوته منی رخصت دادند[۱]، این دلیل برآنست که اصل، وجوب سپری کردن شب در منی میباشد. ونزد برخی ازاهل علم، سنت مؤکد است که ترکش مکروه بوده وبرای صاحبش اسائت میکند.

۵. رمی جمرات: بدلیل فرموده ٔ الله تعالی: (و الله را در روزهای شمارش شده یاد کنید) (بقره: ۲۰۳) ایام معدودات: ایام تشریق.

ورمی جمرات از جمله ذکر الله تعالی میباشد، بدلیل فرموده ٔ نبی اکرم ﷺ: ((طواف بیت الله وسعی میان صفا ومروه وزدن جمره ها برای برپا کردن ذکر الله تعالی است))[۲].

۶. تراشیدن موی سر ویا کوتاه کردنش: بدلیل فرموده ٔ الله تعالی: (حتما به مسجد الحرام به خواست الله با امن وارد میشوید در حالیکه موهای سرهای تانرا تراشیده ویا کوتاه کرده اید) (فتح:۲۷).

۷. طواف وداع: بدلیل آنچه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که فرمود: ((به مردم امرشده تا آخرین عهد شان با بیت الله باشد، مگر اینکه به زن حائض تخفیف شده است))[۳].

سنتهای حج

غیر از ارکان وواجبات، متباقی سنت است، ازینقرار:

۱. غسل کردن هنگام احرام بستن.

۲. احرام بستن با دو پارچه سفید، یکی ازار ودیگری رداء است.

۳. لبیک گفتن وبا صدای بلند.

۴. شب عرفه را، در منی سپری کردن.

۵. بوسیدن حجراسود.

۶. اضطباع: در طواف قدوم ویا عمره، رداء را از زیر بغل راست بگذراند طوریکه شانه اش برهنه باشد.

۷. رمل در سه دور اول طواف قدوم ویا عمره، یعنی بسرعت راه رفتن.

> **سنت حج**
> کسیکه سنتی از سنتهای حج را ترک کرد، بر وی چیزی نیست، وحج او صحیح است.
>
> **واجب حج**
> کسیکه واجبی را ترک کرد، بر او خونی است که این کمبود را جبران کند.

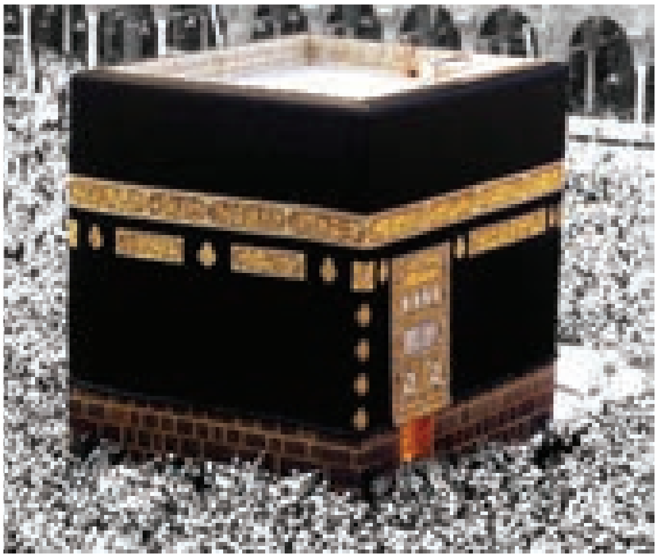

(۱) به روایت ابو یعلی در مسندش.
(۲) به روایت ابو داود.
(۳) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

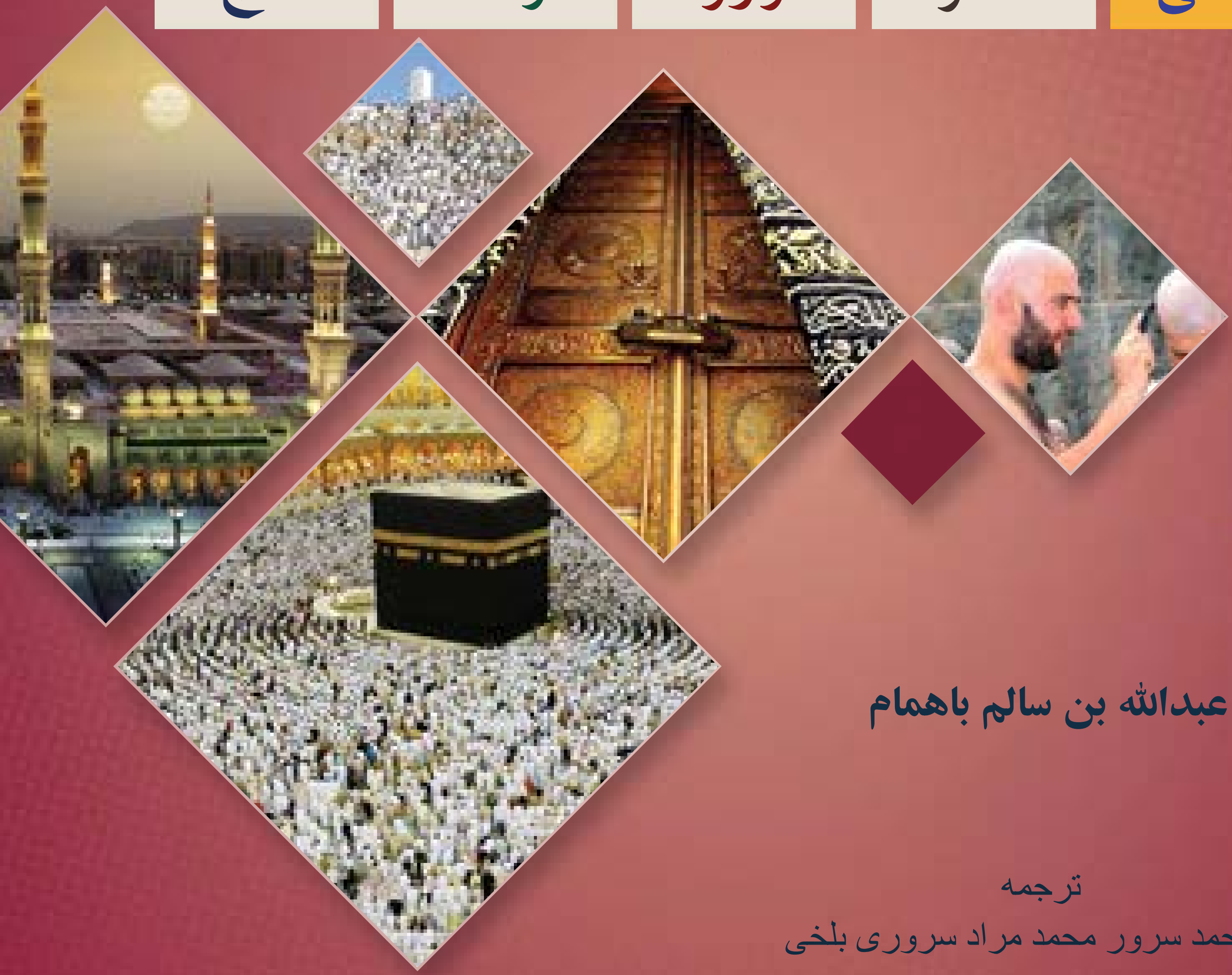

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه
د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

ارکان وواجبات وسنتهای عمره

https://www.al-feqh.com/fa

ارکان وواجبات وسنتهای عمره

مطالب

ارکان عمره
واجبات عمره
سنتهای عمره

ارکان عمره

۱ـ احرام نمودن:

بدلیل فرموده‌ء نبی اکرمﷺ: ((اعمال وابسته به نیتهایش است، وبرای هر کسی، آنچه که نیت کرده است)).[۱]

۲ـ سعی میان صفا ومروه:

بدلیل فرموده‌ٔ نبی اکرمﷺ: ((سعی کنید، زیرا که الله تعالی سعی را برشما فرض گردانیده است)).[۲]

۳ـ طواف کردن:

بدلیل فرموده‌ٔ الله تعالی: (وبه بیت العتیق باید طواف کنند) (حج:۲۹).

(۱) به روایت بخاری.
(۲) به روایت احمد.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

واجبات عمره

۱. احرام کردن از میقات: بدلیل فرموده ٔ نبی اکرمﷺ پس ازینکه میقاتها را یاد کردند فرمودند: ((این میقاتها برای همان مردمان است، ونیز برای کسیکه از آنجا بگذرد، اگرچه از مردمان آنجا نباشد، ولی اراده حج وعمره کرده باشد)).[۱]

احرام

۲. تراشیدن موی سر ویا کوتاه کردنش: بدلیل فرموده ٔ الله تعالی: (حتما به مسجد الحرام به خواست الله با امن وارد میشوید، در حالیکه موهای سرهای تانرا تراشیده ویا کوتاه کرده اید) (فتح:۲۷).

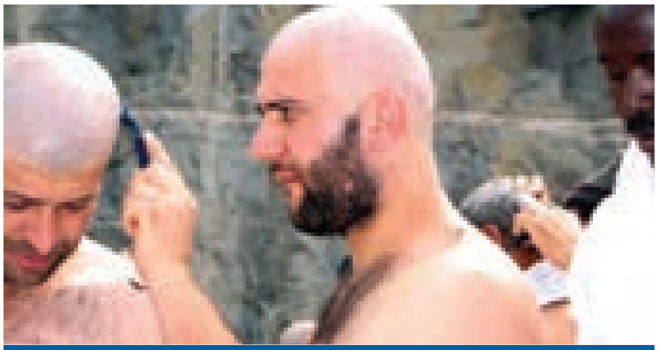

تراشیدن وکوتاه کردن

سنتهای عمره

غیر از ارکان وواجبات متباقی سنت است، ازینقرار:

۱. غسل کردن هنگام احرام بستن.

۲. احرام بستن با دو پارچه سفید، یکی ازار ودیگری رداء است.

۳. لبیک گفتن وبا صدای بلند.

۴. اضطباع: در طواف، رداء را از زیر بغل راست بگذراند طوریکه شانه اش برهنه باشد.

آگاهیها

۱. کسیکه رکنی از ارکان عمره را ترک کرد، نسک او به اتمام نمیرسد تا زمانیکه آنرا انجام ندهد.

۲. کسیکه واجبی از واجبات عمره را ترک کرد، بر وی دم است (یعنی ذبح گوسفندی ویا مشارکت در هفتم حصه گاو، ویا هفتم حصه شتر).

۳. کسیکه سنتی از سنتهای عمره را ترک کرد، بر او چیزی نیست، وعمره اش صحیح است.

(۱) به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

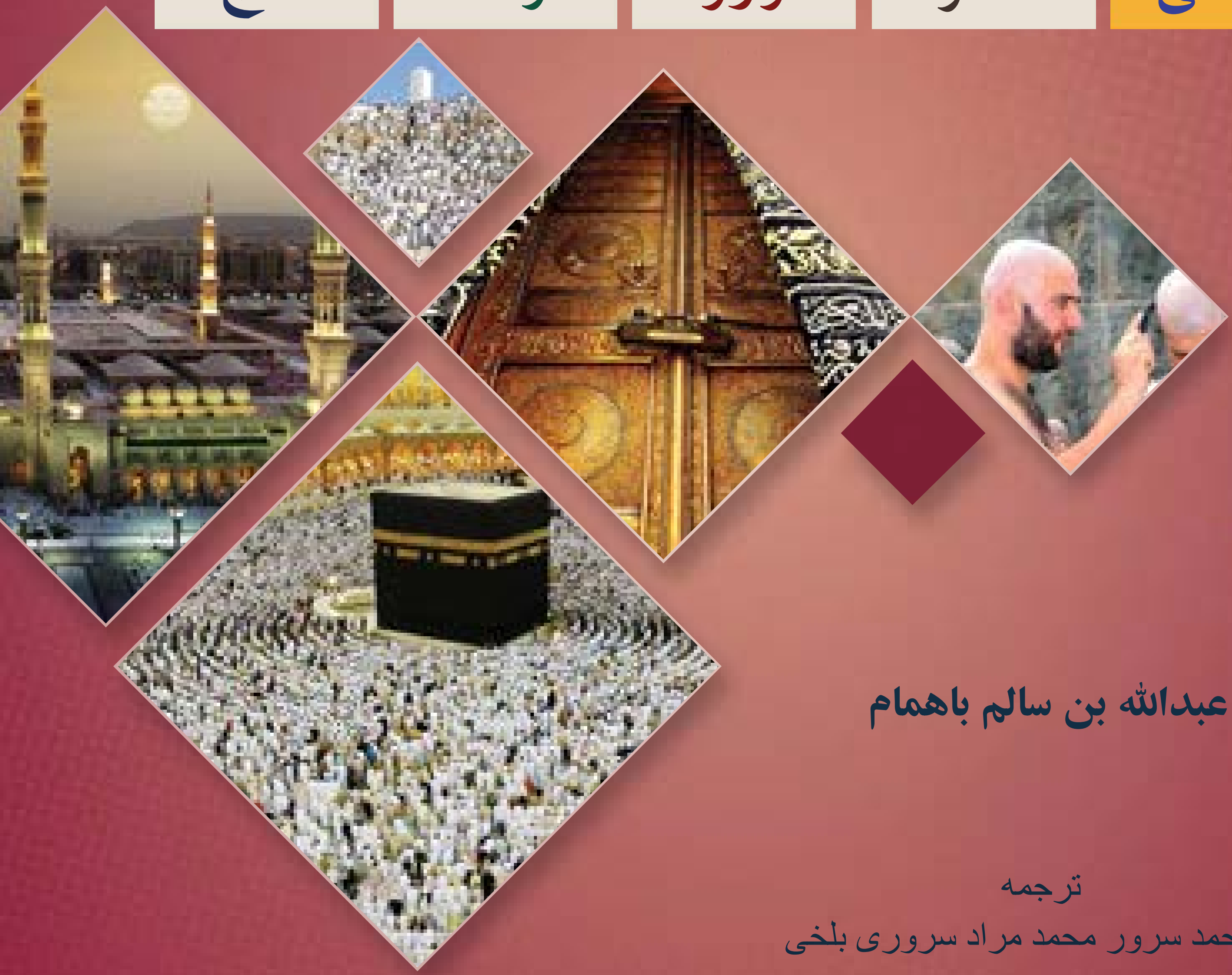

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه
د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

فدیه و ه دی

https://www.al-feqh.com/fa

۹ فدیه وهدی

مطالب

تعریف فدیه
فدیه ترك واجب
فدیه فعل ممنوع
تعریف هدی
انواع هدی
مکان ذبح هدی
وقت ذبح هدی

یکم: فدیه

فدیه

آنچه بر حاج ویا عمره کننده بسبب ترك واجب ویا انجام فعل ممنوع واجب می شود

یکم: فدیهء ترك واجب

کسیکه واجبی از واجبات حج ویا عمره را ترك کرد، مانند کسیکه سپری نمودن شب در مزدلفه، ویا تراشیدن سر، وغیره را ترك کند، بر او فدیه لازم است، یعنی دم.

ودم عبارت از مشارکت در ذبح هفتم حصه بدنه (یعنی شتر ماده ویا نر) ویا هفتم حصه گاو، ویا بزیکه یکسال،[۱] وگوسفندیکه شش ماه را تکمیل کرده باشد،[۲] در حرم مکی شریف در محدوده شهر مکه ذبح کرده، به فقرای مکه توریع کند.

اگرتوان آنرا نداشت، ده روز، روزه بگیرد، سه روز در حج – اگر برایش ممکن بود- وهفت روز دیگر زمانیکه به خانواده اش برمیگردد، الله تعالی فرموده است: (پس کسیکه نداشت سه روز در ایام حج وهفت روز زمانیکه به خانواده تان برگشتید روزه بگیرید، این ده روز کامل برای کسی است که خانواده اش مقیم مسجد الحرام نباشد، و الله تعالی را پرهیزگار باشید، وبدانید که الله شدید العقاب میباشد) (بقره:۱۹۶)

دوم: فدیهء فعل ممنوع

۱ـ فدیهٔ پوشیدن لباس دوخته شده، وپوشانیدن سر، وخوشبوئی زدن، وتراشیدن سر، وکوتاه کردن ناخنها.

درین حالتها میان سه چیز مختار است:

(۱) ثنی از بز: آنست که یکسال را کامل کرده باشد.
(۲) جذع ازگوسفند: آنستکه شش ماه ویا بیشتر از آن عمر داشته باشد.

أ – روزه سه روز .

ب – شش مسکین را طعام بدهد، برای هر مسکین نیم صاع مواد غذایی برنج ومانند آن بدهد.

ج – ذبح گوسفند.

ودلیل آن، فرمودهٔ الله تعالی: (وسرهایتان را نتراشید تا زمانیکه هدی به جایش برسد، پس کسیکه از شما بیمار بود ویا از سرش اذیت میشد، پس فدیه ای از روزه گرفتن، ویا صدقه دادن، ویا ذبح است) (بقره: ۱۹۶) ونیز فرموده نبی اکرم ﷺ به کعب بن عجره رضي الله عنه است که محرم بود: ((آیا حشرات سرت ترا اذیت میکنند؟)) گفت: آری، برایش نبی اکرم ﷺ فرمودند: ((سرت را بتراش، پس ازآن گوسفندی بعنوان نسك ذبح کن، ویا سه روز، روزه بگیر، ویا سه صاعی از خرما را به شش مسکین طعام بده)).[۳]

کسیکه فعل ممنوعی ازممنوعات پنجگانه یاد شده را قصدا مرتکب شود، ویا به انجامش نیاز داشت مانند حالتی که برای کعب رضي الله عنه پیش آمد، باید فدیه بدهد، که فدیه اذی نامیده شده است.

وکسیکه بفراموشی مرتکب فعلی ازین ممنوعات شد، بر وی چیزی نیست.

(۳) به روایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۲ـ فدیهء آمیزش جنسی در غیرشرمگاه، وآمیزش وهمبستری کامل در حج پس از تحلل اول.

مانند فدیه ٔاذی که تذکر داده شد.

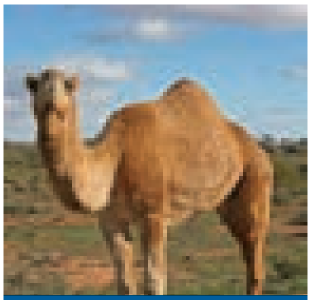

شتر

۳ـ فدیه آمیزش وهمبستری کامل در حج قبل از تحلل اول.

و آن ذبح شتر است،[1] اگرتوان آنرا نداشت، ده روز، روزه بگیرد، سه روز در حج – اگر برایش ممکن بود– وهفت روز دیگر زمانیکه به خانواده اش برمیگردد، وحج او فاسد شده، بر وی اتمامش واجب بوده، ودر سال آینده باید قضایی آنرا نیز اداء کند.

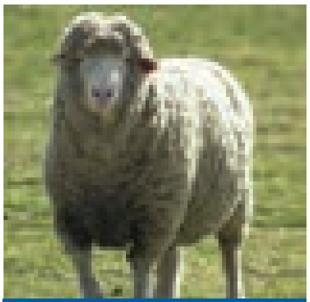

گوسفند

۴ـ فدیه آمیزش وهمبستری در عمره.

ذبح گوسفند است، ونیزعمره اش فاسد شده، وباید قضایی آنرا اداء کند.

۵ـ فدیه کشتن صید.

اگر صید از نوعی باشد که مانند ومثل داشته باشد، پس مختار است تا مثل آنرا بدهد، ویا با پول معادل بهای آن، غذا بخرد، وآنرا توزیع کند، طوریکه برای هر مسکین بمقدار دو مد بدهد،[2] ویا در برابر هر دو مد یک روز، روزه بگیرد.

ومقصود ازصیدی که دارای شبیه است، اینست که در برخی چیزها شباهت داشته باشد، نه شباهت کامل، زیرا که چنین چیزی ناممکن میباشد.

مثال آن: اگر شتر مرغی را شکار کرد، برایش واجب است تا شتری فدیه بدهد، زیرا با شتر شباهت زیادی دارد، ویا اینکه آنرا قیمت کرده بهای آنرا مواد غذایی مانند برنج، ویا گندم، خریده، برای هر مسکین بمقدار دو مد بدهد، ویا در مقابل هر دو مد یک روز، روزه بگیرد، و اگر گورخر وحشی را شکار کرد، در مقابل آن گاوی ذبح کند، وهمینطور.

واگر صید شبیهی از حیوانات نبود، مانند ملخ وگنجشک، درین حالت میان اینکه با بهای آن مواد غذایی خریده به مساکین توزیع کند، ویا در برابر هر دو مد یک روز، روزه بگیرد. ودو نفر از صاحبان خبره که عدالت داشته باشند، بهای آنرا تخمین میکنند.

(۱) بدنه: شتر.
(۲) دومد: نیم صاع است، که تقریبا معادل ۱۰۲۰ گرم میشود.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

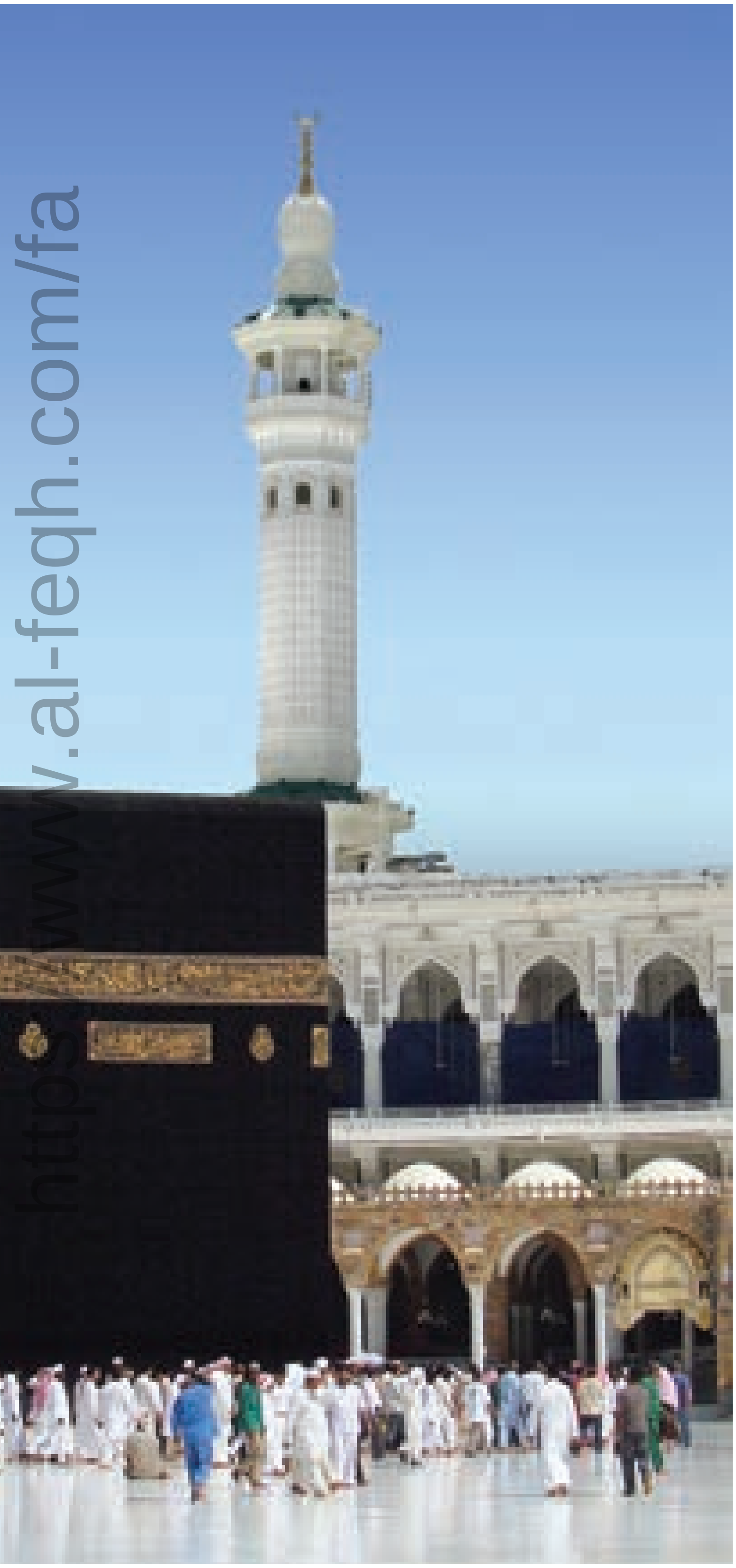

دوم: هدی

هدی

چهارپایانی که به حرم شریف اهداء میشود

انواع هدی

۱- هدی تمتع وقرآن

بر حاجی متمتع وقارن هدی دادن واجب است، وآن: گوسفندی ویا هفتم حصه شتر، ویا گاو، اگر نداشت ده روز، روزه بگیرد: سه روز در حج، وهفت روز زمانیکه به خانواده اش باز میگردد، این حکم برای کسیکه از اهل مکه مکرمه نباشد، اگر از اهل مکه مکرمه بود، بر وی هدی وروزه نیست، بدلیل فرموده ٔ الله تعالی: (پس کسیکه با عمره به حج تمتع کرد، بر وی است هدی که میسر باشد، پس کسیکه نداشت، سه روز در حج روزه بگیرید وهفت روز زمانیکه به خانواده تان برگشتید، این ده روز کامل است برای کسیکه خانواده اش مقیم مسجد الحرام نباشد) (بقره:۱۹۶).

۲ـ هدی نفلی

آنچه را که حاج مفرد، ویا عمره کننده نفلی، ویا متمتع وقارن اضافه بر واجب ویا غیر از محرم، چهارپایی را بعنوان هدیه برای ذبح وتقرب به الله تعالی به مکه میفرستند.

ودرهدی نفلی وتمتع وقرآن: برای صاحبش مجاز است که از گوشت آن بخورند، بلکه مستحب است که از گوشت هدی نفلی بخورد، بدلیل فعل نبی اکرمﷺ: ((رسول اللهﷺامر فرمودند تا از هر شتری قطعه ٔ آنرا پخته کنند، واز شوربای آن نوشیدند)).[۱]

۳ـ هدی احصار

احصار یعنی ممانعت از اتمام حج ویا عمره و یا هردو با هم.

پس کسیکه به حج ویا عمره احرام بست، ودشمنی مانع ورودش به بیت الله شد، ویا حادثه ٔ برایش اتفاق افتاد ونتوانست به بیت الله برسد، پس در این حالت هدی را ذبح میکند، واز احرامش بیرون میشود به

(۱)به روایت بخاری.

https://www.al-feqh.com/fa

حالت تحلل میرسد، بدلیل فرمودهٔ الله تعالی: (پس اگرممانعت کرده شدید، هدی که میسر بود - ذبح کنید واز احرام برآئید- (بقره:۱۹۶).

وهدی احصار: گوسفندی ویا هفتم حصه شتر ویا هفتم حصه گاو.

مکان ذبح هدی

هدی تمتع وقران ونفلی، در داخل مرزهای حرم مکی باید ذبح شود، وبرای مساکین مکه توزیع گردد، اگر در خارج مرزهای حرم مکی ذبح کرد، جواز ندارد.

وهدی احصار در همان موضع ومکانی که ممانعت شده هدی را ذبح میکند.

وقت ذبح هدی

١ـ هدی تمتع وقران ونفلی

وقتش بعد از نماز عید روز قربان آغاز میشود وتا غروب خورشید آخرین روزهای قربان، که روز دوازدهم نزد احناف وروز سیزدهم نزد جمهور علماء ادامه دارد.

٢ـ هدی احصار

وقت آن نزد احصار.

از احکام هدی وقربانی

برای حاج اگر قارن ویا متمتع باشد جواز دارد تا کسی را برای ذبح هدی خود وکیل بگیرد، اگر وکیل معتمد وامانت کارباشد، ولی بهتر آنست که خودش این کار را انجام دهد، بدلیل فعل نبی اکرمﷺ

فدیه از قربانی کفایت نمیکند، زیرا که فدیه برای تمتع است، وقربانی سنت است، برای حاجی وغیر آن.

https://www.al-feqh.com/fa

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی | نماز | روزه | زکات | حج

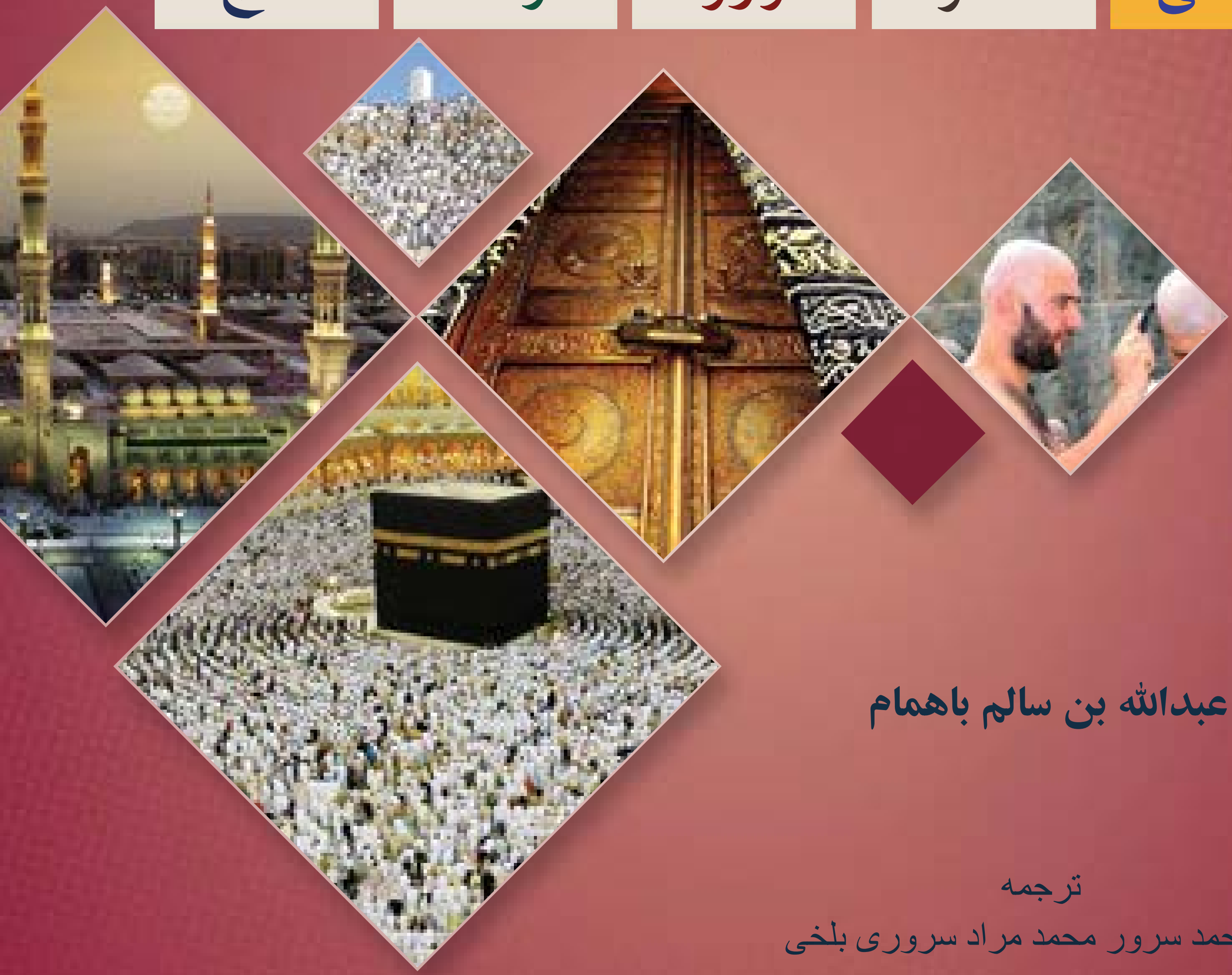

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

قربانی

https://www.al-feqh.com/fa

10

قربانی

مطالب

تعریف قربانی
حکم قربانی
وقت قربانی
بسنده درقربانی
عمر بسنده در قربانی
عیبهای قربانی
تقسیم قربانی

قربانی

آن حیوان چهارپایی که در روزهای قربانی ، برای تقرب به الله تعالی ذبح شود

حکم قربانی

نزد احناف واجب است برکسانیکه توانائی آنرا داشته باشند، و نزد جمهور سنت مؤکد است، بدلیل فرموده ای الله تعالی: (پس برای پروردگارت نمازبخوان، وقربانی بکن) (کوثر: ۲)،

وبدلیل حدیث انس رضی الله عنه ((که نبی اکرم صلی الله علیه وسلم دو قوچ سیاه وسفید[۱] شاخدار[۲] را با دست خود شان بسم الله گفته درحالیکه یک پای شانرا به گوشه شانه[۳] آنها گذاشته، ذبح کردند)).[۴]

(۱) الأملح: گوسفندی که سیاه وسفید بوده که سفیدیش بیشتر باشد.
(۲) الأقرن: شاخدار.
(۳) به روایت ترمذی.
(۴) صفاحهما: جمع صفحه، وآن گوشه ای شانه.

وقت ذبح قربانی

وقت ذبح قربانی بعد از نمازعید قربان آغاز میشود وتا غروب خورشید آخرین روز ایام نحر که روز دوازدهم است، نزد احناف، وروز سیزدهم نزد جمهور علماء.

بسنده در قربانی

۱. یک گوسفند از یک شخص بسنده است، ومیتواند با خود کسان دیگری را که خواسته باشد در اجرش شریک سازد، زیرا که رسول الله صلی الله علیه وسلم زمانیکه قربانی شانرا ذبح کردند فرمودند: ((به نام الله، ای بار خدایا از محمد وآل محمد وامت محمد قبول فرما)).[۵]

(۵) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

۲. یک شتر ویا یک گاو برای هفت نفر کافی است، پس شرکت هفت نفر در قربانی یک شتر و یا یک گاو جواز دارد، بدلیل فرموده ای جابر رضی الله عنه: ((پس رسول الله صلی الله علیه وسلم بما امر فرمودند که در شتر وگاو شرکت کنیم، در هر شتر[۱] هفت نفرما)).[۲]

عمر بسنده در قربانی

- جذع: گوسفندی که شش ماهه باشد.
- ثنی از بز: آنکه یک ساله باشد.
- ثنی از گاو: آنکه دو ساله باشد.
- ثنی از شتر: آنکه پنج ساله باشد.

(۱) البدنه: شتر، چه نرباشد یا ماده.
(۲) به روایت مسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

عیبهای قربانی

١- عیبهای مانع بسندگی[١]

– العوراء: حیوانیکه یک چشمش کور باشد، و نابینا را نیز شامل میشود.

– العرجاء: حیوانیکه یک پایش لنگ بوده، راه رفته نتواند.

– العجفاء: حیوانی لاغری که در استخوانش مغز نداشته باشد.

مریضی که بیماریش واضح باشد.

ودلیل آن حدیث براء بن عازب ﷺ اینکه رسول اللهﷺفرمودند: ((جواز ندارد قربانی کردن حیوانات کور واضح ولنگ واضح، وبیمار واضح ولاغری که در استخوانش مغز نداشته باشد[٢]))[٣] وهر عیب دیگری که مانند آنها بوده ویا بدتر از آنها باشد به آنها می پیوندد.

٢ـ عیبهای که مانع بسندگی نمیشود

– البتراء: آنکه دم نداشته باشد.

– الجماء: آنکه هنوز شاخ نکشیده.

– الخصی: آنکه خصی شده یعنی مایه اش را بریده اند.

– حیوانیکه در گوشش بریدگی ویا پارگی، ویا در شاخش شکستگی باشد.

آنچه درمورد قربانی که جواز دارد ویا ندارد گفته شد، برای هدی وفدیه نیز گفته میشود.

(١) مانع بسندگی: یعنی با موجودیت آن قربانی درست نیست.

(٢) لاتنقی: یعنی لاغریکه مغز استخوان ندارد.

(٣) به روایت مسلم.

العجفاء: حیوانیکه لاغربوده که در استخوانش مغز نداشته باشد

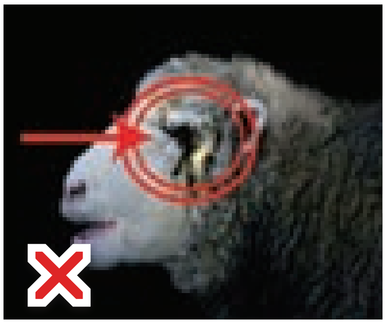

العوراء: حیوانیکه یک چشمش کور باشد، و نابینا را نیز شامل میشود.

العرجاء: حیوانیکه یک پایش لنگ بوده راه رفته نتواند.

در شاخش شکستگی باشد

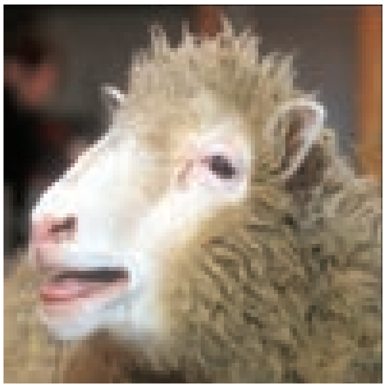

الجماء: آنکه هنوز شاخ نکشیده.

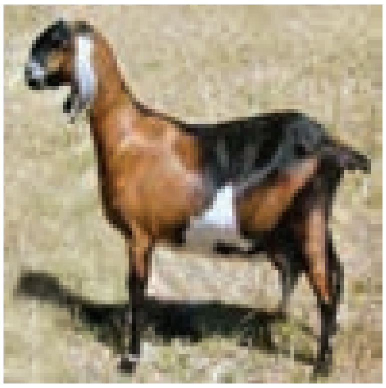

البتراء: آنکه دم نداشته باشد.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

بخش کردن گوشت قربانی

مشروع آنست که صاحبش یک سوم حصه را بخورد، ویک سوم حصه دیگر را هدیه بدهد، وسوم حصه آخر را صدقه بدهد، اگرهمه آنرا صدقه داد، جواز دارد، واگر بیشترین بخش آنرا بخورد نیزباکی ندارد.

فقه مصور عبادات

آسان سازی وآموزش احکام اسلام

پاکی	نماز	روزه	زکات	حج

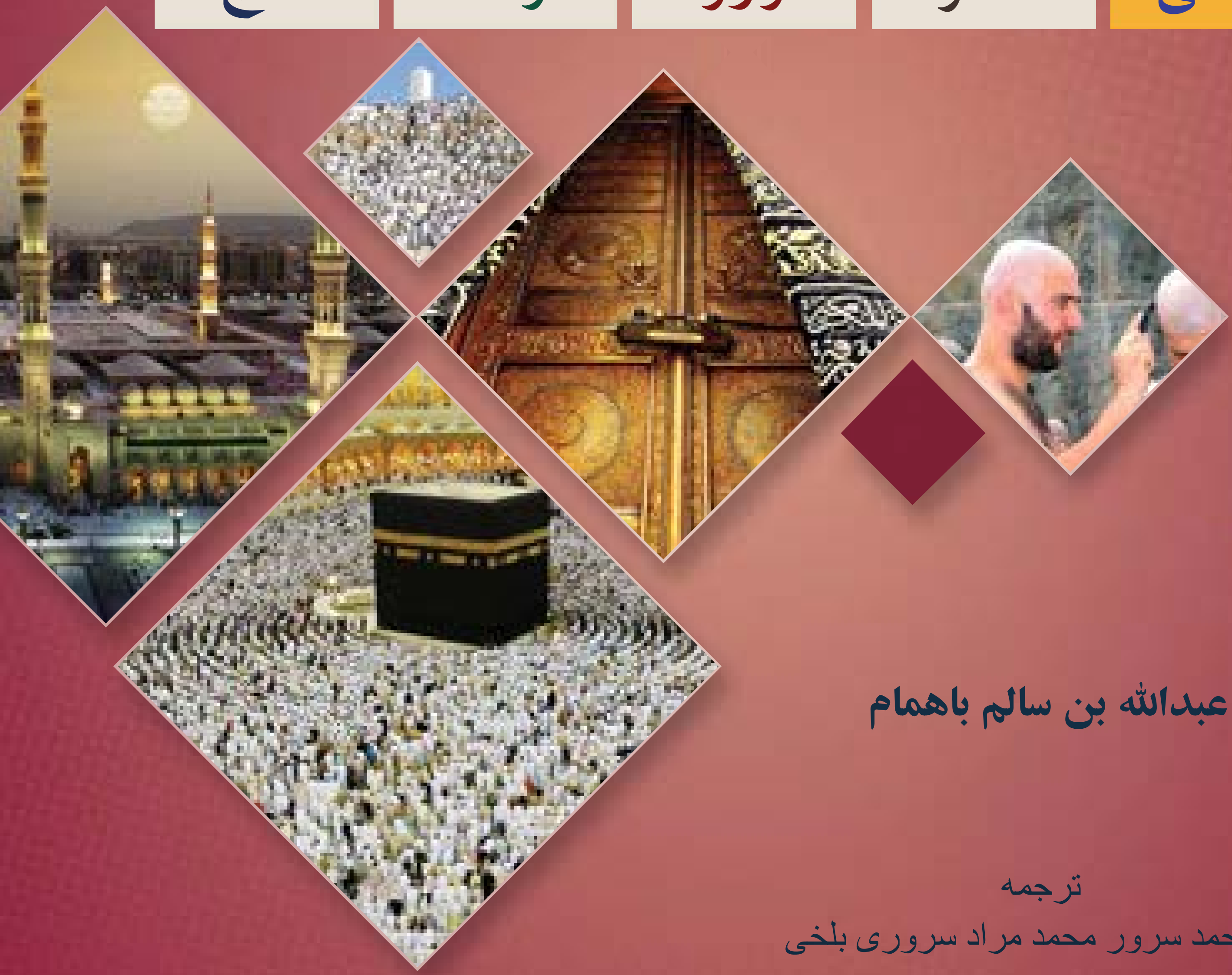

د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

زیارت مدینه منوره، فضیلت ومنزلـ ت آن

https://www.al-feqh.com/fa

۱۱

زیارت مدینه منوره، فضیلت ومنزلت آن

مطالب

نامهای شهر پیامبر

فضیلت شهر پیامبر

از ویژگیهای شهر پیامبر

حکم زیارت مسجد نبوی ﷺ احکام زیارت وآداب آن

اشتباهات وآگاهیها درزیارت

نامهای شهر پیامبر

۱.المدینة: الله تعالی فرموده است: (میگویند، زمانیکه به مدینه برگشتیم، عزتمند ما خوار وذلیل را از آن بیرون کند) (منافقون: ۸)

۲.طابة: از جابر بن سمرة ﷺ روایت است که فرمود: رسول الله ﷺ را شنیدم که فرمودند: ((الله تعالی مدینه را طابه نامیده اند)).[۱]

۳.طیبة: زید بن ثابت ﷺ از نبی اکرم ﷺ روایت کرده که فرمودند: ((این طیبة است، گناهان را محو میکند، چنانکه آتش پلیدی نقره را نابود میکند)).[۲]

فضائل شهر پیامبر

۱. از سعد بن ابی وقاص ﷺ روایت است که فرمود: رسول الله ﷺ فرمودند: ((مدینه برایشان بهتر است اگرمیدانستند، کسی آنرا ترک نمیکند با رغبت خودش، مگر اینکه الله تعالی بعوض او کسی که بهتراست را جا میدهد، هرکسیکه به سختی زندگی[۳] آن پایدار ماند، من شفیع ویا شاهد او در روز قیامت هستم)).[۴]

۲. از ابی هریرة ﷺ روایت است که نبی اکرم ﷺ فرمودند: ((به من امر شده به قریه ای[۵] که به سایر قریه ها غلبه میکند،[۶] وبرایش یثرب میگویند،[۷] هجرت کنم، که آن مدینه است، مردم اشرار[۸] را میراند، مانند اینکه منفاخ[۹] کوره آهنگر پلیدیهای آهن[۱۰] را دور می کند)).[۱۱]

(۱) به روایت مسلم.
(۲) به اتفاق بخاری ومسلم.

(۳) اللأواء: سختی وتنگدستی.
(۴) به روایت مسلم.
(۵) به من امر شده به قریه ای: به هجرت به آن ومسکن گزیدن به آن امر شدم.
(۶) تأکل القری: مردمانش به سایر سرزمینها غلبه میکنند، ومرکز لشکرهای اسلام میگردد.
(۷) به آن یثرب میگویند: در جاهلیت یثرب مینامیدند، وشایسته است که برایش مدینه گفته شود.
(۸) تنفی الناس: اشرار را از میان مردم بیرون میسازد.
(۹) الکیر: منفاخی که بوسیله آن آهنگر آتش کوره اش را باد میزند.
(۱۰) خبث الحدید: پلیدیها وزنگهای آهن.
(۱۱) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

از ویژگیهای مدینه منوره

۱. حرم امنی که میان عیر و ثور- دو کوهی است- امتداد یافته، درختانش قطع نمی شود، وصیدش نیز شکار نمی شود.

رسول الله ﷺ فرمودند: ((مدینه میان عیر وثور، حرم است، کسیکه در آن بدعتی مخالف سنت ایجاد کند، ویا بدعت کاری را مأوی دهد، لعنت الله وفرشتگان وهمه مردم بر او باد)).[۱]

کوه ثور

کوه عیر

۲. نماز در آن چند برابر اجر دارد.

رسول الله ﷺ فرمودند: ((یک نماز در مسجد من بهتر است از هزار نماز در غیر از آن، مگر مسجد الحرام)).[۲]

(۱) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۲) به روایت بخاری.

۳. در آن روضه ای از روضه های بهشت میباشد، که نماز خواندن در آن سنت است.

از ابی هریرة رضي الله عنه روایت شده که نبی اکرم ﷺ فرمودند: ((میان خانه ومنبرم روضه ای از روضه های بهشت است، ومنبرم بر سر حوض من میباشد)).[۳]

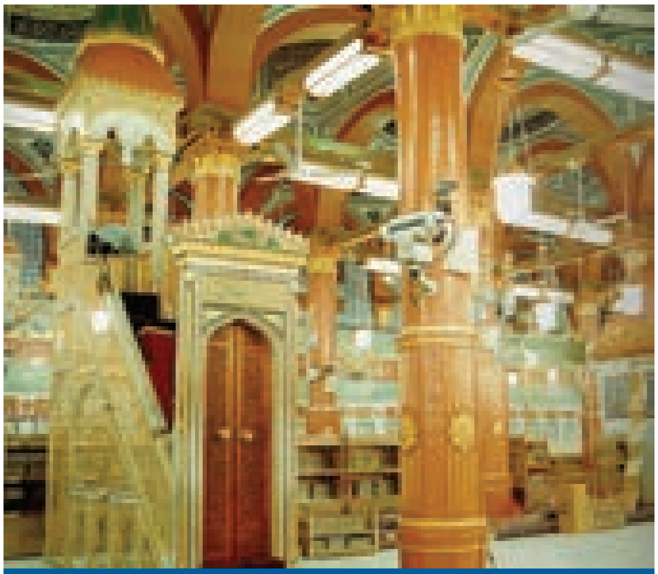

روضه شریف

۴. مسیح دجال در آخر زمان ظهور میکند به آن داخل نمی شود، و طاعون[۴] نیز به آن نمیرسد.

از انس بن مالک رضي الله عنه روایت است که فرمود: رسول الله ﷺ فرمودند: ((دجال به مدینه میآید، فرشتگان را پاسداران مدینه می یابد، طاعون ودجال بخواست الله متعال به این شهر داخل نمی شوند)).[۵]

۵. رسول الله ﷺ برای برکت در آن دعا کرده اند.

از انس رضي الله عنه ازنبی اکرم ﷺ روایت است که فرمودند: ((بار الها برکت مدینه را دوچند مکه بگردان)).[۶]

(۳) به اتفاق بخاری ومسلم.
(۴) طاعون: بیماری پلیدی است.
(۵) به روایت ترمذی.
(۶) به اتفاق بخاری ومسلم.

https://www.al-feqh.com/fa

https://www.al-feqh.com/fa

حکم زیارت مسجد پیامبر ﷺ

زیارت مسجد پیامبر ﷺ از شرطها ویا ارکان ویا واجبات حج نمی باشد، بلکه سنتی است، که در هر وقت مشروع میباشد.

باید که مقصود از زیارت، نماز خواندن در مسجد نبوی باشد، نه زیارت قبر پیامبر ﷺ، از ابی هریرهٔ رضی الله عنه از نبی اکرم ﷺ روایت است که فرمودند: ((رخت سفر بسته نمیشود مگر به سوی سه مسجد: مسجد الحرام، ومسجد پیامبر ﷺ، ومسجد اقصی)).[(١)]

شیخ الإسلام ابن تیمیهٔ فرمود: ((اگر مقصود از سفر زیارت قبر نبی اکرم ﷺ باشد، نه ادای نماز در مسجد پیامبر ﷺ ائمه واکثر علماء آنرا نامشروع میدانند، چیزیکه به آن امر نشده اند, واحادیثیکه در مورد زیارت قبر نبی اکرم ﷺ موجود است به اتفاق علمای حدیث همه آنها ضعیف میباشد، بلکه احادیث موضوعی میباشد که از صاحبان سنن مورد اعتماد کسی آنرا روایت نکرده، و هیچ یک از ائمه نیز با آن استناد نکرده اند)).[(٢)]

احکام زیارت وآداب آن

١. زائر هنگامیکه به مسجد نبوی میرسد پای راست خود را پیش کرده وارد مسجد میشود ومیگوید: ((ای بارالها درهای رحمت خود را برمن بگشا)).[(٣)]

٢. دو رکعت نماز تحیه مسجد بخواند، اگر در روضه شریفه اداء کرد بهتر است.

٣. زیارت قبر نبی اکرم ﷺ ودو یار با وفایش ابوبکر رضی الله عنه وعمر رضی الله عنه سنت است، در برابر قبر نبی اکرم ﷺ با ادب وبا صدای پائین درود میفرستد، پس از آن بر ابی بکر رضی الله عنه وسپس به عمرفاروق رضی الله عنه سلام میدهد.

٤. برای زائر مسجد نبوی سنت است تا نمازهای پنجگانه را در مسجد پیامبر ﷺ اداء کند، ودر آنجا ذکر الله ودعاء بسیار کند، ونمازهای نفلی به ویژه در روضه شریف بیشتر بخواند.

٥. سنت آنست که به زیارت مسجد قباء برای ادای نماز برود، اگر این زیارت در روز شنبه باشد بهتر است، بدلیل حدیث ابن عمر رضی الله عنه که فرمود: ((رسول الله ﷺ به مسجد قباء سوار بر مرکب ویا پیاده می آمدند، ودر آنجا دو رکعت نماز میخواندند)) و در لفظ دیگر: ((به قباء میآمدند یعنی هر روز شنبه)).[(٤)]

٦. زیارت قبرهای بقیع[(٥)]، وشهدای احد بویژه قبرحمزهٔ رضی الله عنه نیز سنت است، زیرا که نبی اکرم ﷺ به زیارت آنها میرفتند، وبرای شان دعاء میکردند، وچنین می فرمودند: ((سلام برشما مؤمنان ومسلمانان اهل این سرزمین، وماهم بخواست الله به شما خواهیم پیوست، از الله برای ما وشما عافیت مسئلت میکنم)).[(٦)]

اشتباهات وآگاهیها در زیارت

١. عزم سفر ورخت سفر بستن به مقصد زیارت قبر واماکن باستانی مدینه منوره، ومشروع آنست که رخت سفر برای زیارت مسجد نبوی وادای نماز درآن باشد که زیارت قبر را نیز در بر میگیرد.

٢. در حال دعاء رو به سمت قبر کردن.

٣. تقاضا کردن از نبی اکرم ﷺ وخواستن نیازها از ایشان نه از الله عزوجل که شرک بزرگ میباشد.

٤. بوسیدن ومالیدن چیزی به دیوارهای حجره قبر بقصد تبرک جوئی، که از بدعت های محرمه واز وسائل شرک میباشد.

٥. بلند کردن صدا در نزد قبر نبی اکرم ﷺ وایستادن بسیار، وتکرار سلام از دور هر وقتیکه داخل شود، ونیز گذاشتن دست راست بر دست چپ بالای سینه مانند نماز خواندن.

از فضائل مدینه منوره

از عبدالله بن زید روایت است که فرمود: رسول الله ﷺ فرمودند: (ابراهیم علیه السلام مکه را حرم قرار داد وبرایش دعا کرد، چنانکه ابراهیم علیه السلام مکه را حرم گردانید، من مدینه را حرم گردانیدم، وبه مد وصاعش - دو نوع پیمانه است -، دعاء کردم مانند دعای ابراهیم علیه السلام برای مکه) . به روایت بخاری ومسلم.

(١) به روایت مسلم.
(٢) مجموع الفتاوی: ج٢٧/ص٢٦.
(٣) به روایت مسلم.
(٤) به روایت مسلم.
(٥) بقیع: گورستانیکه شماری زیادی از صحابه کرام مدفون هستند.
(٦) به روایت مسلم.

های دوستانه‌سایت‌وب

nnnn nnn nn nnnn nnnnnnnn nnn nnnnnn — nnnnnnn nnnnnn.